

وآرگان سن اسلامی

(مصور)

فارسی - عربی - انگریزی

اثر: احمد محمد عیسی

برگردان فارسی

مرحبان موسوی

محمد رضا ارحمبند



ISBN: 964-6121-27-6

شابك: ۶-۲۷-۶۱۲۱-۹۶۴

دار کاغذی اسلامی

احمد محمد عیسیٰ



۸

۲۶

۲۴

۱۶

۱۰۲۰



وآرگان سن اسلامی



(مصور)

فارسی - عربی - انگلیسی

اثر: احمد محمد عیسی

برگردان فارسی

محمد رضا ارجمند مرچبان موسوی

۵۲۵۵۵



نام کتاب:	واژگان هنر اسلامی
مؤلف:	احمد محمد عیسی
تصاویر:	محمود محمد طوخی
مترجمان:	محمد رضا ارجمند - مرجان موسوی
ناشر:	کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)
نوبت چاپ:	اول / ۱۳۷۷ ش / ۱۴۱۹ ق
تیراژ:	۱۰۰۰ نسخه
لینوگرافی:	تیزهوش
حروفزنی:	قراتشر
چاپ:	ستاره

شابک: ۹۶۴-۶۱۲۱-۲۷-۶ ISBN: 964-6121-27-6

کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی
مرعشی نجفی (ره) این اثر را به:
چهارمین همایش بین المللی فرسودگی
زیست محیطی آثار تاریخی - فرهنگی
تقدیم می دارد

ICBCP-4

مقدمه مؤلف

پس از این که از رشته تاریخ در دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره (سال ۱۹۴۰م) فارغ التحصیل شدم و برای ادامه تحصیل به انستیتوی عالی آثار ملحق شدم، رشته آثار اسلامی را - به دلیل نیاز به آشنایی هرچه بیشتر با تمدن اسلامی - انتخاب کردم. مدت تحصیل دوره عالی سه ساله بود. در آن هنگام تعداد دانشجویان هشت تن بود (پنج پسر و سه دختر). تعداد استادان هم هشت تن بود (پنج تن خارجی و سه تن مصری). علی رغم این امتیاز (برابر بودن دانشجو و استاد)، بنده به نوبه خود بسیار رنج بردم تا به معنی دقیق واژه ها در بسیاری از موارد برای توصیف اثرهای هنری برسم. بسیار به کتابخانه انستیتوی آثار، برای مطالعه، نقل و اقتباس مطالب رفت و آمد می کردم. متأسفانه فرهنگها به حد کافی نبود و نمی توانستند مرا در کشف نکات مبهمی که به دنبال آنها بودم، یاری دهند. همچنین استادان، خود را موظف به یاری رساندن به دانشجویان نمی کردند. مضافاً این که برخی از درسها به زبان انگلیسی ارائه می شد.

یک روز، یکی از استادان آلمانی، به نام ارنست کونل، مرا نصیحت کرد، تا روش یادداشت خودم را از کشکول و یادداشت نویسی به سمت فیش نویسی سوق دهم. و استاد به خود زحمت داد تا روش جمع آوری، نوشتن و برگه آرایی را به من آموخت. پس از مدت کوتاهی نکات ثبت این طرح را لمس کردم، و کار من در دنبال کردن و یادداشت کلمات فنی - که همواره از طریق فرهنگهای مختلف بوده - آسانتر شد، و دهها فیش نزد من جمع شد، و این فیشها، سرآغاز نوشتن این فرهنگ شد.

در سال ۱۹۵۲ میلادی، مؤسسه چاپ و نشر فرانکلین، ترجمه کتاب الفنون الإسلامية MOHAMMEDAN DECORATIVE ART را به من پیشنهاد کرد و برای اولین بار مسئولیت ترجمه علمی را احساس کردم، و با اصرار و تلاش، معادلهای دقیق عربی را برای حدود ۹۵ واژه اصطلاحی انگلیسی در چهارچوب هنر اسلامی یافتم، که به صورت مجزا آنها را در آخر کتاب آورده ام.

در مقدمه چاپ اول آن کتاب (۱۹۵۴م) نوشتم: «مطالعه کننده عزیز! در پایان این کتاب با فرهنگی

کوچک برای واژه‌های اصطلاحی و معادل عربی آنها مواجه خواهی شد. لازم به یادآوری است که این فرهنگ نیازمند بررسی و بازنگری است، و به عنوان ترجمه نهایی مطرح نشده است. شاید در برخی واژه‌ها استنباط و ترجمه‌ام صحیح، و در برخی دیگر این طور نباشد، ولی مهم آن است که نمی‌خواهم اشتباهاتم را بر روی مطالعه کنندگان بیوشانم؛ می‌خواهم بدین وسیله مطالعه کنندگان محترم مرا در تصحیح و تعدیل آن یاری دهند. شاید بتوانم به طرحی فرهنگی، ثابت و صحیح برای اصطلاحات هنرهای اسلامی دست یابم.

فرهنگ، بیش از آنچه انتظار بود، مورد قبول واقع شد. هنگامی که این اصطلاحات مورد استفاده واقع شد، بسیار خوشحال شدم، و امیدوار بودم که این کار توسط دیگران ادامه یابد و به سوی ترجمه، تعریف و شرح واژه‌ها و اصطلاحات فنون بشتابند، ولی افسوس که چنین نشد. کتاب *الفنون الاسلامیه طیّ سه نوبت* توسط دارالمعارف قاهره (۱۹۵۴، ۱۹۵۸، ۱۹۸۴م) چاپ و منتشر شد. تکرار چاپها مرا به برداشتن گامی بزرگتر واداشت. هنگامی که مرکز تحقیقات تاریخ و هنر و فرهنگ اسلامی استانبول، ترجمه کتاب *فنون التّرك و عمارتهم* (Turkish Art And Architecture) از زبان انگلیسی به عربی را به من پیشنهاد داد، این امر تحقق یافت. این فرهنگ بزرگ از آثار استاد اوقطای اصلان‌آبا، رئیس بخش باستانشناسی دانشگاه استانبول، بود. این کتاب حاوی مطالبی از هنر عمارت و سایر هنرهای فرهنگی وابسته، نظیر قالیبافی، سفالگری، شیشه کاری و... بوده است. سپس تصمیم گرفتم هرآنچه را از واژه‌های مختلف یافته‌ام - برای استفاده بیشتر دانشجویان دوره‌های باستانشناسی، معماری و هنرهای زیبا - به این کتاب اضافه کنم.

این کتاب (*فنون التّرك و عمارتهم*) در سال ۱۹۸۷م منتشر، و در پایان آن فرهنگی مشتمل بر ۶۵۰ واژه آوردم که استاد گرامی دکتر اکمل‌الدین احسان اوغلی، مدیر کل مرکز تحقیقات تاریخ و هنر و فرهنگ اسلامی استانبول به دلیل اهمیت این فرهنگ، آن را به صورت مجزا چاپ کرده است. پس از نایاب شدن آن، استاد اوغلی به فکر چاپ مجدد این فرهنگ افتاد.

در این برهه مرا به عنوان کارشناس کمیته واژه‌های هنرهای اسلامی مجمع لغت عرب قاهره انتخاب کردند، و در این سال (۱۹۸۴) کارم را برای یافتن کلمه‌های جدید از متون منتشر شده دنبال کردم، و نقاشیهای مطلوبی برای واژه مورد نظر، برای سهولت درک مطالب، اضافه کردم. بر اثر پیشنهاد بنده موافقت شد که یک نقاش چیره‌دست به عضویت مجمع درآید. نحوه کار جدید ما، توسط مجله اصطلاحات مجمع مطرح و مورد نقد و بررسی و بالاخره مورد قبول کنگره مجمع مصر و خارجیان قرار گرفت. در سال ۱۹۸۵ کالج باستانشناسی دانشگاه قاهره از من برای تدریس رشته مطالعات باستانی (درس

روش انتخاب اصطلاحات و نحوه توضیح آن) دعوت به همکاری کرد، که این کار برای مدت یک سال ادامه داشت، ولی به دلیل مسافرت‌های برونمرزی و مشغله‌های شخصی، مجبور به استعفا شدم. در سال ۱۹۹۲ کالج دعوت خود را تکرار کرد، ولی این بار به بهانه اتمام کار فرهنگ کنونی، از قبول درخواست آنها سر باز زد.

امیدوارم این تلاش، برای دانشجویان دانشکده‌های آثار باستان و هنرهای زیبا و مهندسی دانشگاه‌های عربی مفید باشد؛ و چنین شد که این فرهنگ کوچک منتشر شد. صد البته به خاطر ادعای تسلط و تبخر به لغت، و ایجاد مزاحمت برای صاحبان فرهنگ‌های هنری و فنی و یا ایجاد رقابت با آنها نبود، بلکه هدف این جانب، رفع رنج‌های دانشجویان و طالبان علم بود، که بنده یکی از آنها هستم. این فرهنگ محصول تلاش‌های فراوان بنده در عالم ترجمه موضوعات و مباحث مختلف است. امیدوارم که این امر باعث تشویق دیگران شود، تا قدمی فراتر و بهتر در این زمینه بگذارند.

هنگامی که برادر عزیزم، دکتر اکمل‌الدین احسان اوغلی، با این جانب در باره نشر مجدد این فرهنگ صحبت کرد، باتوجه به نایاب شدن آن، خوشحال شدم، و پیشنهاد دکتر اوغلی را پذیرفتم، و قرار بر آن شد که ۱۴۰۰ واژه جدید را به آن بیفزایم.

ناگفته نماند، چاپ دوم ویژگی دیگری نیز داشت، و آن نقاشیهایی بود که توسط مهندس محمود محمد طوخی بدان اضافه گردید. از این رو، دریافت و فهم واژه‌ها آسانتر شد. ایشان هنرمندی اصیل، و فارغ‌التحصیل رشته هنرهای زیباست و هم اکنون مهندس مرمت آثار باستانی اسلامی اداره باستانشناسی قاهره و عضو کمیته واژه‌های آثار باستانی مجمع لغت قاهره (عضو نقاش) است. مهندس طوخی بسیار برای این چاپ زحمت کشید، که در این جا فرصت را مغتنم می‌شمارم و از وی تشکر می‌کنم.

روش کار

منظور ما در وهله اول این نبود که کلیه واژه‌های اصطلاحی مطرح شده در موضوعات هنرهای اسلامی را جمع‌آوری کنیم، چرا که این کار، کار گروهی است، نه کار فردی، ولی قصد این جانب این بود که کلیه واژه‌هایی را که طی مدت مطالعات و بررسی‌های شخصی خودم از کتاب‌های هنر اسلامی مخصوصاً آنهایی که به زبان انگلیسی منتشر شده است - به آنها برخورد کرده‌ام، بیاورم. همچنین واژه‌هایی را به عنوان ملحقات کتاب *الفنون الاسلامیة* و واژه‌های الحاقی به کتاب *فنون الترك و عماثرهم* و واژه‌های دیگری که از لابه‌لای تدریس یا فعالیتهای فردی خود در کنار کمیته واژه‌ها بوده است، آورده‌ام.

این گونه بود که مدخل اصلی واژه‌ها به زبان انگلیسی - که از اصول فرانسوی، اسپانیولی، هندی، ترکی و... به دست آمده - تهیه شد، و در مقابل هریک از آنها معادل عربی گذاشتم. این جا لازم است اعتراف کنم که بنده ناچار به استفاده از کلمه‌های عامی و دخیل (غریب) بودم، به دلیل سختی دست یافتن به معادل عربی صحیح و همچنین اعتقاد راسخ به این که صاحبان فرهنگهای پیشین از درک معنای دقیق اصطلاحات حرفه‌ها و صنعتگران عاجز بوده‌اند. آنها همواره نام را از لهجه‌های محلی یا زبانهای خارجی گرفته‌اند. این اعتقاد در نزد من با مطالعه گفته‌های دانشمند سرشناس هیئت و فلک کارلونلینو در کتاب *علم الفلك عند العرب* راسختر شد؛ او می‌گوید: «علمای لغت از عربها واژه «النوء» را که در واقع غروب یک ستاره در مغرب زمین و طلوع همزمان دیگری در مشرق زمین داشت، به نحو غریبی تفسیر کردند، و چندین تغییر جوی، نظیر باران، وزش باد، گرما و سرما را بدان منسوب کردند؛ گویی باران از حیطة کواکب است....»

کارلونلینو در جای دیگر می‌گوید: اجمالاً هر آنچه از معارف عربهای قدیم در نجوم و آسمان آوردم این است که آنها کواکب، سیاره و منازل ماه را شناختند، ولی به علت عدم اطلاع کافی از ریاضیات و هندسه، و عدم توجه به علوم دیگر، نتوانستند تقویم دقیقی را به دست آورند؛ آنها اهل لغت بوده و احاطه بر علوم دیگر نداشتند. ادعای بنده هم توسط چهارتن از بزرگان مجمع لغت عرب قاهره هم تأیید شد؛ این استادان عالیمقام - که همگی به رحمت ایزدی پیوسته‌اند - عبارت‌اند از: ابراهیم مصطفی، احمد حسن الزیات، حامد عبدالقادر، محمد علی النجار. آنها در مقدمه چاپ اول المعجم الوسیط در سال ۱۹۶۰ گفتند: نشر این معجم کاری بس ضروری بود، چرا که سایر فرهنگها، چه قدیم و چه جدید، در مرزهای لغت ایستادند؛ چه از جهت مکانی و چه از جهت زمانی؛ از نظر مکانی در جزیره العرب و از نظر زمانی تا آخر سده دوم هجری، برای عربهای مقیم شهرهای بزرگ، و آخر سده چهارم برای عربهای بادیه‌نشین.

در مبحثی پیرامون لغت عرب و تاریخ آن که آقای احمد بن احمد المطاوع مقاله‌ای زیر عنوان «برای اصلاح» - که در مجله حکمت یمن (سال دوم، مجلد دوم، شماره ۶، ۱۹۴۰م) چاپ شده، و آقای دکتر سید مصطفی سالم، نقدی بر آن نوشته - می‌نویسد: یکی از اسباب محافظت عربها بر اصالت لغت خویش، دور بودن آنها از تمدنهای مختلف اطراف خود بود، لذا فقط هزار واژه از سایر زبانها به زبان عرب رخنه کرد، که حدود صد کلمه آن در قرآن مجید آمده، و عربها آنها را «معرب» نامیده‌اند. کلمات «معرب»، حکم کلمه یا واژه عربی را دارند. همچنین عربهای فصیح و اصیل، در ادبیات خود از آنها استفاده کردند. و از آنجایی که امت عرب زندگانی صحرائنشین داشتند، به توصیف صحرا، اسبها، شترها، شمشیرها، نیزه‌ها، منابع آب،

منازل نجوم و... اکتفا کردند. آنها نیازی به تعریف و آشنایی با اصطلاحات علوم، فنون و قوانین و سایر ملزومات تمدن نداشتند. از این رو، در فقر اصطلاحات به سر می‌بردند؛ از سوی دیگر برای هر واژه، چندین معادل یافتند، و برای بعضیها آثاری جداگانه به وجود آوردند.

مرحوم استاد محمد فرید و جدی در ترجمه واژه ابراهیم در دایرةالمعارف اسلامی - که در دهه چهارم قرن بیستم نگاشته است - نکته بسیار جالبی می‌گوید: «اما کعبه بنایی عجیب و غریب نظیر آثار کرنک نامأنوس نیست. بلکه خالی از هنر زخرفی است؛ یک بنای معمولی ساده مربع شکل، نظیر هر بنایی که مردمان عادی با دست خود - هرچند هم که بنا نیستند - ساخته‌اند تا از آن به عنوان جایگاه عبادت استفاده کنند».

در این جا منتقدانه باید اضافه کرد که صحرانشینان یا عربها با معماری آجری و سنگ‌نما، آشنایی و یا عادت نکرده بودند؛ میلی هم برای این کار نداشته‌اند. حقا که پدر عربها، یعنی حضرت ابراهیم، فرزند محیط خود بود. شاید آنچه کارلو نلینو و چهار استاد جاوید گفته‌اند، همچنین نظر احمدبن مطاوع و نکته استاد و جدی و سایر نوشته‌ها، این اجازه را به من بدهد که از برخی کلمات عامی یا دخیل در لابه‌لای این فرهنگ استفاده کنم.

ضرورت اصطلاح‌سازی

هنگامی که نوشتن میان ملل مختلف آغاز شد، هر امتی اطلاعات و تجربیات خویش را یادداشت می‌کرد. در این زمینه برای هیچ کدام توصیه‌ای به استفاده از یک دسته الفاظ مخصوص نبود. هر قومی از الفاظی که قابل انتقال به دیگران بود، استفاده می‌کرد. طبیعی است که با افزایش اقوام و تنوع تمدنها و فرهنگها و تداخل علوم و اطلاعات، بسیاری از الفاظ نامفهوم و نامأنوس هویدا می‌شود. همچنین طبیعی است که درک آنها برای دیگران به صورت دقیق میسر نشود، و به مرور زمانها و رشد افکار و انباشته شدن تراث، نسلهای پیاپی علما و دانشمندان، ضرورت توافق بر سر مفهوم و معنی الفاظ استفاده شده از انواع دانشها احساس شد، تا از این طریق حقایقی از هر علم به هنگام استفاده از آن مشخص شود.

این گام مدنی برای آشنایی با دانش انسانی و تطوّر علوم و هنرها و فن‌آوری در کلیه اقطار عالم، بسیار ضروری تلقی شد.

مسلمانان از آغاز تاریخ پررونق خویش در این خطّه، به نوبه خود سهم بوده‌اند، و از آنجایی که برای علوم قرآنی و حدیث اهمیت قائل بوده‌اند، قوانین و توافقات اصولی داشته‌اند. برای مثال، خواندن آیات

قرآن کریم همگی با اصطلاحات واحد اساتید قرائات چندگانه بوده است؛ نظیر توقّف بر تنوین، یا وقف بر ساکن. یا این که به اصطلاحات علوم حدیثی آشنایی کافی داشته‌اند؛ برای نمونه، حدیث نبوی یا قدسی، صحیح یا ضعیف، مُرسل یا مُسند، حسن، متواتر.

سرانجام مسلمانان به جمع‌آوری اصطلاحات علوم دیگر شتافتند، که در این زمینه ذخایر عظیم و معروفی داشته‌اند؛ نظیر کتاب شریف علی بن محمد جرجانی (متوفی ۴۱۳م) که در لایبزیك آلمان توسط علامه فلوگل به سال ۱۸۴۵م به نام *التعريفات* منتشر شد، که حاوی حدود دوهزار تعریف، شامل اصطلاحات علوم اسلامی، نقلی و عقلی است. با این حال، در تراث حجیم عربی ذکری از علوم دیگر شامل آثار و هنرهای زخرفی و یا نقاشیها نمی‌یابیم. همچنین نامی از آنچه به صنعت و حرفه‌های مختلف معروف است نمی‌یابیم، چرا که عربهای جزیره‌العرب به خاطر محیط زندگی خویش آمادۀ اشتغال به این حرفه‌ها و صنایع نبوده‌اند، و حوصلۀ ساخت و یا عمارت نداشته‌اند. چنان که فرید و جدی گفت، خانۀ خدا، که ابراهیم و فرزند خویش اسماعیل بانی آن بوده‌اند، کاری ساده و معمولی بود. و این بنا به مرور زمان - با این که تمدنهای اطراف جزیره‌العرب شاهد تحولات شگرفی شدند - کماکان باقی ماند.

بنابراین، جای تعجب نیست که فرهنگهای عربی، بیشتر به مسایل و موضوعات نظری پرداخته‌اند تا مسایل تجربی. احمد بن مطاوع می‌گوید: «آنها بیشتر به امور بادیه‌نشینی، مسئلۀ ماندن یا کوچ کردن، ویژگیهای جن و آتش، مباحثات به شجاعت، کمک کردن به غریبه، پذیرایی از مهمان و استفاده از شمشیر پرداختند. به عبارت دیگر، به هرچه که به زندگانی بادیه‌نشینی مربوط می‌شد، اهتمام می‌ورزیدند.» ولی در بارۀ علوم تجربی، نظیر آثار باستان و موضوعات هنر و صنعت، چیزی در فرهنگهای آنها نمی‌یابیم. با شروع سده نوزدهم، نهضت هنری و علمی بزرگی کشورهای عربی مشرق‌زمین را تکان داده است، و بر این اساس، دانشگاهها، جمعیت‌های علمی، چاپخانه‌ها و انستیتوهای تخصصی گسترش یافتند. استادان برای تدریس علوم جدید، به زبانهای خارجی روی آورده‌اند و کم‌کم ضرورت یافتن فرهنگهای نوین دارای موضوعاتی فراتر از اشتقاق و تصریف افعال احساس شد. در این برهه جمعیت‌های لغتی، و پیشگام آنان «مجمع قاهره»، با دعوت از متخصصان در رشته‌های گوناگون، برای چاره‌اندیشی و مقابله با مشکلات جدیدی که زبان عرب با آن مواجه بود، گرد هم آمدند. در نتیجه، کار جمع‌آوری اصطلاحات دانشهای مختلف و سپس تقریب و نشر آنها برای پیشبرد اهداف انسانی با آسانترین و مطمئنترین وسیله آغاز شد.

واژه «اصطلاح»

واژه «اصطلاح» در نزد اهل فن، به معنی کلمه فصل یا ترازو و داوری که دوتن در باره آن اختلاف نداشته باشند. این واژه دارای دلالتی محدود که در نزد جماعتی خاص مورد قبول واقع شود، و به معنی توافق کلی گروه‌های مختلف درباره واژه‌ای از دانشی به‌خصوص به حساب می‌آید؛ به گونه‌ای که مجال هیچ‌گونه مجادله‌ای یا مناقشه‌ای حول و حوش آن نیست. چنان که در ضرب‌المثل آمده است: «بحثی در اصطلاح نیست». در ماده صلح در کتاب اساس بلاغت - که در سده ششم هجری تألیف شده - آمده است: «صلاح چیزی پس از این که او فاسد بوده است؛ یا صلح میان دو نفر دایر شد؛ یا بر چیزی مصالحه کرد؛ یا مصالحه کردند».

در کتاب قاموس محیط - که در سده نهم هجری تألیف شده - آمده است: «صلاح بر ضد فساد است». در معجم الوسیط - که در سال ۱۹۶۰م منتشر شده - چنین آمده است: «اصطلاح القوم؛ یعنی اختلافات را کنار گذاشته‌اند؛ و واژه اصطلاح، توافقی است میان یک طایفه بر چیزی مخصوص؛ و هر علم اصطلاحات خاص خودش را دارد».

از تعریف‌های گذشته، این طور برمی‌آید که فرهنگ‌های قبلی که در سده ششم و نهم هجری منتشر شده‌اند، معانی احتمالی کلمه را بیان نکرده‌اند؛ در حالی که معجم الوسیط، استفاده‌های گوناگونی را که از این واژه به عمل می‌آید آورده است، و این به معنی افزایش قدرت زبان عربی برای همگامی با زبان‌های معاصر است.

در زبان لاتین برای واژه «اصطلاح»، از کلمه *Terminus* استفاده شده، که در اصل از کلمه فرانسوی *Terme* و انگلیسی *Term* ترکیب شده است، و در زبان لاتین آن را به خدای مرزها در نزد رومیان اطلاق می‌کردند، و مورد مصونیت و احترام آنها قرار می‌گرفته است. سپس این واژه تغییر پیدا کرد و *Term* به معنی نقطه، سرحد، پایان و خاتمه به کار رفت. سپس فرهنگ‌های لاتین از اشتقاق‌های این واژه برای استفاده‌های گوناگون اقدام کردند؛ این امر غنی‌بودن واژه و حوصله زبان و حیاتی بودن آن را نشان می‌دهد. آدمیان بالفطره متوجه نیاز مبرم خود به انجام برخی کارهای ضروری شدند. این نیازها آنها را به سوی انجام یک دسته توافقات برای رسیدن به کمال مطلوب سوق داد. در وهله اول باید دیگران را به سوی خود برای به دست آوردن یک نوع توافق و همدلی واحدی هدایت می‌کرد، و در این زمینه توافق بر سر القبا و حروف کتابت شروع شد. از این رو، زبان‌های مختلف جهان پدید آمد.

آنهايي که به تاريخ علوم، اهتمام داشته و دارند، مي‌دانند که هر علم اصطلاحات خاص خودش را

دارد، و به واسطه شناختن آنها درک مفاهیم این علوم برای طالبان آنها میسر می شود. تمدن‌ها و ملت‌های مختلف جهان در پیدایش بسیاری از اصطلاحات سهیم بوده‌اند، که شناختن کامل آنها نیازمند تلاش‌های طولانی و طاقت فرساست. این موضوع هم اکنون به عنوان مسئله مشترک دانش پژوهان کره زمین درآمده است. در این راستا، مجمعه‌های لغت، امروزه بخش بزرگی از این کار را به عهده گرفته‌اند. امروزه قضیه در حد شناختن مفهوم و معادل هر واژه به پایان نمی‌رسد، بلکه مشکلات دیگری به وجود آمده، که نیازمند اصطلاحات، علامتها، رمزها و اشارات جدید و واحدی شده است؛ مانند نتهای موسیقی، علامتهای کر و لالها، حروف بریل برای کورها، علامتهای راهنمایی و رانندگی و.... این اهتمام در چارچوب تلاش جهانی برای همگانی کردن دانش برای استفاده آسان از آن و گامی به سوی پدید آوردن فکر و اندیشه واحد جهانی به حساب می‌آید.

مرجعهای مورد استفاده

برخلاف منوال و قاعده همیشگی، خواستم در پایان این مقدمه، عناوین مرجعهایی را که به آنها مراجعه کرده‌ام، ذکر کنم. البته نه به خاطر مباهات و تفاخر یا نشان دادن مقدار و حجم کار، بلکه برای ارائه حالتهای غریب، زیبا، نادر و غیر متعارف، برای آنهایی که رغبتی و عشقی برای دنبال کردن این کار را دارند. در پایان، مایلم مراتب تشکر و قدردانی مجدد خود را از برادر دکتر اکمل الدین برای تشویق مستمر و اهتمام وی به نشر اولین چاپ این فرهنگ اعلام بدارم. همچنین از دوست عزیزم، استاد مصطفی حجازی، عضو مجمع لغت عرب قاهره، دوشیزه خدیجه بولات، فرزند عزیزم دکتر تحسین عمر طه اوغلی و آقای داود تفریر، که در انتشار این فرهنگ مرا یاری کردند، سپاسگزاری می‌کنم. در پایان، سپاس بی‌پایان خداوند متعال را که توفیق اتمام این کار را به من عطا فرمود.

انه نعم النصیر.

مرجمها:

۱- صنعت قاموسی، ارسفان، جلال اسعد، مطبعه عامره، استانبول ۱۳۴۰ق.

۲- تأصیل ماوردخ تاریخ الجبرتی من الدخیل، احمد السعید سلیمانی، دارالمعارف، قاهره ۱۹۷۹م.

احمد محمد عیسی

قاهره ۱۹۹۳/۱۱/۱۸ م

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هنر اسلامی در سایه چکاک شمشیرها و آوای سم ستوران در خلنگ‌زارها و بیابانها و غریو پیروزی آنها جهانگیر شده است. سیزده سده پیش، هنگامی که مسلمانان در پی فتح جهان، از مرزهای عربستان پا فراتر گذاشتند، اسلام و پیامبر، ایشان را برادرگونه به هم پیوند داده بودند. آنها به پیروی از پیامبر اسلام دست به جهاد زدند. ایمان به خداوند بیم مرگ را از دل‌هایشان زدود، چرا که اگر در جنگ کشته می‌شدند، به بهشت جاودان الهی راه می‌جستند. با این ایمان شگرف بود که مسلمانان تاختن به سوی سوریه و امپراطوری بیزانس را در سال ۱۲ هجری (۶۳۳ میلادی) آغاز کردند. امپراتور هراکلیوس فرمانروای سوریه، مصر و کرانه‌های شرقی مدیترانه، مسلمانان را مهاجمان بیابانی مرزهای جنوبی کشور پهناور خویش می‌پنداشت و بر آن بود که بیابانهای سوریه برای سپاهیان مسلمان، سدی ناگذشتنی خواهد بود. اما مسلمانان، این بیابانها را با شترهای سبکبار و اسبهای باریک اندام و به سختی خو کرده، راهی بس خوش به سوی پیروزی می‌دانستند. ایشان این شوره‌زارها را همچون تندباد بریدند و بر شهرهای پر ثروت سوریه فرود آمدند و در سال ۱۵ هجری (۶۳۶ میلادی) دمشق و حمص و حلب و انطاکیه را گرفتند.

امپراتور بیزانس بزودی به این نکته پی برد که مهاجمان بیابان، نیرویی بزرگ به شمار می‌آیند، اما دیگر دیر شده بود. او نیرویی مرکب از پنجاه هزار سپاهی به جنگ ایشان فرستاد. شمار مسلمانان نیمی از سپاه روم می‌شد، با این همه مسلمانان به رهبری خالد بن ولید که لقب سیف‌الله (شمشیر خدا) را داشت در جنگ یرموک، نزدیک اردن، در روزی که طوفان شن و گرمای آتش‌زا جهان را گرفته بود، بیزانس را در شکستند.

آنگاه عربها به سوی مشرق آمدند تا به شاهنشاهی کهن ایران تاخت آورند. بار دیگر بیابان راه خوش و پر آسایش آنها شد و از آنجا به دره حاصلخیز دجله و فرات دست یافتند. سپاهیان شاهنشاه ایران از برابر ایشان گریختند. شاه کاخ تیسفون را ترک گفت و گذاشت تا بیابانگردان آن را غارت کنند.

هنگامی که پیروزمندان مسلمان به سوی مرکز ایران می‌تاختند، یک سپاه مسلمان دیگر

در بیزانس پیشروی می‌کرد. این سپاه، بیابان سینا را درنوردید و در سال ۱۸ هجری (۶۳۹ میلادی) به مصر رسید و شهر پرافتخار اسکندریه را در میان گرفت. به سالی این شهر و همه گنجینه‌هایش به دست ایشان افتاد و آنان همچنان به سوی مغرب می‌رانند و کرانه‌های افریقای شمالی را در می‌نوردیدند.

در سال ۲۲ هجری (۶۴۲ میلادی) مسلمانان در شرق، سپاهیان ایران را در جنگ نهاوند از هم پاشیدند و سراسر ایران در برابر ایشان گشوده شد. شهرهای بیابانی داخلی یکی پس از دیگری تسلیم شدند. به زودی مسلمانان از جیحون گذشتند و به دشتهای آسیای میانه برای گشودن بخارا و سمرقند رو کردند. تا سال ۹۲ هجری (۷۱۰ میلادی) پیشتازان لشکر اسلام به مرز هندوستان رسیدند و درهٔ سفلی سندرا گرفتند.

در این هنگام موسی بن نصیر فرمانروای تازی افریقای شمالی به اسپانیا تاخت. گروهی مرکب از هفت هزار تن، زیر فرمان مردی به نام طارق به کشتی‌ها نشستند، از آب گذشتند و نزدیک صخرهٔ بزرگی پیاده شدند. آنها سپاه گرانی را که پادشاه ویزیگت اسپانیا به جنگ ایشان فرستاده بود شکستند و طارق بن زیاد دست به تاختن و فتح سرزمینها کرد. شهرها یکی پس از دیگری، برخی بدون خونریزی و جنگ، به دست مسلمانها افتاد. سرانجام طارق پیروزمندانه به افریقای شمالی بازگشت. ایشان در کرانه‌های افریقای شمالی بانبوهی ازموال غارت شده و اسیران جنگی که در میانشان چهارصد شاهزادهٔ ویزیگت با افسران زرین نشان بودند به سوی مشرق رانند. در سال ۹۷ هجری (۷۱۵ میلادی) این فاتحان دیگر بار به دروازهٔ دمشق رسیدند.

هنوز صد سال از رحلت پیامبر اسلام به سال ۱۱ هجری (۶۳۲ میلادی) نگذشته بود که قلمرو مسلمانان از هند تا اسپانیا گسترده شد. جهاد، اسلام را تا انتهای جهان آن زمان رسانیده بود. زبان عربی - زبان قرآن - همگام با فاتحان به سراسر جهان رفته و زبان رسمی جهان اسلام شده بود. هنر عربیها - نخستین مسلمانان - در زبان ایشان بود. هنر - حتی در میان بازرگانان و مردم شهرنشین عرب - چندان ریشه نداشت و در میان ایشان نیز تنها شعر و سرود رواج داشت.

چیرگی عربیها - مسلمانان اولیه - بر جهان، ایشان را با هنر آشنا ساخت. بیابانگردان که پیوسته در چادرهای پشم بز زیسته بودند ناگهان خود را فرمانروای شهرهای پهناور یافتند. پرستشگاههای یونانیان و رومیان و کاخهای ایرانیان و کلیساهای بیزانس را با موزائیک‌های زرین دیدند. گوه‌رهای درخشان، فلزکاریها، ظروف شیشه‌ای، سفالهای نقاشی شده، عاجهای کنده‌کاری و ابریشم با نقشهای زیبا به دست ایشان افتاد. چون شهرنشین شدند، نیاز به داشتن خانه‌های زیبا، اثاثه گرانبها و مسجدهای پرشکوه برای پرستش خداوند را احساس

کردند. عربها از کار و صنعت روگردان بودند اما اینک بر سرزمینی فرمانروا شده بودند که در آن صنعتگران و هنرمندان مصری، سوری، یونانی و ایرانی زندگی می‌کردند و هر یک سنت هنری چندین صد ساله داشتند.

هنر این صنعتگران - که بسیاری از آنها هرگز به اسلام نگرویدند - با هم پیوند خورد و زیر فرمان اسلام به شیوه‌هایی تبدیل یافت که امروزه به نام هنر اسلامی شناخته می‌شود. بسیاری از مردم در طی قرن‌ها به پیشرفت هنر اسلامی یاری رسانده‌اند و در بررسی هنر اسلامی باید سرزمینهای پهناور و زمان درازی را در نظر آوریم. باید راههای دریایی مدیترانه، دریای سرخ و اقیانوس هند را درنورسیم و همراه با کاروان شترهای بازرگانان و زائران از یک مرز امپراتوری اسلام به مرز دیگرش سفر کنیم.

باید از بسیاری کشورهای گرم جهان بگذریم و در دشتهای ساحلی کم ارتفاع و دره‌های رودها و چمنزارهای پهناور و کوههای پوشیده از برف و سرزمینهای خشک بی‌باران در زیر آفتاب سوزان و در زیر آسمانی که روزها می‌گذرد و رنگ ابر نمی‌بیند راه بسپریم: از اسپانیا تا هندوستان، بیابانی کمرندوار که روزگاری راه هموار پیروزمندان مسلمان بود. در شمال آفریقا، مصر، سوریه و ایران از بیابانهای پر شن و تپه‌های شنی جا به جا شونده که باد بیابان آنها را به هر سو می‌برد و بیابانهایی که نمک سفید و خاکستر آتشفشانی سیاهشان کرده و از کوههای خشک زرد و خاکستری و تپه‌های لخت برهوت سرخ و سبز می‌گذریم.

گسترده‌گی و جهان‌داری هنر اسلامی در طول سالها ضرورت پوشش و کاوش در آن را دو چندان ساخته است. در این راه، شناخت واژگان هنر اسلامی و سیر تطور آن از یک زبان به زبان دیگر، می‌تواند به عنوان یکی از زمینه‌های تحقیق و پژوهش، بستر مناسب این کاوشها را فراهم سازد. امید این که ارباب معرفت لغزشها را به دیده اغماض نگرند و این حقیر را در نوپایی خویش مشوق باشند.

هسته اصلی این کتاب مجموعه واژه‌هایی است که در کتاب *مصطلحات الفن الاسلامی* اثر: احمد محمد عیسی به عربی جمع‌آوری شده و از جانب مرکز *الابحاث للتاریخ والفنون والثقافة الاسلامیه باستانبول* انتشار یافته است.

بر خود وظیفه می‌دانیم که از مساعدت و یاری همکاران عزیز آقایان اکبر نظری کرمانی در فیش برداری واژه‌ها و محمد علی واحدی‌زاده در مقابله نمونه حروفچینی شده تشکر کنم. از جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی متولی و ریاست دانشور کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در حمایت از این اثر و چاپ آن سپاسگزاری کرده و رحمت و مغفرت الهی را برای بنیانگذار این مجموعه عظیم فرهنگی آرزومندیم.

Sources in European Languages

- Arseven, Celal Esed. *Sanat Lugati (Francais-Turc)*. Ankara:1944.
- Arseven, Celal Esed. *Sanat Ansiklopedisi* (5 Vols.) Milli Egitim. Istanbul: Basimevi, 1966-1983.
- Bahnassi, Afif. *Dictionnaire des Termes d Art*. Bairat: Dar al Raed al-Arabi, (2nd edition), 1981.
- Briggs, Martins. *Everyman's Concise Encyclopedia of Architecture*. London: Dent, 1959.
- Brockhaus, F.A. *Der Sprachbrockhaus*. (7th ed.) Wiesbaden: Brockhaus, 1967.
- Brunner, Traut. (and) Emma/Hell, Vera. *Agypten*. Stuttgart: Günther Verlag, 1962.
- Chamber's Foundation English Dictionary*. London: 1961.
- Elias, Mitri: *Dictionnaire moderne: Francais-Arabe*. (4th ed.). Le Caire.
- Hugo's *Pocket Dictionary:Spanish/English- English/Spanish*. London: Hugo's Language Institute.
- Jane, Johannes. *Wörterbuch der kunst*. (7th ed.). Stuttgart: Kroner, 1966.
- Johnes, Chester. *Ancient Architecture*. London: Batsford, 1933.
- Knaur, Theodor. *Knaurs Konversations Lexikon*. Berlin: Knaur,1934.
- Love, Catherine. *Collins Pocket Italian Dictionary*. London: Glasgow,1987.
- Luce Smith, Edward. *Art Terms*. London: Thomes & Hudson, 1984.
- Murchant, J.R.V.(and) J.Clares. *Cassells Latin Dictionary*. London: Cassell, 1938.
- Petit Larousse:Dictionnaire Encyclopedique*. (12th ed.) Paris: Larousse, 1962.
- Redhouse English-Turkish Dictionary*. (13th ed.) Istanbul: Redhouse press,1986.
- Runes, Dagobert. *The Dictionary of Philosophy*. New York: Philosophical Library: 1942.
- Runes, Dagobert (and) Harry Schrickel. *Encyclopedia of the Arts*. New York: Philosophical Library,1946.
- Schlomann, Alfred(ed.). *Schlomann-oldenbourg Illustrierte Technicshe Wörterbücher* (in 6 Sprachen). Bd.13. Munchen: Oldenbourg, 1919.
- Schlegel, Gotz. *Deutsch-Arabisches Wörterbuch*. (2 Vols.) Wiesbaden: Harrasowitz, 1971.
- The Lexicon Webster Dictionary*. (2 Vols.) U.S.A: Delair Publishing Co. 1983.
- Thomas, Denis. *Dictionary of Fine Arts*. London: Hamlyn, 1981.
- Upjohn. E.M. et al. *History of world Art*. (2 nd ed.) New York: O.U.P, 1958.
- Websters Ninth New Collegiate Dictionary*. Springfield: Mariam Webster Inc., 1987.

منابع عربى

- ارسقان، جلال أسعد: *صنعت قاموسى*. استانبول: مطبعة عامره، ١٣٤٠هـ.
- احمد السعيد سليمان. *تأصيل ماورد فى تاريخ الجبرتى من الدخيل*. القاهرة: دارالمعارف، ١٩٧٩.
- احمد عيسى (الدكتور الطبيب). *المحكم فى اصول الكلمات العامية*. القاهرة: مطبعة مصطفى البابى الحلبي، ١٩٣٩.
- احمد محمد عيسى (مترجم). *الفنون الاسلاميه (تاليف: م.س.ديماند)*. القاهرة: مؤسسة فرانكلين للطباعة والنشر، دارالمعارف، ١٩٨٤.
- احمد محمد عيسى. *معجم مصطلحات الفن الاسلامى*. استانبول: مركز الابحاث للتاريخ والفنون والثقافة الاسلاميه باستانبول، ١٩٨٨.
- الياس، انطوان. *القاموس العصرى (انجليزى- عربى)*. القاهرة: ادوارد الياس، ١٩٧٤.
- مجمع اللغة العربية (جمهورية مصر العربية). *مجموعة المصطلحات العلمية والفنية*. (صدر منها ٣٠ مجلدا). القاهرة: المطابع الاميرية.
- جمهورية مصر العربية (مجمع اللغة العربية). *معجم الفاظ الحضارة ومصطلحات الفنون*. القاهرة: الهيئة العامة للمطابع الاميرية، ١٩٨٠.
- جمهورية مصر العربية (مجمع اللغة العربية). *المعجم الوسيط* (اشراف عبدالسلام هارون). القاهرة: مطبعة مصر، ١٩٦٠.
- حسن، توفيق. *اصول الكلمات العامية*. القاهرة: مطبعة الترقى، ١٨٩٩.
- الزمخشري، ابوالقاسم محمود بن عمر. *اساس البلاغة*. (اشراف: محمد نديم). القاهرة، ١٩٥٣.
- طوبيا، العيسى. *تفسير الالفاظ الدخيلة فى اللغة العربية*. القاهرة: دارالعرب (البستاني) ١٩٦٤-٦٥.
- الفيروزآبادى، محمد بن يعقوب. *القاموس المحيط* (ط.٢). القاهرة: مصطفى الحلبي، ١٩٥٢.
- منير البعلبكي. *المورد (قاموس انجليزى-عربى)*. بيروت: دارالعلم للملايين، ١٩٨٧.
- مصطفى الشهابى (جامعة الدول العربية). *معجم الالفاظ الزراعية* (ط.٢). القاهرة: ١٩٥٧.
- موسسه فرانكلين للطباعة و النشر. *الموسوعة العربية الميسرة* (اشراف: محمد شفيق غربال). القاهرة: ١٩٥٦.
- وديع، فانوس. *القاموس الفنى (عربى-المانى)*. القاهرة: لينرت ولاندروك، ١٩٦٢.
- يحيى الشهابى (مجمع اللغة العربية بدمشق). *معجم المصطلحات الاثرية*. دمشق: ١٩٦٧.

منابع فارسی

- آشوری، داریوش. فرهنگ علوم انسانی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴.
- ارگانی، عبدالله. فرهنگ اصطلاحات صنعتی و فنی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- آریانپور، عباس. فرهنگ دانشگاهی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- امیریات، جعفرقلی. فرهنگ لغات. آبادان: دانشکده نفت آبادان، ۱۳۵۴.
- باطنی، محمدرضا. فرهنگ معاصر. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۲.
- پورجوادی، علی. واژگان شیمی و مهندسی شیمی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- پورممتاز، علیرضا. فرهنگ جامع چاپ و نشر. تهران: موسسه نمایشگاههای فرهنگی، ۱۳۷۴.
- حسابی، محمود. فرهنگ حسابی. تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۲.
- حییم، سلیمان. فرهنگ انگلیسی به فارسی. تهران: انتشارات بروخیم، ۱۳۷۰.
- خرمشاهی، بهاءالدین (ویراستار). فرهنگ علوم و تمدن اسلامی. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
- چوپانی درودگر، عباس. فرهنگ لغات نساجی. تهران: سازمان صنایع ملی ایران، ۱۳۶۴.
- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه. تهران: موسسه لغتنامه دهخدا، ۱۳۲۵.
- درخشان، جمشید (و) ابراهیم اولغون. فرهنگ ترکی به پارسی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
- دیانت، ابوالحسن. فرهنگ تاریخی سنجش ها و ارزش ها. تبریز: انتشارات نیما، ۱۳۶۷.
- دریایی، محمد رسول. فرهنگ واژگان اسلامی. تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- ساعتچی، محمد. فرهنگ دانشگاهی یادواره. تهران: انتشارات یادواره کتاب، ۱۳۷۱.
- صالحپور، جمشید. فرهنگ جامع ترکی استانبولی به فارسی. تهران: انتشارات دیهیم، ۱۳۷۵.
- غیاثیان، محمدرضا. فرهنگ معاصر فرانسه به فارسی. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۷۵.
- معین، محمد. فرهنگ معین. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۶.
- مرزبان، پرویز (و) حبیب معروف. واژه نامه هنرهای تجسمی. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۵.
- نیلوفری، پرویز. فرهنگ صنایع چوب و کاغذ. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- نقیسی، سعید. فرهنگ فرانسه به فارسی. تهران: انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۷۵.
- معروف، حبیب. واژه نامه راه و ساختمان و معماری. تهران: نشر آزاده، ۱۳۷۵.

Abbriations

کوته نوشت ها

(Ar.) Arabic	العربية	عربی
(Fr.) French	الفرنسية	فرانسوی
(It.) Italian	الاطالية	ایتالیایی
(L.) Latin	اللاتينية	لاتین
(Mal.) Malay	الماليزية	مالزیایی
(Pr.) Persian	الفارسية	فارسی
(Skt.) Sanskrit	السنسكريتية	سانکریت
(Sp.) Spanish	الاسپانية	اسپانیایی
(tr.) Turkish	التركية	ترکی

A

1. Abacus^[۱]

وسادة

الجزء الذي يجيء فوق تاج العمود ويرتكز عليه العتب أو رجل العقد.

سرستونی: تاوه چهارگوش بر سطح فوقانی سرستون- تخته روی سرستون

2. Ablaq (Ar.)^[۲]

ابلق، مخطط

بناء المدامیک بلونین متباينين من الحجر. ولعل هذه الصفة من الكلمة التركية iplik بمعنى حبل أو خيط.

۱- ابلق- سیاه و سفید.
۲- ترکیب سنگهای سیاه و سفید به صورت راهراه در ساختمان.

3. Ablution^[۳]

مبضأة، مغتسل

مكان التطهر والوضوء بالمسجد.

وضوخانه- مكان مخصوص وضو و تطهیر در مساجد.

4. Abrupt^[۴]

انظر 315, 316.

قطع (رنگ).
فاصله (رنگ).

5. Absolute^[۵]

مطلق- غیر مقید

صفة للعمل الفني الذي لا يلتزم بقواعد مألوفه.

مطلق- قطعی- بی قید و شرط.

6. Abstract art^[۶]

فن تجریدی

فن لا يلتزم المحاكاة وقد يستوحى الطبيعة أو يتجاوز مفاهيمها الى يوحيه خيال الفنان.

هنر انتزاعی: هنری عاری از کیفیات واقعی- هنر آبستره.

7. **Abutment**^[۷] کتف سائده نعلبند قوس- نعلبند پایه پل-
 جدار یقام ملاصقا لجدار آخر نیم پایه- پایه جناقی- پشت بند
 بغرض التدعيم والتقوية لجدار دیوار.
 آخر ضعيف.
8. **Acanthus**^[۸] اقنت. شوكة اليهود برگ کنگری- کنگری شکل.
 ورقه نبات استوحى الفنان القديم ورکه نبات استوحی الفنان القديم
 شكلها لاستخدامه كعنصر زخرفي.
9. **Acephalus**^[۹] ابتر الرأس تندیس بی سر.
 تمثال لا رأس له.
10. **Acme** قمة- قنة قله- اوج- مرتفع ترین نقطه.
 موضع مرتفع كقمة الجبل او اعلا موضع مرتفع کقمة الجبل او اعلا
 التل.
11. **Acrobat**^[۱۰] بهلوان بندباز- ریسمان باز- آکروبات.
 هو من يقوم ببعض الألعاب هو من يقوم ببعض الألعاب
 الخطيرة بحذق ومهارة كما يظهر الخطيرة بحذق ومهارة كما يظهر
 في بعض المنمنمات.
12. **Adobe** طوب خشت - خشت خام - خشت
 كلمة عربية استخدمها الأسبان خشک شده در آفتاب- خانه
 للتعبير عن أنواع الطوب.
13. **Adaptation** تکيف اقتباس- انطباق- سازش-
 انسجام عمل فني مع آخر.
14. **Aesthetics** جماليات (العمل) زیبایی شناسی: بررسی زیبایی
 تنفيذ العمل وفق معايير فنية در طبیعت و هنر و وضع موازین
 متعارف عليها.
- علم الجمال.

15. Agate عقیق عقیق - شَوَه - شَبَه.
حجر نصف کریم، نصف شفاف
یتکون معظمه من مادة السلیکا.
16. (Ahi, Tr.) Akhi الاخیة. الزماله همکار، هم صنف: افرادی که در
صفة للافراد فی الجماعة الحرفیة. یک صنف هنری و حرفه مشغول
ساد استخدام الكلمة فی التاریخ به کار هستند. این کلمه در زمان
العثمانی و لها معانٍ أخرى. حکومت عثمانیان رایج بوده است.
17. Aigrette^[۱۱] غرة. خصلة. شوشة کلاه پر.
علامة مميزة تعلو غطاء الرأس
تمیز درجه صاحبها.
18. Aisle^[۱۲] بلاطة - طرقة - شریحة راه: راهرو جانبی شبستان در
المسافة بین صفین من الأعمدة او مسجد و کلیسا - قسمت پهلویی
الدعائم. ومثلها البلاطات التي یتکون کلیسا - راهرو.
منها رواق الصلاة فی المسجد.
19. Akimbo متخضر سندسی با دو دست در کمر -
هیئة الواقف و یداه فی خاصریه پیکره ای با آرنج های بیرون زده.
مثل عرائس المولد.
20. Alaja (Alaca, Tr.) ألأجه الأجه: نوعی پارچه راهراه پشمی
قماش من الحریر المخطط یا ابریشمی که با دست می یافند
والمسلون لعمل القفاطین و به آن قماش شامی می گفتند.
و الملابس الفاخرة.
21. Albarello vase^[۱۳] برمیل ظرفی گلین که برای نگهداری
قدر اسطوانیة واسعة الفوهة ضمادها و داروهای خشک در
لحفظ السوائل شاع شکلها فی خاور نزدیک و اسپانیا استفاده
الخزف الاسبانی والمغربی. می شد و بیشتر مورد استفاده
عطاران و دارو فروشان بوده است.

22. **Album** اضبارة. البوم. حافظة
مجموعة من اللوحات او
المرقعات يضمها غلاف واحد.
مرقع- آلبوم- لوح چوبین که در
روم باستان نظریات حکام، آیین
دادرسی و اسامی قصبات در آن
نوشته می شد.
23. **Alcaraza (Sp.)** کراز. قارورة.
اناء بلا عروة، ضيق الفوهة لحفظ
السوائل.
۱- حقه باروت: شیشه کوچکی
که در آن باروت نگهداری کنند.
۲- قاروره برج: قاروره ای که از
بالای برج به سوی دشمن اندازند.
24. **Alcove**^[۱۲] دخلة حائطية
حنية او دخلة مربعة غاطسة قليلا
في الجدار.
شاه نشین- تونشین اتاق-
طاقچه پیکره- کاودیوار-
تورفتگی- آشیانه- آلاچیق.
25. **Alloy** سبيكة
خليط مكون من اكثر من معدن
لاستخدامات تفضل استخدام
المعدن الواحد.
همبسته - آلیاژ - فلز مرکب-
عیار- آمیزش- مخلوط کردن.
26. **Almond shape**^[۱۵] لوزی الشكل
وحدة زخرفية على هيئة حبة
اللوز، شاع استخدامها في
الزخرفة.
بادامی شکل- لوزی.
27. **Altar** مذبح- مائدة قربابين
المائدة التي تنحر فوقها القربابين.
قربانگاه- مذبح- محراب-
پیشگاه.
28. **Alternative**^[۱۶] تبادلي
كاستخدام البلاطات الملونة مع
قطع الفسيفساء في التشكيل.
بافت متناوب- ساخت متناوب:
به کارگیری سنگهای رنگی در
اندازه آجر یا کاشی به طور متناوب.

29. Altinli kadife قطيفة موشاة حوله زرين بافت - خشک کن طلا دوزی شده - بافته حریری که زرنگار باشد.
(Tr.) نسیج حریری ذو وبرة به خیوط من الذهب.
30. Amateur مولع بـ - هاو دوستدار هنر: کسی که هنری را برای خوشایند خود انتخاب می کند نه برای پیشه وری. غیر حرفه ای - بی تجربه.
31. Ambo^[۱۷] مرتقی منبر - کرسی وعظ و تدریس. مثل کرسی القاریء او المعلم بالمسجد.
32. Ambulatory^[۱۸] مطاف ۱- مطاف: جای طواف کردن و گرداگرد گشتن - مشخص کننده مسیر طواف.
۲- غلامگردش: راهرو جانبی به دور جایگاه همخوانان در کلیسا.
33. Amice لفاعة. شال شال سفیدی که سابقاً کشیشان روی سرشان می انداختند و اکنون آن را به دور گردن می اندازند (در موقع عشاء ربانی) - کلاه کشیشان.
34. Amphitheatre^[۱۹] مسرح مكشوف آمفی تئاتر: گود ورزش یا نمایش در یونان و روم باستان به شکل بیضی، باردیف سکوهایی پله مانند در گرد آن برای نشستن تماشاگران - تماشاخانه گرد یا بیضی.
- مثل المسرح الروماني المدرج الدائري الشكل حيث ساحة العرض في المركز والمقاعد الحجرية من حولها.

35. Amphora
(Amphore)^[۲۰] امفورة
جره رفيعه نسبيا، ذات عروة او
اثنتين تستخدم في حفظ السوائل.
آمفورا: كوزه دو دسته يونانی
(گاهی با پایه‌ای نوک‌تیز برای
فروکردن در زمین)- کوزه
روغن- کوزه دو دسته ته باریک.
36. Anaglyph نقش ناتىء
حفر بارز على مادة شديدة
الصلابة لظهار علامة ما، يمكن
استخدامها خاتما.
حجاری برجسته- تزئینات
برجسته روی دیوار.
37. Anchor^[۲۱] مخاطاف- خطاف
و هو الهلب الذي يثبت السفينه
وهي في الماء.
لنگر (کشتی).
38. Ancon^[۲۲] کوع ساند
انظر: 417.
برآمدگی ساختمان که قرنیز
روی آن قرار گرفته است.
39. Anhydrite انهدریت
حجر جيري يستخدم في البناء.
سنگ گچ سولفات (انیدرید
کلسیم) بی آب- انهدریت به
فرمول $(Ca\ So_4)$.
40. Animal pursuit^[۲۳] صراع حيوانات
مطاردة الحيوانات بعضها وشاع
ذلك في الموضوعات الزخرفية.
زنجیره‌ای از نقش حیوانات به
دنبال هم.
41. Animated
inscription^[۲۴] كتابة ذات رؤوس آدمية
اسلوب استخدمه الفنانون في تزيين
سيقان الحروف برؤوس آدمية.
نقاشی خط: آراستن پایه‌های
حروف با صورت آدمی- کتیبه
منقش.
42. Annulet^[۲۵] خَلِيقَة
حلقة صغيرة من حجر او معدن
تدور حول بدن العمود او مثله.
چنبه سرستون- ابزار حلقوی.

43. **Anonymous** مجهول الصانع لا ادري- بی نام- گمنام- بی امضاء-
صفة لكل عمل يظهر ولا يعرف ناشناس.
صانعه.
44. **Ansa (L.)** يد- عروة دسته- دو دسته‌ای که در دو طرف
المقبض الذي يتم به تناول الاناء بشقاب یا سینی باشد.
او الكوب.
45. **Anta (L.)^[۲۶]** دعامة ركنية جرز پیش نشسته- ستون مربعی
تقوية جدارية مربعة تدعم اطراف که در دو طرف در یا درگوشه‌های
الحوائط ولا ترتفع عنها. ساختمان ساخته می شود.
46. **Anteroom** غرفة تحضير كفش كن- اتاق انتظار- پیش اتاقی.
غرفة صغيرة تتقدم غيرها اكثر
اتساعا.
47. **Ant's eye view^[۲۷]** منظور عين النملة دید چشم مورچه (از پایین به
رسم لمبني كبير التجسيم كأن نملة بالا).
تنظر اليه من احد جوانبه (من
تحت الى فوق).
48. **Apex** طرف مدبب، قمة. نهاية نوک- سر- رأس زاویه- سمت
مثل رأس الزاوية او نهاية المثلث الرأس- نقطه اوج- رأس مثلث یا
او طرف المئذنة. مخروط- قلّه.
49. **Apadana (Pr.)** ابادانة آپادانا: تالار بار عام پادشاهان
أعمدة ذات تيجان على هيئة رأس هخامنشی.
الثور توضع فوقها الأسقف في
العمارة الفارسية.
50. **Apodyterium** غرفة خلع الملابس سربینه- رختکن گرمابه- رختکن
احدى غرف الحمام الروماني حمامهای رومی.
الخاصة بتبديل ملابس الزائر.

51. Apophyge^[۲۸] تقویر
تشکیل مقعر یزین نقطه اتصال
بدن العمود بالتاج او القاعدة في
نهاية العمود. گیلویی پاستون: بخشی از ستون
که به شکل نیم‌دایره مقعر بوده
و پایه ستون را به بدنه ستون
متصل می‌سازد.
52. Applique ملصقة، ابلیقه
قطعة من مادة تضاف وتثبت في
مادة اخرى لتأدية وظيفة زخرفية
محددة. تکه دوزی - وصله کاری تزینتی
(در اشیای فلزی و ائانه‌خانه)
کنده کاری - آراستن و تزین
کردن.
53. Apse^[۲۹] حنية
دخلة في الحائط نصف دائرية
تقريباً مثل حنية القبلة او حنية
الكنيسة. محراب - محراب کلیسا - قسمت
نوک تیز مناره کلیسا.
بیرون نشستگی بدنه کلیسا در
انتهای محراب - مخارجة پشت
محراب.
54. Aquamanile ابریق
اناء خفيف سهل الحمل لصب
الماء على الايدي. ابریق - آبدان فلزی -
آوند فلزی: ظرفی به شکل
جانوران برای مراسم کلیسایی.
ظرف سفالین با گوشه و دسته
و لوله که بدان طهارت کنند یا
وضو سازند.
55. Aquamarine أزرق بحري
اللون الأزرق المائل الى
الاخضرار. دریایی: رنگ آبی روشن مایل به
سبز - کبود فام.
زمرّد کبود فام - زمرّد دریایی.
56. Aquarelle الوان مائية
وتكون هذه الالوان شفافة او معتمة. آبرنگ - آب و رنگ - نقاشی با آب
و رنگ.
57. Aqua-tint حفر بالحمض
نقش يتم بواسطة استخدام تأثير
الاحماض على المعادن لعمل
كليشيهات الطباعة. چاپ تیزابی سایه‌دار - قلم زنی
روی مس با محلولی از صمغ
و جوهر شوره.

58. Aqueduct^[۲۰] قنطرة مياه
پل روی کانال یا رودخانه- آبرو-
کانال یا مجرای آب- قنات-
عقود بوانک تحمل انابیت لنقل
آب گذر.
الماء عبر مسافات طويلة.
59. Arabesque^[۲۱] زخارف عربية. تفریعات
۱- شیوه تزیینی اسلامی.
اسلوب عربی.
۲- اسلیمی- عربانه- اسلیمانه.
كل اللغات نسبت هذا النوع من
الزخارف للعرب وهي حليات
نباتية وهندسية وكتائية متداخله
و ممتدة ومقوسة او مزوأة،
و تعتبر خصوصية من خصوصيات
الفنون الاسلامية.
60. Arabesque.
Floriated-^[۲۲] توریق مزهر
اسلیمی گلدار- اسلیمی مزین به
گل- اسلیمی به شکل گل.
تفریعات مزهرة.
61. Arabesque.
Foliated-^[۲۳] تفریعات مورقة
اسلیمی برگ وار- اسلیمی مزین
به شکل برگ.
و تجمع بین الافرع النباتية
والاوراق والازهار المتشابهة.
62. Arbor (Arbour) عریش. سقیفة نباتية
آلاچیق
ظلة تتسلقها النباتات.
63. Arc حنيرة. قوس
قوس- کمان- طاق- هلال.
عقد الطاق او قوس السهم الذي
يشد به الوتر لرمي السهام.
64. Arcade^[۲۴] صف عقود. بواژک. بواکی
۱- طاقگان- ردیف طاقی- گذرگاه
طاقدار.
۲- رواق
۳- بازارچه: طاقهای پشت سر
هم و سر پوشیده ای که در یک یا
دو طرف دکانهایی داشته باشد-
صف عقود. بواژک. بواکی
مجموعه قناطر او بوانک متصله
و محموله علی اعمدة او دعائم.
پیاده روی سر پوشیده.

- طاقنما. عقود صماء او عمياء
65. Arcade. Blind-^[۳۵]
عقود متجاوزة غير نافذة بفرض
تزيين مسطح جداري.
- طاقگان درهم تاييده. عقود متشابكة
66. Arcade
Interlaced-^[۳۶]
مجموعة عقود ذات بوانك
متقاطعة لتكوين تشكيل زخرفي.
- طاق - قوس - كمان - طاقنما - هلال.
67. Arch^[۳۷]
عقد. قوس. طاقة. قنطرة
اسلوب معماري للتغطية المعقودة
ويتم بالطوب او الحجر او
نحوهما، وله اشكال متعددة
بحسب الأغراض أو لطبيعة مواد
البناء.
- طاق يا قوس نوک تيز. عقد حاد
68. Arch. Acute-
عقد ضيق حاد الزاوية كراس
السهم.
- طاق قوسی ناقوسی شکل. عقد ناقوسی
69. Arch. Bell-
عقد على هيئة الجرس يرتكز على
ركبتين.
- طاقگان کاذب - طاقنما - طاقگان
کور. عقد اعمى
70. Arch. Blind-
عقد اعمى مسدود الطلبة.
- قوس شکسته - هلال شکسته. عقد ناقص او مکسور
71. Arch. Broken-
عقد دائري او ثلاثي الأضلاع
مفتوح اعلاه يستدخم أكثر في
صناعة الاثاث.
- قوس پنج پر - قوس دالبری. عقد خماسي الورقات
72. Arch. Cinquefoil-

73. Arch. Cusped- عقد مستدق الطرف
عقد رمحي الشكل مدبب النهاية.
طاق یا هلال با نقش قوسهای
جناغی.
طاق با نقش هلالی.
74. Arch. Discharging عقد مخفف
انظر: 93.
طاق دزد - جهازه: قوسی کور که
بر بالای نعل درگاه زرده می شود
تا بخشی از بار بدنه زیرین را به
دو پهلوی درگاه منتقل سازد.
75. Arch. Dropped عقد هابط او متدل
عقد ذو مرکزین مستقاربین هابط
عن مرکز قوسية.
قوس کند - قوس کم خیز.
76. Arch. Elliptical- عقد اهلیلیجی
عقد کانه نصف طولی
لحبة الصنوبر.
قوس نیم بیضی.
77. Arch. Equilateral- عقد محدب متساوي القوسین
قوس پاتوپا: قوس تیزه دار با دو
لنگه قوس متساوی.
78. Arch. Flat- عقد مسطح (عدل)
و تكون صنجاته مزواة للتقوية.
قوس کتابی .
طاق فلورانس - قوس
79. Arch. Florentine- عقد فلورنسی
نصف دائري من داخله و مدبب
من خارجه و سميكه عند قمته
اعرض منه عند خيلته.
فلورانس.
80. Arch. Foliated Trefoli arch عقد ورقی الفصوص
عقد يتكون من عدد من الورقات
او الفصوص.
قوس چندپر - قوس دالبری.

81. Arch. Four centred- عقد رباعي الأقواس
عقد له أربعة مراكز، اثنان في أعلى و اثنان في أسفل.
قوس چهارپرگاری.
82. Arch. Horseshoe- عقد حدوي (كحدوة الفرس)
و قد يكون نصف دائري و قد يكون مدببا.
قوس نعل اسبی (نفوذ معماری اسلامی مراکش یا مغرب در اسپانیا).
83. Arch. Keel- عقد قاع المركب
عقد يشبه تقوس قاع السفينة.
طاق جناغی شکل - قوس شبیه ته کشتی.
84. Arch. Lancet- عقد رمحي
انظر: 68.
قوس نیزه‌ای.
85. Arch. Lunette- عقد قمري
عقد على هيئة هلال او نصف قمر أو قمر كامل و يجيء في القباب او فوق المداخل.
قوس هلالی.
86. Arch. Multifoil- عقد متعدد الفصوص
قوس چندپره - قوس دالبری.
87. Arch. Ogee- عقد منعكس الأقواس
يتكون جانباه من اقواس معتدلة ثم منعكسة.
قوس چهارخیم - قوس جناغی: قوس تیزه‌دار بادو خمیدگی جانبی جناغی شکل، خمیدگی زیرین مقعر و زیرین محدب.
88. Arch. Ogival- عقد قوطي مدبب
طاق رومی - قوس نوک تیز.
89. Arch. Parabolik- عقد مخروطي
عقد غير مدبب يتم انشاؤه من ثلاثة مراكز.
قوس - طاق مخروطی.

90. Arch. Pointed- عقد مزوی قوس تیزه‌دار.
عقد يتكون قوساه من اکثر من مرکز و تكون قمته مزوأة.
91. Arch. Queen Anne- عقد الملكة آن طاق ملکه آن: نوعی طاق که در قرن هیجدهم در انگلستان مرسوم بود.
عقد انتشر في القرن ۱۸ في انجلترا.
92. Arch. Rampant- عقد متهدل الكتف قوس نامتقارن.
عقد ينخفض احد كتفيه عن الآخر.
93. Arch Relieving- عقد تصريف جهازه - طاق دزد.
عقد قوسي فوق عتب بغرض تخفيف الثقل.
94. Arch Segmental- عقد قوسي قوس ناتمام.
عقد قوسي او محدودب و هو قوسي لوتر (و يسمى العقد الموتور).
95. Arch Semicircular- عقد نصف دائري قوس دور تمام: قوسی که برون سویش یک نیم‌دایره تمام است.
96. Arch Shouldered- عقد ذوكتفين کلیل آذری.
عقد يقل بحرة عن بحر الكتفين اللذين يحملانه.
97. Arch.Skew- عقد محروود. عقد ملفوت طاق مورب - قوس مایل - قوس کج.
98. Arch. Spring of ۱- پاتاق: نقطه شروع یا خیز قوس از روی پایه اتکا.
منبت العقد نقطة ابتداء العقد فوق كتفه.
۲- زاویه خیز قوس.

99. Arch. Stilted- عقد فارع قوس پابند.
عقد مشرع یتدلی طرفاً قوسیہ فی
استقامۃ إلی ما تحت مرکزہ.
100. Arch. Transversed- عقد مستعرض قوس عرضی- قوس اریب.
عقد معترض لغيره من العقود.
101. Arch. Triangular- عقد هرمی (مثلث) قوس سه گوش.
102. Arch. Thrust of- عقد راجع، او مرفوس رانش: فشار و قوس یا گنبد بر
پایه یا نعلبند.
عقد رجلاۃ تعودان قليلاً إلی
الوراء.
103. Arch. Undulating عقد متمواج قوس موجدار.
104. Architrave عاتق رابطہ. کاهل ۱- قوسب: عضو افقی نمایان در
الکنتۃ الحجرية التي تعلو الأعمدة
والتی یستقر فوقها سقف المبنى
ویطلق الحرفیون علیها اسم
الغرابۃ.
انظر: 533. معمارى یونان باستان که روی
سر ستونها و زیر افریز (حاشیہ
افقی کتیبه) قرار دارد.
۲- زَعْرَہ: قاب تزینی دور درگاه.
105. Archivolt^[۲۸] قوس وجه العقد قوس مطبق - قوس چند رگه.
حيث تتواجد الحليات التي تزین
وجه العقد.
106. Arch stone انظر: 1316 سنگی که در طاق یا قوس بکار رود.
107. Arena حَلَبَة ۱- میدان نمایش- گود نمایش (در
مکان عمل الممثلین او المتصارعین
او اصحاب الألعاب فی المسرح
القديم. آمفی تئاتر یونان و روم باستان).
۲- میدان ورزش: جایگاه اجرای
مسابقات قهرمانی در میان، با
نشیمن گاههای پلکانی در اطراف.

108. Arrow loop^[۲۹] مزغل: شکاف یا روزن دیده‌بانی
یا تیراندازی در برج و بارو.
فتحة ضيقة في جدار الحصن
للمراقبة أو لاطلاق السهام.
109. Arrow pit ثقب
انظر: 108.
شکاف یا روزن دیده‌بانی یا
تیراندازی در برج و بارو.
110. Arrow slit مزغل ضرب
شق ضيق في جدار الحصن
يحتمي خلفه الرماة المحاربون
وقت الضرب.
مزغل: شکافی عمودی در بارو یا
دیوار قلعه برای استفاده
تیراندازان یا مدافعان قلعه.
111. Art فن
۱- هنر.
۲- علم. معرفت. دانش. فضل
و کمال.
۳- آن درجه از کمال آدمی که
هشیاری، فراست، فضل و دانش
را دربر دارد و نمود آن صاحب
هنر را برتر از دیگران می‌نماید.
112. Art. Abstract- فن مطلق. فن تجریدی
هنر انتزاعی:
اعمال فکریه او تشکیلیه یزودیه
المؤدي بعيداً عن المحاكاة، او
المشابهة لمشخصات و مرئيات
في صورتها الطبيعية او الواقعية
المألوفة.
هنر تجسم بخشیدن به
خصوصیات بنیادی و کلی اشیا
و موجودات و نادیده گرفتن
عوارض ظاهری و جزئیات خاص
هر یک از آنها؛ مانند تصویر
انتزاعی درختی که هیئت کلی و
خصوصیات بنیادی عموم درختان
را دربرداشته باشد بدون شباهت
نزدیک با هیچ درخت خاص.

113. Art. Archaic-

فن عتیق

هنر کهن- شیوه هنری یونان در قرن هفتم ق م.

ثمرات المبدعين من اهل العصور القديمة. كما تطلق التسمية على اعمال حديثة تقسم بسمات القديم و تنحو منحاه.

114. Art. Baroque-^[۴۰]

فن باروکی

هنر باروک: شیوه هنری فاخر و پرتجمل که به حمایت از بازگشت قدرت کلیسا و فرمانروایان در روم پایه گذاری شد (قرون ۱۶ تا ۱۸) و با تاکید بر ایجاد تقارن و تلفیق تزیینات و خطوط خمیده و ترکیب اشکال و هیاکل درهم تابیده آثارى خیره کننده در معماری و نقاشی و پیکره سازی به وجود آورد. تأثیرات این شیوه بعدها به آمریکای لاتین و خاور میانه نیز رسید.

اصطلاح اطلق على الأعمال الفنية التي ظهرت اواخر مراحل النهضة الأوروبية في إيطاليا وغرب أوروبا (ق ۱۶-۱۸). وتمتاز هذه الأعمال برقة تعبيراتها الزخرفية وبالحرية الكاملة في تناول التعبيرات الفنية الكلاسيكية. انتقل هذا الأسلوب الى امريكا اللاتينية وتأثرت به بلاد الشرق الأوسط.

115. Art. Concrete-

فن بحث. فن خالص

هنر خالص- هنر ناب (غیرانتزاعی).

اعمال فنيه ذات رسوخ وقوة وموضوعية وتتجلى فيها الأصولية على عكس ما يذهب إليه الفن التجريدي. وتعني كلمة concrete «الخرسانة» وهي الخليط المكون من الرمل والحصى والأسمنت ويطلق على هذه الخلطة صفة «المسلح»

116. Art. Conventional-

فن تقليدي. فن سلفی

هنر سنتی، هنر مدون.

فن يعتمد على قواعد واصول جرى عليها السابقون واستنبطوها بدورهم ممن سلف.

117. Art. Fictile- فن اللدائن سفالگری- ساخت تندیس یا اشکال و ظروف از گل یا خاک رس.
118. Art. Figurative- فن محاکی هنر مجازی: استفاده از عناصر و موضوعات طبیعی در غیر معنای حقیقی به لحاظ وجود قرینه.
119. Art. Hellenistic-^[۴۱] فن هلینستی هنر یونانی: تقلید و وامگیری از فرهنگ، هنر و آداب یونانیان باستان که از حدود ۳۲۰ ق م با کشورگشاییهای اسکندر مقدونی در دنیای متمدن آن روزگار معمول شد.
120. Art. Prehistoric- فن ما قبل التاريخ هنر ماقبل تاریخ- هنر عصر پارینه سنگی.
121. Art. Primitive-^[۴۲] فن بدائي هنر بدوی: مجموعه هنر ساده و بی‌پیرایه و انتزاعی و آیینی که از عصر پارینه‌سنگی و نیز توسط قبیله نشینان تاکنون در جهان به وجود آمده است. هنر انسان غارنشین.
122. Art. Rococo- فن الروکوکو روکوکو: نام شیوه هنری اروپا در میانه سده هیجدهم که انباشته بود از عناصر تزیینی با خطوط خمیده و رنگهای تابناک و نیز انواع ریزه کاری‌های صدفی و مرجانی شکل درهم آمیخته که
- فن تشکیل وصیایة الأشكال و الأدوات من عجائن الطفل والطين والصلصال و نحوها.
- فن يعتمد على محاكاة موضوعات الطبيعة كما هي، على غير ما يذهب اليه الفن التجريدي.
- الفن اليوناني او الهليني المتأخر (مرحلة ما بعد الاسكندر الأكبر) تأثرت هذه المدرسة بانماط من فنون مصر وفارس.
- فن العصور الحجرية القديمة.
- فن الانسان القديم في الكهوف والمغارات و في اماكن كثيرة من العالم ويسمى هذا الفن باسم فن الكهوف.
- اسلوب ظهر في اوروبا اوائل القرن ۱۸ م، كشعبة من شعب الباروك وامتاز بخطوطه الحلزونية واشكال المحارات والأصداف وبالأفراط الزخرفي المتكلف.

- جنبه انحطاطی داشت و در فرانسه به اوج خود رسید به خصوص در زمینه معماری و مبلسازی و اثاثه تجملی.
- التشكيليه الأخرى.
123. Art, Romanesque- فن رومانسکی
- اسلوب ساد العمارة الأوربية متأثر باسلوب العمارة الرومانية القديمة في غرب اوربا والتي ازدهرت فيما بين القرنين: التاسع والثاني عشر الميلادي.
- شیوه معماری (و هنری) رومی‌وار: شیوه‌ای حاصل از ترکیب عناصر معماری روم، امپراتوری بیزانس که از اوایل سده پانزدهم با ویژگیهای مختلف محلی در کشورهای اروپا متداول ماند و مبتنی بود بر جرزهای جسیم مفصل‌بندی شده و قوسهای تمام‌دور و طاقبندی سنگی توانمند که به طور عمده در ساختن کلیساهای چلیپا شکل به کار می‌رفت.
124. Artifacts (Artcrafts) مشغولات يدوية
- الأدوات البدائية التي صنعها الانسان في مراحل تحضره المبكرة والتي تكشف عنها حفريات اليوم.
- دست ساخت- کار دستی.
125. Artichoke^[۲۳] خرشوف
- نبات بستاني استوحاه الفنانون في رسوماتهم ولا سيما في النسيج والخزف.
- کنگر- انگنار- آرتیشو.
126. Artesan صناع حاذق
- العامل الماهر الذي ينفذ ما يصنع بكل دقة و اتقان.
- استادکار- صنعتگر ماهر- هنرمند.

127. Ashlar stone^[۴۲] **حجر دستور** سنگ یادبُز: قطعه سنگی که در معدن با پتک به شکل چهارگوش قواره شود. آجر سنگی- سنگ‌های تراش شده برای روکار ساختمان.
128. Assay mark **علامة الجودة** علامت استاندارد- سنگ عیار- محک. العلامة المقررة لاثبات جودة الصنف او عيار المعدن.
129. Astragal **سوار. طوق** ۱- ابزار محدب بالای میله ستون. ۲- دانه تسییحی (تزیین معماری). ۳- گچ‌بری برجسته نیم دایره‌ای. حلیه خیزرانیة الشكل تبرز قليلا حول بدن العمود.
130. Asymmetrical **غير متماثل** ناقربنه- نامتقارن- پادچفت. عدم التناظر او التطابق في توزيع الوحدات المعمارية والموضوعات الزخرفية في عمل من الأعمال الفنية.
131. Atabek **اتابک** مربی شاهزادگان- وزیر بزرگ اتابک. مؤدب ولي العهد او معلمه وکان من كبار القواد وکان متوليها ذاخوة كبيرة زمن السلاجقة.
132. Atelier (Fr.) **مرسم** کارگاه هنری- هنرکده- آتلیه. انظر: 1197.
133. Atrium **حوش** ۱- دهلیز سرگشاده. ۲- حیاط پیشین کلیسا (محصور در چهار رواق جانبی). ۳- شبستان- هشتی. ۴- اطاق میانی خانه‌های روم قدیم.

134. **Attached column** عمود ملتصق ستون چسبیده.
 انظر: 391 نیم ستون: ستونی که به یکی از دیوارهای مجاور خود چسبیده باشد.
135. **Attic**^[۲۵] غرفة سطح. سندرة اتاق زیرشیروانی.
 و هي ما تعرف في بعض البلاد باسم الطقوسي. و قد تكون مستقطعة من ارتفاع دورين او تكون اسفل جمالون السقف.
136. **Attire** کسوه. زي جامه - تن پوش - پیرایه.
 طاقم الملابس الذي يتشح به الانسان في المناسبات.
137. **Ax (axe)**^[۲۶] بلطة تبر - تیسه.
 اداة لتحطيم الأبواب او قطع الأخشاب.
138. **Axial building**^[۲۷] مبنی محوري ساختمان محوری: ساختمانی که نقشه کف آن بر دو جانب محوری طولی طرح شده است.
 و يكون جناحة او نصفه متعادل تماما مع نصفه الآخر او تكون ابوابه ذات محاور واحدة.

B

139. Background خليفه (الصورة) ۱- زمینه
- الجزء البعيد من المنظر المرسوم ۲- بوم
- والمكون لارضية الصورة او
- الموضّح لمدى عمق المشهد.
140. Background عتمة الخلفية سایه پس زمینه- تاریکی زمینه
- shade درجة الضوء ومستوى ظهور
- الموضوعات في خلفية الصورة.
141. Bağlitak(Tr.) صدريّة مزوّرة لباده، بالاپوش دگمه دار
- قباء او ثوب يلبس فوق الملابس
- الداخلية محكم على البدن شاع
- في العصر المملوكي.
142. Bailey جواء. فناء خارجي ۱- باروی قصر: دیوار بلند کنار
- فراغ يلي السور الخارجي للقلعة خندق در قصرهای قرون وسطی
- او القصر. اروپا.
- ۲- حیاط بیرونی (در قصرهای
- قدیمی).
- ۳- دیوار خارجی قلعه یا قصر.

143. **Balbal(Tr.)** مسخوطة. بالبال صورتک -
 تمثال صغير يحكي صورة الاعداء
 وقد قهرهم الأبطال. وكان يدفع
 مع المقاتل من جنود الترك القدامى.
 پلبال: مجسمه یا تصویر کوچکی
 از سیمای دشمنانی که در جنگ
 مقهور قهرمانان می شدند. این
 مجسمه یا تصویر به همراه
 جنگجویان دفن می شد.
144. **Balcony (of minaret)^(۲۸)** شرفه مئذنة. مطاف مؤذن
 شرفه في مئذنة. المسجد لرفع
 الاذان، وقد يكون للمئذنة
 الواحدة اكثر من شرفه.
 بالکانه مأذنه - محل ایستادن
 مؤذن.
145. **Baldachin** ظلة. ساتر
 ساتر يرفع فوق سرير او عرش او
 شخص لوقايتة من الشمس او
 المطر او الريح (بالتكانة).
 ۱- سایبان- آسمانه.
 ۲- قبه ای که روی محراب کلیسا
 می سازند.
146. **Baldric^(۲۹)** نجاد. علاقة سيف
 عروة يعلق بها السيف في وسط
 الفارس او في كتفه.
 حمایل - بند شمشیر.
147. **Balta (Tr.)** انظر: 137. تبر - تیشه.
148. **Bale** بالة
 قطعة من قماش لحزم الامتعة
 والملابس او بعض مواد التجارة.
 عدل - لنگه - بسته.
149. **Bluster** درابزين. جلفق
 انظر: 152. ستون نرده - میله نرده -
 ستونچه طارمی.

150. **Balustrade**^[۵۰] درابزین. جلفق طارمی-نرده.
مجموعه من القوائم الخشبية او
المعدنية تثبت على جانب السلم
لتقي الصاعد من الزلل و تشمل
هذه الكلمة كل اجزاء الدرابزین.
151. **Bandage** عصابة-رباط نوار یا باریکه سخت و قوی برای
نگهداری دو جزء شکسته
چیزی.
شریط من معدن او نحوه یدور
حول عمود بهدف الحماية او
الربط او الشد.
152. **Banister** قائم الدرابزین ۱- دستگیره پلکان.
الدعائم المتعددة التي يرتكز
عليها ذراع الدرابزین. ۲- نرده- طارمی.
153. **Barge** شلندیه کرجی- لنگه- دویه- قایق باری.
(Chalond, Fr.)^[۵۱] سفينة ذات غاطس تستخدم في
نقل المحاربين والبضائع (شاع
استخدامها في العصور الوسطى)
154. **Baroque** باروک نک: هنر باروک.
انظر: 114.
155. **Barracks** ثکنات عسکریه سربازخانه- پادگان.
اماكن سكني العسكر، و هي
القشلات.
156. **Barrel vault** قیو بر میلی طاق گهواره ای- طاق تونلی- طاق
انظر: 1296. قوسی شکل.
157. **Barricades** موانع. عوائق. سواتر سنگربندی موقتی: سنگربندی که
عوارض تقام في الطريق لاعتاقه به شتاب در معبری درست کنند.
المارة. او حوائل یحتمی خلفها
المدافعون.

158. **Bartizan**^[۵۲] **برج مراقبه** برج دیده‌بانی- برج پیشکرده
(پیش نشسته از بارو).
برج صغیر یبرز من جدار الحصن
او القصر للمراقبة.
159. **Base of column**^[۵۳] **قاعدة عمود** پایه ستون- قاعده ستون.
مجموعة الوسائد البنائية التي
يستقر عليها بدن العمود وتحتها
الركيزة (Pedestal)
160. **Basement** **طابق الأساس** زیرزمین- طبقه زیرین.
طابق يقوم في معظمه مع سکن
المبنى اسفل العماثر الكبيرة.
161. **Basin** **ابزن. حوض: ما عون** آبدان- لگن- تشتک- حوضچه-
حوض- دستشویی.
للاستحمام اتساعه اکبر من عمقه.
162. **Basket work**^[۵۴] **تضفيرة السلال: تعبیر زخرفی** زنبیل‌بافی- حصیربافی-
یحاکی شکل ضفیرة السلة.
سبدبافی- چاللی.
163. **Bastion**^[۵۵] **برج محصن** باستیان: بدنه پیش آمده در دونه‌های
موضع قوي الاستحکامات ضمن
سور الحصن.
باروی قلعه با کاربرد دیده‌بانی.
سنگر و استحکاماتی که از روی
حصار اصلی قلعه جلوتر رفته
و مسلط بر فضای جلو قلعه
و ساختمانهای خارجی دیگر
قلعه است.
باروی دو پهلو- جان پناه.
164. **Batic [Battik (Ma.l)]** **طباعة محجزة** باتیک: چاپ روی پارچه (واژه
مالزی).
اسلوب لطباعة رسومات النسيج
(فی جنوب شرق آسیا) حيث تغطي
او تحجّز فيه بعض المساحات
بتغطيتها بالشمع ثم تغمر في
الصيغ فيتأثر به مالم يغط بالشمع.

165. Battering- ram^[۵۶]

الكبش النطاح

دژکوب -

آلة حربیة استخدمت فی دك
الحصون لفتح الثغرات، عبارة عن
هیئة رأس كبش تحمله الحبال او
السلاسل لسهولة تحريك الجزء
الضارب.

میله مخصوص شکستن
دروازه‌ها و غیره.

166. Battlement^[۵۷]

فرجة الرمي

کنگره: دندانه برج و بارو.

مسافات صغيرة بین شرافات
الحصن لمراقبة العدو و ضربه
بالسهام او النيران.

167. Bay

فرجة. بلاطة

قسمتی از بنا میان دو جزر یا دو

بحر الباب او الشباك، أو المسافة
الممتدة بین عمودین او دعامتين.
كما تطلق الكلمة على الدخلة فی
سطح الجدار من الداخل الى
الخارج.

ستون
قسمتی از بنا که بین دو ستون
باشد- بیرون نشستگی ساختمان
طاق‌نما- پیشرفتگی اتاق.
خلیج کوچک -

168. Bay window^[۵۸]

خرجة شباك. فرجة شباك

پنجره بیرون نشسته- پنجره

شرفة فی موقع النافذه یغطيها
حجاب من الخشب المعشق كما
یرى فی البيوت الاسلامية.

پیش آمده.
پنجره پیش آمده شاه‌نشین
ساختمان- پیش آمدگی
ساختمان- شاه‌نشین.

169. Bayonet^[۵۹]

حربة. سونكي

سر نیزه- شمشیر.

قطعة سلاح للطعن، تضاف الى
البندقية و تستخدم فی التلاحم او
القتال عن قرب. وهي مثلثة
القطاع.

170. Bazer (Pr.) سوق. بازار بازار: محل خرید و فروش کالا و خوراک.
متجر لمجموعة من الاصناف او کوچه سرپوشیده‌ای که از دو سوی دارای دکان باشد.
سوق متعددة الدكاكين ومتنوعة البضائع.
171. Bazzazistan (Pr.) سوق البزازين بزازستان: محلی که پارچه فروش‌ها و قماش فروش‌ها در آن متمرکز هستند.
سوق باعة الأقمشة والنسيج.
172. Beads خرزات. حبات دانه تسبیح- منجوق- مهره-
وحدات زخرفية مثل حبات التسبیح- مروارید بدل.
المسبحة.
173. Bead and reel Ornament انظر: ornament ابزار مهره ماسوره.
174. Bead string انظر: Ornament تسبیح- رشته منجوق.
175. Beaker شفشق ۱- جام دهان گشاد- جام- ظرف
اناء من معدن او خزف او زجاج کیمیاگری.
لحفظ ماء الشراب، واسع الفوهة ۲- سفالینه لوله‌دار.
و ذو شقة بارزة. ۳- آبخوری.
۴- قوری سفالین.
176. Beam^[۶۰] رافدة. کمره. سهم شاه‌تیر- تیر سقف.
قضيب من خشب او معدن او شاهین ترازو- شاهپر
خرسانة يربط بين دعامتین او بين تیرمال بند درشکه.
جدارين.
انظر: 610.

177. **Bedestan (Tr.)** سوق کبيرة راسته بازار: بازار سرپوشیده که محل فروش جواهرات و اشیای قیمتی باشد. قیساریه تضم مجموعه محلات تعرض بضائع نفیسه او نادره.
178. **Beige** بیج ۱- نخودی: رنگ زرد کدر. ۲- بژ رنگ قهوه‌ای روشن مایل به زرد و خاکستری. 315. انظر: بژ: رنگ قهوه‌ای روشن مایل به زرد و خاکستری.
179. **Bellshaped^[۶۱]** ناقوسي الشكل مثل تیجان بعض الأعمدة فهي على هيئة الناقوس. زنگ مانند- زنگوله شکل- ناقوسی شکل- هر چیزی به شکل زنگ.
180. **Bench** بنک دکان- میزکار. نیمکت- کرسی قضاوت- مسند قضاوت- جای داوران. دکه للجلوس او طاولة للشغل مثل بنک النجار.
181. **Bent entrance^[۶۲]** مدخل مُزَوَّر فتحة باب ينعطف الداخل منها يمينا او يسارا وليست على محور الأبواب التالية له ومثلها ابواب بغداد، و بها سميت (الزوراء). در ورودی ساختمان که معمولاً دارای معابری به سمت راست و چپ باشد- ورودی پیچ در پیچ
182. **Bed sheet** ملاعة سرير ملافه- ملحفه. غطاء للحمية او المرتبة.
183. **Bed spread^[۶۳]** مفروش سرير چادر شب- روپوش تختخواب- رختخواب پیچ- روتختی. غطاء مزركش يطرح فوق السرير أو الاريقة

184. **Belvedere**^[۶۴] **مطلّة.منظرة** مهتابی- کلاه فرنگی- جای بلند برای تماشا- کوشک.
مکان یشرف علی موقع فسیح
کبستان او منظر جمیل.
185. **Benek (Tr.)** **بَنَک** پارچه حریر یا دیبا که از ترکیب نخهای نقره یا دارای خالهای نقره باشد.
نسیج من خیوط الحریر والفضة
لصنع الملابس الفاخرة.
186. **Beryl** **زمرّد** یاقوت کبود- بزادی- سیلیکات بریلیوم و آلومینیوم.
حجر کریم لونه اخضر شاحب،
معروف لمصر القديمة.
187. **Bevelled** **مشطوف الحافة** پَخدار - دارای لبه پَخ.
اسلوب في معالجة الحافات
الحادة يجعلها مائلة.
188. **Billets**^[۶۵] **تربيعات صغيرة** ابزار گریخته.
مربعات شطرنجیة تستخدم في
تحلیّة بعض المسطحات
المعمارية وغيرها.
189. **Bilobed** **ثنایی الفصوص** گره یک خفت
صفة لبعض العقود ذات الفصين.
190. **Bimaristan(Pr.)** **بیمارستان** بیمارستان: جایی که بیماران را
انظر: 1238
در آن جا نگاهداری و مداوا کنند.
مریضخانه - دارالشفاء.
191. **Binish (Binis, Tr.)** **نبش. عباءة** عبا- ردا- شل.
زي خارجي فضفاض، يطرح فوق
الكتفين.

192. Bird's eye view^[۶۶] منظور عین الطائر ژرفا نمایی از بالا -
 رسم يبدو في المنظر وكأنه سه بعد نمایی از بالا: (در نقاشی)
 مشاهد من خلال عين طائر سه بعدنمایی از دیدگاهی هوایی
 مرتفع. یا محلی بالاتر از صحنه موضوع.
 انظر: 47.
193. Biscuit بسکوت. فخار هش ۱- قهوه‌ای پریده.
 يخرق حرقه أولى و يدهن دهانا ۲- یک آتش: سفالینه‌ای که یکبار
 غير مزجج. در کوره آتش دیده و هنوز
 لعابدار نشده است.
194. Blade^[۶۷] نصل السيف. حد السيف تیغ- شمشیر- تیغه.
 الجزء المنوط بالقطع.
195. Blazon^[۶۸] شارة- شعار- رنگ نشان خانوادگی - نشان لشکر به
 العلامة يحملها المحارب تتحدد هنگام رزم - پرچم - سپر - زره.
 بها رتبة او جهة انتمائه.
196. Blend توليفة. خلطة ۱- ترکیب چند رنگ مختلف
 قيام الفنان بمزج مجموعة عناصر و تشکیل سایه.
 او تعبيرات أو ألوان مختلفة لخلق ۲- مخلوطی از چند جنس خوب
 موضوع فني يسودة الانسجام و بد و متوسط.
 والتوافق. ۳- آمیزه - مخلوط.
197. Blind lantern روزنة عمياء روزنه کور- دودکش بدون منفذ
 كوة غير نافذة، لاتسمح بضوء او برای ورود هوا یا نور.
 هواء.
198. Blind window^[۶۹] شباک اعمی پنجره‌نما - پنجره کور - پنجره
 نافذة لها الشكل، وليست لها کاذب.
 الوظيفة وربما عملت للتضليل.

199. Blossom برعم شکوفه - گل.
زهرة وليدة في اول مراحل النمو.
200. Blue أزرق آبی - نیلی - کبود - نیلگون - تیره - نیل فام - نیل - نیل اندود.
انظر: 315.
201. Bluse صدرية. بلوزة روپوش کار - نیم تنه - بلوز.
قطعة من الملابس تكسو النصف العلوي من البدن
202. Bluse بَكْرَة قرقره - ماسوره - قلاب چوبی
جسم اسطواني من خشب او نحوه تلف حوله الخيوط او الاسلاك او بعض الأقمشة.
203. Bodrum(Tr.) بدروم صندوقخانه:
و بالفارسية بدرون وهي غرفة الاساس في المبنى وتكون تحت مستوى سطح الأرض وتستخدم للتخزين او للحفاظ على بعض الأشياء.
صندوقخانه - اتاقی که در ساختمان در سطحی پایین تر از سطح زمین ساخته می شود و برای انبار کردن و نگهداری اشیا بکار می آید.
204. Bolt مزلاج. تریاس ۱- زبانه قفل - چفت - کلیدانه - کشویی در.
ما يثبت في الباب لأحكام غلقة. وقد تطلق التسمية على لسان القفل الذي يحركه المفتاح للفتح والغلاق.
۲- گلنگدن - کشویی تفنگ.
205. Bombe منبعج. منفوخ بادکرده - گرد - محدب - برآمده.
صفة للضلع المحدود ببعض الشيء في المباني او الاثاث.

206. **Border** حاشیه-لبه-کران-مرز-سجاف.
حافه. کنار
شریط یدور حول موضوع معین
لتحدیده.
انظر: 1013.
207. **Borough** ۱- شهر خودگردان
مدینه ذات استقلالية
۲- شهر نماینده دار در پارلمان-
نوع من المدن الحصينه ذات
الاستقلالية، عرفته اورباني العصور
حوزه نمایندگی.
۳- شهرستان.
الوسطی وكانت تمنح لها اميازات
خاصة من حكومة الاقطاع.
208. **Boss** قسمت کاری غلطک- قسمت
شیاردار غلطک.
حدبة- نتوء
حلیة بارزة كالحملة او كالنهد.
209. **Bowl**^[۷۰] کاسه- جام- پیاله- قدح- طاس-
ساغر- آبیجامه.
طاس- سلطانية
اناء كروي لوضع المشروبات
الحساء، شاع استخدامه في
صناعة الخزف.
210. **Big bowl** ظرف بزرگ برای غذای گروهی.
قصعة
وهی سلطانية كبيرة يقدم فيها
الطعام لمجموعة الأكلين.
211. **Box** اتاقک خلوت- اتاقک استراحت
اشراف جنب مساجد در قبل یا
بین نمازها.
مقصورة
غرفة او جناح لاستقبال عدد
محدود من الناس ومثلها ما كان
يلحق بالمساجد لاستراحة الحکام
او السلاطين عند تأديتهم للصلاة
لجامعة.

212. **Bracket**^[۷۱] رکبة حامله طاقچه دیوارکوب- پایه
زائده تبرز عن الجدار صالحة سه گوش- رف بند- پایه دیواری.
لاستقبال رف او نحوه و یسمها
اهل الصنعة: زاوية.
انظر: 424.
213. **Braid**^[۷۲] جدیلة. ضفيرة گلابتون- قیطان- نوار- حاشیه-
حلیة مضفورة من الخیوط او یراق- گیس باف.
الشرائط شاعت في الفن
الاسلامي.
214. **Brass** شَبَه. نحاس أصفر ۱- برنج: آلیاژهای مس و روی-
خلیط معدني من النحاس الأحمر برنز- رنگ برنزی.
و الزنك بنسب متفاوتة. ۲- اسباب و ظروف برنجی.
215. **Breastplate**^[۷۳] واقية الصدر زره سینه- سینه بند اسب.
قميص من زرد او نحوه یقی
صدر المحارب من ضربات
خصمه.
216. **Brick** طوب آجر- خشت.
انظر: 12.
217. **Brick. Airdried-** طوب مجفف بالتهوية خشت خشک شده در هوای
آزاد.
218. **Brick. Backed-** طوب محروق. آجر آجر- خشت پخته.
219. **Brick. design** ^[۷۴] تشکیلات بالطوب نقش و نگار آجری- نگاره
آجری- نقش آجری- طرح
آجری.

220. Brick dressing	تکسیه بالطوب	تراش آجر- آرایش آجر.
221. Brick. Dried-	طوب لَبن جاف	خشت خشک- آجر.
222. Brick. Glazed-	طوب مزجج	آجر لعابی- کاشی- آجر لعابدار.
223. Brick heading bond ^[۷۵]	رَباط الأديات رباط رؤس القوالب وضع قوالب الطوب في المداميك بحيث لا تظهر منها سوى رؤسها.	تسمه برداشتن قالب: تسمه‌ای که چندین قالب را به هم وصل کرده و با آن می‌توان چندین قالب را به یکبار از کار جدا کرد.
224. Brick. Hollow-	طوب اجوف فرغ من الداخل بقصد التخفيف.	آجر مجوف- آجر توخالی.
225. Brick kiln. Fired-	طوب القيمن الطوب المحروب في القماين.	کوره آجرپزی- کوره مصالح بنایی- کوره چوب خشک‌کنی.
226. Brick. Perforated-	طوب مثقف	آجر سوراخدار.
227. Brocade	وُشي. نسیج مقصب نسیج تضاف خيوط معدنية الى لحمته لاثرائه وتجميله.	۱- زری- پارچه زربفت- زرباف ۲- پارچه ابریشمی گل برجسته- دبیت ابریشمی گلدار- استبرق- دیبا.
228. Bronze	برونز خليط معدني من النحاس والقصدير و اوكسيد الزنك بنسب مختلفه لصناعة الأواني والعملة وغيرها.	۱- مفرغ- مسبار- برنز- برنز نما. ۲- مفرغینه- پیکره مفرغی.

229. Brooch مشبک. بروش سنجاق سینه- گل سینه.
 قطعه حلی علی هیئت دہوس
 مشبک تحلی بالأحجار الکریمہ.
230. Bucket^[۷۶] سطل. دلو سطل- دول- دلو- آبریز.
 ماعون لحفظ السوائل له علاقہ
 نصف دائریة تقوم فوق فوہتہ
 ومثبتة فی البدن بعروتین.
231. Buckle مشبک. ابزیم. بکلہ سگک- قلاب- قاب.
 اداة تثبت فی طرف الحزام
 لاحکام شدہ.
232. Bullseye شباک حلقی روزنہ تزینی گرد یا بیضی.
 نافذہ مستدیرہ کعین البقرہ تتواجد
 فی الأقبیة والقباب.
233. Bunwark مصد. حاجز. متراس خاکریز- بارو- سنگربندی-
 درئیة تقام لحماية الجنود ووقایة
 مواقعهم. حصار- دیوار- پناہ.
234. Bunch^[۷۷] باقہ. حزمہ خوشہ- شاخہ- کلالہ- دستہ-
 مجموعہ من الازهار- او الأفراد-
 بجمعها خیط او عمل واحد او
 عنقود. گروہ- جمع.
235. Burma(Tr.) بریمہ حلزون. برمہ حلزونی شکل- پیچدار-
 صفة للحلزونى او الملوى من
 المسامير او الأعمدة او نحوها. ستون حلزونی: ستون پیچ دار.
236. Bust^[۷۸] تمثال نصفی پیکرہ- بالائتہ- پیکرہ سر و سینہ-
 تمثال یکتفی فیہ بعمل النصف
 العلوی للبدن (الصدر والوجه) مجسمہ نیم تنہ.

237. **Butteress**^[۷۹]

دعامة سائدة

پشت‌بند-

حائط قوى داعم لجدار.

پدپیل: پایه یا بدنه بنایی در کنار
بنای اصلی برای تحمل رانش
جانبی طاقهای سقف که بر آن
بدنه وارد می‌آید.

جرز- شمع پشتیان -
دیوار حائل- نگهدار.

238. **Butteress.**

دعامة طائرة

پشت‌بند معلق-

Flying^[۸۰]

حائط قوي ينتهي بعقد طائر
لتقوية جدار يحمل ثقلا، مثل
دعامة القباب.

پشت‌بند شمشیری: در معماری
گوتیک و اسلامی بکار می‌رفته
و نمونه عالی آن در مسجد جامع
یزد است.

C

239. Cabin مقصوره. کبینه
 ۱- کلبه- خانه محقر- اطاق
 کوچک- خانه کوچک- دخمه-
 کابین.
 ۲- اطاق کشتی- خوابگاه کشتی.
 الحمام.
 انظر: 211.
240. Caftan قفطان
 قبا- خرقه- جبه- خفتان.
 ثوب فضفاض سابغ، مشقوق من
 الامام، يضم طرفیه حزام.
241. Caldron مرجل. غلاي
 وعاء عمیق کبیر ذو عروتین
 کبیرتین و غطاء متحرک یستخدّم
 للطهي للجماعات الکبیره.
 دیگ- پاتیل- قزغان- کتری
 بزرگ- آبستانه.
242. Calidarium(L.) الغرفة الساخنة
 واحدة من غرف الحمام الروماني
 الثلاث حيث يوجد الماء الساخن
 جدا.
 گرمخانه حمام (در روم باستان).
243. Calker قلفاط
 حرفة القلافة و هي معالجة شقوق
 السفینه بالاصطبة والقطران قبل
 انزال السفینه للماء.
 ۱- گذاردن الیاف شاهدانه یا پنبه
 در درز یا شکاف الوار چوب
 کشتی به منظور آببندی -
 درزگیری.

- ۲- آهنی که به نعل می‌زنند تا از سرخوردن جلوگیری کند.
- ۳- نعل کفش یا پوتین.

244. Calligraphy^[۸۱] فن الخط. الخطاطة
تجوید الكتابة و اتمام نقطها
واعجامها بالأساليب المختلفة.
خوشنویسی - خطاطی -
خوش‌نگاری - کلک‌پیرایی.
245. Calligraphic
exercice مشق الكتابة
کراسات نموذجية يكتبها
الخطاطون و يحتذوها هواة تعلم
الخط الموجود.
تمرین خط - کلک‌پیرایی - مشق
خط.
246. Cambric cloth قماش باتسته (بطسته)
نوع من نسيج رقيق عرف باسم
مبتكره: كامبريه باتيستا.
نوعی پارچه کتان - قمیص.
247. Camcak (Pr.) مغرفة
ملقعة كبيرة من الخشب لنقل
السوائل.
چمچه - کمچه.
248. Cameo^[۸۲] خاتم منقوش. قمعة
حفر ناتى فى مادة شديدة
الصلابة لعمل خاتم او علامة
ويكون لون الأرضية مختلفا عن
موضوع الحفر لأبراز هيئة الحفر.
برجسته کاری مدالی:
برجسته کاری روی سنگ قیمتی
برای ساختن مدال.
برجسته کاری در جواهر
و سنگهای قیمتی - نقش
برجسته - جواهر تراشی.
249. Campaniform^[۸۳] ناقوسی الشكل
تاج لعمود فرعوني على هيئة
ناقوس مقلوب.
ناقوسی شکل.
ستون ناقوسی.

250. Canopy^[۸۲] ظلة آسمانه- سایبان- قبه- چتر.
 مظلة بلا جدران. تحملها قوائم
 فی الأركان للوقاية من المطر او
 الشمس.
 انظر: 281.
251. Cantilever کابولي. رکبة سگدست- تیر طُرّه.
 حجر مثبت من احد طرفية فی
 جدار، یوظف فی حمل سلم او
 شرفة او مشربية.
 تیر سرکش: تیر یا عضو افقی که
 به شکل اهرم یک سرش بر پایه
 متکی و سر دیگرش از بدنه بنا
 بیرون نشسته است و طره یا
 سایه بان یا بالکانه را تشکیل
 می دهد- تیری که از یک طرف
 نقطه اتکا دارد.
252. Cap طاقية کلاهک- کلاه- کله پوش- پوشش.
 نوع بسیط من اغطية الرأس
 تتعدد اشکاله. وفي العمارة هي
 منطقة رأس حنية المحراب.
253. Capa عباءة قصيرة شنل- گردن آویز.
 رداء قصير یطرح علی الأكتاف
 یغطی الصدر والظهر. یطلق علیه
 البعض اسم «حرملة».
254. Capital^[۸۵] تاج العمود سرستون- کلاهک- تاج.
 القسم العلوي المستقر فوق البدن
 الذي یحدد اسلوب زخرفة العمود
 وقد اسماء ابن جبير فی الرحله
 «التفاحة».

255. Capital. Bulbous- تاج بصلیه
تاج علی هیئت رأس البصلة.
سرستون پیازی شکل- سرستون گرد.
256. Carafe دورق. شفشفق
اناء له عروة يوضع فيه الماء على
المائدة وربما كانت من العرييه
«غرافة».
تنگ - آبدان.
257. Caravan قافلة
القيروان هي القافلة والاشتقاق
قريب، وتعني ركب المسافرين.
کاروان- قافله- کجاوه- کالسکه-
ارابه- وسیله نقلیه سرپوشیده.
258. Caravansaray (Pr.) محط رحال القافلة
مؤسسة فندقية كانت تقوم على
طرق التجارة لاستقبال التجار مع
ما معهم من البضائع والدواب.
کاروانسرا.
259. Card-board فرخ کرتون
نوع من الورق المقوى استخدم
في تجليد الكتب و صناعة العلب
و بعض انواع الملابس.
مقوا- مقوای نازک.
260. Caricature رسم ساخر. کاریکاتیر
اسلوب في التعبير بالرسم يعتمد
على المبالغة في خصائص خاصة
بالشخص او الموضوع.
کاریکاتور: چهره سازی ظنر آمیز
با بیانی مبالغه آمیز.
261. Carpet طنفسه. نمرقه
نسيج مضافور من خيوط سمیكة
لتغطية الأرضيات.
انظر: 1083.
فرش- قالی.

262. **Cartouche(Fr.)**^[۸۶] **خرطوشه. خانه**
 ۱- قاب کتیبه: (برای کتیبه‌نویس در معماری و سنگتراشی).
 ۲- قاب کتیبه قالی.
 مساحه محدده باطار زخرفی او ساده یجیء بداخلها اسم شخص او تواقع معین.
263. **Carving** **کشط. کحت**
 ۱- پیکره تزینی (از چوب، فلز، سنگ، عاج، مرمر).
 ۲- کنده کاری- پیکر تراشی- حکاکی- سنگتراشی- قلمزنی.
 طریقه فی الحفر لابراز الأعمال التشکیلیة المصنوعة من الحجر او الخشب او البلور ونحوها.
264. **Casting** **صب القوالب**
 ریخته گری- فلز ریزی.
 عملیة وضع المواد المتعجنة فی قوالب لعمل نماذج نمطیة من موضوعات زخرفیة.
265. **Castle**^[۸۷] **معقل. حصن**
 دژ- قلعه- قصر- رخ- هودج.
 بناء قوي متعدد الأقسام لایواء الجنود او السلطة الحاكمة لمدينة، شاع فی العصور الوسطی.
266. **Catacomb** **سرداب**
 ۱- سردابه - سرداب - دخمه.
 ۲- گورخانه دخمه‌ای: گورستان در حجره‌ها و معابر زیرزمینی- دخمه محل اجساد مردگان- گورستان دخمه‌ای.
 اقبیة طبیعیة غالباً تستخدم للتخزین او الدفن او للاحتماء بها.
267. **Catapult**^[۸۸] **منجنیق**
 سنگ‌انداز - قلاب سنگ.
 منجنیق - چوب فلاخن -
 دولاب یعمل بالحبال والروافع لقذف الأحجار او كتل اللهب علی حصون الأعداء.

268. Catena سلسله. کاتینه زنجیر-رشته-سلسله.
مجموعه متصلة من الحلقات
المعدنية الصغيرة والكبير تستخدم
كنوع من الحبال والأربطة.
269. Cavetto تقويرة. کافتة ابزار ربع گردی-قالب مجوف.
حلية نحرية تشبه ربع دائرة مقعرة
تستخدم كثيرا في التشكيلات
الزخرفية.
270. Ceiling سقف سقف-پوشش یا اندود داخلی
سقف.
سماء الحجرة الداخلي المواجه
واعلاه هو السطح.
271. Celadon سیلادون سبز پریده-رنگ سبز یدلی.
مادة طلاء لونها اخضر زيتوني
استخدمها الصينيون في تزجيج
الخزف.
272. Cell خلوة. صومعة مقصوره: اتاق مرکزی یا
دروناخانه.
غرفة صغيرة تلحق بأماكن العبادة
وتعرف في الكنائس المصرية
باسم «القلاية».
273. Cemetery جبانة. قرافة گورستان-قبرستان-مقبره-
آرامگاه.
مكان في المدينة مخصص لدفن
الموتى.
274. Cenotaph نصب تذکاري گورسریاز گمنام: مقبره یادبودی
بناء رمزي يقام تحية وذكرى
للمتوفى كقبر الجندي المجهول.
خالی از جسد.

275. **Ceramics** خزفیات ۱- سفالگری- کوزه گری-
سرامیک سازی.
کل ما یصنع من الطین و یدهن
و یحرق فی الافران من الفخاریات.
۲- سفالینه ها (انواع سفالینه -
چینی - کاشی).
276. **Cesspit** بالوعة گنداب رو- مجرای فاضلاب-
چاه فاضلاب.
مکان تذهب الیه نفايات المبنى.
277. **Chain-stitch**^[۸۸] غرزة السلسلة دوخت زنجیری- کوک زنجیری-
بافت زنجیری.
انظر: 1178
278. **Chalet** کوخ کلبه کوهستانی- کلبه ییلاقی-
آلونک چوبی چوپانان.
بیت ریفی صغیر مصنوع من
الخشب عادة و یقام فی المزارع
او علی الشواطئ.
279. **Champherrad**^[۹۰] مبتور الحافة لبه پهن - دارای لبه پخ.
معالجة للحافات الحادة المصنوعة
من الحجر او الخشب او مثلها بقصد
الزينة او حماية لها و لمستعملها.
و شاع تعبير مشطوف الحافة.
280. **Chandelier**^[۹۱] ثريات. نجفة. قندیل قندیل- چلچراغ- شمعدان
مجموعة من المصابيح ينسق
بعضها مع بعض لتقوية الاضاءة.
چندشاخه- لوستر.
281. **Chatre(cetr,Pr.)**^[۹۲] وقاء. ستر چتر.
تغطية بسيطة من قماش، تقي ما
تحتها.

282. **Checkered**^[۹۳] شطرنجی تقسیمات
اشکال تتکون من مربعات علی
هیئة لوحة الشطرنج. رگچین شطرنجی- نماکاری
شطرنجی.
283. **Chef- d'oeuvre**(Fr.) رانعة
انظر: 794. شاهکار.
284. **Chest** صندوق العروس
صندوق من خشب، جيد الزخرفة
لحفظ خصوصيات العروس. صندوق- جعبه- یخدان.
285. **Chestnut** قسطل (ابوفروة)
ثمرة بنية اللون، استعير اسمها
لبعض درجات اللون البني. شاه بلوط- بلوطی رنگ- خرمایی.
286. **Chevrons** منشاریات. مستننات
حلیات علی هیئة اسنان المنشار.
انظر: 870-875. ۱- خطوط خیزابی- جناغی های
متوازی.
۲- یراق آستین دست پاسبانها
و سربازها به شکل [۸]
۳- هر چیز شبیه [۸]
287. **Chiaroscuro** (It) اضواء و ظلال
او المضىء و المظلم من الالوان
فی لوحة واحدة. و استخدم ذلك
للإیحاء بمق الصورة. ۱- سایه روشن
۲- اسلوب سیاه روشن کاری (در
نقاشی)- نقاشی سیاه قلم
288. **Chimera**^[۹۴] شمیمرة
حيوان اسطوري يوناني له رأس
اسد و جسم تیس و ذیل تنین. غولشیر: غول اساطیری یونان با
سر شیر و بدن بز و دم اژدها که از
دهانش شعله بیرون می زند و گاهی
نیز در هنر به صورت شیری که
کله بزی شاخدار از پشت آن
بیرون آمده نشان داده شده است.

289. Chimney- stack مجمع المداخن ۱- برج دودکش: برجی در ساختمان که مجموع چند دودکش روی آن است.
برج صغیر یعلو سطح المبنى تتجمع عنده و تخرج منه نهايات المداخن او المدافىء. ۲- قسمتی از ساختمان که دودکش‌ها از آن عبور می‌کنند.
290. China clay طفلة صينية. کاولین خاک چینی- کاولین.
طفلة نقية شديدة البياض صنع منها الصينيون اجود اوانبيهم الخزفية وانتقلت منهم الى العرب و اطلقوا عليها اسم الفصار.
291. Chisel^[۹۵] ازمیل مُغار- قلم حکاکی- اسکنه.
واحدة من ادوات النجار مختلفة العرض و القطع سيستخدمها فى الحفر و النحت.
292. Chromium کروم کُروم: فلز سخت و دیرگدازی که علامت آن (Cr) است.
عنصر فلزي، استخدم فى صنع انواع و الوان من الطلاء. و خلط مع الصلب حتى لا يصدأ.
293. Chromophile متشرب اللون رنگِ گیاه- ماده رنگی گیاه.
صفة للسداة شديدة التقبل والامتصاص للون
294. Clpher شفرة- علامة رمز- پیام رمزی.
كتابة غير واضحة المعالم تصعب قراءتها لأول وهلة و مثلها طغراوات السلاطين.
انظر: 822.

295. Cistern

صهیرج

مخزن آب- آب انبار- منبع آب

خزان للماء كبير يكفي حاجة
مدينه و يكون تحت سطح
الأرض او فوق ربوة عالية.

296. Citadel

قلعة

ارگ: بخش مستحکم و دفاعی
شهرهای باستانی.
دژشهر- حصار قلعه نظامی.

حصن ضخم محاط باسوار منيعة
قد يستوعب سكان مدينة في
حالة مداومتها بالاختار.

انظر: 264

297. City wall

سور المدينة

دیوار شهر: دیوار بزرگی که دور
شهر می‌کشند مانند دیوار چین یا
دیوار قاهره در زمان حکومت
فاطمیون مصر.

سور حصین ممتد یقی المدينة
هجمات الأعداد. و مثله سور
الصين او سور القاهرة الفاطمية.

298. Classical

اصیل. قدیم

۱- کلاسیک - باستانی (متعلق به
یونان و روم باستان)
۲- اصیل- تاریخی.
۳- پیرو سبکهای باستانی.

صفة تطلق على الأصيل القديم و
كل ما ينهج نهجه. و تطلق الصفة
عامّة على كل ما تخلف عن
اليونان و الرومان من اساليب
الفن و الحضارة.

299. Cliche

اکلشیة

کلشه: اثر هنری پیش پا افتاده.

عمل متطابق تماماً مع اصل
سابق. او لوحة مجهزة للطباعة
مصورة عن اصل موجود.

300. Cloak

عباءة

ردا- عبا- خرقه- جبه.

رداء فضفاض يطرح فوق
الملابس العادية. و قد يغطي
الرأس ايضاً

301. Cloisonne (Fr.) محجّز مقسّم. محدّد
 میناکاری که نقشهای آن به وسیله
 میله‌های نازک از یکدیگر جدا
 شده است.
 ۲- خانه خانه، حجره حجره.
302. Clown مهرج
 المضحک الذی یثیر الناس
 بغریب هیئتہ او کلماتہ او حرکاتہ.
303. Coat of arms^(۷) شارة النبالة
 ملیوسات او دروع او علامات
 تحدّد هویة حاملها مثل رنوک
 امراء الممالیک
304. Coat of mail زَرْد. درع
 قمیص من حلقات معدنیة
 موصولة یقوم مقام الدرع
 للمحارب.
305. Cobalt کوبالت
 صیغ معدنی شدید الزرقه.
 ۱- کوبالت: عنصر فلزی که در
 ساختن رنگهای آبی به کار
 می‌رود.
 ۲- فلز لا جورد لا جوردی کاشی.
306. Coffer حشوة. غائرة. نُقْرة. حفیر
 وقبة غائرة كالحق او القصعة.
 تزیین سقفوف الأقبية او القباب.
 والنقرة تجويف رأس الفخذ.
 انظر: 831.
- صندوق جواهرات- خزانة-
 گنجینه- صندوق- صندوقچه

307. Coffin نعش تابوت: وسیله‌ای که با آن مرده را
صندوق او وسیله حمل المیت برای دفن حمل می‌کنند.
للدفن.
308. Colled^[۹۷] ملفوف مارپیچ- حلقه حلقه- پیچه-
صفة للحبال او الاسلاك او کلاف- چنبر
الشعور الملفوفة لاستخدامات متعددة.
309. Coin یسک العملة، یسک النقود ۱- سکه- مسکوک.
انظر: 815. ۲- سکه‌زدن.
310. Collar^[۹۸] رقبیة، یاقه ۱- حلقه‌ای که دور ستون برای
حلقة تشاهد اعلى العمود للتقوية تقویت یا تزئین ساخته می‌شود.
او للزينة. أو طوق يدور حول ۲- قلاده- یراق- گردن‌بند- حلقه.
رقبة الحصان ينظم حركة اللجام.
311. Collage (Fr.) تصوّق تصویر تکه کاری- کولاز-
انظر: 937. نقاشی چسبانندنی: شاخه‌ای از
نقاشی نوین مبتنی بر چسبانیدن
یا نصب مصنوعات یا اشیای دم
دستی و ناچیز و کاملاً نامتجانس
بر متن پرده و درآمیخته با خود
نقاشی مانند بریده روزنامه یا
قطعه‌ای حصیر یا ریسمان یا
گونی و مانند آن به منظور ایجاد
تضاد یا ترکیبی نامعمول
و تداعی‌انگیز و نیز برای تأکید
گذاردن به اهمیت ماده و شیء که
عاری از بار عواطف و روابط
مانوس است.

312. Colonnade صف اعمدة ردیف ستون- ایوان ستون دار-
ستون بند- ستون بندی.
انظر: 64.
313. Colophon^(۹۹) قلفونة. خاتمة صفحه امضا: صفحه آخر کتاب
که محتوی نام کاتب، نقاش
نویسنده و مانند آن است- نشان
ناشر در انتهای کتاب.
فراغنامه کتاب -
سطور علی هیئت خاصی
الکتاب، تتضمن اسم المؤلف او
الناسخ او المصور وتاریخ ذلك
و مكانة احتياط.
314. Colossal order عمود ماردي ستون غول پیکر- ستون عظیم
عمود او دعامة ضخمة ترتفع في
الواجهة لأكثر من طابق.
انظر: 391.
315. Colour لون رنگ- فام- گون- لون.
صفة للجسم تظهر على مرآة العين
حين تنعكس الموجات الضوئية من
ذلك الجسم على عدسة العين.
316. Colour. Abrupt- منقطع. مقتضب رنگ بریده- جدایی رنگ.
317. Colour. Brightness of- لمعان اللون روشنی رنگ- درخشندگی رنگ.
318. Colour. Combination of- تألف اللون آمیزه رنگی- ترکیب رنگی-
مخلوط رنگ- تلفیق رنگ.
319. Colour. Contiguity of- تقارب اللون مجاورت رنگ- تماس رنگ-
ارتباط رنگی- نزدیکی رنگ.
320. Colour. Contrast of- تباين اللون تضاد رنگ ها- تضاد رنگی- تقابل
عناصر رنگی.

321. Colour. Darkness of-	قتامة اللون	تیرگی رنگ.
322. Colour. Deepness of-	عمق اللون	شدت رنگ-سیری رنگ-زیادی رنگ.
323. Colour. Diversity of-	تغیر اللون	اختلاف رنگ-تمایز رنگ.
324. Colour. Dullness of-	انطفاء اللون (عتامة اللون)	گرفتگی رنگ-کمرنگی-تیرگی رنگ-خفگی رنگ-بی‌روحو رنگ-یکنواختی رنگ.
325. Colour. Fading of-	اضمحلال اللون	کمرنگ شدن-محو شدن رنگ-رنگ باختن.
326. Colour. Glaring of-	سطوع اللون	درخشندگی رنگ-روشنایی رنگ-نمود رنگ.
327. Colour. Graduation of-	تدرج اللون	درجه‌بندی رنگ-زینه‌بندی رنگ.
328. Colour. Harmony of-	تناسق وانسجام اللون	توازن رنگ-تقارن رنگ-سازگاری رنگی-هماهنگی رنگی-تناسب رنگ.
329. Colour. Intensity of-	كثافة اللون	شدت رنگ-تندی رنگ-فزونی رنگ.
330. Colour. Iridiscent-	الوان قزحية	رنگ‌های رنگین‌کمانی-قوس قزحی.
331. Colour. Loud-	لون صارخ (زاعق)	رنگ زرق و برق‌دار-رنگ جلف-رنگ زننده.

332. Colour. Matt- لون منطفیء (مترب، مغبر) رنگ مات- رنگ پرداخت نشده.
333. Colour. Pastil- الوان طباشیریه (باستیل) مداد رنگی- رنگ پاستل.
334. Colour. Plainness of- سذاجة او بساطة اللون آشکاری رنگ- وضوح رنگ- سادگی رنگ.
335. Colour. Purity of- نقاء اللون اصالت رنگ- صافی رنگ- یکدستی رنگ- خلوص رنگ.
336. Colour. Secondary- لون ثانوي رنگ ثانوی- رنگ دست دوم- رنگ درجه دوم- دومین رنگ.
337. Colour. Shade of- طيف او درجة اللون سایه رنگ- درجه رنگ- اختلاف درجه رنگ.
338. Colour. Vividity of- حيوية او زهوة اللون سرزنده گی رنگ- وضوح رنگ- روشنی رنگ- شفافیت رنگ.
339. Colour. Scheme of- منظومة الألوان خطة الألوان طرح رنگ- نقشه رنگ- ترکیب رنگ- ساخت رنگ.
340. Colour. Sensation of- حساسية اللون حس رنگ- هیجان رنگ- احساس رنگ.
341. Colour. Water- الوان مائية آبرنگ- رنگاب
342. Colour. Amber- لون عنبري (کهرماني عسجدي) کهرابی: زرد مایل به قهوه‌ای.
343. Colour. Aubergin- لون بادنجانى (اسود محمر) بادمجانی رنگ (مشکی مایل به قرمز).

344. Colour. Auburnt- اسمر (قمحي غامق بلون
القسطل) قهوه‌ای مایل به قرمز- رنگ قرمز
مایل به زرد- خرمایی- شرابی-
می‌گون- بور- طلایی.
345. Colour. Beige- أزرق قهوه‌ای روشن مایل به زرد
و خاکستری- رنگ زرد کدر-
نخودی رنگ- رنگ بژ
346. Colour. Blue- بیج (رملی. صحراوي مصفر) آبی- کبود- نیلی.
347. Colour. blue- Cobalt أزرق. کوبالتی ارزق قاتم لاجورد: نوعی رنگ دانه سبز
مایل به آبی که حاوی اکسید
کبالت و آلومینیوم است.
آبی مشکى.
348. Colour. Marine blue- ازرق بحري رنگ آبی دریا- دریایی رنگ.
349. Colour. Sky blue- أزرق سماوي رنگ آبی آسمانی.
350. Colour. Ultramarine blue- أزرق بحري قاتم آبی لاجوردی- آبی و رای رنگ
دریا.
351. Colour. Brick red- احمر طوبي قرمز آجری.
352. Colour. Brown- احمر نبی قهوه‌ای- گندمی رنگ.
353. Colour. Burnt brown- بني محروق (غامق) رنگ قهوه‌ای سوخته.
354. Colour. Brown گُمیتی. احمر داکن. احمر قهوه‌ای قرمز- قرمز مایل به
خمري قهوه‌ای.
355. Colour. Buff- طفلي. برتقالي فاتح زرد کمرنگ- نخودی رنگ- زرد
کدر.

356. Colour. Cadmium- قصديري زرد تند- زرد کادمیوم.
357. Colour. Carmine- احمر قاني قرمز جگری- جوهر قرمز دانه.
358. Colour. Carnation- قرنفل (احمر فاتح) رنگ بدن- رنگ گوشت بدن.
359. Colour. Claret red- احمر نبیذی رنگ قرمز مایل به ارغوانی-
رنگ شرابی- لعل فام.
360. Colour. Cochineal- احمر دموی قرمز دانه: ماده قرمز رنگی که از
نوعی حشره به دست می آید.
361. Colour. Crimson- قرمز (طرابیش)
احمر داکن. قرمز سیر- قرمز خونی- جگری
رنگ- ارغوانی- سرخ- زرشکی.
362. Colour. Emerald- زمردی زمردی- سبز زمردی- سبز
روشن- سبز
363. Colour. Honey- عسلی. ذهبی. عسجدي رنگ عسلی- طلایی روشن.
364. Colour. Ivory- عاجی عاجی رنگ- رنگ سفید مایل به
زرد- شیری رنگ.
365. Colour. Lilac red- احمر لعلی
(ارجوانی- احمر فاتح). بنفش کمرنگ- بنفش یاسی.
366. Colour. Lemon- yellow- اصفر لیمونی زرد لیمویی- لیمویی رنگ.
367. Colour. Madder red- احمر فوی (احمر داکن) قرمز روناس: رنگ قرمزی که از
ریشه گیاه روناس به دست می آید.
368. Colour. Mauve- احمر بنفسجی. موف ارغوانی روشن- بنفش مایل به
ارغوانی سیر- رنگ بنفش که از جوهر
قیر ذغال سنگ به دست می آید.

369. Colour. Ochre- (red)- احمر مغرة رنگ اخرايی-زرد مایل به قرمز.
قرمز اخرايی.
370. Colour. Ochre- (yellow) اصفر مغرة اخرايی. زر اخرايی.
371. Colour. off-white- ابيض مصفر او ابيض رمادي سفید مایل به زرد.
372. Colour. Olive green- اخضر زيتوني رنگ زيتونی روشن- سبز
زيتونی- ماشی رنگ.
373. Colour. Opaline لبنی. سحابی شیری رنگ.
374. Colour. orange red- احمر برتقالي قرمز پرتقالی- نارنجی.
375. Colour. Palepink- بَمبة (وردي شاحب) صورتی کم رنگ.
376. Colour. Pink- احمر وردي صورتی- گل بهی.
377. Colour. Purple- ارجواني (احمر بزرقة) ارغوانی- زرشکی- جگری-
لاکی- مخلوط رنگ آبی با قرمز.
378. Colour. Ruby- عقیقی (احمر داكن- غير لامع) یاقوتی- قرمز سیر- لعل فام.
379. Colour. Rust red- احمر صدیء قهوه‌ای مایل به قرمز- قرمز
زنگاری.
380. Colour. Salmon- سالموني (احمر مصفر) عنابی روشن.
381. Colour. Sapgreen- اخضر مصفر رنگ زرد مایل به سبز سیر.
382. Colour. Scarlet- احمر دموي قرمز مایل به نارنجی- قرمز
روشن- سرخ.

383. Colour. Sienne- طحینی فاتح (طحینی داکن
بعد الحرق) قهوه‌ای مایل به زرد که وقتی
پخته شود به رنگ قرمز مایل به
قهوه‌ای در می‌آید.
قهوه‌ای سیه‌نا: رنگ قهوه‌ای مایل
به زرد که از رنگیزه خاک طبیعی
یا خام ناحیه سیه‌نا در ایتالیا به
دست می‌آید.
384. Colour. Silver white- ابيض فضي سفید نقره‌ای.
385. Colour. Surmayi-(Tr.) کحلی (ازرق مسود) سُرمه‌ای.
386. Colour. Turquoise- ترکوازی (ازرق سماوی) فیروزه‌ای- آبی فیروزه‌ای-
فیروزه‌فام.
387. Colour. Vermillion- سلقونی- احمر مصفر شنگرف- شنگرف‌گون- قرمز
درخشان- قرمز.
388. Colour. Violet- بنفسجی رنگ بنفش.
389. Viridian colour زبرجدي (اخضر زرعي) رنگ سبز مایل به آبی- رنگ سبز
ایض سمنی ابيض مصفر. مشتق از اکسید کروم به فرمول
Cr₂ O₃.
390. Colour. Yellowish- لون الدهن البقري رنگ سفید مایل به زرد.
white-
391. Column عمود. اسطون ستون- رکن:
دعامة اسطوانية ذات قاعدة و تاج
و ذات اشكال واساليب متعددة.
انظر: 391.
392. Column. Attached- عمود ملامس ستون چسبیده: ستونی که به
دیوار چسبیده باشد.
عمود وثیق الارتباط بالجدار المجاور.

393. Column. Corinthian- عمود کورنثی
 انظر: 391. ستون کورنتسی: سرستون‌هایی به شکل زنگ منسوب به کورنتس، شهری در یونان باستان.
394. Column. Coupled- عمودان توأم
 عمودان متجاوران یشتکران فی قاعدة واحدة وليس كذلك فی التاج غالباً. ستون دوقلو- ستون جفت: دو ستون که در قاعده جدا و در تاج مشترکند.
395. Column. demi-^[۱۰۰] نصف عمود
 و هو العمود الغاطس او الغائر فی الجدار الی ما یقرب من نصف قطره. وهو العمود المدفون. نیم ستون- ستون‌نما.
396. Column. Doric-^[۱۰۱] عمود دوری
 عمود یونانی کلاسیکی مسمی باسم المدینه او المقاطعة التي ابتکرته. ستون دوریسی: یکی از انواع ستون‌های کلاسیک یونانی منسوب به دوریس، یکی از سه بخش عمده یونان باستان.
397. Column. Engaged-^[۱۰۲] عمود ملتصق
 یلامس جزء منه الجدار المجاور وقد یتخذ للتزیین، مثل اعمدة بعض المحاریب. ستون درگیر: ستونی که بخشی از آن در دیوار مجاور کار گذاشته باشد.
398. Column. Ionic-^[۱۰۳] عمود آیونی
 اسلوب ثالث من اسالیب الأعمدة الكلاسیكية اليونانية. ستون ایونانیایی: شیوه‌ای از ستون‌سازی یونان باستان با سرستون طوماری.
399. Column. Lotiform-^[۱۰۴] عمود لوتسی
 انظر: 391. سرستون نیلوفری (در معماری مصر باستان).
400. Columns order^[۱۰۵] منظومة الأعمدة
 ترتیب ستون‌ها- شبکه ستون‌ها

401. Column. Palmiform- عمود نخیلی ستون نخلی شکل.
انظر: 391.
402. Column. Papayriform- عمود حزمة البردي ستون پایایه- ستون انبه‌ای.
403. Column. Rusticated- عمود فحشن ستون زمخت- ستون سنگ‌چین.
عمود تعترض بدنة حلقات كأنها
احزمة.
انظر: 391
404. Column. Swelling- عمود منتفخ ستون متورم: ستونی که بدنه آن
عمود یتنفخ جزء من بدنه ویقل
الانتفاخ عند اقتراب البدن من
التاج.
405. Column. Tuscan- عمود تسکانی ستون توسکانی: نوعی ستون
شبییه به ستون دوریس و ساده‌تر
از آن که در معماری روم باستان
به کار می‌رفت (منسوب به ایالت
توسکانی ایتالیا).
406. Column. Twisted- عمود ملوي، او حلزون ستون پیچان- ستون حلزونی.
عمود بدنه حلزوني منتظم مثل
البريمة.
407. Complex. مجمع معماری. مجمع بنائي مجتمع ساختمانی: مجموعه‌ای
Building- عدة عمار اجتماعية داخل نطاق از ساختمانها شامل محل
واحد (مدرسة، مسجد، ضريح سکونت، مدرسه، مسجد،
مستشفى، دارطعام ...الخ) عرفتها رستوران، درمانگاه و غیره.
عهود السلاجقة والممالیک
والعثمانيين، الذين اطلقوا عليه
اسم «کلیت».

408. **Composition** **توليف. تاليف** ۱- تصنيف- نگارش- انشاء.
التنسيق بين عناصر العمل الفني ۲- تركيب هنري- تركيب بندي-
وصياغتها في عمل واحد يسوده ساخت.
الانسجام. ۳- آهنگسازي.
409. **Concave** **غائر** ۱- کاس- کاو- توگود.
صفة سطح مقعر من جهة ۲- تورفتگی ديوار یا سطح.
ومحدب من الأخرى مثل هيئة ۳- گنبد آسمان کاو.
المحارب أمن الداخل غائر ومن الخارج محدب.
410. **Conch** **قوقعة. صدفة** صدف حلزوني- صدف
محارة بحرية بلحیة الشكل شیپوری- صدفی.
تستخدم مادتها في التطعيم واستخدمت وحدة زخرفية.
411. **Conch**^[۱۰۶] **تقعيرة القبة** گنبدنیم گرد- ساختمان گنبدی.
هيئة القبة نصف الكروية من الداخل.
412. **Conduits** **قنوات انبوية** آب رو- آبخیز- راه آب- آب گذر-
كتلك التي تحملها قناطر المياه مجرای آب.
لنقل الماء من مكان الى مكان.
413. **Cone**^[۱۰۷] **قمع** مخروط- کله قندی- قیفی شکل.
ومثله المخروط الذي تنتهي به المئذنة.
414. **Configuration** **تشكيل. تكوين** هیئت- قواره- شکل.
انتقال العمل الفني من مرحلة التصور الى مرحلة الصياغة والتكوين.

415. **Confrontation**^[۱۰۸] **مواجهه** **شکل قرینه: تصویر دو چیز که روبروی هم قرار گرفته باشد.**
قیام الموضوعات الزخرفية احدها في مواجهة او قبالة الآخر.
416. **Conscription** **تجنید حشد. تسخیر** **فراخوانی صاحبان حرف مختلف برای ساخت و آماده‌سازی قسمت‌های مختلف یک ساختمان.**
عملية حصر اسماء الحرفيين واهل الصناعة للاستفادة منهم في قيام المنشآت.
417. **Console**^[۱۰۹] **مغلاق. کابولی.ی. رف** **رف تزئینی: طاقچه بسته شده بر سینه دیوار با تزئینات گچبری و پیکرتراشی. پایه‌اسه گوش - طاقچه عاریه.**
انظر:
418. **Contour** **حد** **۱- خط کناره‌نما- دمگیر- خط کناره‌ساز.**
الخط الفاصل بين مساحتين او لونين مختلفين، كما يشاهد في فن التصوير او صناعة الخزف. انظر: 452.
۲- خط فاصل در نقشه‌های رنگی- طرح- نما.
۳- خط مرزی- کرانه.
419. **Convex** **محدب. مسنم** **گوژ- سینه- برآمده- محدب- گرده ماهی.**
السطح الخارجي لعمل مقعر من الداخل مثل المحراب.
420. **Convolutions** **تلافیف. طیات** **پیچیدگی - پیچ - حلقه - چسین خوردگی - شیارهای غیر منظم - چیزی که دارای پیچ و تاب باشد.**
هيئة الفروع والأغصان والمحاليق اذا تشابكت و تلوت بعضها مع بعض.
421. **Copper** **نحاس احمر** **مس- با مس اندودن- قهوه‌ای مایل به قرمز.**
معدن هام لونه احمر مصفر استخدم كثيراً في الصناعة بمفردة و خلط بمعادن اخرى فکان منه النحاس الأصفر brass والبرونز.

422. Copy

نسخه

صورة ثانية تتم تقليد العمل فني أصيل.

۱- رونوشت- نسخه بدل- المثنی.

۲- نسخه کتاب- نسخه چاپی.

423. Coral

مرجان

افرازات حیوانیة بحریة تتحول الى ماده صلبة لونها احمر باهت تستخدم في التطعيم و تجلیة المجوهرات.

مرجان- رنگ مرجانی قرمز- قرمز.

424. Corbel

رکبة. کابولي

بروز يطل من الجدار، لتقبل حمل ثقيل كحائط شرفة او نحو ذلك. انظر: 417.

۱- پیشکردگی: بیرون نشستگی سر تیر یا قالبسنگ یا طاقبند یا بدنه دیوار که گاهی نیز چون پاکار یا محل اتکای اجزای زیرین به کار می رود.

۲- پیش آمدگی تیر ساختمان- پیش آمدگی تزئین ساختمان پیش آمدگی.

۳- کنده چوبی که زیر تیر حمال می خوابانند.

425. Corbie step^[۱۱۰]

خطوة الغراب

اسلوب في تغطية السطوح الجمالونية تكون البلاطات فيه متتالية و متدرجة و طرف كل صف يرتفع قليلا فوق سابقه حتى النهاية.

برجستگی هایی که به شکل کنگره یا پله در سرازیری شیروانی ساخته می شود.

426. Cornellan

عقیق احمر

حجر نصف كريم احمر كدر صلب القوام يستخدم في الترصيع و التطعيم و عمل الأختام.

عقیق جگری.

427. Cornice^[۱۱۱] طنف، رفرف قرنیز- رده گیر- طَرَه- کتیبه.
الطنف ما تهدل من اغصان الأيكة آلت گچبری بالای دیوار زیر
او ما حلی طرف الثوب او واجهة سقف.
المبنى. و قد شاع استخدام اللفظة
الأجنبية هكذا: كورنیش.
428. Corona باقة ۱- تاج گل- اکلیل.
انظر: 484. ۲- هاله- حلقه.

۳- حاشیه زیر قرنیز- قسمت
برجسته قرنیز در گچکاری.
429. Corridor ممر، ممشی، دهلیز سرسرا- دالان- راهرو- دهلیز- راه
طرقه رئيسية داخل مبنى كبير سرپوشیده.
تنتشر الغرف على امتدادها او
ممر يصل بين مبنيين كبيرين.
430. Corundum یاقوتیات سنگهای قیمتی- جواهرات مانند
مجموعة من الأحجار النفيسة، یاقوت، الماس، مرجان و...
منها الياقوت والمرجان والسفير
والتوباز وكلها شديدة الصلابة.
431. Counterfort حاجز مقاومة دیوار پشت بند- دیوار پناه.
انظر: 237.
432. Course^[۱۱۲] عَرَقَه، مَداک رگچین-
صف من لبن او آجر او حجر رج: در بنایی- ردیف افقی آجر یا
يتكرر فوق بعضه بعضا ليتكون سنگچین و مانند آن.
الجدار.
433. Court فناء أو بلاط صحن- حیاط- قصر- دربار-
صحن غير مسقوف داخل مبنى میدان- کاخ.

کبیر تدور حوله سائر اقسام
المبنى. ويطلق الاسم على المكان
الذي يسكنه الحاكم (بلاط
الملك)
انظر: 448.

434. Crackle

تشقق
الخدوش تظهر على سطح الأواني
الخزفية بسبب عدم تماسك طبقة
الطلاء.

برآمدگی سطح یا رنگ در یک اثر
هنری- پوسته شدن رنگ یا
سطح.

435. Crackled glaze

تزجیع تشقق
خدوش و تشققات تظهر في
الأواني الخزفية بعد حرقها.

۱- لعاب ترک دار: ترک خوردن
لعاب در کوره.
۲- تزیین لعاب به شکل ترک.

436. Crackled-ware

خزف مخربش
اسلوب في تزيين بعض الأواني
الخزفية قبل عملية طلائها
لأكسابها بعض الحيوية.

۱- سبکی که سطح اشیای هنری
را دارای چین خوردگی تزیین کند.
۲- ظروفي که سطح آنها ترک دار
یا مودار می نماید.

437. Craftsman

صَناع. حرفي ماهر
و هو الحاذق الماهر في صناعته.

استادکار- هنرمند- صنعتگر-
پیشه ور- افزارمند.

438. Craftsmans mark

علامة الصانع
التوقيع او العلامة التي يختارها
الصانع او المصنع ويضعها على
انتاجه وكأنها علامة الجودة.

نشان استادکار: علامت
صنعتگری که یک اثر هنری را به
وجود می آورد.

439. Cream yellow

اصفر سميني. مصطكاوي
لون ابيض مصفر بلون المصطكي.
انظر: 391.

زرد کرم.

- کنگره
مزغل: شکاف یا دندانه فرو
نشسته کنگره برج.
- عرائس السور. شرافات
حلیات معماریه تزین نهايات
الجدران في المساجد والقلاع
والقصور. و لها اشكال عديدة
وقد تستخدم لحماية الرماة من
فوق الأسوار.
انظر: 166.
441. Crest
شوشة. ذؤابة فوق الرأس
شبه ريشة تعلو رأس الفارس
تحدد رتبته.
442. Crestings
انظر: 442-831.
تاج دار کردن- کاکل داشتن- به
شکل تاج یا کاکل در آوردن.
443. Crimson
قرمزی
انظر: 315
زرشکی- ارغوانی- سرخ- قرمز
سیر- جگری- پیازی رنگ.
444. Crochet
کروشیه
نوع من النسيج اليدوي يتم بابر
معقوفة تصنع عقداً متشابكة.
445. Croquis
کروکی
انظر: 1134
طرح- انگاره- مسوده- طرح
سردستی- کروکی.
446. Cross-bow^[۱۱۳]
عزاده
آلة حربية من العصور الوسطى
تقذف منشئات العدو باللهب
والحجارة. و هي من نوع
المنجنيق.
447. Cross vault
قبو متقاطع
انظر: 1296
طاق متقاطع.

448. **Cruciform**^[۱۱۲] **تخطيط تعامدي** چلیپایی- خاجی شکل- چلیپاوار- به شکل صلیب.
 اسلوب معماری عرف زمن المالیک فی بناء المدارس الخاصة بتدريس المذاهب الأربعة حيث كان لكل مذهب ایوانه.
449. **Crypt** **سرداب** سردابه- دخمه- سرداب (جایگاه نیایش یا تدفین).
 بناء تحت سطح الأرض اوقبو ممتد للتخزين او للسجن.
450. **Cryptography** **كتابة شفرية** نوشته رمزی- به رمز نوشتن- به رمز درآوردن- رمز نویسی.
 ضرب من الكتابة الكودية او الغامضة من أجل الاستخدام في الوثائق او المراسلات السرية او نقل الأخبار العسكرية.
451. **Cubism**^[۱۱۵] **التكعييبية** کویسم: سبک نقاشی که در آن اشیا به شکل مکعب و سایر اشکال هندسی و ترسیمات مکعب بکار می رود.
 اتجاه فني قوامه التعبير عن الاشياء باشكال هندسية، صيغت وفق رؤية الفنان. ظهر هذا الاتجاه اوائل القرن العشرين وتزعمه بيكاسو.
452. **Cuerde seca**(Sp.) **شريط سادة. كوردة سادة** خط جدول: خط ممیز بین دو رنگ.
 خط بلون واضح يفصل بين مساحتين من لونين مختلفين ليتحدد بذلك نطاق بذاته مثلما يشاهد في بعض أنواع الخزف.
453. **Cuneiform** **مسماريات** خط میخی.
 علامات و تدية تشبه هيئة المسمار اتخذت رموزاً للكتابة في حضارات ما بين النهرين.

454. Cupboard صیوان گنجہ۔ قفسہ۔ کُمد۔ گنجہ ظروف غذا و غیرہ۔
دولاب يضم عدداً من الأرفق لحفظ الأطعمة أو الملابس أو الكتب.
455. Cupola^[۱۱۶] قبیبة گنبد۔ قبه۔ سقف گرد یا گنبدی۔
قبة صغيرة تعلو أخرى أكبر منها أو قبیبة تغطي برجاً اسطوانياً أو نحو ذلك.
456. Curb^[۱۱۷] زرنوق ۱۔ جدول: لبه برجسته کنار جوی یا خیابان.
أ۔ حائط بيني لحماية فوهة البئر. ۲۔ طوقه چاه.
ب۔ حجارة تُصَفِّ لتحدد الرصيف. ۳۔ جدول سنگی پیاده رو دارای دیوار یا حایل.
ج۔ حَكَمَة لجام الدابة.
457. Cursive^[۱۱۸] لین۔ مدور خطوط درهم پیچیده، متصل وبدون فاصله.
صفة لحروف الكتابة التي عرفها الخط العربي بعد مرحلة الكوفي وحروفه المزواه.
458. Curtain wall سور خارجی دیوار جداگر.
حائط مرتفع و مدعم بالأبراج لحماية قصر أو مدينة، وعادة ما تلي هذا السور أسوار أخرى.
انظر: 264
459. Cushion مخده ۱۔ بالش۔ پشتی۔ مخده۔ متکا.
و سادة صغيرة تسند الظهر أو الذراع عند الجلوس. ۲۔ چنبره (در گچکاری).
۳۔ زیر سازی زیر سنگفرش و غیره. ۴۔ سنگ سرستون۔ قسمت برآمده یا محدب کتیبه.

460. **Cusped arch** عقد آقرون طاق جناغی- طاق هلالی.
عقد يتصل قوساه في اعلا برأس مدببة.
461. **Cyma^[۱۱۹]** قوسیة گچ بری موجی- ابزار موجی.
حلیة علی شکل قوس تكون معتدلة او منقلبة و منفصلة او متصلة.
462. **Cyma. Recta^[۱۲۰]** قوسیة محدبہ گچ بری موجی افتاده.
463. **Cyma. Reversa^[۱۲۱]** قوسیة مقعره گچ بری موجی جمع.
464. **Cypress** سرو سرو- چوب سرو که استفاده گسترده‌ای در کشتی‌سازی داشته است.
شجرة من الفصيلة الصنوبرية دائمة الخضرة وذات افرع متقابلة علی ساقها، و خشبها واسع الشهرة فی صناعة السفن.

D

465. Dado^[۱۷۱]

وَزَرَة

كسوة للجدار من خشب او رخام
او قاشاني لتغطية الأجزاء الدنيا
من الحوائط. كما تطلق الكلمة
على الكتلة التي تكون قاعدة
العمود في منظومات الأعمدة
الكلاسيكية.

۱- ازاره: حاشیه تزئینی یاروکش
حفاظتی دیوار از کف اتاق تا
بلندی طاقچه یا تا کمررس
آدمی.

۲- کمر پایه ستون: قسمت بلند
پایه ستون واقع در میان پاسنگ و
قرنیز زیر میله ستون.

466. Daisy

اقحوانة، لؤلؤیة، کریزانتیم

زهرة ذات ورقات كثيرة تدور
حول قرص اصفر وتأخذ الواناً
متعددة. شاع استخدامها في
الموضوعات الزخرفية.

گل مینا- گل داوودی- گل
مروارید- گل آفتابگردان.

467. Damask

دمقس

نسیج حریری أخذ اسمه هذا
الانتساب صناعة الى مدينة
دمشق.

۱- حریر گلدار و مشجر.

۲- زرکوبی روی آهن: صنعت
دستی زر و سیم نشانی.

468. Dappled cloth

قماش مرقط

نسیج تتشربه مساحات من الوان
تختلف عن ارضية النسيج ذاته
بغرض التحلية.

پارچه رنگارنگ- قماش خالدار.

469. Daubing طرطشة. تخشبین
مادی که در اندودن و رنگ کردن به کار می‌رود.
اندود ناشیانه- نقاشی بد رنگ.
وضع مواد خشنه بالوان مفايرة
على جدار اولوحة بطريقة الرش.
470. Debris حطام. انقاض
نخاله- خاشاک- آثار مخروبه.
بقايا و مخلفات مما يغطي الأماكن الأثرية.
471. Decadence تدهور
۱- انحطاط هنری- سیر قهقرايی.
۲- دوران انحطاط: قرون انحطاط
اروپا از سقوط روم (سده پنجم
ب م) تا سده سیزدهم.
صفة تطلق على ما يصيب مستوى
بعض المدارس او الأعمال الفنية
من تخلف بعد ازدهارها الفني.
472. Decagonal^[۱۳۳] عشري الأضلاع
ده ضلعی- ده‌بر- ده گوشه.
شكل هندسي له عشرة اضلاع
وعشر زوايا متساوية.
473. Decanter^[۱۳۳] دورق
تنگ شیشه‌ای تزیننی
(مخصوص شراب)- مینا.
اناء لحفظ الشراب قد يكون له
اذن و غطاء.
474. Decor تجميل. تزین
زینت- آرایش- دکور.
و هو التنسيق الجمالي لمكان ما
او تزین و تحلیه عمل فني بغرض
إضفاء نوع من التحلیه الجمالية.
475. Decoration زخرفة
۱- زینت‌کاری- آذین‌بندی- دکوراسیون.
۲- اعطای نشان امتیاز
انظر: 831, 870
476. Decoration.
Incised- زخرفة بالحز
آذین منقوش- زینت‌کاری
حکاکی شده.
نوع من زخرفة الأواني يتم بالحفر
الخفيف في طبقه الدهان ليظهر
الحفر من تحت الطلاء.

477. **Decoration.** زخرفة مطبوعة - کلیشه‌زنی - مهرکوبی -
Stamped- زخرفة تتم بواسطة الضغط بخاتم
 لسهولة تكرار الوحدات الزخرفية. باسمه‌زنی.
478. **Denticles** مستننات زنجیره دندانه‌ای: ردیف
 النهايات المدببة لبعض الحليات مستطیل‌های دندانه‌ای شکل
 الزخرفية كاوراق بعض النباتات کوچک در زیر افریز در معماری
 ونحوها. یونان باستان- کنگره زیر قرنیز
479. **Dergah (Pr.)** درگاه ۱- جایگاه بزرگان.
 أ- مسكن كبار السن و الدراویش. ۲- دربار پادشاه.
 ۲- ساحة في بلاط السلطان.
480. **Design** تصميم (زخرفي) ۱- طرح هنری - نگاره.
 و تعني خلق او تنفيذ موضوع ۲- نقشه‌کار- طرح مقدماتی.
 وخروجه من الحيز التصوري
 للانسان الى الحيز التنفيذي او
 العملي. تستوى في هذا الأعمال
 الفنية و التشكيلية. و في مجال
 الزخرفة تعني الكلمة تكوين
 الأشكال الزخرفية.
481. **Detailed treatment** معالجة تفصيلية شیوه تفصیلی- برخورد تفصیلی.
 دراسة توضيحية لجزء من عمل
 يقصد التركيز على دقائقه، زیادة
 في الشرح.
482. **Devrak(Tr.)** دورق تنگ شراب.
 انظر: 473.
483. **Devsirme(Tr.)** دیوشمرمه جمع آوری سرباز ینی‌چری
 اصطلاح عثمانی اطلاق على عملية
 جمع ابناء غیر المسلمین للخدمة (عثمانی).

العسكرية للدفاع عن مجموع
سكان الأمبراطورية العثمانية.

484. Diadem^[۱۲۵]

تاج اکلیلی
غطاء يوضع على الرأس من
الأزهار أو الأحجار الكريمة.

تاج گل- افسر- سربند یا
پیشانی‌بند پادشاهان مشرق
زمین- دیهیم.

485. Diagram

رسم توضیحی
رسم بخطوط بسيطة بهدف
توضيح موضوع معين.

نمودار نگاشت- نمودار خطی-
نشان دادن بوسیله شکل هندسی-
طرح.

486. Diapered cloth

قماش منقوش
نسیج کنسیج البشکیر به نقوش ملونة
أو مضلعة شديد التشرب للماء.

پارچه کتانى گلداز- قماش
منقوش به گل و نقش.

487. Digging

حفر. تنقيب
أ- التنقيب عن شيء في منطقة ما
مثل المناجم.
ب- المواد المتخلفة عن الحفر أو
الكشف عن الآثار.

حفاری- محل حفر- حفريات-
کاوش.

488. Dimensions

أبعاد. إمتدادات

اندازه‌ها- جهات- ابعاد.

489. Dimensions.
Three^[۱۲۶]

الأبعاد الثلاثة
نقاط يلزم تحديدها لتوفير معرفة
أبعاد الشيء المطلوب: الطول و
العرض و الارتفاع.

ابعاد سه گانه: طول، عرض
و ارتفاع.

490. Diorama

ديوراما. منظور مجسم
مشهد شامل، يختلف التأثير به
باختلاف اللون و الضوء و موقع
الرائي. و يستخدم هذا الاسلوب في
عمل مجسمات المعروضات المتحفية.

تصاویر مختلف و رنگارنگ در
پارچه، پرده و غیره- شهر فرنگ.

491. **Discord** **تنافر** ناسازگاری- ناموزونی-
 الاختلاف الشديد بين موضوعين
 مستقابلين او عدم التوافق
 والانسجام بين الأفكار
 والأعمال.
492. **Ditch** **خندق** خندق- زه کش- نهر آب- آبگیر-
 اخدود يحفر حول سور القلعة او
 القصر بغرض الحماية وتعويق
 المعتدي، وقد يكون مملوءاً
 بالماء.
493. **Divan (Tr.)** **دیوان** ۱- دیوان، مجموعه اشعار، دیوان
 اشعار.
 ۲- مجلس بزرگان و ارکان دولت،
 دیوان دولت.
 ۳- میل یا نیمکت راحتی چند
 نفره.
494. **Dome** **قبة** گنبد- قبه- قلعه گرد.
 بناء يكون على هيئة نصف كرة
 لتغطية مساحة مربعة.
495. **Dome. Gadrooned-**^[۱۲۷] **قبة منقوشه** گنبد منقوش- گنبد تزیین شده با
 قبة ذات سطح منقوش بوحدات
 زخرفية.
496. **Domē. Swallow-** **قبة عدسية. قبة مفلطحة** گنبد نیم عدسی- قبه کوتاه.
 قبة قليلة العمق، اقل من نصف كرة.
497. **Dome. [Semidome-**^[۱۲۸] **نصف قبة** نیم گنبد- نیم قبه.
 حيلة معمارية للتغطية شاعت في

العمارة العثمانية لا تاحة مساحات
ارحب في أماكن الصلاة.

498. Dome. Square-^[۱۲۹] قبة قبویة. قبة مضلعة. گنبد چهارگوش- قبه گوشه دار
قبة لها اربعة اركان كأنها تتكون
من تقاطع قباوين متساويين
ومتعامدين.
499. Door. intermediate- باب وسيط او متوسط درِ واسط
باب يصل بين غرفتين او جناحين. درِ بينابين: درِ میان دو اتاق یا دو
بخش از ساختمان- درِ میانجی.
500. Door. Secret- باب خفی او سری درِ پنهانی- درِ مخفی- درِ محرمانه.
باب صغير في اطراف الحصن او
القصر يستخدم في حالات
الضرورة.
501. Door. Sliding- باب منزلق درکشویی.
باب يتحرك بالانزلاق ولا يعمل
بالمفصلات.
انظر: 1002.
502. Door. Trap- باب خادع دریچه خوابیده (در کف یا
سقف)- دریچه درنما- شبه در.
هيئة باب توهم المشاهد بوجوده
وهو غير موجود. ويكون عادة
لتضليل اللصوص.
503. Dormer window^[۱۳۰] نواصة پنجره روی شیروانی: پنجره
عمودی روی بام دو شیب.
نافذة صغيرة في جدار غرفة
تؤنس النائم بضوء القمر او
الشمس. پنجره جلو آمده زیر سقف
ساختمان.

504. **Dormitory** **مناطة** ۱- خوابگاه (مانند سربازخانه یا خوابگاه دانشجویی)- خوابگاه چند نفری.
غرفة كبيرة تتسع لعدد من الأسرة
لنوم الطلاب او الجنود.
۲- آرامگاه ابدی - مقبره - گورستان.
505. **Dovetail**^[۱۳۱] **ذیل الطائر** اتصال دم چلچله (در بنایی یا درودگری)- کام و زبان دم فاخته‌ای- کام و زبان دم کبوتری.
وصلة تشبيك من خشب او رخام
او نحوهما تكون على هيئة ذيل
الحمامة لتثبيت جزئين منفصلين.
506. **Draughtsman** **رسام** نقشه کش - طراح - نویسنده مسوده اسناد یا قوانین - برنامه ریز.
محترف الرسم وممارس الاشتغال به.
507. **Drawbridge** **جسر متحرك** پل متحرک- پل تاشو- پل بالا کشیدنی- دریچه متحرک.
معبّر من خشب او حديد يتقدم
مدخل الحصن و يصعد او يهبط
بالحبال عند اللزوم.
508. **Dressing stone**^[۱۳۲] **حجر تكسية** سنگ تمام تراش.
حجر يقطع و يهذب و يشذب
للاستخدام في البناء بدلا من الحجر
الدش غير المنتظم. و يستخدم
لتكسية الجدران ولعمل اكتاف النوافذ
و الأبواب و يعرف بالحجر المهندم.
509. **Dropped arch** **عقد ساقط** قوس کُند- قوس کم خیز.
انظر: 67-75.
510. **Drum**^[۱۳۳] **طبله القبة. رقة القبة** ۱- ساقه گنبد.
الجزء المعماري المحصور بين القبة
و المربع او المثلث الذي يحملها. گریو گنبد: استوانه ساختمانی که
چون گریبان یا ساقه در زیر گنبد
قرار دارد.

- ۲- سنگ استوانه‌ای میله ستون-
ستون زیرگنبد.
- ۳- طبل- کوس- چلیک- نورد-
غلطک.
511. Dry walling البناء بدون مونة
رص الطوب او الحجر بعضه فوق
بعض دون استخدام الملاط.
512. Duct مجرى. مسار
انظر: 58.
513. Dullness of colour كآبة اللون
انظر: 315.
514. Dungeon مُطْبِق. سجن
سجن محكم مظلم يشبه السرداب
للتحفظ على المساجين.
515. Dye صبغ
مادة ملونة، ذات ثبات، سريعة
التفاعل بذاتها او بمادة مساعدة
للتثبيت.
- دیوار خشکه چین- دیوار چینی
بدون ملات.
- مجرا- هواکش- خط سیر- لوله-
کانال.
- یکنواختی رنگ- تیره گی رنگ-
بی روحی رنگ.
- سیاه چال- دخمه- زندان-
محبس- تاریکدان- دژ غاله-
زندان زیرزمینی.
- رنگ رنگرزی- رنگ جوهری-
رنگ.

E

516. Earthen

ترابي. فخاري
صفة للمادة الترابية التي تستخدم
في صناعة الخزف.

گلین-خاکی-سفالین.

517. Eave^[۱۳۲]

رفرف. هذب
حافة النهاية للسقف عند بروزه
عن الجدران.

رُخ بام.
لبه بام: رده گیر دورادور بام-
پیش آمدگی لبه بام.

518. Echinus^[۱۳۵]

قنفذة. حَوَايَة
قرص محدوب الحافة ينتهي به
اعلا العمود الأيوني والدوري
وتليه الوسادة ثم العاتق ثم
الطبان.

۱- بالشتکی سرستون: بیرون
نشستگی محدب و حلقوی
بالای ستون که در زیر تاوه
سرستون قرار می گیرد (در ستون
دوریزی یونان).

۲- ابزار محدب سرستون (در
میان میله ستون و تاوه سرستون).

519. Edge

حد. سنان- سظام
الجزء القاطع من السيف.

دَم (شمشیر)- لب- لبه- تیزی.

520. Edging

حافة. حاشیة
جزء یجىء في طرف الثوب
لزخرفته و تزینته.

لبه گذاشتن- حاشیه گذاری-
حاشیه-کناره.

521. Egg and anchor البیضة والخطاف
انظر: 870. ابزار بیضه و لنگری: ردیف
گچبری از شکل‌های یک در میان
بیضی و لنگر برجسته.
522. Egg and dart البیضة والرمح
انظر: 870. ابزار بیضه و پیکانی: ردیف
گچ‌بری از شکل‌های یک در میان
بیضی و پیکان برجسته.
523. Egg and tongue البیضة واللسان
انظر: 870. ابزار بیضه و زبان: اشکال
تخم‌مرغی شکل که در فواصل
آنها اشکالی شبیه زبان قرار دارد.
524. Element عنصر زخرفی
تعبیر زخرفی-نباتی او هندسی او
حیوانی او کتابی-استخدمته
مدرسه فنیه بذاتها و یتیمیز به
انتاجها. عنصر-جوهره-رکن.
525. Embossed^[۱۳۶] ناتىء، ناهد
حلیة محفورة تبرز عن السطح
و تكون علی هیئة نهد او عقدة. قلمزنی (روی فلز)-برجسته کاری
(روی فلز)-گوژکاری.
526. Embroidery تطریز
توشیة الثوب بخيوط معدنية او
ملونة لاثراء زخرفته. قسطنطنیة دوزی-گلدوزی-
قلاّب دوزی-دیسباگری-
زردوزی-نقش گل و بوته-
پیرایه‌بندی.
527. Emerald زمرد
حجر کریم متعدد درجات لونه
الأخضر و یستخدم فی تطعیم
الحلی. زرد-سبز روشن-زمردین.

528. Enamel مینا
 ۱- مینا: ماده زجاجی کدر که در کوره ذوب و شفاف می شود و در ترصیع روی فلزات به کار می رود.
 ۲- لعاب مینایی- لعابی
 طلاء زجاجی صلب یکون غیر شفاف غالبا و یستخدم فی زخرفة التحف المعدنية و غیرها بوضعه داخل مناطق محبزة له عند حرقة فی القرن.
529. Enamel. Glass- زجاج مموهة بالمینا
 مزین بمساحات مکتوبة او مرسومة و مطلیة بالوان المینا ثم تحرق.
 لعاب مینایی شیشه گری- لعاب شیشه.
530. Enameled Partitions مینا محبزة
 تحدید مناطق فی سطح المعدن او الزجاج و وضع لون خاص من المینا فی کل منطقة لکی لا تختلط الوان المینا اثنا الحرق.
 رنگهای مینایی جداساز.
 رنگ مینایی حایل: رنگ حایل برای جداسازی کامل دورنگ از یکدیگر بر روی سطح کار.
531. Enclosure رجة. حصار
 مساحة تتقدم الغرفة و یکون بها باب، او مساحة کبيرة یحميها سور.
 دیوار بست- محصور- چهار دیواری- حریم- حصار کشی- دیوار کشی.
532. Engraving حفر- نقش
 النقر علی اجسام صلبة بادوات اشد صلابة لعمل کتابات مطلوبة او لخلق وحدات زخرفية.
 ۱- کنده کاری- حکاکی- گراور سازی- باسمه کاری.
 ۲- چاپ گود: چاپ با لوح کنده کاری که مرکب درون شیارها بر کاغذ چاپ منتقل می شود.
 ۳- تصویر چاهی- گراور- کلیشه.
533. Entablature طبان. حبكة (تکنة)
 فی منظومة الاعمدة اليونانية، یجىء الطبان المثلث الشكل غالبا فوق تیجان الأعمدة لتتويع
 ۱- اِسپر
 پیشانی: بدنه عمودی و بدون پنجره بالای ستونها تا لبه بام در معماری یونان باستان.

- ۲- قسمتی از سرستون که شامل کتیبه و گلویی است.
- المدخل بما یضم من افاریر وکرانش و غیرها.
- نقوش به هم پیچیده.
534. Entrelacs(Fr.) متشابکات دنتلیات
- زخارف مکتوبه من تعبیرات زخرفیة نباتیة او هندسة شدیده التشابک.
- کتیبه نشان خانوادگی.
535. Epigraphic blazon^[۱۳۷] رنک کتابی
- شعار او علامه کتابیة تضم اسم السلطان والقابہ وتظهر علی کل ما یخصه من ممتلكات.
- ۱- علم کتیبه خوانی و تقسیم بندی آنها.
- خطاطة
536. Epigraphy علم یعنی بدراسة الکتابات والخطوط وتحسينها وفک رموزها والغازها.
- ۲- کتیبه شناسی- برنگاشت شناسی.
- پیکره سوار بر اسب.
537. Equestrian statue^[۱۳۸] تمثال الخیال
- تمثال الفارس یمتطي ظهر جواده.
- قوس پاتو پا: قوس تیزه دار با دو لنگه قوس متساوی.
538. Equilateral arch متساوی القوسین او الساقین
- انظر: 67.
- ۱- میدان جلو قلعه نظامی- خاکریز کم شیب قلعه که در معرض آتش توپخانه قلعه است.
- ساحة عرض. میدان
539. Esplanade مکان ممهد فسیح صالح لأقامة العروض الفنیة او العسکریة.
- ۲- گردشگاه- تفرجگاه ساحلی.
- خدش
540. Etch نوع من الحفر الخفیف یتتم بالأحماض فوق الزجاج او المعدن ومثله کلیشیهات الطباعة
- ۱- چاپ تیزابی خطی: از انواع چاپ گود که در آن سطح لوح فلزی را با غشایی صاف و یکدست از صمغ یا ماده عایق

- تیزاب می‌پوشانند و چون پس از
کندن نقش بر آن سطح، لوح
فلزی را زیر تأثیر تیزاب قرار
دهند هر جا نقش کنده شده،
سطح عایق را از میان برداشته
است خورده و گود افتاده می‌شود
و مرکب چاپ را برای انتقال بر
کساغذ می‌گیرد و نتیجه آن
تصویری است با صراحت
و قاطعیت خطوط.
- ۲- گراور تیزابی- با سیمه سیاه قلم-
حکاکی بر سطح فلز یا شیشه.
- آبریز- آفتابه- مشربه- کوزه.
541. Ewer^[۱۳۹] **ابریق**
اناء لحفظ ماء الشرب تتعدد
اشکاله.
- نمونه- سرمشق- مثال- پیشینه-
سابقه.
542. Example **عینه. نموذج. مثال**
انواع من اعمال قديمة من التحف
ونحوها، تقوم دليلا على اسلوب
المدرسة التي تنتمي اليها.
- خواجه‌نشین- تالار مذاکره.
543. Exedra(L.) **قبة إضافة**
حلية معمارية للتغطية لأضافة
مساحات اخرى الى المساحة
الكبيرة التي تغطيها القبة الرئيسية.
- هیجانگری.
544. Expressionism **التعبيرية**
اتجاه فنى يعنى بالانفعالات
الداخلية للفنان ويقدمها على
الرؤية الخارجية الخاضعة
للانطباع السريع.
- هیجان‌نمایی: شیوه عرضه کردن
هیجانان و تجربیات شخصی با
بیانی شدید و پرشور، رنگهای
تسند و تیره، خطوط خشک

وزمخت و کجوشی اشکال
و علایم چهره از خصوصیات این
مکتب هنری (حدود ۱۹۰۰ تا
۱۹۳۵) به شمار می‌آید. باید
گفت که شیوه هیجانگری از
گذشته‌های دور با هنرهای
تجسمی ملازمت داشته و در
دوره‌های مختلف به گونه‌هایی
تجلی یافته است.

545. Extados^[۱۲۰]

ظهر العقد

سطحة العلوي المحدوب
الموازي لباطنه.

رو قوس.

برون سو: کناره بالایی یا بیرونی
قوس- روطاق- سطح خارجی
طاق.

F

546. **Facade** واجهة رئيسية نما- نماي پيشين (در ساختمان)-
نماي خارجي.
واجهة المبنى المطل على الطريق
والذي يضم المدخل الرئيسي له.
547. **Facet** واجهة ثانوية ۱- لبه قاشقي: باريكه برجسته
ميان دو قاشقي روي ستون.
۲- تراش- بر (هر سطح
تراش خورده جواهر).
548. **Facial** وجهي روبرو- سطحی- رویی.
عمل فني يركز على الوجه فقط.
549. **Faded colour** لون مضمحل رنگ پژمرده- رنگ رفته.
انظر: 315
550. **Faience mosaic** فسيفساء خزفية موزاييك كاشي- موزاييك چيني.
رقائق صغيرة من الخزف المتعدد
الالوان يجمعها اطار واحد وتكون
موضوعا زخفيه واحدا، وهو اسلوب
استخدم في تزيين المسطحات.
551. **Fake** تزيف: تزوير جعلی- ساختگی- تقلیدی-
تقلبی- کپی.
القيام عمدا بمحاكاة عمل فني
معروف بقصد الغش والخداع.

552. **Falconer** بیزار قوش باز - قوشچی باشی - شاهین باز - بازبان - بازگیر - بازدار. صائد البزاة و مدربها.
553. **False door** باب کاذب درنما - در کاذب. هیئت باب بفرض التعمية والتضليل.
554. **Fan-wise**^[١٢١] مروحي الشكل شکل بادزدن - بادبزی تشکيل يعطي هيئة المروحة واشعاع اضلاعها.
555. **Fantastic**^[١٢٢] طروب. حالم. خیالی ١- خیالی - موهوم
صفة لبعض اشكال الحيوانات ٢- شگفت آور - شگفت المرسومة على الخزف. وصفة لبعض الأعمال الفنية التي يجمع فيها الخيال بعيداً عن الواقع.
556. **Fascia** شریطة. حزمة لببند: حاشیه باریک زیر قرنیز
انظر: 870. یا رخبام - گچبری سرستون - هزاره برجسته نوار.
557. **Faucet** حنفية شیر - شیرآب انبار - شیر بُشکه. صنوبر ذو صمام ضاغط، يوضع في اماكن الوضوء بالمساجد.
558. **Fauna** حیوانات بیئیه حیوانات یک اقلیم - رساله در باب حیوانات - جانوران (خاص یک منطقه یا یک دوره) - جانور نامه. كتلك التي تظهر في الأعمال او الآداب الكلاسيكية او التي تعيش في منطقة معينة او عصر معين.
559. **Figures**^[١٢٣] شخوص آدمیه ١- پیکره - هیکل - تصویر
رسوم و منحوتات تمثل الانسان. ٢- نقش - شکل - طرح - رقم - ریخت.

560. **Filigree** مشقبة. مخرمة
انظر: 869. مليله دوزی- مليله کاری.
561. **Fillet**^[۱۲۲] خوصية
انظر: 870. ۱- ابزار چهار گوش.
۲- مغزی (در بنایی و درودگری).
۳- گیس بند- پیشانی بند- سربند.
۴- تذهیب جلد کتاب- صحافی
برجسته.
۵- گچ بری باریک - حاشیه
باریک.
562. **Fillings** حشوات
مساحات تضاف للعمل الفني
وتكون من مادته او من مادة
مغايرة وبلونه او بلون آخر
كالحشوات التي تضاف الى
الأبواب او الدواليب او المناير. ۱- پود: رشته افقی در بافت.
۲- خاکریزی- گود پرکنی
۳- پر کردن - ماده پر کننده.
563. **Finial** حلية النهاية
انظر: 870. سرمناره: آزين برگ گیاهی
سرمناره یانوک برج ومانند آن.
گلدسته- زینت بالای سقف یا
شیروانی.
564. **Finishing** دملجة. تشطيف
تسوية صنعة الشيء وانهاء
اللمسات الفنية الأخيرة فيه. پرداخت- پرداختکاری-
تمامکاری- نازک کاری-
دستکاری تکمیلی.
565. **Fish scales** قشر السمكة
انظر: 870, 893. پولکی- فلس- پولک ماهی.
566. **Fixative** مثبت. مرسبخ
سائل خاص او مواد خاصة تضاف ثابت کننده (ماده)- فیکساتور.

الى الألوان او العطور او تنفث
على الرسم من اجل تثبيت اللون
او الرائحة.

567. Flagstone

بلاط حجری (معصرانی)
الواح منحوتة من الحجر كالبلاطات
تستخدم في تغطية الأرضيات.

تخته سنگ- سنگ تخت- سنگ
سنگفرش- سنگفرش.

568. Flap

شريحة. مصراع. جناح
أ- احد جزئي الباب او الشباك.
ب- جزء من الغلاف الورقي الذي
يكسي به الكتاب.

لولا- زبانه- لبه جلد كاغذی
كتاب- لبه تاشو.

569. Flask^(۱۲۵)

جمدانة- بلاص. ركوة.
ماعون واسع البطن، ضيق الفوهة،
من الزجاج او الفخار يتسع لقدر
من السوائل.

قمقمه- دبه مخصوص باروت
تفنگ- بطری- تُنگ.

570. Flat arch

عقد مستقیم
انظر: 67, 78.

قوس کتابی- قوس تخت.

571. Flight of stair

طلعة سلم
انظر: 1168.

یک رشته پلکان- پلکان.

572. Floriated

مُزهر
رسم تشيع فيه اشكال الزهور
وانواعها.

گلداز- پرزینت- مزین با گل- گل
انداختن بر- به شکل گل-
متصنّع: (در هنرهای تجسمی،
موسیقی، ادبیات).
گلگون.

573. Flutes

اخدودیات
انظر: 870-894.

نقش قاشقی: شیارهای تزیینی
نیمدایره یا نیم بیضی قائم از بالا
تا پایین میله ستون- بریدگی های
طولی در ستون- چین ویرا

574. **Flying buttress** دعامة طائفة پشتبند معلق.
 انظر: 238 پشتبند شمشیری: (در معماری
 گوتیک و نیز معماری اسلامی به
 کار می‌رفته و نمونه عالی آن در
 مسجد جامع یزد است).
 طاق مایلی که به دیوار ساختمان
 تکیه کرده و آنرا نگه می‌دارد.
575. **Foilage** توریقات نقش برگ.
 رسوم نباتية تتركز بها اشكال تزیینات معماری به شکل شاخه
 الأوراق النباتية. و برگ.
 شاخ و برگ.
576. **Foliated** مورق مزین به شکل گل و برگ.
 صفة لبعض التشكيلات الفنية برگ‌دار-نقش برگی.
 تختلط بها الأوراق النباتية.
577. **Footed bowl** کاس ذات قدم قلع پایه‌دار.
 اناء للشرب تحمله ساق تتوسط اثناء
 قاعدته.
578. **Foreground** مقدم الصورة پیش‌زمینه (نقاشی - صحنه)
 الجزء المتقدم او الأدنى من الناظر قسمت جلویک منظره -
 للصورة. نزدیک‌نما (در مقابل دورنما) -
 پیش‌نما.
579. **Forged metal** معدن مشكل فلز ذوب شده و شکل گرفته
 معادن صالحة للطرق والسحب برای ساخت ابزار و آماده چکش
 لتشكيل ادوات خاصة. خوردن.
580. **Form** شكل. تكوين ریخت - شکل - قالب - صورت -
 تشكيل هيئة معينة لعمل معين. هیئت - شکل ظاهری - پیکر -
 وجه.

581. Formula ترکیبة
قاعدہ - نشان رمزی - قاعدہ رمزی.
تکوین فنی او ادبی او کیمیائی
دستور عمل - راه حل - اصول
یفصح عن صیغة مقبولة.
صیغه - فرمول.
582. Fort^[۱۲۶] طابئة
برج و بارو - دژ - استحکامات - قلعه
موقع يشغله الجند و تحميه
حصار - سنگربندی محصور -
الاستحکامات.
دارای استحکامات.
583. Fortress حصن
دژ - قلعه - برج - حصن
قلعة كبيرة قوية التحصين قد
قلعه نظامی - استحکامات نظامی
تستوعب المدينة التي تحميها.
جای سنگردار برای پادگان
انظر: 264.
نظامی - سنگربندی - دارای قلعه
و استحکامات.
584. Fountain^[۱۲۷] نبع. فسقية
۱- چشمه - چشمه سار - سرچشمه.
حوض به نافورة تصب فيه الماء.
فواره - جوی آب مصنوعی - منبع -
مخزن.
۲- آبشخور - محل آب برداری -
دارای مخزن - چشمه دار.
۳- اصل - منشاء.
585. Fourfold ضفيرة رباعية الطيات
نقش و نگار با استفاده از تزیینات
braid motif تعبیر زخرفی لأربعة مضفرات من
چهاربرگی.
المسدسات او المثلثات متداخلة معاً.
586. Fragile هش
ترد - شکننده - شکستی -
صفة لبعض انواع الخزف سريعة العطب
آسیب پذیر - گذرا - سست -
بسبب رقتها او لعیب في طينتها.
بی دوام - ناپایدار.
587. Fragment^[۱۲۸] سُدفة. كِسرة
خرده - تکه - پاره - قطعه
قطعة من خشب او حجر او زجاج
بقایا - باقیمانده.
عليها كتابات مما يجده المنقبون
عن الآثار في الحفريات.

588. Frame

اطار

۱- قاب - چهارچوب.

قید -

حزام او شریط یدور حول
موضوع ما. وقد يحمل هذا
الاطار بعض التعبيرات الزخرفية.

کلاف: چهارچوب یا کلاف در
و پنجره.

۲ - اسکلت - داربست -
استخوان بندی - سه پایه چوبی
نقاشی - دستگاه بافندگی - چفته -
دستگاه.

۳- شکل.

گلخانه - ساختمان چوبی.

589. Frame work

هیكل عام

اسکلت ساختمان - چوب بست -

تخطيط يتضمن الخطوط
الاساسية لموضوع ما.

چوب بست سرپوشیده -
استخوان بندی - چهارچوب - پیکره
قالب زیرسازی سازه سفت کاری.

590. Fresco^[۱۲۶]

الوان جدارية (فريسكة)

نقاشی دیواری.

ضرب من الرسم بالألوان يتم
فوق الجدران وقت طراوة
الملاط.

دیوارنگاره: نقاشی روی اندود
مرطوب دیوار یا سقف.
نقاشی آبرنگی روی گچ خشک
نشده.
فرسکو

591. Fret

اليونانية المتوالية

۱- زنجیره یونانی.

انظر: 897.

زنجیره خمپا: نقش تزیینی برجا
مانده از هنر یونان باستان.

۲- نقشه پیچاپیچی که از تلاقی
خط مستقیم و عمود به وجود
آمده باشد.

۳- نقشه خط کوفی - قلابدوزی با
نقره و طلا - زری دوزی - با
زیورآلات آراستن - روی سقف

نقش و نگار کردن - برجسته کاری
- منبت کاری.

۴- تنگه - بغاز

592. Frieze

افریز- زیق

زیق القمیص ما احاط بالعنق،
وتزیق = تزیین واکتحل. والكلمة
تعني الاضافة للتحلية.

افریز: حاشیه سراسری در زیر
قرنیز یا رُخسبام و جایگاه
کتیبه نویسی یا نقش برجسته کاری.
افریز تزیینی: افریز نقش
برجسته کاری شده در معماری
یونان و روم باستان حاشیه تزیینی.

593. Frigidarium

الغرفة الباردة

غرفة باردة الماء، رطبه الهواء،
من غرف الحمام الروماني.

خنک خانه حَمّام (در حمام
عمومی روم باستان)- سردخانه.

594. Fringe

أهداب. شرانشیب

زوايد من خيوط تضاف الى
طرف الشيء لتحليته.

شرابه: حاشیه ریشه دار.
ریشه- منگوله- حاشیه- سجاف-
یال- وژنگ.

595. Frontispiece

الصدارة. المتصدرة

أ- اللوحة الفنية تسبق صحيفة العنوان
في الكتاب (صحيفة الصدارة).
ب- الواجهة الرئيسية الفنية
بالزخرف.

نمای اصلی بنا- سرلوح کتاب-
دیباچه کتاب- لوح یا سرصفحه-
صفحه ابتدایی کتاب- پیشدر-
آرایش سردر.

596. Fronton

جبهة. فرن تونة

أ- الجزء الهرمي او القوسي الذي
يعلو اعمدة مدخل المعبد في
العمارة الكلاسيكية.
ب - قطعة فنية تزين رأس المرأة
او الدولا ب.
انظر: 946.

۱- نمادی سردر.
۲- پشایی بند زنان.

G

597. Gable roof

سقف جملون
سقف سنامي الشكل ينتشر في
المناطق الشديدة المطر والثلج.

بام دوشیب- سردر دو شیب-
سنتوری- شیروانی- پشت بام
شیروانی دار.

598. Gabri (Pr.)

جبوي (جبری)
کلمة فارسية يوصف بها عباد النار.
عرف هذا النوع بايران في القرنين ۷
و ۸ م وامتاز بكتاباتة و طيوره
و حيواناته المحفورة بعمق في
الطبقة الحمراء تحت الطبقة
المدهونة باللون الأبيض المزجج.

گبر- آتش پرست- زرتشتی-
مجوس.

599. Gadrooned dome

قبة منقوشة السطح
انظر: 495.

گنبد منقوش.
گنبد دارای حاشیه تزیینی.

600. Galleon^[۱۵۰]

غليون
سفینه کبیره، ذات اشرع ومجاديف
تستخدم في الحرب ونقل البضائع.

گالیون: نوعی کشتی بادبانی
اسپانیولی (بازرگانی و جنگی
مورد استفاده در قرن پانزدهم).

601. Gallery

رواق. جناح. ممر مغطی
أ. طرقة توصل بين مکانين.
ب. مکان للمشاهدة او الانتظار.
ج. قاعة كبيرة لعرض التحف
واللوحات.

ايوان بالاخانه - دالان زیرزمینی.
شاه نشین - پیش خانه - سرسرا-
تالار.
نگارخانه - نمایشگاه (هنری).

602. Gargoyle^[۱۵۱]

میزاب

انبوب مثبت فی سقف المبنى
يجتمع عنده ماء المطر ليقذف به
بعيدا عن المبنى، وله اشكال
متعددة.

میزاب.

ناودان كله اژدری: ناودانی که از
دیوار پیش آمدگی پیدا می‌کند
و بیشتر آن را به صورت سرو تن
انسان یا جانوری درمی‌آورند.
دهانه اژدر: ناودان یا فواره آب به
شکل دهان باز جانور یا
صورتکی کریه.

603. Garments

آردیه

كل ما يخص الرجل و المرأة من
قطع الملابس الداخلية
والخارجية.

جامه - پوشاک - لباس - رخت -
خرقه.

604. Garret

غرفة سطح «مسروق»

التسمية راجعة الى اسم المهندس
مبتكر الفكرة. و هي غرفة صغيرة
تكون تحت جملون السقف.
انظر: 135.

۱- اتاق زیر شیروانی (با سقف
شیبدار). اتاق زیر سقفی - پستوی
سقفی.
۲- برج دیده‌بانی - مناره

605. Gatehouse

غرف المدخل

مجموعة الغرف المخصصة لخدمة
المدخل الرئيسي و حراسته او
لأغراض أخرى.

اتاق دروازه‌بان - ساختمان روی
دروازه - خانه محل سکونت
دروازه‌بان - اتاق نگهبان - خانه
سرایدار.

606. Gear

عدة الشغل

انظر: 1338.

۱- دنده - چرخ دنده.
۲- لوازم بادبانی - یراق.

607. Geranium^[۱۵۲]

جارونیه

زهرة لونها احمر قاني، من
الفصيلة الخبازية لها ورقات
مستديرة و مشقوقة.

گل شمعدانی - شمعدانی عطری -
برگ عطری.

608. Gesso جبس بتونه گچی: ملاطی سخت که از مخلوط گچ نرم با آب و روغن حاصل می‌شود، برای ریزکاری نقاشی یا قالب‌گیری و قاب‌سازی و برجسته‌کاری - گچ نقاشی - زاموسقه.
609. Gild تذهیب زراندود- مطلا- طلاپوش- زرین- زرنگار- تذهیب- طلایی. طلاء الجسم بالذهب بعد معالجتہ لهذا العمل.
610. Girders^[۱۵۲] أربطة. عواتق ۱- تیرزیر خواب: تیر اصلی که بار تیرهای دیگر بر آن منتقل می‌شود- تیر حمال- شاه‌تیر. ۲- شاهین ترازو. مجموعة الکمرات الواصلة بين الجدران و الدعائم.
611. Glacis^[۱۵۲] منحدر زلق خاکریز کم‌شیب قلعه: که همه جای آن در معرض آتش است. جبهه حصار یا مانع محافظ- سرازیری ملایم. جزء املس و منحدر، يتقدم مدخل الحصن لتعويق المهاجمين لأقتحام الحصن.
612. Glass blowing نفخ الزجاج شیشه‌گری. تشکیل ماده الزجاج المنصهر من خلال انبوب النفخ للحصول على الشكل المطلوب.
613. Glass. Engraved- زجاج محفور شیشه حکاکی شده- کنده‌کاری روی شیشه- شیشه منقوش- گراور روی شیشه. اسلوب في زخرفة الزجاج بالخدش بواسطة الماس.
614. Glass. Stained-^[۱۵۵] زجاج ملون شیشه‌بند منقوش: اسلوب به هم پیوستن قطعات شیشه‌های رنگی و منقوش با زهوارهای انعطاف‌پذیر و شیاردار سرب

- برای به وجود آوردن نقوش
تزیینی و به خصوص چهره‌های
قدیسان و صحنه‌های مذهبی بر
پنجره‌های کلیسا- شیشه رنگی.
615. Glass. Stamped- زجاج مختوم
زجاج تتم زخرفته وهو منصهر
بواسطة الأختام وذلك بدل
الحفر.
باسمه یا کلیشه‌ای که به هنگام
قالب‌گیری شیشه بر روی آن
حک می‌کنند.
616. Glass. Tonged- زجاج منقوش
زجاج زخارفه تتم بالمنقاش او
المقاط وهو عجينة ساخنة.
نقش انداختن شیشه به هنگام
قالب‌گیری یا دمیدن با ابزاری
نظیر انبر.
617. Glaze ۱- لعاب
تزجیج
طلاء بمواد شفافة و لامعة مثل
السليكون لأكساب الجسم بريقا
واضحا.
۲- جلا- روغن جلا
618. Glaze. Alkaline- تزجیج قلوی
اسلوب کیمای لمعالجة التزجيج.
لعاب قلیایی.
619. Glazier زجاج
صانع الزجاج و نافخة.
شیشه‌گر- شیشه‌ساز- جام‌انداز-
شیشه‌بُر.
620. Goblet^[۱۵۶] کاس
اناء للشرب له ساق و قاعدة
وشكل مشهور.
جام- ساغر- مینا- گیلان پایه‌دار.
621. Gold foll رقائق ذهب
ورقات رقيقة من الذهب تكسي
بها الأشياء و تستخدم في تزيين
جلود الكتب.
کاغذ طلاکوبی: کاغذ طلایی
رنگ که برای طلاکوبی تزیینی
جلد کتابها بکار می‌رود.

622. Gold. Liquid- ماء الذهب آب طلا- طلای آبگون.
محلول مجهز للاستخدام في الصناعة.
623. Gold threads خيوط مذهبة (مقصب) شوشه- نخ زرین- قيطان طلايی.
خيوط مجهزة للاستخدام في النسيج و تسمى « المقصب ».
624. Gorget رقبة زرد ۱- گلوپوش- زره گردن-
قطعة من الزرد تحمي عنق المحارب اثناء القتال. ۲- روسری زنانه‌ای که گردن و سینه را می‌پوشاند- طوق.
۳- میل لوله‌ای که دریرون آوردن سنگ و مانند آن بکار می‌رود.
625. Gothic^[۱۵۷] قوطی گوتیک: شیوه هنری اروپا از قرن ۱۲ تا ۱۶ میلادی که خاستگاهش فرانسه بود و محتوای اصلی‌اش مسیحیت. عنصر مهم هنر گوتیک معماری کلیسا با عناصر قائم مکرر و بلندی ساختمان، به کارگیری قوس تیزه‌دار و پشت‌بند معلق و طاق و تویزه‌وشیشه‌بندی منقوش.
626. Graffito خربشه. کحت ۱- مخططات: نقوش خطی درهم و نامنظم و کتیبه‌های مخدوش که بر سنگها و دیوارهای ویرانه‌های باستانی به صورت خراشیدگی باقی مانده است.
ممارسة الحفر فوق مادة سريعة التأثير بالخدش. ۲- دیوار نوشته- شعار دیواری.
627. Grave stone شاهد قبر سنگ گور- سنگ قبر- لوحه قبر.
بلاطة حجرية ينقش عليها اسم المتوفى و تاريخ الوفاة.

628. Grazing تَسْلَخ پوست پوست شدن لایه رنگی-
ورآمدن رنگ.
سحجات تظهر في الطلاء
الزجاجي لبعض الأواني.
629. Griffin^[۱۵۸] جریفون شیردال: جانور افسانه‌ای با بدن
و دست و پای شیر و سر و بال
عنقا.
حيوان اسطوري: نصفه الأمامي
لنسر و النصف الخلفي لأسد.
630. Grille window^[۱۵۹] شباک مصبع پنجره مشبک-روزنه یا بادگیر در
و پنجره با طارمی مشبک.
شباک تملؤ فراغه عيدان من
خشب او معدن.
631. Grooves تحزیزات شیار-فاق-خان تفنگ-زهواره.
ثلوم او خدوش غائرة في بعض
السطوح لأعراض مختلفة.
632. Grotesque ساخر. فج. خشن صور عجایب: نقوش درهم
موجودات افسانه‌ای و یا
صورتکهای کریه، آمیخته با گل و
گیاه و خطوط طوماری و اشکال
شبه غار و سنگ -
عجایب نگاری.
صفة تطلق على العمل البعيد عن
القواعد المألوفة و مثلها الفنون
البدائية او غير الناضجة او الهزلية
الساخرة.
633. Ground. تراب الارض ۱-بوم-لوح
۲-زمین-زمینه
أ. المادة التي تَكُون الطينة
والفخار (خلطة).
ب. المساحة التي يشغلها موضوع
الصورة.
634. Ground floor الطابق الأرضی ۱- طبقه همکف ساختمان-
اشکوب هم‌تراز زمین-طبقه‌اول.
ما ارتفع عن مستوى الأرض من
ادوار المبنى.

635. **Guard of sword** واقية القبضة جان پناه۔ حفاظ۔
تشکیل حول قبضة السيف يقي
يد الفارس من ضربات خصمه.
636. **Gulliliche**^[۱۶۰] مضفورة پیچ زیرورو: حاشیة تزینی۔
شریط تتكون منه عدة دوائر آرایش شیه نوار یا قیطانهای
متداخلة و متشابكة لتزيين بعض بهم تابیده.
الملابس.
637. **Gumbed(Pr)**^[۱۶۱] قبة مخروطية گنبد مخروطی۔ گنبد۔
شكل من اشكال القباب ساد
العمارة السلجوقية و التركية.
638. **Gypsum** جبس سنگ گچ (سولفات کلسیم).
مادة من الاحجار الكليسة صالحة
لعمل الملاط و تغطيه السطوح
بالدهان.

H

639. Halftone

حد التوسط اللوني (او النغمي)
درجة صوتية او لونية هي نصف
بين العالي والخفيف في الصوت
او اللون.

۱- نیمتاب: درجه یا ارزش نور
در حد میان روشنائی شدید
و تاریکی شدید (در نقاشی
و عکاسی)- رنگ حد فاصل
رنگ خیلی سیر و رنگ خیلی
روشن.

۲- روش ایجاد نیمتاب.

۳- سایه رنگ.

640. Hall

بهو. ردهة فسیحة
غرفة معیشة تتوسط المنزل او
ردهة كبيرة تصل بين غرف
المبنى.

۱- تالار- ایوان- محل اجتماع.

۲- سرسرای ورودی- راهرو.

641. Halo^[۱۶۲]

هالة
طاقة من نور تعلق في الصورة
رأس الشخصية المرقومة.

۱- هاله نور- هاله- حلقه نور.

۲- هاله تقدس- تاج آسمانی که
نصیب اولیا می شود.

642. Han han^[۱۶۳]

فندق، خان
بناء ضخم يقوم مقام الفندق
ويكون محطاً للمسافرين على
طريق القوافل والتجارة في
الصحاري والجبالي، وهو المعروف
باسم كروان سراي اي سراي
القوافل او محط رجال القوافل.

خان- سرا- کاروانسرا.

شیار داخل لوله تفنگ.

- | | | |
|---|---|---|
| <p>643. [Khan(Pr.)]^[۱۶۶]</p> <p>أ. مبنى تجاري ضخم يتوسط المدينة ويتواجد فيه كبار التجار وتجاراتهم مثل خان الخليلي بالقاهرة.</p> <p>ب. لقب اتخذه ملوك، آل عثمان والعقوة باسماء ملوكهم هكذا: سليم خان.</p> | <p>۱- چهارسوق.</p> <p>۲- عنوانی که به شاه یا امیری در ترکستان و سپس در نواحی دیگر دادند.</p> <p>۳- عنوان رجال و بزرگان - کلمه احترام.</p> | <p>۱- چهارسوق.</p> <p>۲- عنوانی که به شاه یا امیری در ترکستان و سپس در نواحی دیگر دادند.</p> <p>۳- عنوان رجال و بزرگان - کلمه احترام.</p> |
| <p>644. Hand-Warmer</p> <p>موقد (منقد)</p> <p>وعاء صغير من فخار او نحاس سهل الحمل، به بعض الجمرات لتدفئة الأيدي.</p> | <p>موقد (منقد)</p> <p>وعاء صغير من فخار او نحاس سهل الحمل، به بعض الجمرات لتدفئة الأيدي.</p> | <p>منقل دستی: منقل کوچک قابل حمل برای گرم کردن دستها.</p> |
| <p>645. Handle</p> <p>يد. مقبض. علاقة</p> <p>قوس معدنيه تجمع بين اذني او عروتي الاناء ليسهل حمله.</p> <p>انظر: 231.</p> | <p>يد. مقبض. علاقة</p> <p>قوس معدنيه تجمع بين اذني او عروتي الاناء ليسهل حمله.</p> <p>انظر: 231.</p> | <p>دسته - دستگیره - قبضه - رشته - گرفتگاه - دستینه - پنجه.</p> |
| <p>646. Hanegah (Pr.)</p> <p>معتكف يعيش فيه الدروايش او المتصوفة (التكية - الزاوية).</p> | <p>خانقاه</p> <p>معتكف يعيش فيه الدروايش او المتصوفة (التكية - الزاوية).</p> | <p>خانقاه - خانگه: محلی که درویشان و مرشدان در آن سکونت کنند و رسوم و آداب تصوف را اجرا نمایند و ظاهراً تا اواخر قرن ۴ هجری قمری منزلگاه بعضی طبقات مانویان نیز به همین عنوان خوانده می شده و اصل لفظ مربوط به صوفیه نبوده است.</p> |
| <p>647. Hangings</p> <p>استار. تعالیق</p> <p>ومثلها استار الكعبة التي تتدلى فتغطي جدرانها.</p> | <p>استار. تعالیق</p> <p>ومثلها استار الكعبة التي تتدلى فتغطي جدرانها.</p> | <p>پوشش آویختنی: مانند پرده کعبه. آویختنی های تزئینی: انواع پرده و دیوارکوب و یا پارچه های آویختنی برای تزیین مسجد و کلیسا.</p> |

648. Hargah(Pr.) خیمه خرگاه - خرگه - خیمه بزرگ - سرپرده.
انظر: 145 , 249.
649. Harmony انسجام. تواؤم هماهنگی - پیوستگی
صیغه مواد متنوعه ضمن عمل و سازگاری و تناسب موجود در میان اجزاء و عناصر هنری - سازواری - همناوی - توازن - هماهنگی - همسازی - هارمونی.
650. Harness^[۱۶۵] سرچ. رحل الدابة یراق - ساز و برگ است (دهنه - عنان) - افسار - دهنه - لجام.
كل الأدوات الجلدية والمعدنية التي تكوّن رحل الدابة (رشفة) زره - لباس رزم - سلاح.
وهو كل ما يلزم لاستخدامها.
651. Harpy الهربي. النتاش شاه کرکس:
كائن اسطوري، نصفه العلوي جانوری اسطوره‌ای که تن
لأمرأة بأجنحة ونصفه السفلي و رخسار زن و بال و چنگال مرغ
لطائر ذي مخالف حادة. داشته باشد.
652. Hata ختا اوخطاي ختا: به چین شمالی اطلاق
(or Hatay, Tr.) اسم سكان شمال بلاد الصين می‌شده و آن مسکن قبایل ترک
القدامی وهم اصول الترك ولهم بوده است.
اسلوبهم الفني المتميز.
653. Hatayi decoration توريق خطائي (صيني الأصل) تزین خطایی -
و مفطم هذه التوريقات تشبه فی تزین چینی: یکی از طرحهای
مجموعها اشكال السحب الصينية. اساسی و قراردادی تزینی که در
قالی و کاشی و تذهیب بکار می‌رود و آن طرح نموداری است
از شاخه درخت یا بوته با گل و برگ و غنچه.

654. Hatching

تظليل بالخطوط
وضع الخطوط المستقيمة
المتقاربة القصيرة لتظليل مساحة
من الرسم بديلا عن استخدام
الألوان.

خط پرداز. هاشورزنی (در
نقاشی یا مینیاتور).
اسلوب سایه‌زنی در طراحی با
خطوط موازی نزدیک به هم -
سایه‌زنی - سایه.

655. Hatchet

طبر. بلطة
سلاح قاطع متعدد الأشكال
بحسب تعدد الاستخدام، كان
صاحبه في جيوش المماليك
يسمى الطبردار، وعند العثمانيين
كان اسمه البلطجي.

تبرکوچک - تیشه - ساطور -
تسبرکوچکی مانند چکش
سنگتراشی - هاشورکاری (جلد
و مانند آن).

656. Head band

عصابة
كل ما تشد به الرأس كالمنديل.

سربند - پیشانی‌بند - عقال -
پوشاک سر - روسری - آرایه مو -
شیرازه کتاب.

657. Headers^[۱۶۶]

أديات
يطلق اهل المعنار هذه التسمية
على الطوبقات التي تظهر للرأسي
برؤوسها في المداميك.

۱- کله: قسمت عرضی یا باریک
آجر یا کاشی که در نماچین دیده
می‌شود.
۲- زیرسری: عضو عرضی که در
زیر تیرهای طولی قرار داده
می‌شود تا بار آنها را بگیرد.
سنگ یا آجری که از سر یا پهنا
چیده شود.

658. Headless statue

مقطوع الرأس
انظر: 9.

پیکره - تندیس بی سر.

659. Heel stone^[۱۶۷]

صخرة عقب الباب
حَجَرَة مجوفة يستقر فيها بروز
كعب الباب تيسيرا لحركته.

سنگ پاشنه در.

660. **Helmet**^[۱۶۸] خوذة - مِغْفَر
کلاه خود - کلاه آهنی - زره کلاه.
غطاء کمری الشكل او بیضی
الشکل لحماية رأس المحارب.
661. **Helmet form**^[۱۶۹] منذنة خوذية الرأس
مناره خود شکل: مناره ای که سر
minaret و هو احد اشكال طرف المنذنة
آن به شکل کلاه خود باشد.
الملوکیة.
662. **Herald** رنک. شارة
۱- چاووش - پیشرو - جلودار -
انظر: 1055. پیک - منادی - طلعه - پیام آور -
پرده دار - پشاهنگ - جارچی.
۲- کسی که اعلان جنگ می داد
و در دادن نشانهای نجابت
خانوادگی نظارت می کرد و در
شمشیربازی مقام پیشوایی
و منادی داشت.
663. **Heraldry** مختص بالشعارات
۱- نشان سلحشوری: نقوش
انظر: 1055 جانوری و علامات رمزی که
زینت بخش درفش و سپر و زره
خانواده های سلحشوران می شد.
۲- نقوش پرچمی: نقوش قرون
وسطایی در تعیین پرچمهای
خانوادگی و سینه پوشهای
نشان دار سرداران و سلحشوران.
۳- دفتر ثبت نجبا و علائم نجابت
خانوادگی.
۴- طراحی نشانهای سلحشوری.
664. **Herring bone** سلسلة السمكة
جناغی - خار ماهی - استخوان
انظر: 898 شاه ماهی معماری چپ و راست -
آرایه چپ و راست و جناغی.

665. Hewn stone حجر سوي سنگ تراش خورده-سنگ بریده
کتل من الحجر السوي المنحوت شده به قطعات منظم-سنگ
(دستور). حجاری شده-سنگ کنده کاری
شده.
666. Hexagonal^[۱۷۰] سداسي الأضلاع شش ضلعی منظم.
شکل هندسی متساوي الأضلاع و متساوي الزوايا.
667. Highlight ضوء ساطع ۱-نوری قوی و متمرکز که برای
الضوء المبهـر الذي تتعرض له نمایش بهتر جزئیات یک اثر
اللوحة الفنية فيزيد من بها الوانها. هنری به آن می تابانند.
۲-قسمتهای روشن یک جسم.
668. Hilye (Ar.) حلية پیرایه-زینت-زیور.
تعبير اطلقه الخطاطون العثمانيون على تشكيلات خطية لشخص
حيوانية او نباتية قوامها حروف الخط العربى.
669. Hilt^[۱۷۱] مقبض السيف دسته-قبضه (شمشیر)-گرفتگاه.
الجزء الذي يُمسك به السيف ويتكون من القبضة والواقية
والرمانة او القبعة.
670. Hinge مفصل (مفصله) باثو: عضو عمودی کلاف در، که
اوله روى آن نصب می شود. پاشنه گرد-لولا-بند.
اداة تثبت في مصراع الباب او الشباك لربطه بالجدار أو بحلق
الباب.
671. Honey colour عسلي اللون عسلی رنگ
انظر: 315,363

672. Hook خطاف. مشبک قلاب- آویز- سگک- چنگک.
و هو المعروف فی العامية باسم «شکل» وهذه الكلمة تركية الأصل.
673. Hoop طوق حلقه- انگشتر- چنبر- تسمه-
طارة مستديرة من خشب او تسمه دور چلیک.
معدن.
674. Horn قرن. بوق: قرون حیوانات ۱- شاخ- شپور- بوق- کرنا.
استخدمت في الحاجات اليومية ۲- دبه باروت.
للاتسان وزينت بالزخارف. ۳- اشیاء شاخی شکل.
675. Hourse- shoe arch. عقد حدوی قوس نعل امیبی (با نفوذ معماری
انظر: 67.82 اسلامی مراکش یا مغرب در
اسپانیا متداول شد).
676. Hospice داراستضافه مهمان سرا- آسایشگاه-
ملجأ لكبار السن والعجزة مسکین خانه- نوانخانه-
والصوفية او الغریاء والضيوف تیمارگاه- مسافرخانه.
وتسمى احيانا بالمسافرخانه.
677. Hue درجه تدرج اللون پرده رنگ: اندک اختلاف در
الدرجة التي يكون فيها اللون بعد طول موج که موجب تغییر
مزجة بآخر. گستره و نام رنگی به رنگ دیگر
می شود. برای دید آدمی تا ۱۵۰
پرده رنگ مرئی است.
سایه رنگ- ته رنگ- فام.
678. Human face كتابة سجن بشرية خوش نگاری و خوشنویسی.
calligraphy^[۱۷۲] کتابات عربیة، لیسقانها رؤس نقاشی خط با استفاده از طرحهای
آدمية. صورت انسان.
انظر: 41.

679. Hunchy

محدّب - مستم
صفة للعمل الفني المنحوت، الذي
يستفخ ظهره ويعلو قليلا عن
الأرضية التي تحيطه.

دارای برجستگی - کوهاندار -
قوزدار - برآمده - خمیده.

680. Hunt carpets^[۱۷۱]

أبسطة مناظر الصيد
اسلوب فني شاع في الأبسطة
الایرانية في القرن ۱۶م، حيث
تشغل ساحة البساط رسوم حيوانات
تطاردها بعضها او يطاردها الصيادون.

شکارگاه: سبکی در بافت قالی در
ایران با نقش شکار و شکارگاه که
بیشتر در قرن یازدهم هجری
مرسوم بوده است.

681. Hybrid

تهجين
ابتكار نوع جديد، مخلط من
نوعين مختلفين من الحيوان او
النبات. و قد استخدم المعنى في
الفنون والآداب ايضا.

۱- جانور دو رگه.
۲- گیاه پیوندی.
۳- چیزی که از چند جزء ناجور
ساخته شده باشد.
۴- کلمه‌ای که اجزای آن از
زبانهای مختلف تشکیل شده باشد.

682. Hyacinthus

يسنت سنبل بري
أ- زهرة ربيعية ناقوسية الشكل
ولونها احمر مصفر او برتقالي.
ب- اسم الحجر كريم قديم ربما
هو السفير.

۱- سنبل: بر اساس میتولوژی
یونان باستان **Hyacinth** جوان
زیبایی بود که مورد علاقه آپولو
بوده و تصادفاً در اثر پرتاب دیسک
بوسيله آپولو به قتل رسیده
و آپولو از خون او سنبل رویانید.
۲- آسمانجونی - بنفش - آسمانی
- آبرود.

683. Hypostyle hall^[۱۷۲]

بهواعمدة
بهو فسيح يغطيه سقف تحمله
مجموعة كبيرة من الأعمدة.
انظر: 49.

تالار چهل ستون: تالار بزرگ با
ردیف ستونها به زیر سقف تخت
که در معماری هخامنشی یا
مصری معمول بود.
شبستان ستوندار - تالار دارای
سقف و ستون.

684. Icon^[۱۷۵]

أيقونة

الصورة المرسومة للسيد المسيح
او العذراء مريم او لأحد
القديسين.

شمايل - تمثال ديني.

تصوير حضرت مسيح
و حضرت مريم، شمايل اوليا يا
قديسين.
تندیس - پیکر - تشبیه.

685. Iconology

علم الأيقونات

مجموعة الدراسات المتعلقة
بصور الرسل والقديسين في
الكنيسة المسيحية.

شمايل شناسی: شناخت انواع
تصاویر و پیکره‌های دینی
و تاریخی با مضامین و اشارات
وابسته به آنها.

686. Illumination

تزويق

تحسين الكتابات وتزويقها
بالأصباغ كما يشاهد في
المصاحف والمخطوطات.

۱- تذهیب: تزین نسخه‌های
خطی با رنگ و طلا و نقوش
ظریف گل و گیاه یا طرح‌های
هندسی درهم تابیده.

۲- تذهیب‌گری - زرنگردن-
سرلوحه.

۳- اشراق.

687. Illustration

صورة توضيحية

شرح بعض نصوص الكتاب
بالرسوم والأشكال والتصاویر.

۱- مصورسازی (کتاب و نشریه).

۲- تصویر چاپی - تصویر وقایع.

۳- تمثیل - نگاره - توضیح (به
کمک تصویر و مثال).

688. Imaret(Tr.) **داراطعام. دارالمرق**
 محل اطعام فقرا و مستمندان.
 مرکز خیریه برای تغذیه نیازمندان.
 محلی که برای غذا دادن به فقرا وقف شده باشد.
 الكلمة عربية و يستخدمها الترك هكذا او صفا للمنشآت التي يقيمونها لمد الغرباء والفقراء باللحم والمرق.
689. Imitation **محاكاة. تقلید**
 ۱- تقلید - تقلیدگری - اقتدا- تاسی - پس‌روی.
 ۲- تقلید کننده اشیاء بدل- ساختگی - بدلی - جعلی.
 محاولة تقليد او محاكاة عمل فني محتذيا خطوط عمل سابق.
690. Imperial style **الأسلوب الأمبراطوري**
 سبک امپراتوری:
 سبک هنری مرسوم در قرن نوزدهم که بدنال سبک باروک و روکوکو و تحت تأثیر حکومت ناپلئون پدید آمد.
 اسلوب فني ظهر في اعقاب موجتي الباروك و الروكوكو في فرنسا (ق ۱۹) بسبب رعاية حكومة بونابارت له بعد التأثير بفنون الشرق القديم، ويمتاز «الامبراطوري» بالبساطة و هدوء الألوان.
691. Impressionism^(۱۷۶) **الأنطباعية. التأثيرية**
 دریافتگری - مکتب انفعالی.
 امپرسیونیسم: شیوه هنری گروه بزرگی از نقاشان آزاد اندیش و نوآور فرانسه در نیمه دوم قرن نوزدهم که به زودی عالمگیر شد. مبتنی بر تأثیرپذیری مستقیم هنرمند از دیدنیهای زودگذر با به کاربردن لخته رنگهای تجزیه شده و تابناک برای نمایش ارتعاش نور خورشید در فضای گشاده، بدون رعایت اصول مکتبی طراحي دقیق و سایه‌روشن‌کاری و ژرفانمایی فنی.
 اتجاة فني ظهر عام ۱۸۷۰ في فرنسا خلاصته اتجاء الفنان للكشف عن العناصر المحسنة فيما ينتج مع الأخذ في الاعتبار بما يعتمل داخل نفسه من تأثير بالأضواء او الظلال او الجو العام لحظة انتاجه ويكون ذلك اكثر من تأثره بالشكل او التكوين العام للمنظور.

692. **Incense burner**^[۱۷۷] **مبخرة** بخورسوز - ظرف مخصوص بخور و عطر بخور.
وعاء اتخذ عدة اشكال لحرق البخور. تزيينه الزخارف، وله غطاء مثقب لخروج انجزة البخور.
693. **Incising** **تحزیز** حکاکسی - منقوش کردن - قلم کشی.
الحفر بعمق واضح في سطح المادة لعمل زخارف غائرة انظر: 540.
694. **Inclined roof**^[۱۷۸] **سقف منحدرد** سقف شیبدار - سقف مایل.
سقف يميل نحو جهة واحدة لقرض خاص.
695. **Incrustation** **ترصیع** جواهر نشانی - ترصیع - زرکوبی - مرصع کاری.
تطعيم مادة باخرى قد تكون أغلى منها، كإضافة فسصوص الأحجار الكريمة الى بعض المعادن. انظر: 699.
696. **Inlay** **تکفیت** ۱- خاتم کاری - خاتم بندی (با به کاربردن چوب - عاج - استخوان - مرمر - فلز - لاک سنگ پشت و نظیر آن).
تزيين سطح مادة بأجزاء من مادة اخرى من أجل زخرفتها و اثراء قيمتها عن طريق الطرق او اللصق.
۲- مینا کاری.
۳- گوهر نشان کردن - طلاکوبی - مرصع کاری.
697. **Inscriptions** **کتابات محفورة. نقوش** ۱- سنگ نبشته - کتیبه - کتابه
کل ما نقش علی الأحجار او المعادن لتوضيح وظائفهما، كالنقود و شواهد القبور واللوحات التأسيسية وأمثالها.
۲- نوشته خطی - اهدائیه - تقدیم نامه.

698. Insets^[۱۷۸] **لقم. حشوات. مُدْخَلَات**
مجموعه القطع الصغيرة التي
تكوّن الوحدات الزخرفية في
امثال الكراسي او المنابر
ونحوهما.
- ۱- ضمائم - صفحات اضافی-
تکه‌ای که بر چیز بزرگتر بیفرایند
-وصله.
۲- نقشه کوچکی که در لبه نقشه
بزرگتر جای دهند.
699. Intarsia **ترصیع**
تغطیه القباب و الأسقف بالطوب
او البلاطات الخزفية.
انظر: 695.
- ۱- خانمکاری رنگارنگ:
معرق‌کاری با قطعات رنگارنگ
عاج و صدف و استخوان و
چوب که در دوره رنسانس در
ایتالیا اجرا می‌شد.
۲- منبت‌کاری و تزیین گل و بوته
و اشکال بر روی چوب.
700. Interlaced
Inscription^[۱۸۰] **کتابات متشابکه**
اشرطة من الكتابات المتداخلة
الكلمات المتشابكة الحروف
كأنها توريقات عربية.
- کتیبه مشبک.
701. Interlacement **تشابک. تداخل**
خيوط تتداخل و تتعاقد بعضها مع
بعض لتكوين نسيج متماسك
مثل التريكو والكروشييه.
- بافت: بافت رفتن با پیوستگی تار
و بود در پارچه مانند تریکو.
702. Interlocked **متداخل. منسوج**
صفة للنسيج المكون من الخيوط
المتداخل بعضها بغزارة مع بعض.
- ۱- بهم‌پیوسته- بهم‌پیچیده-
بهم‌گره زده.
۲- چفت و بست شده.
703. Interstices **فراغات**
المساحات الفارغة التي تتخلل
سطح الزخرفة او النسيج او
نحوهما.
- ترک- شکاف- چاک.

704. **Intrados**^[۱۸۱] **بطن العقد** درون سو-
 درون قوس: لبه زیرین یا داخلی
 قوس.
 زیرطاق-قوس داخلی طاق.
 انظر: 1144.
705. **Intricated** **معقد. شدید التشابک** نقش درهم-درهم بافته-نقش
 نوع من الزخارف الاسلامية
 النباتية او الكتابية او الهندسية
 تتشابک خطوطها بكثرة.
706. **Iridiscence** **تقزخ** قزحسانی: دارای تالوئی
 رنگارنگ مانند رنگین کمان-
 رنگین کمانی- دارای رنگهای
 قوس و قزح.
707. **Iskele (Tr.)** **مرساة-أسکله** ۱- اسکله.
 رصيف يبنى بمحاذاة الشاطئ
 ترسو عليه السفن.
 ۲- چوب بستنی که برای کارهای
 ساختمانی به پا می کنند.
 ۳- سمت چپ کشتی.
708. **Iwan (Pr.)**^[۱۸۲] **ایوان** ۱- ایوان: سکوندى جلوى اتاق
 که با درگاهی فراخ و قوسدار رو
 به حیاط باز می شد، ابتدا در
 معماری اشکانی و سپس
 ساسانی مرسوم شد و بعدها به
 معنی بخش مسقف ساختمان که
 جلوی آن باز است، در و پنجره
 ندارد و مشرف به حیاط است به
 کار رفت.
 ۲- قصر-کاخ.

709. Iwan. Tateral-

دخلة ايوان جانبية

ايوان جانبى.

و تكون قليلة العمق عادة وربما
جاءت على جانب واحد او تكون
على الجانبين.

J

710. Jade

یشم

حجر نفیس صلب، لونه اخضر
غالبا و له الوان اخرى مكونه من
سلیکات الکالسیوم و المغنسیوم.

یشم- یشم سبز- سلیکات کلسیم
و منیزیوم که برنگهای سبز
روشن یا سفید یافت می شود.

711. Jamb

عضادة. کتف

الکتف الرأسیه لفتحة الباب او
الشباك.

۱- لُغاز: تیر عمودی چارچوب.
عضو عمودی بنایی در دو طرف
درگاه که چارچوب در یا پنجره
درون آن نصب می شود.

۲- سنگ های این سو و آن سوی
اجاق.

۳- تیر بیرون آمده از بنا.

712. Jar^(۱۸۲)

جرة. دن

اناء ذو فوهة واسعة لحمل كمية
وافرة من السوائل او الأطعمة.

سبو- کوزه دهان گشاد- خمره

713. Jar stand

مزيرة

حامل من حجر او رخام مجهز
لحمل جرة كبيرة مملوءة بالماء.

پایه سبو- جای خمره.

714. Joggled

معشوق. مزرّر

ثقوب و بروزات في الحجر او
الخشب تثبت قطعة باخرى ولا
تسمح لها بالقلقلة.

۱- تیزی و شکاف آجر و چوب
برای اتصال دو چیز.
۲- اتصال به وسیله زانویی یا لولا.
۳- بریدگی آجر و مانند آن برای
جلوگیری از لغزش.

715. Joggled

vousoirs^[۱۸۴]

صنجات معشقه

حجرات قوس العقد المتداخل
بعضها مع بعض بالنقر او التزير
او التعشيق.

قطاع سنگ یا آجر که بصورت
چفت بوده و در قوس بندی به
کار می رود.

716. Joint

وصلة. دسار. تعشيقه

وسيلة التحام جزء بآخر او شد
جزء الى آخر للربط بينهما.
انظر: 505.

بند- درز- مرز ملات- شکاف
میان طبقات سنگ.
بندگاه- پیوند- پیوندگاه.
مفصل- زانویی- لولا.

717. Joist

وصلة. كمره

عود من خشب او حديد او
خرسانة للوصل والربط بين
الجدران.
انظر: 610

تیر افقی کف.
تیرگذاری سقف و غیره.

718. Jug^[۱۸۵]

ابريق

اناء متسع و عميق لاحتواء قدر
من السوائل.

کوزه یک دسته- کوزه- آفتابه-
پارچ.

K

719. **Kaoline** **کاولینه** خاک چینی سازی- گِل چینی.
- طفلة بيضاء في هضبة بلاد الصين
عرفت بهذا الاسم **Kao-ling** وتعمل
منها المشغولات الخزفية الراقية.
720. **Kapali carsi(Tr.)** **سوق مُعْطِي** بازار (چارسو)- بازار سرپوشيده.
- تطلق هذه التسمية في تركيا على
الأسواق القديمة المغطاة التي لها
ابواب تتحكم في شوارعها.
721. **Keep**^[١٨٦] **محمية** برج دفاعي- برج قلعه- دژغاله- استحکامات- قلعه.
- برج قوي التحصين يحتمى به آخر
المدافعين عن الحصن و يستخدم
معتقلا في بعض الأحيان لمناعته.
722. **Kettle**^[١٨٧] **غلاي** پاتیل- آبستانه- کتری- آب گرم کن- دیگچه.
- وعاء معدني له فوهة ضيقة لغلي
السوائل و قد يكون له صنبور.
723. **Key- stone** **صنجة مفتاح العقد** قطاع کاکل - تاج قوس: قطعه سنگ دوزنقه شکل واقع در اوج قوس سنگ تیزه طاق - سنگ سرطاق - سنگ میان طاق- سنگ بالای تاق که سنگهای دیگر را به هم وصل می کند.
- الحجرة الرئيسية المستقرة في قمة
قوس العقد والتي ينفرط عقده
بسقوطها.

724. Kiln فرن. قمین کوره آجرپزی- کوره مصالح
فرن یجهز لتسویه و حرق الطوب بنایی (یا کوره چوب
اللبن او الفخار و سائر المشغولات خشک کنی)- کوره- خشت تابه-
الخزفیه. و یختلف تصمیما و حجما تنور- اجاق.
و وقودا حسب الغرض من استعماله.
725. Kiln backed brick آجر القمین خشت پخته- آجر
اللبن المحروق فی القمائن.
726. Kiosh جوسق. کشک کوشک- کلاه فرنگی- خانه
بیت صغیر الحجم بسیط التأثیث تابستانی- چهارطاقی.
یقام للاستجمام وسط المزارع او
على الشواطئ کما قد یستخدم
لاقامة الحراس.
انظر: 733.
727. Knick- knack تحفة چیز قشنگ و کم بها (که بیشتر
ما یصنع دقیقا رقیقا من أنواع برای آرایش به کار می رود).
الأثاث او الطعام او الملابس.
انظر: 1266.
728. Knitting حَبک بافندگی- کش بافی-
نسج الخیوط بالأبرة، یدویا او جوراب بافی.
آلیا لعمل الملابس او تزیینها.
729. Knot عقدة. انشوطه گره- برآمدگی- منگوله- آرایه
تداخل خیط او خیوط، بعضها فی گره دار- قبه.
بعض و بطرق مختلفة لعمل العُقَد التي
یتم بها اتصال الخیوط و مکوناتها.
730. Knocker^[۱۸۸] طَرَاقة الباب کوبه- حلقه در- آهنچه- چکش
اداة ذات اشکال مختلفة یتتم دق الباب.
ترکیبها فی الأبواب الخارجیة
للطرق بها عند طلب فتحها.

731. Köse(Tr.) گوشه - زاویه - کُنَج. گوشه
الزاوية او الركن.
732. Kösebent (Tr.) گوشه‌بند - آهن زاویه - آهن گوشه.
زاوية ركنية
زاوية معدنية تجمع بين قضيبين
او كمرتين في زاوية تقابلهما.
733. Kösk(Tr.) كوشك - قصر - ويلا. كوشك
انظر: 726
734. Kufic writing^[۱۸۹] خط کوفی.
کتابه بسیطة خالية من الزخرفية.
735. Kufic. Flourinated-^[۱۹۰] کوفی گلدار - کوفی شکوفا.
کوفی مزهر
کتابه تشغل الازهار حروفها.
736. Kufic. Foliated^[۱۹۱] کوفی برگ دار - کوفی نقش برگی.
کوفی مورق
کتابه تشغل نهاياتها اوراق نباتية.
737. Kufic. Plaited-^[۱۹۲] کوفی درهم بافته.
کوفی مضافور
کتابه تشغل سيقانها اشكال مضافورة.
738. Kufic. Square-^[۱۹۳] کوفی چهار گوش - کوفی مربعی.
کوفی مربع
کتابه هندسية مربعة كل زواياها
قائمة.
739. Külliye(Tr.) دارالفنون - دانشگاه.
مجمع ابنية. مُجمع عمارت
انظر: 407

L

740. Labyrinth

متاهه. لَبْرَنْتَه

انظر: 870

۱- هزارخم

۲- نقش پیچ در پیچ

۳- هزار دالان- هزارتو- دخمه
پریچ و خم- ماز- پلکان ماریچ

741. Lace

شريط. رباط. مُسْرَدَة

أ- رباط يجمع طرفي ثوب.

ب- قماشه مشغولة مثقبة او
مسردة.

۱- تزئين تور بافت (در معماری،
گچیری، کنده کاری)

۲- توربافی- سوزن زنی

۳- مليله کاری- شبکه کاری

۴- سقف چوبی

742. Lamp black

سناج

مخلفات فتيل المصباح. و كان
الخطاطون يستخدمونه فى عمل
حبر الكتابة (هباب).

سیاه دود: دوده که از ترکیب
ناقص روغن و کربن حاصل شده
و به عنوان دانه رنگی و مرکب
استفاده می شود.

743. Lamp- shade

ظله مصباح

ما يدور حول المصباح لتجميع
ضوئه فى مساحة محددة. و هو ما
شاع باسم «الأباجورة» من الكلمة
الفرنسية abat-gour

چراغ نقاب دار- آباژور.

744. Lancetx arch

عقد رمحی

انظر: 67.

قوس نیزه ای- طاق یا قوس نوک
تیز.

745. Landing^[۱۹۲]

بسطه سلم
درجه اوسع و ارحب تعترض
درجات السلم العاديه، للراحه او
لتغيير اتجاه السلم (صدفة سلم).

پاگرد: قسمت افقی سطح میان دو
ردیف پلکان- اسکله کشتی-
بارانداز.

746. Landscape

منظر خلوي
منظر لقرية أو غابة أو نحوهما،
حيث يكون التركيز محدودا على
مكونات المنظر من بشر أو
حيوانات أو نحو ذلك.
انظر: 691.

منظره- چشم انداز- دور نما.

747. Lantern^[۱۹۵]

فانوس. مَنْوَر
أ- علبة بها مصباح تحمل باليد.
ب- فتحة في السقف تضيء ما
تحتها.

۱- برج نورگیر- کلاهک نورگیر-
چراغ دریایی.
۲- فانوس- قندیل.

748. Lantern. Blind

کوه عمياء
هيئة نافذة، لا تسمح بمرور ضوء
أو هواء.

پنجره نما- پنجره مسدود- روزنه
کور.

749. Lapislazuli

لازورد
حجر من الأحجار الكريمة لونه
ازرق فاتح (ازرق لجرى)

سنگ لاجورد- لارورد- رنگ
لاجوردی.

750. Latrine

مرفق. بيت الخلاء
مرحاض بسيط، يقام في اطراف
الحصون والقصور والمعسكرات.

آبریزگاه- آبشنگاه- مستراح.

751. Lattice

شبيكية. دنتلالا(شبيكية)
نسيج مثقب، مكون بالأبره من
خيوط رفيعة. و تتم صناعته يدويا
أو آليا. و تطلق التسمية على ما
يشبه ذلك من الخشب و نحوه.

شبيکه- کار مشبک- شبيکه کاری-
پنجره مشبک.

752. Lawn
مرجۃ خضراء
مساحة خضراء طبيعية قد
یتوسطها بیت او استراحة.
۱- چمن- زمینی که پوشیده از
چمن است و در مقابل و اطراف
خانه‌ها وجود دارد.
۲- یک فضای باز در جنگل.
۳- سرند کردن مواد رنگی بوسیله
پارچه ابریشمی.
753. Lectern^[۱۹۶]
كرسى المصحف
حامل من لوحين متعامدين لوضع
المصحف عليه من اجل سهولة
القراءة.
رحل- میز مخصوص کتاب
مقدس- تریبون- میز خطابه.
754. Lilac
الليلق او اللیلک
زهر من الفصيلة الزيتونية صبغه
ازرق مشرب بحمرة، له رائحة
طيبة.
۱- یاس کبود- یاس بنفش- یاس
درختی.
۲- بنفش یاسی
755. Lily^[۱۹۷]
زنابق (سوسن)
زهر تتعدد الوانه و اكثره الأبيض
الناصح. شاع استخدام شكله فى
الزخرفة. و كان شعارا للأسرة
البربونية فى فرنسا.
۱- سوسن- سوسن سفید- زنبق.
۲- نشان زنبق که علامت سلطنتی
قدیم فرانسه است.
756. Lime
جير
حجر الكلس المحروق الذى
يستخدم فى تكوين الملاط.
آهک.
جیر
757. Lining
تبطين
تکسيه بعض الخيام او الملابس
من الداخل بطبقة اخرى من
القماش.
۱- روکوب- لبه کوبی- روکش.
۲- آستر- آستر دوزی- آستری
(پارچه).
۳- مصالح صحافی جلد کتاب.

758. Lined cloth	قماش مبطن بقصد التحلية او للتدفئة.	۱- پارچه خط دار- پارچه راه راه. ۲- رَجه- زه.
759. Lintel ^[۱۹۸]	ساکف. عاتق الكتلة الحجرية او الخشبية التي تجمع بين كتفي الباب من اعلاه و تمتد فوقها باقي مداميك الجدار.	نعل درگاه: سنگ يا تير افقی سردر که بار سقف را بر پایه ها توزیع می کند. تیر سردر- سنگ بالای در- آستانه- سردر
760. Liquid gold	ماء الذهب ذهب معالج ليستخدم سائلا في الزخرفة و فنون الكتاب و نحوها.	آب طلا- طلای آبگون.
761. Lobby	ردهة. صالة توزيع فسحة المدخل التي تطل عليها ابواب حجرات البيت و طرقاته.	تالار نشیمن- تالار ورودی- سرسرا- سالن انتظار.
762. Lock	قفل اداة تثبت في مصارع الأبواب لأحكام غلقها.	قفل- کلیدان- ضامن.
763. Lodge	مقصورة غرفة صغيرة او عش أو كوخ للراحة او لمشاهدة بعض النشاطات.	سرپناه- اتاق سرایدار یا دربان- اتاقک - کلبه.
764. Loft	سهوة- سندرة غرفة في اعلا البيت او مستقطعة من ارتفاع احدى حجراته، تخصص لحفظ احتياجات اهل البيت و لتخزين بعض الاشياء.	۱- اتاق زیرشیروانی- اتاق نزدیک سقف- انبار فوقانی- سکوب یا ایوان تالار در کلیسا و مانند آن- کبوتر خانه. ۲- خمیدگی سر چوگان.

765. Loggia منظره
پیشخان ستون‌دار- بالکانه
ستون‌دار- ایوان درونی- رواق
موضع فی البیت، مفتوح احد
الجوانب او مفتوح الجانبین یطل
گالری سقف‌دار- ایوان
منه السكان علی ما فی الخارج.
سرپوشیده.
766. Loom نول
۱- دار قالیافی- دستگاه بافندگی-
منسج یدوی او آلی لحبک
دستگاه جولایی- بافندگی.
۲- قسمتی از پارو که میان دسته
الخیوط و تحویلها الی نسج
پارو و تیغه است.
۳- یکطرف دسته پاروی
کرجی رانی که رو به کرجی است.
767. Loophole ثقب، شق
۱- مزغل- تیرکش: شکاف یا
فتحة طولیة ضيقة فی الجدار
روزن دیده‌بانی و تیراندازی در
للتطلع علی من فی الخارج او
برج و بارو- سوراخ سنگر.
لرمي السهام من قبل المدافعين.
۲- روزنه- راه گریز- مفر.
768. Loop knot انشودة
گره خفتی: گرهی که به آسانی باز
عروة اوخية تتم بالتفاف جزء من
شود.
خیط حول نفسه.
769. Loosly spun خیط غیر محکم الغزل
منسوج گشاد بافته شده- شل
خیوط مفتولة بطریقه غیر محکمة
تابیده. شُل رشته- شُل بافته.
من اجل اضافة الوبر للنسج.
770. Louver فتحة تهوية
کلاهک هواگیر: کلاهک یا برجک
فتحة فی الجدار او السقف تسمح
بالای بام برای گرفتن هوا و نور -
بدخول الهواء والشمس (شخشیخة)
دریچه تهویه- بادگیر.
گنبد روزنه‌دار: برای روشنایی
یا دودکش - فانوس بالای
ساختمانهای قدیمی- دودکش
بخاری.

771. Lozengs

تزیینات لوزی شکل- لوزی
شکل- جام لوزی- شیشه لوزی.

معینات

انظر: 902.

772. Lunette^(۱۹۹)

قمريه. هلالیه

فتحة على هيئة هلالية او مستديرة
تكون في سقف القبو او في اعلا
الباب و تسمح بالهواء و الضوء
(شراعة).

۱- نورگیر سقف- روزنه هلالی.

۲- قاب تزیینی مستدیر (در
سقف قوسی برای نقاشی
دیواری و پیکرتراشی- بالای
درگاه).

۳- نقاشی مستدیر سقفی.

۴- زیور هلالی شکل.

۵- سوراخ گیوتین که گردن در آن
قرار می گیرد.

773. Luster

بريق. لمعان

طلاء زجاجی براق تغطی به
الألوان الزجاجية و الفخارية
لاکسابها اللمعان المطلوب.

۱- لعاب صدفی- لعاب کاشی.

۲- روغن جلا.

۳- برق- جلای رنگ.

۳- چلچراغ- چراغ.

774. Lusterware

خزف ذوبريق

الخزف المطلى بالبريق المعدني.

سفالینه لعاب دار- سفالینه براق.

M

775. **Mace**^[۲۰۰] صولجان
عصا يحملها ملك او قائد عظيم
رمز السلطة او لاستخدامها في
اللعب بالكرة.
776. **Machicolations**^[۲۰۱] مساقط رمي
فتحات في جدران الحصون يصب
منها الزيت او الماء المغلي او
السهم فوق المهاجمين.
777. **Machine made rug** بساط آلي الصنع
ابسطة يتم صنعها بواسطة
الماكينة.
778. **Madder Plant** نبات الفوة
من اعشاب البحر المتوسط، احمر
السيقان والبذور، يستخرج منه
صبغ ياقوتي اللون.
779. **Mah (Pr.)** قمر ماه.
780. **Mahi designs** تصميمات هلالية
اشكال اقمار و اهلة تزين بها
الأقمشة
- گرز: که در قرون وسطی برای
شکستن زره بکار می‌رفته.
عصا - گوپال - طوپوز - چماق.
- مزغل سازی: ساخت شکاف بر
فراز باروها و برجها برای
تیراندازی یا پرتاب سنگ بر سر
و روی مهاجمان.
- فرش ماشینی - پارچه ماشینی
بافت.
- روناس: گیاهی است که از ریشه
آن قرمز روناسی و پاره‌ای
رنگیزه‌های دیگر گرفته می‌شود.
- استفاده از اشکال ماه و هلال برای
تزیین پارچه‌ها.

781. **Maiolica ware** خزف مایورقی
نوع تأثر بالأسلوب الاسلامي في
صناعته وينسب الى جريرة
ميورقة الاسبانية.
782. **Maksura (Ar.)** مقصوره
انظر: 763.
783. **Mani** مانى
موسس المذهب المانوي القائل
بوجود الخير والشر، و تصارعها
معا في الحياة. وكان لاتباع هذا
المذهب الفارسي الاصل تأثير على
بعض صناعات الخزف فنسب النوع اليهم.
784. **Mantel wall** خائط ساتر
انظر: 1319.
785. **Mantilla (Sp.)** طرحه
وشاح من قماش رقيق تضعه
المرأة حول رأسها وكتفها.
- سفالینه لعاب قلعی (مرسوم در
سفالگری اسپانیا و پرتقال).
- ۱- مقصوره: جایگاه امام یا
پیشنماز در جلوی محراب.
مسجدگاهی با محجر یا طارمی
به نیمدورش. در فارسی
مقصوره به معنی درونخانه
و جایگاه محصور است.
- ۲- حرم - جایگاه مقدس
- مانی: موسس مکتب و مذهب
مانوی، نقاش ایرانی (۲۷۶-۲۱۶)
میلادی که عقاید ثنویت زرتشت
و معتقدات مسیحی را با هم
آمیخته است.
- سرپنجه‌خاری: (خصوصاً قوس یا
عضو افقی بالای دهانه بخاری
دیواری) - گچ‌بری دور بخاری -
طاقچه روی بخاری.
- ۱- نوعی روسری یا شال‌گردن
زنانه که روی سر و اطراف شانه
را می‌پوشاند. (مانند روسری
زنان اسپانیا یا مکزیک).
- ۲- شنل یا ردای کوتاه.
- ۳- نوعی تور صورت.
- ۴- مانتیلا (نوعی روسری تزیینی).

786. **Mantle** معطف. دثار ۱- خرقه - ردا - بالاپوش.
رداء بدون اکمام يطرح على ۲- نوعی پارچه پشمی - توری
الكتفين. چراغ.
787. **Maquette** نموذج مصغر نماکت: نمونه کوچک برای
شكل مصغر ثلاثي الابعاد يحكي نشان دادن اجزای ساختمانی
الملامح الكاملة لمشروع فني بزرگ - شکل کوچک چیزی.
كبير كتمثال او منشأة.
788. **Marpuciu (Pr.)** خرطومی لوله خرطومی قلیان - شلنگ
حلیة دودية الشكل تشبه لي قلیان.
النجيلة ظهرت في الأبسطة النرجيلة ظهرت في الأبسطة
العثمانية في القرن ۱۷ م.
789. **Marquetry** تکفیت خاتم کاری - خاتم بندی (با
تزيين بعض المواد مثل الخشب قطعات رنگارنگ و ظریف
بمواد اخرى مثل العاج او الصدف چوب، صدف، عاج و مانند آن)
او نحوهما. منبت کاری.
790. **Masonry** صناعة البناء ۱- بنایی: کار با آجر و سنگ و بتون
اختيار الطوب و الاحجار واقامة واندودوکاشی و مانند آن در ساختمان
الجدران في مداميك منتظمة. (سفت کاری) بنا - سنگ کاری - مصالح
ساختمانی مانند سنگ و خشت.
۲- فراماسونری.
791. **Masonry. Polygonal-** بناء بحجر غشيم بناهای سنگی ساخته شده از
بناء يتم بحجارة متعددة الأضلاع سنگهای تراش نخورده در
و غير مشذبة. اندازه ها و اضلاع مختلف.
792. **Masonry. Striped-** بناء ملون المداميك استفاده از مصالح یا سنگ به دو
بناء بالطوب او الحجارة يكون المدامك رنگ مخالف در بنا.
بلون والذي يليه بلون مغاير (مخطط).
انظر: 2.

793. Massive مُضْمِت کلان - عظیم - بزرگ - یکپارچه
کثله مصمته متماسکه لنحت
تمثال او لعمل قاعدة (صَب).
794. Masterpiece رائعة شاهکار - کار استادانه - کار
بی نظیر.
تسمية تطلق على العمل الفني
الفريد الذي يعتبر علامة على
الطريق في دائرة موضوعه. او
بالنسبة لفنان بذاته.
795. Masterwork صنعة معلم شاهکار - کار مهم - برجسته.
و الوصف هنا ينصب على العمل
ذاته.
796. Mats حصير ۱- حصیر - بوریا - زیرانداز - زیلو -
پادری.
۲- حاشیه (دور عکس یا نقاشی).
۳- شبکه میلگرد (برای بتون
مسلح).
797. Matrid or Mathrid قصعة. طاجن قدح - ظرف بزرگ چینی که برای
ترید کردن استفاده می شود.
اناء عمیق من السیلا دون الصینی ربما
استخدم اساسا في تقديم الثريد.
798. Mat glaze طلاء کدر لعاب مات.
طبقه زجاجیه غیر لامعه. بریق
معتم.
799. Mauresque مغربی. موریسکی مراکش: سبک معماری شمال
افریقا و مغرب. مغربی.
على فن بلاد المغرب الاسلامي
وشمال افريقية.

800. Mausoleum^[۲۰۳] ضریح آرامگاه- ضریح- مقبره- بنقه-
قبر ضخیم تغطیة قبة یقام لعظیم- مرقد.
801. Mauve موف رنگ بنفش که از جوهر قیر ذغال
انظر: 638 به دست می آید.
رنگ ارغوانی روشن- بنفش
مایل به ارغوانی.
802. Meander خطافیه متتابعة زنجیره حُما (حاشیه تزیینی در
انظر: 903. گجبری، آجرچین، سفالگری،
جامه و مانند آن).
- نقشه پیچاپیچی که از خطوط
مستقیم و عمود درست شده باشد.
803. Medal میدالیه. نوط مدال- نشان افتخار- سکه یادبود-
قطعة معدنیة علی هیئة قطع النقود صفحه کوچکی که روی آن
تحفر او تسک فی مناسبة ما عکس باشد.
و تمنح للبعض من أجل تکریمهم.
804. Medallion سرة ۱- ترنجی (در نقاشی تزیینی
میدالیه کبیره ترسم وسط محیط و قالیبافی).
زخرفی کتلك التي تتوسط ۲- قاب بند تزیینی (در معماری).
ارضیة بعض الأبسطة ویسمیها ۳- مدال بزرگ.
الفرس جامة، والترک شمسہ.
805. Mediocre بین بین. متوسط الحال میان مایه- متوسط- معمولی.
صفة للعمل الذي لا یبلغ درجة
التفوق ولا یهبط الی الحضیض.
806. Medley of colours تولیف الألوان ۱- رنگارنگ.
المزج بین الألوان من اجل ۲- پارچه ای که از پشم های
الحصول علی لون له خصائص رنگارنگ بافته شده باشد.
معینة.

807. Merlon^[۲۰۲] **قوائم شرافات الحصن**
القوائم الجدارية التي تعلو اسوار
الحصون والتي يحتمي خلفها
المدافعون عنه. **شرفه: دیوارک یا جان‌پناه کنگره**
در باروی قلعه.
جرز یا میان دو تیرکش.
808. Mezzanine **طابق وسطانی**
طابق متوسط الارتفاع بين
طابقين اعلا منه او طابق بين
الدور الأرضي والدور الأول كذا
في بعض الفنادق. **میان اشکوب (میان کف**
واشکوب اول).
نیم اشکوب (که میان دو طبقه
ساختمان واقع باشد)
اشکوب کوتاه-بالاخانه زیر طبقه
اول.
809. Mihrab. Concave- **محراب غائر**
محراب مقعر، غاطس فی الجدار. **محراب کاس-**
محراب مقعر: محرابی که در
دیوار فرو رفته باشد.
810. Mimah (Ar.) **میمه**
انتظر: 904 **زنجیری - آرایش زنجیری.**
811. Minai **مینایی**
نوع من الخزف الجيد مرسوم
فوق الطلاء و تحكي رسوم حياة
البلاط المرفهة. **۱- لعاب مینایی.**
۲- سفال دارای لعاب مینایی.
812. Minaret^[۲۰۵] **منذنة**
عنصر معماري تتعدد اقسامه واشكاله.
و هو جزء هام من مكونات المسجد. **مناره- گلدسته- مأذنه.**
813. Miniature^[۲۰۶] **تصويرة منمنمة**
و مثلها الصور التي رسمت
بالمخطوطات لشرح موضوعاتها. **مینیاتور: نقاشی خاص مشرق زمین**
که در آن قواعد علم مناظر و مریایا
و کالبدشناسی رعایت نمی‌گردد
و جزئیات با ریزه کاریهای خاصی
نشان داده می‌شود.

814. Minium

سلقون

ماده من اکسید الرصاص لونها
احمر برتقالي يدهن بها الحديد
حتى لا يصدأ.

شنگرف- سرنج- اکسید سرب
قرمز- خاک سرخ-
گل اخري (به فرمول Pb_3O_4):
رنگيزه قرمز که در نقاشی و یا
چون ماده ضد زنگ بکار می رود.
در اصل یونایی Minlo بوده که
برای تزئین حروف اول عنوانها
و اسامی و تذهیب نسخ خطی به
کار می رفته و واژه مینیاتور نیز
مشتق از آن است.

815. Mint house

دارالضرب

الدار الخاصة بسك العملة.

ضرابخانه- محل ضرب سکه.

816. Moat^[۲۰۷]

خندق مائي

خندق عميق واسع مملوء بالماء
يحيط بالحصن لحمايته.

خندق دفاعی (به دور قصرهای
دژ مانند)- خندق- خاکریز.

817. Model

مثال. نموذج

نموذج يحتذيه المنفذ للعمل
ويلتزم خطوطه العامة وهو ما
يعرف بالتركية بالأورنيك.

۱- نمونه، سرمشق.
۲- قالب، ماکت: نمونه کوچک
سه بعدی.
۳- مدل زنده: کسی که در مقابل
نقاش یا پیکر تراش قرار می گیرد
تا تصویر یا پیکره اش ساخته
شود.

818. Modeling

قولبة. تشکيل

عمل القوالب او النماذج التي
تصب فيها المواد السائلة او
المنصهرة، لتأخذ شكلها النهائي.

۱- پیکربندی - اندامسازی (در
پیکر تراشی).
۲- برجسته نمایی - حجم نمایی
(در نقاشی).
۳- نمونه سازی، مدل سازی.

819. Modillion خروزة ۱- سگدست زیر قرنیز.
حلیه بنائیه بارزة تزین بعض ۲- تزیینات معماری روی قرنیز
مناطق الکورنیش فی منظومة ساختمان.
الأعمدة اليونانية.
820. More (Fr.) متمواج حریر رنگارنگ- دیبا- بوقلمون.
نسیج حریری یعالج اثناء صناعته
بالماء والمکابس الثقيلة لیعطی
تموجات متعددة ومثله قماش
«التفت» و «البوقلمون».
821. Monochrome واحد اللون ۱- تکرنگ- تکفام- سیاه
الصور لا یكون له سوى لون و سفید.
واحد. ۲- تصویر تکرنگ: نقاشی یا
چاپ با درجات مختلف یک
رنگ.
822. Monogram^(۲۰۸) امضاء، توقيع، علامة ۱- طغری: امضای هنری- امضای
عدد محدود من الحروف والكلمات
تشکل بطریقة متداخلة، تتخذ
علامة أو امضاء أو توقيعاً للشخص. ۲- طرّح، نقشه- تصویری که فقط
از خطوط درست شده باشد.
823. Monster^(۲۰۹) مونسطر (کائن اسطوری) هیولا- عفريت- غول- دیو-
من المخلوقات الاسطورية غیر
الموجودة فی الواقع مثل الفول. اهریمن- موجود افسانه ای بسیار
ویرسم شکله علی صورة نصف بزرگ و بدسرشت.
انسان و نصف حیوان.
824. Monument اثر ترائی ۱- اثر یادبودی (لوح،
عمل حضاری، فنی او ادبی او سنگ نبشته، پیکره، ستون، بنا).
معماری، یکون من بقایا اعمال ۲- بنای تاریخی.
الأجداد، مخلدا لذكراهم وداعیا ۳- اثر ماندگار.
لترسم خطاهم. ۴- بقعه- مقبره- ضریح- گور.

825. **Monumental building** صرح
 بنای یادبود.
 بناء فخم ضخم يجمع بين الشموخ والقيم الفنية المعمارية.
826. **Mortar** هاون
 هاون.
 وعاء من خليط معدني شديد الصلابة يستخدم في طحن المواد المختلفة في المنازل.
827. **Mortar** ملاط
 ۱- ملات- ساروج- دوغاب آهک.
 ۲- زنبورک- خمپاره انداز.
 خليط من الرمل والجير والاسمنت والماء يستخدم في البناء وهو «المونة».
828. **Mosaic**^[۲۱۰] فسيفساء
 موزايیک: به هم پیوستن شیشه، سنگ یا چوبهای ریز دارای رنگهای گوناگون و تهیه نقشی از آنها.
 معرق کاری- خاتم کاری.
 فسیفساء
 لقم دقیقه من الخزف او الزجاج او نحوهما تستخدم في تغطية بعض السطوح وتكون منها اشكال زخرفية او صور شخصية. و تقوم الألوان المختلفة فيها مقام الضوء والظل.
829. **Motif** تعبیر زخرفی
 ۱- نگاره- نقش مایه.
 ۲- مضمون هنری- درون مایه.
 ملحق مميز او صيغة زخرفية واضحة تحدد خصائص فكر او عمل فني ما.
830. **Mould** قالب
 ۱- قالب- الگو- ریخت
 ۲- ابزار: حاشیه یا باریکه تزئینی با سطوح مستوی یا کاس (مقعر) و یا سینه (محدب) و با نقوش تکراری برجسته و فرورفته که در بنایی و درودگری به کار می رود.
 وعاء تصب فيه العجائن او المنصهرات لتشكل بشكله.

831. Mouldings

حلیات قالبیة

مجموعات من الحلیات الزخرفیة
و المعماریة یتّم بعضها بالقولبة
و تستخدم فی تزیین العمائر
و الأثاث و غیرها كما تكون من
الجص و الخشب و المعدن و غیرها.
انظر: 870.

- ۱- قالب گیری- ریخته گری-
شکل بخشی.
- ۲- گچبری.
- ۳- زنجیره تزیینی (در بنایی)-
حاشیه تزیینی.

832. Ground

تراب الأرض

أ. المادّة الّتی تكوّن الطینة للطوب
و الفخار (خلطة).
ب. المساحة الّتی یشغلها موضوع
الصورة.

- ۱- زمین- خاک.
- ۲- بوم، زمینه: سطح آماده شده با
هر جنس و ماده برای انواع
نقاشی، برجسته کاری، قلمزنی
و مانند آن.
- ۳- پوشش لوح چاپ: موم یا ماده
نفوذناپذیری که روی لوح فلزی
و چاپ کشیده می شود تا مانع
نفوذ تیزاب شود.
- ۴- تراز.

833. Mouldings. Corona-

انظر: 881.

- ۱- حاشیه زیر قرنیز.

- ۲- قسمت برجسته قرنیز در
گچبری.

834. Mouldings. Cushion-

انظر: 883.

- ۱- چنبره.

- ۲- سنگ سرستون.

- ۳- زیر سازی زیر سنگفرش و غیره.

835. Mufayyal(Ar.)

مَفْیَل

وصف اطلق علی القماش الّذی
نسجت زخارفه بأشكال الفيلة.

- نوعی پارچه زری که نقش فیل بر
روی آن بافته می شد.

836. Muffler

صندوق الرّص

صندوق خاص داخل فرن حرق
الخزف لرص بعض الأواني وقت
الحرق بعيدا عن انجزة اللهب.

۱- سینی مخصوص با لبه‌های
بلند که سفالینه‌ها را برای ایمن
ماندن از ترکیدن در کوره در
داخل آن قرار می‌دهند.
۲- صدا خفه کن.

837. Mug^[۲۱۱]

کوز

قدح اسطواني للشرب له عروة
فی بدنه.

آبخوری- آبدندان- لیوان
دسته‌دار.

838. Munammar(Ar.)

منمر

وصف اطلق على التسيج الذي
تزيينه اشكال النمر.

پارچه‌هایی با طرح پوست
پلنگ- پارچه‌ خال پلنگی.

839. Museology

علم تنسيق المتاحف

يشمل دراسة المواد المطلوب
عرضها واماكن واساليب العرض
وظروف المناخ والضوء ووسائل
الرعاية والمحافظة على
المعروضات.

موزه‌شناسی

840. Muslin

موسلين (موصلي)

تسمية اطلقها الأوربيون على
بعض الأقمشة الفاخرة التي كانت
تصنع بمدينة الموصل. ثم اتسعت
التسمية- فيما بعد- فشملت ماكان
يصنع مثلها، في الهند.

۱- یک جور پارچه پشت‌نما که از
آن پرده و جامه‌های زنانه درست
می‌کنند- چیت موصلی.
۲- وال هندی- ململ.

N

841. Nap

زَعَب. زنبور. وبر

شعيرات دقيقة تكسو سطح
النسيج. وقد تضاف هذه
الشعيرات عمدا للنسيج اثناء
صناعته كما يتم في نسج القطيفة
او في عمل السجاد.

١- پرز- کُرک- خواب.

٢- سطح خوابدار یا کرکدار-
سطح پرزدار پارچه، پرزدار،
خواب پارچه.

842. Narthex

صفة المدخل

ظلة عند باب المبنى تقود الى فناء
تقود الى مجاز المدخل.

١- دهليز پیشین کلیسا- هشتی
کلیسا- هشتی یا ایوانی که از آن به
شبستان کلیسا می روند.
٢- ایوان- هشتی.

843. Nave

المجاز الرئيسي للمدخل

الرواق الموصل بين المدخل
الرئيسي والمحراب في المسجد
او بين المدخل والمذبح في
الكنيسة.

انظر: Trasept

١- صحن مسجد- شبستان
مسجد.
٢- شبستان کلیسا- ناو کلیسا-
قسمت وسیع سالن کلیسا.
٣- قسمت وسیع مرکز ساختمان.

844. Necklace

قلادة. عقد

خيط او سلك ينتظم عددا من
الحبات من الأحجار الكريمة او
المعادن النفيسة تزين به الرقبة.

گردنبند- گلوبند- حلقه-
سینه ریز- طوق.

845. **Needle work** شغل الأبرة
سوزن دوزی- قلابدوزی-
گلدوزی- دوزندگی.
الحياكة بالأبر الدقيقة المعروفة أو
بأبر التريكوه أو بأبر الكوروشيه
ذات الخطاف.
846. **Newel**^[۲۱۲] قائم السلم
پایه نرده- ستون پلکان- ستون
پل- ستون پایه آب انبار- تیر میان
پلکان مارپیچ.
العمود الرئيسي الذي تعتمد عليه
درجات السلم والدرابزين.
847. **Nib**^[۲۱۳] سن القلم، سن الريشه
سر قلم- نوک قلم.
طرف القلم الحاد الدقيق المجهز
للكتابة.
848. **Niche** حنية المحراب
۱- کاودیوار: فرو نشستگی در
دیوار که معمولاً جایگاه پیکره
و در معماری شرقی جایگاه
چراغ و لاله و قاب عکس و مانند
آن است. طاقچه.
الجزء من رواق القبلة الدال على
اتجاه الكعبة.
انظر: 53.
۲- راهرو زیرزمینی و طاقدار.
849. **Niello** مینا الحلک
۱- مینای سیاه-
مركب سیاه قلم: ترکیب شیمیایی
به رنگ سیاه برای سیاه قلم کاری
روی فلز ساخته شده از آلیاژ مس
و نقره و گوگرد و سرب.
خليط معدني شديد السواد تغطي
به بعض المعادن كالذهب والفضة
للتحلية.
۲- سیاه قلم روی فلز.
850. **Nimbus** هالة، غمامة
۱- هاله تقدس-
شعشعۀ ملکوتی: حلقۀ نور
اطراف سر اولیاء و انبیاء- هاله-
اکلیل نور.
سحابة بيضاء او هالة مضيئة تعلو
رؤوس اهل الفضل في بعض اعمال
التصوير.
انظر: 641.
۲- ابر بارانی.

851. Nook shaft عمود رگنی
عمود یستقر فی زاویة من زوايا المبنى.
بدنه ستون اصلی: ستونی که ساختمان و سقف بر آن تکیه داده شده است و در یکی از گوشه‌های ساختمان واقع شده است.
852. Noose^[۲۱۲] خیه
عروة فی طرف جبل یتحرک فیها طرقة الثاني لشد وثاق شیء ما.
۱- حلقه طناب- کمند- طناب‌دار.
۲- ریسمان زه کمان که به کمان بسته می‌شود.
853. Nosegay باقة
حزمة صغيرة منسقة من الأزهار.
دسته گل- گلدسته.
854. Novelty مبتکر. متجدد
متجددات المبتکرات المختلفة ومستحدثات الاشياء.
تازه گی- نو ظهور- چیز تازه و بدیع- چیز بکر.
855. Nozzle طرف الصنبور
فوهة او (بیزوز) الصنبور الذي یندفع الماء منه بقوة.
۱- دهانه فواره- افشانک- فواره آب پخش‌کن- شیوره.
۲- پستانک.
856. Nuance طفاقة
الفارق الدقیق الطفیف بین شیئین متقاربین فی لون او معنی ویقال فی العامیة (شعرة فرق).
اختلاف مختصر در میان دو چیز مانند دو رنگ یا دو معنا یا مانند آن- فرق جزئی.
857. Numismatics^[۲۱۵] نُمیّات
مایتصل بالعملات ونقوشها وعیارها و ضربها.
سکه‌شناسی: دانش مطالعه انواع مسکوکات و مدالها.
مدال‌شناسی- مسکوک‌شناسی- پول‌شناسی.
858. Nut-shell قشرة الجوز
صدفة الجوز الخشبية و یتخرج منها صبغ یتستخدم فی صباغة النسيج.
پوست گردو- پوسته (گردو، فندق، پسته و غیره).

O

859. Oakum

مشاققة

النفاية المتخلقة من المواد ذات
التيلة مثل الكتان ونحوه.

۱- الياف قيراندود کف
مخصوص درزگیری.
۲- الياف يا دانه های شاهدانه.

860. Oblong^[۲۱۶]

مستطیل

الشكل الرباعي الأطول في
جانبية.

مستطیل- دوک مانند.

861. Ochre

مغرة

مسحوق اوکسید الحديد ويكون
اصفر او بني محمراً ويستخدم
في اعمال الطلاء.

۱- أخرا- گل اخرا: خاک طبیعی به
رنگ زرد پریده تا زرد مایل به
سرخ که رنگیزه آن در رنگسازی
به کار می رود- خاک سرخ.
۲- زرد مایل به سرخ.

862. Octagonal^[۲۱۷]

ثمانی الأضلاع

شكل له ثمانية اضلاع وثمانی
زوايا متساوية.

هشت وجهی- هشت ضلعی-
هشت پر- شکل دارای هشت
ضلع و هشت زاویه برابر.

863. Oculus^[۲۱۸]

حدقي، حلقي

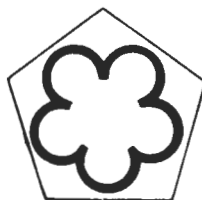
فتحة مستديرة كحدقة العين
تكون في الجدار او في قمة القبة
او القبو.

۱- پنجره گرد.

۲- روزنه نوک گنبد.

864. Oil- lamp سراج نفتی چراغ نفتی- چراغ روغنی-
وعاء يحتوي فتيلا وزيتا پيه سوز- لامپا.
للاضاء.
865. Opal اوبال. عين القط اوبال-
حجر كريم لونه سماوي او لبنى في عين الشمس: سنگ سيليس كه
الغالب وقادر على كسر حدة الضوء. نرم تر و سبكتر از دُر كوهی است.
866. Opaque معتم مات: حایل رنگ و نور-
غير شفاف لا تظهر تفاصيل غير شفاف - پشت پوش.
الأشياء من خلاله.
867. Opposition تواجه مخالفت- تضاد- تقابل- استیزه-
الوضع المواجه لوضع آخر او ناسازی.
المتعارض معه.
868. Order نظام. ترتيب ۱- شیوه معماری یونان و روم
ومثله المنظومة المعروفة باستان.
للأعمدة اليونانية. ۲- شیوه ستون سازی (یونان
وروم باستان).
۳- صنف- طرز- آرایش- راسته.
869. Open work^[۲۱۹] مخرمات. شفتشي مشبك کاری (باهر جنس و ماده).
اية حليات من معدن او حجر او آية أنسجة مثقبة للزينة مثل الدنتلا.
870. Ornament حلية زینت- آزين- آرایه- تزین-
نقش او رقص او رسم يتم لتزيين پیرایه.
موضوع لزيادة جمالياته و قيمته الفنية.
871. Ornament. سمك. حلية سمكية الشكل آرایه شكل ماهی.
Balik (Tr.)-

PLATE III



876



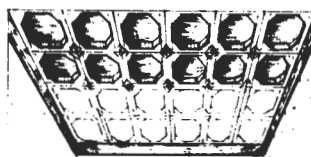
871



877



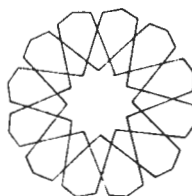
872



878



873



879



874



875



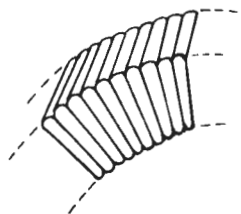
880



881 Corana



882



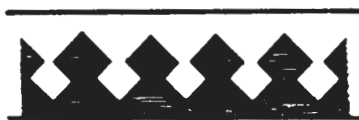
883



884



885



886

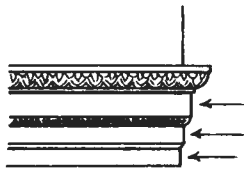


887



888

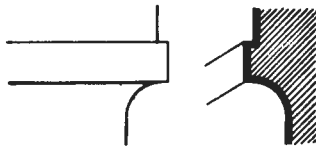
PLATE IV



889



890



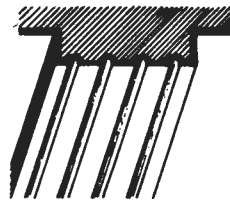
891



892



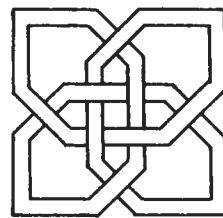
893



894



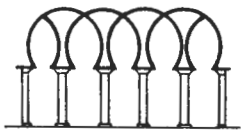
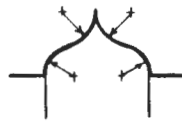
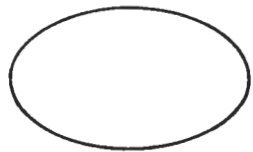
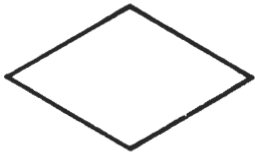
895



896 Fourfold braid



897

 898	 903
 899	 904
 900	 905
 901	 907
 902	

872. Ornament. Bead and Reel-	الخزرة والبكرة	تزیین مهره و ماسوله.
873. Ornament. Bead string-	حبات المسبحة	تزیین دانه تسییحی- آرایه مهره‌ای.
874. Ornament. Cavetto-	تقويرة. کافته.	آرایه مجوف- تزیین تو خالی.
875. Ornament. Chevron-	منشارية	آرایه دندانه‌ای- تزیین ۸ شکل.
876. Ornament. Cinquafoil	خماسية الفصوص	تزیین پنج‌برگ- آرایش پنجه‌ای.
877. Ornament. Cloud-band-	سحابة شريطية	آرایه ابری- تزیین نامنظم.
878. Ornament. Coffer-	القصة. النقرة	تزیین قاب‌بندی شده- آرایه صندوقی.
879. Ornament. Constellated-	النجمية. الكوكبية	آرایه ستاره‌ای- تزیین مرصع.
880. Ornament. Cornucopia-	قرن الرخا. القرنية	تزیین شاخی- آرایه قیفی شکل.
881. Ornament. Corona-	كرونة. تاجية	تزیین تاج گل- آرایه هاله‌ای.
882. Ornament. Crest-	شوشة	تزیین تاجی- آرایه کاکل‌دار.
883. Ornament. Cushion-	وسادة	تزیین بالشتکی.
884. Ornament. Cyma recta-	موجية عالية	آزین موجی افتاده.
885. Ornament. Cyma reversa-	موجية منخفضة	آزین موجی جمع.
886. Ornament. Dogtooth-	ناب الكلب	آزین دندانه‌ای- تزیین دندان نما.

887. Ornament. Egg and dart-	البيضة والرمح	آزین بیضه و پیکان: آرایش یک در میان بیضی و پیکان برجسته.
888. Ornament. Elliptic-	صنوبرية. اهليلجية	آزین بیضوی- تزیین بیضی شکل- آزین تخم مرغی.
889. Ornament. Fascia-	شریطية	آزین نواری- تزیین پیشانی زیر قرنیز.
890. Ornament. Flligree-	المتقبة. المخزومة (شفقتشي)	آزین مليله کاری- تزیین مليله دوزی.
891. Ornament. Fillet-	خوصة. خوصيته	تزیین پیش بند- آزین ماهیچه ای.
892. Ornament. Final-	طرف. قمة (حلية النهاية)	آزین سرمنازه: آزین برگ گیاهی سرمنازه یا نوک برج و مانند آن تزیین گلدسته ای.
893. Ornament. Fish scales-	قشر السمک. فلوس السمک	آزین پوست ماهی- تزیین پولک ماهی.
894. Ornament. Fluted-	اخدودية	آزین راه راه- تزیین قاشقی تراش.
895. Ornament. Folled-	ورقية. مفصصة	آزین دالبری- تزیین برگی.
896. Ornament. Fourfold braid-	ضفيرة رباعية الطيات	آزین گلابتون چهاربرگ.
897. Ornament. Fret-	المعقوفة المتتابعة. المفراكية	تزیین زنجیره یونانی- آزین زنجیره خُمپا.
898. Ornament. Herring bone-	سلسله السمكة	آزین جناغی- تزیین خار ماهی.

899. Ornament. Interlaced- مضافوره. متداخله آیین نقش درهم تابیده- تزیین متقاطع.
900. Ornament. Key Pattern رأس المفتاح (شکل حرف T) آیین T شکل - تزیین کلیدی شکل.
901. Ornament. Labyrinth- متاهة. اللبرنتية تزیین هزار خم- آیین مارپیچی (ماز شکل).
902. Ornament. Lozenge- معینة. (بقلاوه لوزیة) تزیین لوزی شکل- آیین بادامی.
903. Ornament. Meander- خطافیه متتابعة آیین زنجیره خُمبا- تزیین پیچ و خم.
904. Ornament. Mimah- المیمية تزیین زنجیری- آرایه زنجیری.
905. Ornament. Ogee- موجیه کامله تزیین دوخم: آیین پاچفت دوخم، خمیدگی کاس (مقعر) در بالا و خمیدگی سینه (محدب) در پایین.
906. Ornament. Open work- مخرمة (شفتشی) تزیین مشبک کاری.
907. Ornament. Oval- بیضیه آیین تسخم مرغی- آیین بیضی شکل- تزیین بیضوی.
908. Ornament. Ovolo- ربع الدائریة محدبة آیین بیضه ای- تزیین خاگی: ابزار سینه (محدب) با خمیدگی $\frac{1}{4}$ بیضی و با تزیین بیضه و پیکانی.
909. Ornament. Rams horn- قرن کبشیه آیین شاخ قوچی.

910. Ornament. Swastica- الصليبية المعقوفة (الساقية)
گردونه مهر: نمودگاری آیینی (در پرستش خورشید) به شکل صلیب یونانی (با دو بازوی متساوی) که انتهای بازوهایش به زاویه قائمه و همه در یک جهت منکسر می شود. این نشان رمزی از دوره مفرغ در میان بسیاری از اقوام بین النهرین، هندوستان، چین، اروپا و حتی سرخپوستان امریکای میانی معمول بوده است. آژین جلیپای شکسته - صلیب شکسته.
911. Ornament. Trefoll- ثلاثية الورقات برسیمیة
آژین سه برگی - تزیین سه پره.
912. Ornament. Volute- ملفوفة. مطوية
تزیین طوماری - آژین پیچکی.
913. Ornament. Winged- مجنحة
آژین قروهر - تزیین بال دار (پرواز).
914. Ornament. Zigzagged- متعرجه
آژین پیچ وخم - تزیین خیزابی - تزیین جناغی.
915. Örnek(Tr.) أورنک- بترون
مدل - الگو - سرمشق - مسطوره - نمونه.
انظر: 941.
916. Ostraca لخاف. شقفات
صدف: تراشه ها یا پوسته های نازک سنگ، سفال یا نظیر آن که برای نوشتن و نقاشی یا آرایش آثار هنری استفاده می شود پسته.
رقائق من الحجر او الفخار استخدمت في الكتابة والرسم والكلمة يونانية اصلا.
917. Overglaze painted مرسوم فوق الطلاء
نقش روی لعاب - نقاشی سرامیک بعد از پخت لعاب.

918. Ovolò

انظر: 908.

(ابزار) تخم مرغی شکل - (ابزار)

بیضه ای.

ابزار خاگی: ابزار سینه (محدّب)

با خمیدگی $\frac{4}{1}$ بیضی و با تزئین

بیضه و پیکانی.

919. Oxydation

أكسدة

اکسید شدن - زنگ زدن.

تفاعل كيميائي بين الأكسوجين

وبعض المعادن ينتهي باكتساب

المعادن لصفات وخصائص

جديدة.

P

920. Packing

تحشیه. تغلیف

وضع ألواح لملىء فراغات
اطارات أو هياكل الأبواب
والتوافذ أو المنابر ونحوها.

آب بندى.

نشست گيرى: بستن راه
نشت آب.

921. Painting

نمونه. تصوير

هو في الغالب الرسم بالألوان
ومثله تصاوير المخطوطات.

نقاشى- پرده- رنگ کارى- تابلوى
نقاشى.

922. Palankeen^[۲۲۰]

نقاله. محفۀ

حمالة مغطاة لنقل شخص واحد
يحملها حوالي اربعة اشخاص.

تخت روان- كجاوه- پالکى.

923. Palas(Tr.)

بلاس

نوع من نسيج تخين كالكلیم شاع
ببلاد القوقاز واطلق عليه اسم
«القرماني» ولا عقد ولا وير له
مثل الكلیم.

۱- پلاس: نوعى گلیم ضخیم
و کلفت بافته شده از موی بز.
۲- مهمانخانه ممتاز و لوکس-
بنای پر زرق و برق.

924. Pale pink

وردی فاتح

انظر: 376

صورتی کم رنگ.

925. **Pall** شملة
 نوع من نسيج فاخر يطرحه السادة
 على الأكتاف ويتدلى من الأمام
 والخلف، وهو عند البعض الشال
 أو الطيلسان.
926. **Pallete**^[۲۲۱] لوحة الألوان
 لوحة ينثر عليها الرسام ألوانه ليخلطها
 و ينتقي منها ما يحتاجه لموضوعه.
927. **Palmette**^[۲۲۲] مروحة نخيلية، سعفية
 ورقة نباتية حورت زخرفيا
 وظهرت في اعمال فنيه كثيرة.
928. **Panache** خصلة، صحبة
 خصلة من ريش او ازهار توضع
 على الرأس للزينة.
929. **Panel** حشوه، رقعة
 مساحة زخرفية أو لوحة يحددها
 اطار بقصد الزينة.
930. **Panorama** مشهد خلوي
 منظر خلوي مفتوح لاتحده
 حواجز، يمتد لمساحة عريضة
 وتعدد مشاهد و تستوعبه العين
 من نقطة مركزية واحدة.
- ۱- خرقه- ردای یونانی- پارچه
 گرانبهایی که مردان برای لباس
 فاخر رویی به کار می بردند.
- ۲- پارچه روی تابوت-
 جنازه پوش- پارچه نفیس روی
 مذبح یا ضریح- روپوش گور
- تخته شستی- تخته رنگ.
- تزئین برگ نخلی- نخل بادبزنی.
- دسته پر یا زیور کلاه خود
 دلاوران قدیم- کلاه پر- پرکلاه.
- ۱- نقاشی روی تخته.
 ۲- قاب بند چوبی.
 ۳- روکش چوبی دیوار.
 ۴- گسنگه: تخته یا ورق نازک
 جسمی بریده شده به اشکال
 هندسی که لبه هایش در میان قابی
 ضخیم تر جا افتاده باشد.
- ۱- نمای سراسری - منظره
 سراسری.
 ۲- اشکالی که تکه تکه از طوماری
 باز شده و بچشم نمایان می شود.

931. Panoramic view منظر خلوی دید تمام نما- منظره کلی.
انظر: 930
932. Parade عرض. استعراض ۱- نمایش (هنر و فضایل شخصی)
عرض لمهرجانات عسكرية او -رژه- سان- نمایش باشکوه.
فنية او رياضية. ۲- میدان مشق- تفرج گاه عمومی-
تجمع سربازان برای تمرین.
933. Paragon طرفة فريدة. تحفة ۱- نمونه عالی- سرمشق.
العمل الجيد الخالي من اي عيب، ۲- پارچه پرده ای رایج در قرن ۱۷
النادر الوجود، البالغ الكمال. و ۱۸ م.
۳- الماس کاملی بیشتر از که صد
قیراط باشد.
934. Parapet^[۲۳۳] دورة. ساتر جان پناه- دیوارک- دیواره-
سور متوسط الأرتفاع يعلو سطح خاکریز.
المبنى و يحجب من يقف خلفه.
935. Parasang فرسخ فرسنگ: معادل ۶۰۰۰ متر.
وحدة قياس طوليه (فارسية
قدیمة) حول ۳/۲۵ میل.
936. Passage ممر راهرو- دالان- گذرگاه- کوچه.
انظر: 429
937. Paste لصوق. معجون لاصق. كُلة ۱- چسب- خمیر- سریش.
مواد غروية تطبخ بطرق مختلفة ۲- ماده شیشه ای که از آن الماس
لستخدم في لصق مواد اخرى. یا جواهر بدلی می سازند.
938. Patent براءة. امتياز امتیاز نامه اختراع- پروانه- جواز
شهادة تعطى للمتميز اعترافا ساخت- حق ثبت شده انحصاری
بامتیازه فی صنعة ما. برای اختراع.

939. **Patina** **دلیل التقادم** ۱- کَره: بافت و زنگ یا جرمی که بر اثر مرور زمان و اکسایش و عوامل دیگری روی شیء رافرا گیرد. زنگار.
۲- زنگار مفرغ (به رنگ سبز که بر اثر کهنگی تولید می شود).
940. **Patron(Fr.)** **مثال. نموذج. آورنگ** حامی هنر- پشتیبان.
انظر: 941
941. **Pattern** **نمط** ۱- انگاره- طرح.
۲- سرمشق- الگو- نمونه.
۳- نقش مکرر.
مثال يحتذى لمحاكاة الأصل او
دلیل نمطي ملزم لمتبعه.
942. **Pavement** **تبلیط. رص البلاط** ۱- رهفرش: سنگفرش جاده، پیاده رو، حیاط و مانند آن.
۲- پیاده رو.
تغطية الأرضيات او بالمواد
المشابهة او بالفسيفساء.
943. **Pavilion** **خیمه. فسطاط** ۱- کلاه فرنگی (معماری)-
کوشک- سراپرده.
۲- پیشامدگی سقف جلو خان.
۳- خیمه- چادر.
۴- عمارتی که در میدان بازی برای تماشاگران می سازند.
944. **Pedestal**^[۲۲۲] **رکیزة العمود** ۱- پاسنگ.
۲- پاییکره- پایه مجسمه.
۳- پاستون- پایه ستون یا چراغ.
القاعدة المستقره على الأرض
الحاملة لبدن العمود او للتمثال.
و تسمى الكرسي ايضا.
945. **Pedestrian** ۱- مجسمه ایستاده بر پایه-
تندیس شخص ایستاده.
۲- پیاده رو.
هیکل لشخص يقف بقدميه على
قاعدة.

946. **Pediment**^[۲۲۵] **جبهة**
 ۱- آرایش سنتوری: سه گوش
 بالایی درگاه در معماری
 کلاسیک.
 ۲- بام دو شیب کند (یا کم خیز).
 تشکیل معماری يتوج مجموعة
 اعمدة المدخل في العمارة
 اليونانية ويكون الجبهة هرمية او
 قوسية مسنمة او ناقصة من
 اعلاها او مفتوحة من اسفلها.
 مثلما نشاهد في بعض الأثاث.
947. **Peeling** **تسلخ**
 پوست انداختن - ورا آمدن پوست
 - پوست وادادن - در آمدن
 وکنده شدن پوست.
 سقوط او تقشر اجزاء من طبقة
 الطلاء وهو احد عيوب الطلاء.
948. **Peg** **خطاف**
 میخ چوبی - گل میخ - چوب
 رخت آویز - میخ.
 أداة معقوفة الطرف مثل ابرة
 الكروشيہ لاصلاح بعض الغرز او
 جذب بعض الخيوط لاصلاحها.
949. **Pempe(Tr.)** **بمبة**
 رنگ صورتی.
 انظر: 376.
950. **Pen-case**^[۲۲۶] **مقلمة، مِزْبَرَة**
 قلمدان - جاقلمی.
 صندوق او علبة صغيرة لحفظ
 اقلام الكاتب او الناسخ.
951. **Pendentive**^[۲۲۷] **متدلية، دلایة**
 ۱- لچکی: مثلث کروی که برای برپا
 ساختن گنبد در گوشه های مربع یا
 مستطیل زمینه (پایه) برای تبدیل
 زمینه به طوقه گنبد بسته می شود.
 ۲- طاسچه: پایه سه گوشه زیر
 طاق نما یا گنبد.
 واحد من مثلثات اربعة تشغل
 الفراغ الموجود عند انتقال قاعدة
 القبة من المربع إلى الدائرة.
952. **Pendentive**^[۲۲۸] **دلایة المثلث الكروي**
 لچکی کروی شکل یا لچکی
 (طاسچه) - مثلث کروی شکل.
 انظر: 951.
sphericaltriangle

953. **Pentagon**^[۲۲۹] **خماسی متساوی الأضلاع** **پنج‌پر -**
 شکل منتظم خماسی و متساوی
 الأضلاع والزوايا.
 پنج‌گوش: شکل هندسی با پنج
 ضلع یا بر متساوی - پنج ضلعی
 منتظم.
954. **Peony (Paeonia)** **فاونیا. عود الصلیب** **۱- گل صدتومانی - شقایق**
 زهرة جميلة ذات رائحة واوراق
 والوان مختلفة منها الأحمر
 والوردي. صينية الأصل، يعرفها
 البستانيون باسم «عود الصليب».
 فرنگی- شقایق پرپر.
 ۲- رنگ قرمز متوسط.
955. **Pergola**^[۲۳۰] **عريش. برجولة** **۱- آلاچیق.**
 شرفة او ممشى في حديقة مغطى
 بالنباتات.
 ۲- داربست- سایبان- سایانی که
 از چفته گیاهان درست کنند-
 سایبانی که وسط باغها یا صحرا
 از سنگ یا چوب درست کنند.
956. **Peristyle**^[۲۳۱] **رواق** **۱- ایوان ستون‌دار.**
 مبنى متسع يقوم السقف فيه على
 مجموعة من الأعمدة.
 ۲- ستون بند مستدير.
 ۳- ردیف ستونهای پیرامون
 ایوان یا حیاط.
 ۴- فضایی که بوسیله ستونها
 احاطه شده است- ستون بندی.
957. **Perron (Fr.)** **رَسْوَة. صَدْفَة** **پلکان پیشخوان- پلکان خارجی**
 مصطبة صغيرة ذات درجات محدودة
 تتقدم المدخل الخارجي للمبنى.
 عمارت- سکوب سنگی.
958. **Perspective** **منظور** **۱- ژرفانمایی- سه بعد نمایی.**
 أسلوب في الرسم يحكي للعين
 الأبعاد النسبية الثلاثة للمراتب.
 انظر: 192.
 ۲- علم مرايا: اصول فنی
 و هندسی مجسم کردن حجم
 و دوری و نزدیکی و موضوع

اشیاء و موجودات بر پرده
نقاشی، همانگونه که به دیده
انسان درمی آید.
پرسپکتیو.

959. Pestle

مدق. ید هاون

دسته هاون- شته- گرز- دسته.

ید صلیبة من معدن او خشب لدق
و تفتیت المواد المختلفة و طحنها.

960. Petticoat

قمیص تحتانی

شلیته - جامه بلند - زیرپوش -

قمیص بغیر اکام یلبس تحت
الثوب الخارجی.

دامن زیر.

961. Pew^[۲۳۲]

مُبلَّغة

۱- جای مخصوص واعظ در

یستخدمها القاریء او المبلغ
و توجد فی الكنائس والمساجد.

مسجد و کلیسا - سکوی بلند

جای ناطق یا واعظ در کلیسا

۲- صندلی بلند مخصوص قاضی
دادگاه.

۳- جای خانوادگی - جای چند
نفری.

962. Phenomenon

ظاهرة

۱- پدیده- نمود- تجلی- پدیدار.

لفظة تطلق على عمل لافت للنظر
تتوفر له مميزات خاصة تشد
الانتباه اليه وتجعله مثالا يلتفت
اليه.

۲- چیز یا شخص عجیب و نادر.

۳- واقعه یا چیز غیر عادی
و استثنایی.

963. Phoenix

عنقاء

مرغ آتش: مرغ افسانه ای بسیار زیبا

طائر خرافی بمصر القديمة كان
رمزا للخلود واقتبس كموضوع
زحزفی على التحف والعمائر.

که در پایان عمر چند صد ساله خود

رامی سوخت و از خاکستر جسدش

مرغی جوان تولد می یافت.

سیمرغ - ققنوس - عنقا.

964. Pier **دعامه** ۱- مجرّدی: دیوار میان دو دهانه.
۲- جرّز- پایه- پایه پل- شمع دیوار.
۳- اسکله- موج شکن- لنگرگاه.
بدنه غلیظه مربعه غالباً تدعّم بها
جدران المباني وتتلقي الأحمال
الثقيلة.
965. Pier. Compound-^[۲۳۲] **دعامه مرکبه** پایه مجرّدی مرکب.
مجموعه بدنات تجهّز لتحمل
اثقال كثيره كعدد من العقود او
الأعمدة.
966. Pigment **صیغ** رنگیزه: ماده رنگ گیاهی، معدنی
یا شیمیایی- رنگدانه.
المواد الطبيعية الملونة في انسجة
او خلايا النباتات او الحيوانات.
967. Pilaster^[۲۳۲] **سناده** ۱- ستون چهارگوش توکار: ستون
تزیینی چهارگوش که نیمی از
بدنه جرّز بیرون می‌نشیند- ستون
چهارگوش یا نیم‌دایره در بدنه
بنا- نیم‌ستون.
۲- هر چیزی شبیه ستون یا
استوانه.
968. Pile **ویره** ۱- شمع (در معماری).
۲- دستک- تیر پایه.
۳- نمای پارچه ابریشمی یا
مخملی یا پشمی- پرز- کرک-
پارچه پرزدار.
۴- توده- کپه- تل.
أ. شعيرات تلازم بعض انواع
الأقمشه.
ب. خيوط تضاف اثناء عملية
الحبك لانتاج قماش دو ویره
كالقטיפه او البسطة.
969. Pile. Yarn- **کرة غزل** کلاف نخ.
کرة من غزل منفوش يستخدم
لاضافة الویره الى سطح النسيج.

970. Pile. Looped- عقدة وبریة نخ فیلامنتی حلقه دار.
الوبرة تضاف اثناء عمل الأشرطة
971. Pile. Shaggy- وبرة خشنة نخ پرز بلند خشن.
وبرة من الكتان او شعر الماعز
خشنة بطبعها
972. Pile. Pillar-[۲۳۵] قائم ستون ساده با مقطع مربع و عاری
دعامة مربعة القطاع تجهز لحمل از ویژگیهای ستونهای معماری
القف كما يشاهد في مسجد کلاسیک چون پا ستون و سر
ابن طولون بالقاهرة. ستون و تزیینات دیگر.
973. Pile. Knotted-[۲۳۶] قائم ذو عقدة ستون گره خورده (معمول در
دعامة تعترض بدنها هيئة عقد معماری رومی وار).
كاسلوب زخرفي.
974. Pillowcase کیس مخدة روبالشی.
کیس مزخرف عادة توضع بداخله
975. Pineapple آناناس آناناس که از شکل آن برای تزیین
ثمرة استوائية تختزن عصيرا طيبا، استفاده می شود.
استخدمت كـتعبير زخرفي، و
شكلها العام مثل كوز الصنوبر.
976. Pine nut حبة الصنوبر میوه کاج- دانه کاج.
و هی الحبات العاجیه الشكل نقش میوه کاج.
البيضاوية الهيئة التي توجد داخل تزیین کاجی شکل.
كوز الصنوبر.
977. Pistak(Pr.) مقدم الايوان. بشطاق پیش طاق.
الجزء المتقدم من الايوان الفنى
بالزخرفة.

978. Plain cloth قماش ساده لباس ساده و معمولی عاری از تزئین.
قماش خال من الزخرفة و التطريز
979. Plait ضفيرة متضاعفة ترنج-چین-بافه-بافته.
جديلة متعددة الأفرع.
980. Plane leaf^[۲۳۷] ورقة الدلب. مسحاج النجار رنده نجاری.
أ. و الدلب شجر للظل اوراقه
كبيرة متعددة الأصابع.
ب. مسحاد النجار و هو الفارة
الطويلة (الرابون) التي يوصل بها
سطح الخشب.
981. Plaster مونة للمحارة ۱- گچ کاری- گچ کشی- گچ پزی.
خلیط من عدة مواد لتكوين مونة ۲- اندود(بسا ملاتهای گچی،
البناء او البياض او للصب في سیمانی، آهکی و مانند آن).
قوالب التشكيل و عمل النماذج ۳- ضماد- مشمع طبی.
وهي غير الملاط الخاط بالبناء.
982. Plate لوحة. صحن كبير. كليشية ۱- صفحه نرم و نازک- صفحه
فلزی- پلاک- لوح فلزی.
۲- بشقاب- ظرف لب تخت -
ظرف دارای آبکاری فلزی.
۳- کلیشه چاپ.
أ. لوح معدني يستخدم في
تكسية السطوح.
ب. صحن كبير يقدم فيه الطعام
للجماعة.
ج. كليشية يستخدم في طباعة
الأشكال.
د. لوحة فنية مصورة على صحيفة
بكتاب.
983. Plate. Back- حامية الظهر زره یا پوشش فلزی که پشت
درع واقية لظهر المحارب. و کمر جنگجو را می پوشاند.

984. Plate. Breast- حامیه الصدر زره سینه- سینه‌بند کاهن بزرگ -
درع واقیه لصدر المحارب. چار آئینه.
985. Plated مطلي مطلا- ظرف یا وسیله آب طلا یا
صفة للأواني المطليه بطبقة من آب نقره داده شده.
الفضة او الذهب او نحوهما.
986. Platform for مضطبة الدار سکوی محل نشستن نگهبان در
sitting رصيف من حجر يتقدم باب مدخل ساختمان.
المبنى مخصص لجلوس الحارس. صفه جلو در ساختمان.
987. Plinth سفلى. وطيدة عمود پاستنگ: سنگ زیرین پاستون-
أ- جزء مربع من الحجر ضمن تختة زیر چیزی- پایه مجسمه-
ركيزة العمود. انظر: 944. پایین‌ترین قسمت پایه.
ب. جزء صغير من الجدار يلامس قطعه مربعی زیر ستون.
ارض الغرفة.
988. Plumb line^[۲۳۸] شاقول خط شاغول.
میزان خیط مکنون من خیط طويل
يتمهى بثقل من الرصاص
يستخدمه البناء فى التأكد من
استقامة و اعتدال الجدران.
989. Podium منصة ۱- کرسی ساختمان: دیوار
أ. مصطبة مرتفعة يصعد اليها کوتاهی که بجای پایه ساختمان
اللاعبون في المدرجات. بکار رود.
ب. ظله تحمي ما تحتها من المطر ۲- بنیاد یا سکوب زیر مذبح یا
و الشمس. محراب.
۳- دیوار کوتاهی که گرد
نمایشخانه باشد.
۴- تریبون- سکو.

990. **Pointing**^[۲۳۹] **تحدید الملاط. تکحیل** بندکشی برجسته- بندکشی.
تجدید و تحدید مواضع لحامات
الطوب او الحجارة بهدف الترميم
او التجميل ويعرفه اهل الصناعة
بتكحيل الجدار.
991. **Pole** **شاخص. صاري** تیرک- تیر- مال بند.
قائم مرتفع لیست به زخارف.
992. **Polo**^[۲۴۰] **جُخفة. بولو** چوگان بازی (سواره)- چوگان.
لعبة تضرب فيها الكرة بالعصا
المعقوفة من فوق ظهور الخيل.
993. **Polychrome** **متعدد الألوان** ۱- هفت رنگ، رنگارنگ.
صفة للعمل الفني يجمع عددا من
الألوان. ۲- چندرنگ: نوعی رنگ آمیزی
تندیس (برای تقلید بیشتر از
طبیعت).
994. **Polygon**^[۲۴۱] **متعدد الاضلاع** چندگوش: سطح هندسی که از
شکل هندسی متعدد الاضلاع و
الزوايا. و قد تكون الاضلاع
متساوية والزوايا كذلك. چهار ضلع بیشتر داشته باشد.
کثیر الاضلاع- چند ضلعی.
چند پر.
995. **Pool** **حوض کبیر. برکه** آبگیر- برکه- استخر- حوض-
مساحة محدودة من المياه تكون
طبيعية او صناعية. کولاب.
996. **Poppy flower** **زهرة خشخاش** گل خشخاش- گل شقایق.
زهرة حمراء فاتحة و يزرع نباتها
لاستخراج الافيون منه.
997. **Porcelain** **بورسلین** چینی - چینی آلات - ظروف
هو اجود و امتن انواع الخزف
چینی - سیمان یا چسب چینی.

المصنوع اساسا من الطفلة النقية
والمحروق في الأفران في درجة
حرارة عالية و المطفى بطبقة
زجاجيه لامعة.

998. Procelain.
Eggshell-

خزف رقيق
نوع فاخر من الخزف الرقيق صنع
فى الصين و صنع مثله في
الأقطار الاسلاميه.

چینی نازک و ظریف.

999. Porch

ظلة مدخل
كنة تحمي باب الدار من شمس او
مطر.

هشتی- ایوان- رواق- دالان-
ورودی سرپوشیده.

1000. Porphyry

بورفير. حجر سماقي
حجر بركانى مصري شديد
الصلابة شائع الاستخدام في البناء
و عمل التماثيل لونه أرجواني
قاتم. و قد تكون له صلة لجبل
السماق بشمال سورية (حلب).

سنگ سماک- سنگ سماق.
سماق- سنگ آذرین سماکی.

1001. Portal

بوابة
باب رئيسي عال ومتسع
كابواب الحصون و المنشآت
الضخمة.
انظر: 1209

مدخل تزینى- ورودی
شکوهمند- دروازه.

1002. Portcullis^(۲۲۲)

حاجز ساقط
باب من عیدان حدیدیه او خشبیه
قویه وثقيله یغلق باسقاطه من
اعلا الى اسفل لیعترض
المهاجمين للمدخل.

دروازه بالارو (در قلاع
واستحكامات قرون وسطی)-
دروازه پوش آهنین -
پنجره کشودار.

1003. **Portico**^[۲۲۳] صُفَّة ۱- رواق- ایوان.
۲- ورودی ستون‌دار- رواق
۳- شاه‌نشین.
رواق محدود المساحة، يرتفع
سقفه على اعمدة يقام في مقدم
القصر او المسجد او في الحديقة.
1004. **Portrait**^[۲۲۴] صورة شخصية چهره- تمثال- تصویر صورت.
صورة ينفذها الرسام لشخص
معين وتكون مؤكدة لملامحه.
1005. **Portrait. Self-** صورة ذاتية تصویر از خود - نگارگری از
خویش.
صورة يرسمها الفنان لنفسه من
خلال المرأة.
1006. **Portraiture** فن الصور الشخصية چهره‌سازی - شبیه‌سازی -
پیکرنگاری - نقاشی از صورت -
رخ نگاری.
ممارسة رسم الأشخاص باقتدار.
1007. **Pose** وضع ۱- حالت - قیافه.
۲- دینیه- گنج.
هيئة محدودة يكون عليها الكائن
في حالة تصويره.
1008. **Post** ساریه ۱- تیر- پایه- ستون سنگی، چوبی
یا فلزی.
۲- چاپار.
قائم من خشب او معدن او
نحوهما يكون علامة او سائدا
لشيء ما.
1009. **Postern** باب سوي. باب جانبي در فرعی دروازه- در پشتی- در
عقبی- راه فرار- گریزگاه.
منفذ خاص في قصور او قلاع
العصور الوسطی يستخدم عند
الضرورة.

1010. **Potter's wheel** دولاب الخزاف
العلجلة التي يستخدمها الخزاف
وهو يشكل خزفياته. چرخ کوزه گری.
1011. **Potteries** فخاريات
كل ما شكل من الأواني من الطفلة
المعجونة ثم جفف ثم احرق في
الأفران. ۱- سفالینه-کوزه.
۲- سفالگری-کوزه گری.
1012. **Pouring lip** شفة الانسكاب
الجزء المجهز في فوهة الكوب او
الابريق ليقوم مقام الصنبور
اوالبزور أثناء انسكاب السائل. شکاف یا بریدگی لبۀ آبدان یا
ابریق برای سهولت در ریختن
آب یا مایع درون آن.
1013. **Praying rug**^[۲۴۵] سجاده صلاة
نوع من السجاجيد الصغيرة تحليها
رسوم المحارب شاع انتاجها في
مصانع السجاجيد التركية. سجاده.
1014. **Precinct** ربض. حي. منطقة
قسم من اقسام قصر كبير او مدينة
تحدده معالم معروفة. چهار دیواری - محوطه - منطقه -
بخش - حوزه.
1015. **Precision** دقة. احكام
صفة لكل منتج يبلغ حد الكمال
في الصنعة. دقت - ظرافت - صحت - باریک
سنجی.
1016. **Priming** تجهيز. تحضير
معالجة بعض الأواني بوضع مواد
خاصة عليها قبل طلاؤها. ۱- آسترزنی.
بوم سازی: آماده سازی سطح بوم
با روغن یا سریشم یا رنگی خنثی
برای نقاشی.
بتونه کاری- آندود کاری.
۲- خرج باروت فشنگ و بگلوله توپ.

1017. **Printed fabric** بصمة. نسيج مطبوع
زخارف و رسوم مطبوعة
وليست منسوجة.
1018. **Printing blocks** قوالب الطباعة
قوالب خشبية او معدنية. تحمل
الرسومات المطلوب طبعتها على
النسيج.
1019. **Prismatic triangles**^[۲۲۶] مثلثات منشورية
نوع من الدلايات الحاملة للقباب
في العمارة العثمانية.
1020. **Profile** صورة جانبية
صورة تكون اساسا لنصف الوجه
المقابل للمصور.
انظر: 247.
1021. **Protoype** نمط اصلي
الأبتكار الأول لتعبير زخرفي او
فني ظهر في الماضي ثم صار
مثالا يحتذى فيما بعد.
1022. **Pseudo-** تمويهی. مزيف
كل عمل مضلل للأصل او مبالغ
في تحويره عن الأصل.
1023. **Pseudo
-inscription** كتابة تمويهية
كتابات زخرفية تأخذ هيئة
الحروف وليست كذلك، ترسم
فقط للزينة.
- پارچه گلدار - پارچه چاپی.
لوح های چوبی چاپ - باسمه
زنی چوبی.
مثلث های منشوری مرسوم در
معماری عثمانی.
۱- نیمرخ (تصویر).
۲- نیمرخ ساختمانی: خط دُمبر
مقطع قائم هر عضو و ابزار پیش
نشسته از بدنه ساختمان.
۳- برش عمودی - پهلونما.
نمونه اصلی - شکل اولیه -
سر مشق.
کاذب - دروغین (پیشوند).
کتیبه دروغین - کتیبه نما.

1024. **Pulpit**^[٢٢٧] منبر سکوی و عظم و خطابه. منبر
منصة مرتفعة يرتقيها الخطيب في
الكنيسة او المسجد لالقاء
موعظه.
1025. **Pumice** سنگ خارا- سنگ سمباده. حجر خفاف
نوع من الحجر البركاني خفيف
الوزن اسفنجي، يستخدم في جلاء
وصقل السطوح.
1026. **Purple** ارغواني: ترکیب قرمز و آبی. ارغواني
خليط من الأحمر والأزرق.
انظر: 315, 377.

Q

1027. **Quibla wall** جدار القبلة دیواری که محراب مسجد را دربر گرفته است. دیوار قبله.
1028. **Quadrangle** رباعي الزوايا شكل چهارگوش. الشكل الهندسي رباعي الزوايا والأضلاع.
1029. **Quarries** تربيعات ۱-کان سنگ. معينات زجاجية او خزفية لتغطية بعض النوافذ او المسطحات. ۲- تزيينات چهارگوش: آجر- کاشی، شیشه جام و پنجره.
1030. **Quatrefoil** رباعي الورقات چهارپره- چهاربرگ. شكل زخرفي او زهرة لها اربع ورقات.
1031. **Quary** مرساة اسکله- بندرگاه. رصيف يبنى بمحاذاة الشاطئ او بالتعامد عليه لرسو السفن.
1032. **Quilted** مُنَجَّد: مُضْرَب كُليجه- نيم تنه بالا پوش- لحاف. فرش او ملاپس تحشي بالقطن ونحوه و تحاك كالألحفة وغيرها.

1033. **Quiver** کنانة السهام. جعبة السهام
کيس تحفظ به سهام الرامي
ويحمله فوق ظهره. تيرکش - تيردان.
1034. **Quoin**^[۲۲۸] حجر الزاوية سنگ کنج - سنگ دونبشی - سنگ
الحَجَرَة المتمرکزة في الزاوية
الخارجية للمبنى. زاویه - گوشه بیرونی ساختمان.
1035. **Quran box** صندوق مصحف جعبة قرآن.
علبة مطعمة غالبا لحفظ
المصحف.
1036. **Quran- stand** کرسی مصحف رحل قرآن.
حامل لحمل المصحف مفتوحا
لسهولة القراءة. و له مفصلات
لطیّه.
انظر: 753.

R

1037. Rafters

کمره، عارضه، رافده
عیدان غلیظه خشبیه او معدنیه
فی وضع مستعرض لحمل اجزاء
السقف فی المبنى.

لنگه خربا: تیر شیبدار شیروانی -
تیر عرضی طاق.

1038. Rag work^[۲۴۹]

حجر بَطِیح
قطع مختلفه الأنواع والأشكال،
رفیعه نوعا ما ترص فوق بعضها
لأقامة حائط او جدار.

سنگچین ناصاف.

1039. Ramp

ممر او طریق صاعد
طریق یجهز للصعود الى مكان
یرتفع عن مستوى سطح الأرض.

شیبه: گذرگاه شیبدار برای
مرتبط کردن سطوح پست و بلند
یا اشکوبه‌های پایین و بالا به
یکدیگر - شیب راهه.
سرعت گیر - پاگرد پله.

1040. Ramparts

استحکامات
اضافه معماریه تدعم سور
الحصن من اجل حماية المدافعين.

۱- خاکریز دفاعی: خاکریز یا تلی
که دیوار دفاعی قلعه بر آن استوار
می شود.
۲- باروی قلعه - استحکامات.

1041. Rampart walk^[۲۵۰]

ممشى علوي
ممشى متصل بسور الحصن لتيسير
حركة المدافعين فوق السور.

مسیر قدم زدن در بالای بارو -
مسیر قدم زدن (نگهبان) بر بالای
برج یا استحکامات.

1042. **Rampler** سیف طعان شمشر صاف دودم.
شمشر اروپائیان در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی.
سیف طویل مستقیم ذو حدين
استخدم في عمليات الالتحام
والطعان في حروب الأروبيين في
القرنين ۱۶ و ۱۷ م.
1043. **Realism** واقعیه واقعگرایی: تصویر و تجسم
واقعات.
رنالیسم.
اتجاه فني وادبي نحو رؤية
الاشياء على حقيقتها الفعلية وبما
هي عليه من حسن أو قبح.
1044. **Recess** دَخْلَة ۱- پس نشستگی اتاق-
تونشستگی ساختمان.
۲- طاقچه تزئینی-کاودیوار.
تجويف او فجوة في الجدار
تدخل عن مسطحة مكونة فراغا
يستفاد به كحنية للقبلة او مكان
للأرفف.
1045. **Recto** وجه البردية صفحه دست راست کتاب- جلد
روی کتاب.
الوجه المجهز للكتابة في دَرَج
البردي.
انظر: 1308.
1046. **Red lead** سلقون ۱- سرنج: رنگیزه قرمز کانی که
در رنگهای نقاشی یا چون
ماده‌ای ضدزنگ به کار می‌رود.
۲- اکسید سرب که برای ساختن
رنگ در شیشه‌سازی بکار
می‌رود با فرمول (Pb_3O_4) .
1047. **Reed pen** قلم البسط قلم نی.
قلم من الغاب يجهز لكتابة الخط
العربي.

1048. Reel عجلة. بكرة ماسوره- قرقره- کلافه- چرخه.
 اطار خشبي او معدني يلف حوله
 الخيط لسهولة الاستخدام في
 عمليات الحياكة والنسيج.
1049. Regimentation حشد عمالة ۱- راسته صنفی.
 تعبیر يطلق على عملية تجميع ۲- هنگ
 انواع من العمال والحرفيين من
 مواطن شتى لأعمال انشائية
 تحتاج الى خبرات متنوعة
 وباعداد كبيرة.
1050. Relief حفر. حزر ۱- نقش برجسته- حجاری
 ابراز موضوع مافوق سطح برجسته.
 مادة صلبة بطريقه بارزة او
 منخفضة. ۲- نقشه پستی و بلندیهای زمین.
1051. Relief. High- حفر بارز نقش تمام برجسته
 تنفيذ موضوع مافوق سطح مادة
 صلبة بحيث يكون الموضوع
 واضح الارتفاع عن سطح المادة
 ولا ينفصل عنها.
1052. Relief. Low- حفر غائر برجستگی اندک (بر روی
 وهو ما يكون فيه حفر کننده کاری)- کننده کاری با
 «الموضوع» خفیفاً بسیطاً فوق
 السطح. عمق کم.
1053. Relieving arch عقد مخفف كلاهخود گوشه دار- خود
 انظر: 67,93. زاویه دار.
 جهازه- طاق دزد.

1054. **Renaissance** **الانبعاث، الصحوة** **نوزایی ادبی و فرهنگی: نهضت**
 اطلق هذا المصطلح على عصر
 الانتعاش الواقع بين مرحلة
 العصور الوسطى والعصر الحديث
 (١٤-١٧م) وشملت هذه الصحوة
 كل نواحي الفنون والمعارف.
 واستعير المصطلح للتعبير عن
 الحركات المماثلة.
 احیای هنر و ادبیات یونان و روم
 باستان که در نیمه نخست قرن
 شانزدهم به اوج کمال رسید. نوزایی
 با اعتراض علیه هنر گوتیک
 و اندیشه و فرهنگ قرون وسطایی
 در ایتالیا و سپس در دیگر
 کشورهای اروپایی رواج یافت
 (بین قرون ۱۴ تا ۱۷ میلادی).
 رنسانس.
1055. **Renk (or)** **لون. علامة مميزة** **رنگ-فام.**
reng (Tr.) ساد هذا اللفظ التركي في مصر
 في العصر المملوكي وكثرة العلامات
 المميزة للوظائف والأشخاص في
 الحاشية السلطانية. والكلمة
 تعني: اللون بالتركية.
 انظر: 195,662.
 رنگ-فام.
1056. **Replica** **مثيل، نظير** **۱- رونوشت- نسخه بدل.**
 عمل فني فريد يتم عمل نسخة
 مكررة منه بدقة متناهية.
 ۲- اثر تکراری: اثر دوباره ای که
 هنرمند از روی کار اصلی خود بسازد.
1057. **Repousse(Fr.)** **بروزات مطروقة** **صنعت چکش کاری ورقه فلزی**
 زخارف تنفذ على السطوح
 المعدنية بالطرق من الظهر
 فتجيبىء بارزه على الوجه.
 انظر: 525.
 نازک که صمغ قابل ارتجاعی آن
 را نگهداشته باشد.
1058. **Reservoir** **خزان مياه** **آب انبار- آبگیر- مخزن آب.**
 حوض كبير ضخم، طبيعي او صناعي،
 لتخزين المياه لمدينة او لمعسكر.
 انظر: 295.

1059. **Restoration** ترمیم. تأصیل
مرمت آثار هنری - بازسازی.
ترمیم - به بخشی.
اعادة الوضع الأصلي للأعمال
الفنية والتراثية وإرجاعها إلى
ماكانت عليه.
1060. **Retaining**^[۲۵۱] جدار حاجز
دیوار ضامن.
حائط قوي يقام أمام مبنى من
اجل حماية المبنى الأصلي وتثبيتته.
1061. **Reticulated** شبکی. مُسَرَّد
مشبک - توربافت.
حلیة او نسیج مخرم کالشبّاک.
1062. **Revetment** تکسیة تمحیر بالمحارة
پوشش - روکش بدنه.
تغطیة الجدران بالملاط او
البلاطات الخزفیه أو نحو ذلك.
1063. **Rhombus**^[۲۵۲] معین. بقلّاوه
لوزی - متوازی الاضلاع.
شكل رباعي متساوي الزوايا
المتقابلة (الحادة تواجه الحادة
والمفرجة تواجه المفرجة).
1064. **Rhythm** إيقاع. وزن
۱- ضرب؛ وزن: تناوب زمانی
مرتّب در یک اثر هنری.
التزام المقایس المقرره للأعمال
الفنية كالموسيقى والشعر
والرقص وامثالها.
۲- سجع - ضرباهنگ.
1065. **Rib** ضلع
تویزه: عضو خمیده شکل یا رگه
برجسته‌ای که بر دهانه قوس یا در
محل تقاطع طاقهای گهواره‌ای
احداث می‌شود و یا طاق را به
بخشهای کوچک تقسیم می‌کند و
عموماً کاربرد ساختمانی و تقویتی
و گاهی نیز جنبه تزیینی دارد.

1066. Ribbed hood طاقية مضلعة
کلاهخود گوشه دار: کلاهخود با تزئینی به مانند نیم قبه های گوشه دار.
مثل انصاف القباب المضلعة التي ينتهي بها عدد من طواقي المحاريب.
1067. Rim حافة. اطار خارجي
دوره - چنبر - زهوار - کناره - طوقه - لبه.
الغطاء الخارجي الذي يدور حول العجلة؛ وهو بالفارسية شمير Cember (چمبر).
1068. Ring حلقة. خاتم
انگشتر - حلقه - طوق.
وتكون من معدن او خشب او نحوهما.
1069. Rinsing water ماء الشطف
آب شستشو یا آب کشی.
و يستخدم في احدى مراحل تجهيز الفزل قبل نسجه.
1070. Riser^[۲۵۳] هبة درجة السلم
پیشانی پله - قد پای پله - خیز پله.
مقدار ارتفاع كل درجة من درجات السلم. ويطلق عليها أهل الصناعة: طَّلعة.
1071. Robe عباءة. روب
خرقه - جبه - ردا - قبا - پوستین.
قطعة لباس فضفاضة تكسو كل الجسم ويستخدمها الرجال والنساء على السواء.
لباسی که نشانه منصبی باشد - جامه بلند زنانه.
1072. Rock crystal بلور صخري
دُر کوهی - سنگ بلور.
حجر طبيعي شفاف عرفته مصر القديمة وللفاطمين منه مشغولات مشهورة.
1073. Rock cut صخر منحوت
حجاری در صخره: مقبره یا هر ساختمان دیگری که در دل کوه سنگی ساخته شده باشد.
عمل يتم انجازه بالتحت في الصخر الطبيعي دون استخدام مواد بنائية.

1074. **Rococo** **الروکوکو** روکوکو: سبک هنری مرسوم در اروپا در میانه قرن هجدهم که از عناصر تزینی با خطوط خمیده و رنگهای درخشان، تزیینات صدفی و مرجانی که جنبه انحطاطی داشت و در فرانسه به اوج خود رسید به ویژه در معماری، مبلی سازی و اثاثیه تجملی.
1075. **Rod. Dowsing-** **خوصة غاطسة** میله‌ای که برای پی بردن به وجود آب و منابع زیرزمینی دیگر یا کمانه زدن به کار می‌رود.
1076. **Roof. Gable-** **سقف جمالون** ۱- بام دو شیب - شیروانی.
۲- سردر دو شیب - ستوری.
1077. **Rosettes** [۲۵۲] **وریدات** آیین گلسرخی - گل میخ گلسرخی (گچبری - کنده کاری - درودگری) - گل و بوته.
1078. **Roundel** **قرص** ۱- پنجره گرد.
۲- قلعه نیم گرد- دژ نیم گرد.
۳- قاب بند گرد.
1079. **Rubble** **انقاض هدم** ۱- لاشه سنگ: قطعه سنگ قواره نشده - سنگ بی تراش - قلوه سنگ.
۲- آوار.
1080. **Rubbled courses** **مدامیک من الانقاض** دیوار لاشه سنگی: دیوار با قطعات نامنظم و ناقواره سنگ و گاهی نیز بدون بندکشی.
- اسلوب فنی رقیق تفرع عن اسلوب الباروک، عرفته فرنسافي منتصف القرن ۱۸ م، واعتمد اکثر على الأشكال النباتية والمحارية. انظر: 122.
- مجرى او حَزْ محفور في خشب او معدن بقصد التحلية.
- حلیات زخرفیه مرسومة او مفرغة على هيئة زهرات لتزين مساحات فارغة.
- حلیة دائرية الشكل، تشبه القرص او الميدالية.
- قطع مختلفة الأشكال من الحجر والطوب يعاد استخدامها من جديد في أعمال بنائية.
- جدران مبنية من مخلفات أبنية اخرى.

1081. **Rubious** احمر یاقوتی قرمز یاقوتی- یاقوت فام.
لون احمر داکن.
1082. **Ruby** یاقوت لعل- یاقوت- عقیق.
حجر کریم نادر متعدد درجات
الأحمرار (من القرمزي الى
الوردي) و هو حجر شديد
الصلاية.
انظر: 378.
1083. **Rug** بساط قالیچه- فرش- جل.
فرش تغطی بها الأرض او تكسی
بها الجدران او تكون للصلاة.
1084. **Rumi arabesque**^[۲۵۵] توریق سلجوقی اسلیمی سلجوقی- عربانه رومی.
الزخارف النباتية التي عرفتها
منطقة آسيا الصغرى على عهد
السلجقة واطلق عليها اسم
رومي نسبة الى انها ظهرت على
ارض بلاد الروم (الأناضول)
و آسيا الصغرى.
1085. **Rušen(Pr.)** روشن، حاجز روشن.
الكلمة فارسية وتعني الحواجز
المفرغة التي تغطي الفتحات
المكشوفة كالنوافذ وتسمح
بدخول الهواء والضوء.
1086. **Rustication**^[۲۵۶] تخشین سنگ چین روستایی: سنگ چین
با سنگهای بادبُر قلمدرز شده که
نمای هر سنگ کاملاً برجسته
است.
تحدید و اظهار مکان لحامات
حجرالبناء مع نقش سطحه باسالیب
مختلفة بقصد تجميلها ويحدث
ذلك في بعض انواع الأثاث.

S

1087. Sabre (Saber) ^[۲۵۷]

سیف ضالع

شمشیر.

سیف اعوج (مقوس قليلاً كالضلع)
له حد واحد. يصلح للمبارزة
والاقتال بين الفرسان وهم فوق
ظهور جيادهم.

1088. Safflower

عصفور

کافیشه: رنگیزه قرمز گیاهی که
برای رنگرزی پنبه و ابریشم به
کار می‌رود. گل رنگ.

نبات عشبي يعرف باسم «الزعفران
الكاذب» تستخدم حباته طعاما
للطيور و زهراته لتبيل الطعام
وتملح الليمون، ولونه احمر برتقالي.

1089. Saffron

زعفران

زعفران- زعفرانی.

ابصال معمرة تزرع من اجل
استخدامات كثيرة في الطعام والعلاج
والصبغة ولونها اصفر برتقالي.

1090. Sagger

حافضة حرارية

۱- گِل مخصوص ساختن چینی.

علبة خاصة لحفظ فخاريات قيمة
داخل فرن الحرق، تبعد بها عن
اللهب المباشر و أنجزه الاحتراق.

۲- جعبه چینی لعابی.

۳- جای مخصوص قرار دادن
آهن ریخته، تا پس از گرفتن
کربن آن در کوره‌ی مخصوص
قابل چکش خوردن شود.

1091. **Salient entrance** مدخل بارز بیرون نشسته: بخش یا عضو بیرون نشسته در بنایی- قسمت جلو آمده خطوط دفاعی- منطقه نفوذی.
1092. **Salomonic column** عمود بریمه ستون حلزونی. عمود حلزونی يرجع الى ايام المعبد الذي بناه النبي سليمان في بيت المقدس و شاع فيما بعد في العمارة الرومانية ثم الباروكية.
1093. **Salver** صینیة عشاء سینی- سینی پایه دار شیشه ای. صینییه کبیره تستوعب الوانا من الطعام المقدم للاکلین.
1094. **Sanctuary**^[۲۵۸] رواق للصلاة ۱- حرم- جایگاه مقدس. ۲- محراب. أو قدس الأقداس الخاص بالتعبد والصلاة. وهو في المسجد الجزء الذي يضم المحراب.
1095. **Sandals** سَنَدَل ۱- کفش بی رویه- کفش راحتی- صندل. نوع من الأحذية الخفيفة المكشوفة تثبت بأربطة في القدم. ۲- قایق دودکلی سواحل نیل.
1096. **Sapphire** یاقوت ازرق. سفیر یاقوت کبود- کبود- آبی سیر. حجر کریم شفاف صافی الزرقة.
1097. **Sarcophagus**^[۲۵۹] تابوت ۱- تابوت- تابوت سنگی حجاری شده و منقوش. صندوق من الحجر عادة، يحمل نقوشا تتعلق بجثة الميت الذي يرقد بداخله. ۲- مقبره سنگی. ۳- سنگ آهکی که یونانیان قدیم برای تابوت بکار می‌برند و در

- اثر آن ظرف چند روز بدن مرده
می پوسید و فاسد می شد.
1098. Sash خَلَق شَبَاک ۱- اُزسی: پنجره بالارو.
الاطار المحيط بزجاج النافذه. ۲- قاب شیشه خور پنجره.
۳- دستار- عمامه- حمایل.
1099. Satin سَتَان اطلس- دیت- ساتن.
نوع من نسیج أملس رقيق، لامع
في احد الوجهين.
1100. Scallop. Niche- [٢٦٠] طاقية محراب مروحية آزين صدفی- سر محراب
حنية مروحية ذات فصوص صدفی- آزين دالبری.
اشعاعيه مثل بعض الأصداف.
1101. Scarf خمار. كوفية حمایل ابریشمی- شال کمر-
شقة مستطيلة من قماش تغطي شال گردن- گردن پوش.
الرأس والوجه والرقبة للرجل
والمرأة على السواء.
1102. Scarlet احمر قاني ۱- قرمز روشن- قرمز مایل به
انظر: 315, 382 نارنجی.
۲- پارچه مخمل- رنگ مخملی.
1103. Scarp منحدر دیوار درونی خندق- سراسیمبی
مصطبة مائلة حول جدار الحصن خندق.
لاعاقه المهاجمين اذا عبروا خندقه
1104. Scent dropper قطارة العطر عطر دان - غاليه دان.
قنينة او قمقم برقية طويلة
ورفيعة ينثر بها العطر وماء
الورد.

1105. **form Schematic** **تشکیل تخطیپی** نمودار گونه- طرح مقدماتی.
تصور لعمل فنی تحدد عناصره
بخطوط اولیه.
1106. **Scheme** **نهج. خطة** ۱- پیش افکند: تنظیم اصلی نقشه
اسلوب لتحديد الأفكار او رسمها
قبل التنفيذ. ۲- نقشه کار- طرح مقدماتی.
1107. **Scimitar**^[۲۶۱] **الأحدب** شمشیر کوتاه- کارد دراز و نوک
سيف شرقي قصير ومقوس
وذوحد واحد. برگشته.
1108. **Scotia** **حلیة قناتیة** ۱- گچبری مقعر در ته ستون.
حلیة غائرة تظهر عند قاعدة
العمود. ۲- سه چهارم کیلویی: ابزار
کاوکه نیمرخ ساختمانی آن
بی شباهت به هذلولی نیست.
1109. **Screen** **حجاب. حاجز** ۱- جدار- قاب- شباک.
جدار او حائط من الخشب
المعشق لیحجب ما خلفه عن
الناظرین. ۲- سرند- غربال- توری.
۳- صفحه.
1110. **Scroll**^[۲۶۲] **لفافة** ۱- طومار: باریکه دراز کاغذ -
أ. کل ما التف حول نفسه كأوراق
البردي:
ب. الفروع النباتية الملتوية. نوشته طوماری: نوشته روی
طومارهای پاپیروس یا پوست آهو.
۲- طوماری سرستون.
۳- زنجیره طوماری: در معماری،
گچبری، مبلسازی و....
1111. **Sculpture** **نحت** ۱- پیکره سازی- پیکرتراشی-
حفر ذو ابعاد ثلاثة. مجسمه سازی.
۲- تندیس - پیکره - مجسمه.

1112. **Segmental arch**^[۲۶۳] عقد قوسی قوس ناتمام.
انظر: 67, 94.
1113. **Semicircular arch** عقد نصف دائری قوس دور تمام: قوس که
برونوسیش یک نمیدایره تمام
است.
1114. **Semilunar** نصف قمری هلالی-کمانی.
حلیة نصف دائریة کالتربیع القمری
1115. **Serial prayer- rug** سجادة صف سجاده ردیفی: فرش با
نوع من سجاجید الصلاة التریکی طرحهای سجاده برای مشخص
مقسم الی خانات لکل مصلی خانه کردن جای هر نمازگزار در
ولکل خانه هیئة محراب. مساجد.
1116. **Serrated crests** شرفات متدرجہ تیغه دنداندار-لبه دنداندار-تاج
شرفات تزین بها الجدران و ترتفع مضرس.
فی صورة هرمیة متدرجہ. تبراره ای: دارای دندانهای ریز
مانند لبه سکه یا برگ گل سرخ.
1117. **Setting** تنضید ۱-گیرش: نخستین مرحله
ضبط و وضع قطع الفسیفساء او سفت شدن ملات گچ یا سیمان
الجواهر او الحروف المطبوعة فی و مانند آن.
اماکنها المقررة باتقان. ۲-جواهر نشانی-ترصع.
۳-فرش کاری (با سنگ و آجر و کاشی و مانند آن).
1118. **Sgraffitto** الخربشة. الخدش تزیینات هنری روی ظروف
اسلوب فی اظهار الزخرفة سفالین و غیره که در اثر
بالخدش فی الطبقة الظاهرة من خراشیدن ظروف ایجاد شده
الدهان لتظهر الوان الطبقة التي باشد.
تحتها.

1119. **Shade of colour** سایه رنگ. درجه لون. طیف لون
انظر: 315, 337.
1120. **ShaderwanSadervan,(Pr.)** شادروان
انظر: 584.
۱- شادروان: سراپرده که در قدیم پیش در خانه و ایوان پادشاهان یا امیران می کشیدند.
۲- خیمه- چادر- فرش منقش.
۳- فواره.
۴- زیر کنگره عمارت و سردر خانه.
۵- سدی که روی نهر بندند.
1121. **Shaft** بدن العمود
الجزء فيما بين القاعدة والتاج.
۱- میله ستون: از روی پاسنگ تا زیر سرستون - بدنه ستون.
۲- میله چاه- سوراخ عمودی کف ساختمان.
۳- میله دودکش: مجرای قائم دودرو.
گنبد کم قوس- گنبد کم عمق.
1122. **Shallow dome** قبة مفلطحة
قبة قوسها قليل الارتفاع او اقل من نصف الكرة.
شمسه
سرة او ميدالية مستديرة الشكل
كما تظهر في مجموعات من الأشرطة. ويطلق على أرباعها في أركان البساط إسم «ربع شمسة».
1123. **Shamsah(Ar.) Semse (Tr.)** شمشیر - سیف.
شمشیر
انظر: 1107.
1124. **Shamshir [Semsir(Tr.)]**

1125. **Shawl** شال شال - روسری - پوشش کردن.
کلمه فارسیه و عربیه و تعنی قطعه
عریضه و مستطیلة من القماش
تطرح علی النصف العلوي من
البدن.
1126. **Shabhane (Sebhane.Tr.)** ملجاء مسکین خانه - نوانخانه.
دار لایواء الفقرا.
1127. **Shed** خطیرة. سقیفة آلونک - کپر - انباری - چارطاقی -
ساختمان چتری.
ظلة واسعه وکبيرة تستوعب
اعدادا کثیره من البشر او الأشياء.
1128. **Shelter** مخباء پناهگاه - جان پناه - مسکن.
دروة یلجأ الیها الانسان تحت
الأرض او فوقها - للوقاية.
1129. **Shifahane (Sifahane, Tr.)** دارالشفاء. مصحة بیمارستان - مریض خانه.
مستشفى للمداواة والعلاج.
1130. **Shot silk** حریر متماوج بوقلمون: ابریشمی که چون از
نسیج یصنع باختلاف لون خيوط
السدى عن خيوط اللحمة او
بطرق معالجة اخرى.
1131. **Shrine** مشهد. مزار زیارتگاه - جای مقدس - حرم
تربة لصالح او ولي يقصدها الناس
للزيارة. مطهر - بقعه - معبد - ضریح.
1132. **Shuttle** مکوک - وشیعة ابزار پودزنی: ماسوره ای که در
بکرة ذات شکل خاص تمسک
بالخیط المستخدم في عمل
النسیج.

1133. **Silhouette** **صورة ظلیله** تصویر سیاه‌نما- سایه‌نما-
رُخسایه.
اسلوب رسم الأجسام كأنها ظلال
مثل رسم الصورة الجانبية لوجه
الانسان حيث لا يظهر الا الخط
الخارجي للوجه. وينسب هذا
الأسلوب الى مبتكره الفرنسي
إتين دي سيلوويت.
انظر: 1137.
1134. **Sketch** **تخطيط اولی** ۱- پیش طرح: طرح مقدماتی
برای اجرای اثر نهایی یا طرح
و نقش آزمایشی.
۲- انگاره- طرح ساده.
وضع الخيوط الأوليه لفكرة يراد
تنفيذها دون ما تركيز على
التفاصيل. ويسمى كذلك
«تسويذة» او «كروكي».
1135. **Skirt** **نصفية. جيبه** ۱- لبه ساختمان.
۲- رو رکابی زین اسب.
وهي الجزء من الثوب ابتداء من
الوسط الى القدمين «Jipe»
وعادة ما تكون فضفاضة وغير
متصلة بالجزء العلوي / وتسمى
أيضا «تَوْرَه».
1136. **Skull-cap** **قلنسوه** عرقچین- ساختمان یا صخره
شبيه عرقچین.
غطاء للرأس متعدد الأشكال
يكسو كل الجمجمة.
1137. **Sky line**^[۲۶۴] **خط الأفق** ۱- خط افق- افق.
۲- نقاله مخصوص کشیدن الوار
و مانند آن.
۳- منظره ساختمان یا هر چیز
برجسته در جلو آسمان.

1138. Sky- scraper ناطحة سحاب
المنشآت المتناهية الارتفاع،
وصفت بذلك بعض العمارات
اليمينية في العصور السابقة.
- 1- آسمانخراش: ساختمان بسیار
بلند.
۲- بادبان سه گوش بسیار بلند.
1139. Slant carving حفر مائل
الحفر المائل او المشطوف هو
الحفر غير العمودي.
- کندۀ کاری شیب‌دار- تراش اریب
- حکاکی مایل (غیر عمودی).
1140. Slip ware خزف مدهون
خزف تغطیه طبقه من الدهان.
- اشیایی که دارای سطح لیز
و لغزنده باشند.
1141. Silt فتحة طولية. شق
مثل المزاول الرفيعة المستطيلة
التي تظهر في اسوار الحصون.
- چند ضلعی ستاره‌ای شکل-
ستاره چندپر.
شکاف: «مانند شکاف سر بارو
و قلعه برای تیراندازی
و محافظت از آن»- بریدگی.
1142. Smock قميص
ثوب قصير يصل الى الركبتين،
ونوع من الفرز تكون كعش
النحل.
- طراحی و گلدوزی لباس-
رولباسی.
1143. Soffit بطن العقد
انظر: 704.
- زیر سوی طاق: نمای زیرین نعل
درگاه، قوس، دهانه، بالکن رخیام
و هر چه که در ساختمان بالای
سراسر و از زیر دیده می‌شود.
1144. Socle ركيزة. طبليّة
كتلة مربعة من الحجر يتركز عليها
عمود او تمثال.
- ۱- پاستنگ ستون - پایکره.
۲- رگچین - پایه - صَفَه (در زیر
ستون یا دیوار یا پایکره).

1145. **Soft** سخی. طری
صفة تطلق على الأقمشة الفاخرة الناعمة.
۱- ظریف بافت - نرم (در مورد لباس).
۲- چکش خور (در مورد فلز).
1146. **Soldiers**^[۱۶۵] عساکر المدماک
صفة لقوالب الطوب التي تكون قائمة على رؤسها في المدماک.
۱- آجری که از طرف باریک خود در بنا کار گذاشته می شود.
۲- چرم ناصافی که فقط قسمتی از آن قابل استفاده باشد.
1147. **Spa** نبع معدنی
عين للمياة المعدنية يقصدها الناس.
چشمه آب معدنی.
1148. **Span**^[۱۶۶] المسافة. البعد
طول مابين نقطتين ويعبر عنها اهل الصنعة بـ «البحر» او بحر المسافة.
۱- دهانه: فاصله میان دو ستون، یا دو پایه، مانند پهنای هر چشمه پل.
۲- فراخنای قوس.
1149. **Span of door** فتحة الباب
المسافة بين كسفي فتحة الباب (بحر الباب).
دهانه درگاه- فاصله بین طرفین درگاه.
1150. **Spandrel**^[۱۶۷] خصر العقد
المسافة بين قوس العقد وامتداد الاطار المحيط بقمته. ويسمى البعض: «كوشة العقد» اي ركنه.
۱- پشت بغل: سطح سه گوش با برهای منحنی واقع در میان برونسوی قوس (یا دو قوس مجاور) و قاب درگاه محیط بر آن.
۲- فضای مثلث میان طرفین طاق- هر چیز مثلثی شکل.
1151. **Spatula** مقطع. ملوق
سكاكين تتعدد اشكال اطرافها. يستخدمها الصيادلة في خلط عجائتهم ويستخدمها الطهاة في صناعة الحلوى ويستخدمها النقاشون و المبيضون في التعامل مع الوانهم و معاجينهم.
۱- کاردک نقاشی- فاشقک- ماله رنگ.
۲- تیغه کار

1152. **Spectacle** مشهد صحنة تماشایی- صحنة نمایش-
 حدث يتم في حضور من الناس منظره.
 ويشير اهتمامهم بالأعمال الغنائية
 أو المسرحية.
1153. **Spherical triangle** انظر: 951. مثلث كروي.
1154. **Spindle**^[۲۶۸] مغزل دوکچه- دوک- میله باریک هادی
 اصبع اسطوانية من الخشب غالبا مضراب (در نساجی).
 تستخدم في غزل الأوبار
 وتحويلها الى خيوط.
1155. **Spiral stair** سلم حلزوني پلکان پیچ.
 سلم مستقيمة الأفقى دائري، يلتف حول
 عمود في الوسط مثل سلم المئذنة.
1156. **Spire** طرطور البرج منار مخروطی (منار هرمی)- میل
 الجزء العلوي من البرج او المئذنة بالای منار.
 الذي يشبه الطرطور.
 انظر: 892.
1157. **Splash** تبقیع. طرطشه ۱- لکه لکه ریختن (رنگ و روغن
 انتشار رذاذ من مادة رطبه على و....)
 سطح اثناء او جدار او قماش ۲- حوض کم آب و کم عمق.
 بغرض اكسابه خصوصية معينة. ۳- لکه- آلودگی.
 ۴- پاشیدن..
1158. **window. Splay-** شباک مفلطح پنجره منبت کاری شده- پنجره
 نافذة تكون فتحتها المواجهة للطريق مزین- پنجره پیچ- پنجره دارای لبه
 اضيق من فتحتها الداخلية ويكون شیب دار.
 هذا الانفراج على حساب سمک الجدار
 و يشاهد هذا في عمارت القلاع.

1159. Spout صنوبر. بزبور ۱- دهانه فواره- فواره.
 بروز به فتحة لخروج سائل من ۲- لوله آب ریز- ناودان.
 اناء او اجدار او نحوهما. ۳- لوله آب- شیر آب.
1160. Spring of arch منبت العقد ۱- پاتاق: نقطه شروع یا خیز
 نقطة ابتداء قوس العقد فوق الكتف قوس از روی پایه اتکا.
 الحاملة له حيث تركز رجل العقد. ۲- زاویه خیز قوس.
1161. Spring line خط انبثاق (العقد) فاصله بین نقطه آغاز و پایان
 طول المسافة الممتدة بين نقطتى (قوس).
 ابتداء العقد فى الجانبين
1162. Spun glass خیط زجاجی شیشه تاب خورده- شیشه ای که
 زجاج مسحوب و هو سائل ليكون در حال ذوب بصورت الیاف به
 خيوطا تزين بها سطوح بعض هم تابیده در آمده باشد.
 الأواني الزجاجية.
1163. Spyhole ثقب المراقبة روزنه کوره- سوراخ مشاهده
 فتحة صغيرة في جدار صندوق روند آتش دهی سفالینه ها.
 رص الخزف في فرن الحرق رص الخزف في فرن الحرق
 لمتابعة تطور عملية الحرق.
1164. Squat أفطس ۱- کوتاه پا: ویژگی برخی از
 صفة لبعض الاسقف او القباب سقف ها که کوتاه تر از حد
 التسي يكسون ارتفاعها دون معمول و متعارف باشد.
 المؤلف. ۲- نرم کردن خاک چینی.
1165. Squinch عقد رگنی سه گنچ: طاق بند بر زوایای
 عقد يقام فوق زاوية الحجرة درونی چهارگوش پایه بنا برای
 للانتقال من التربع الى التدوير تبدیل آن به هشت گوش و سپس
 لعمل القبة. کثیر الاضلاع و در مرحله نهایی
 به دایره طوقه گنبد.

1166. Stained glass زجاج ملون شیشه‌بند منقوش: اسلوب به هم پیوستن قطعات شیشه‌ای رنگی و منقوش با زهوارهای انعطاف‌پذیر و شیاردار سرب برای به وجود آوردن نقوش تزیینی و به خصوص چهره‌های قدیسان و صحنه‌های مذهبی. شیشه رنگی.
1167. Stair-case^[۲۶۹] بئر السلم پلکان- نردبان.
المساحة المخصصة لاحتواء قوائم و درجات السلم.
1168. Stair. Flight of- جناح سلم. طلعة سلم یک رشته پلکان- پلکان.
جزء صاعد اوهابط من اجزاء السلم و یسمیه اهل الصنعة «قلبة السلم» ویتكون السلم فی الطابق الواحد من قلبة واحدة او أكثر.
1169. Stair- way مرقی. سلم صاعد راهروپله - پلکان.
سلم صاعد من طابق الى طابق.
1170. Stalactites^[۲۷۰] مقرنصات متدلّية مقرنس- تزیینات ساختمانی به شکل چکیده.
حلیة معمارية و زخرفية تشبه قطع الثلج او الترسبات الحجرية المتدلّية من اسقف المغارات وفي الوسيط «مقرنسات».
1171. Stalagmites مقرنصات متصاعدة مقرنس وارونه- گل فشنگ معکوس.
مقرنصات ترتفع طبقاتها بسبب تراکم طبقه فوق طبقه. چکانده: رسوب بی‌کربنات کلسیم بر روی کف غارها به شکل هرم نامنظم.

1172. **Star patterns** اشکال نجمیة ستاره شکل- مزین به ستاره.
و قد تتعدد رؤس هذه الأشكال
النجمیة.
انظر: 941.
1173. **Star polygon** طبق نجمی چند ضلعی ستاره‌ای شکل-
شکل زخرفی نجمی متعدد ستاره چندپر.
الرؤس.
1174. **Statue in round the** تمثال مجسم پیکره- تندیس ایستاده که از هر
تمثال ذو أبعاد ثلاثة یری من کل جهت قابل رویت باشد.
الجهات.
1175. **Steeping** غمر. نفع فروکردن در مایع- خیساندن-
معالجة الخیوط بغمرها فی خواباندن: (عمل نگهداشتن
محالیل خاصة لا کسابها النعومة. پارچه در حوضچه‌هایی به مدت
چند ساعت تا محلول ضد آهار
کاملاً در پارچه اثر کند).
1176. **Stick** عصا. خیزرانة تیر حامل - چوب میزان - عصا-
عود من جص او حجر او خشب چوبدستی - چوگان.
ملتصق ببدن عمود او حائط بقصد
الزخرفة او یکون اطاراً لموضوع
او صورة.
1177. **Stile** اطار ۱- بائو: بازوی عمودی کلاف در
القوائم الخشبية التي يتكون منها - باهو.
حلق الشباك. ۲- باریکه قائم (در معماری).
انظر: 1098. ۳- سنگ چین.
۴- نردبان- پلکان.

1178. **Stilts** حوامل حراریه
کراسی صغیره حراریه توضع
فوقها المشغولات الخزفية لحرقتها
في الفرن بعد تغطيتها بالطلاء
الزجاجي.
- ۱- گل پخته داخل کوره
چینی سازی که ظروف چینی را
از هم، نگه می دارد.
۲- تیری که بار طاق یا قوس را
تحمل می کند.
1179. **Stitch** غرزة الحياكة (بالأبرة)
- دوخت - کوک - بخیه - حک کردن
نقش.
1180. **Stitch. Blanket-** غرزة البطانية
- کوک لبه دوزی گلیم و پتو - کوک
جا دگمه.
1181. **Stitch. Chain-** غرزة السلسلة
- کوک زنجیری - زنجیره دوزی.
1182. **Stitch. Feather-** غرزة الريشة
- کوک پردوزی (کوک پرمانند
شبه دنده های سینه) کوک چپ
وراست.
1183. **Stitch. Fly-** غرزة طائر
- کوک پروانه.
1184. **Stitch. Herring-** غرزة سلسلة السمكة
- کوک تیغ ماهی (برای دوختن لبه
درزها).
1185. **Stitch. Running-** غرزة متتابعة
- کوک شلال.
1186. **Stole** وشاح، شملة
- ۱- خرقة - ردای سفید.
۲- جامه سفید حمایل دار
اسقف ها و کاردینال ها.
نواری که از پشت گردن کشیشان
به پایین آویخته می شود.
۳- جامه بیرونی کدبانوها (در
روم باستان).
- قطعة من قماش طويل تطرح
فتطی البدن وقد ترفع فوق احد
الاکتاف.

1187. **Stone cist** لحد حجری
۱- سنگ کیمیاگری- سنگ قیمتی.
۲- سنگ واحد وزن.
صندوق او غرفة محكمة الغلق
لدفن مجموعة ذات وضع
خاص.
1188. **Stone dresser**^[۲۷۱] حَبَّار
سنگتراش.
عامل حرفته تهذيب الأحجار
و تسويتها.
1189. **Stoneware** فخار حجری
سفالینه لعابدار نشکن (مانند
وسایل حمام و دستشویی
و مجرای فاضلاب و...)
سفالینه سنگ نما- سفالینه لعابدار
سخت.
فخار من عجينة خاصة تتحمل
درجة حرارة عالية جدا (۱۲۰۰)
وقد يكون منقورا من صخر.
1190. **Stoop**^[۲۷۲] جلسه المدخل
سکوب ورودی: صفه یا تختان
جلوی درگاه ورودی.
درجات من حجر او بسطة تتقدم
مدخل البيت.
1191. **Streak** خط تحدید. جدول تحدید
رگه- باریکه- حد فاصل
روشنایی و تاریکی.
شریط ذو لون واضح يدور
حول موضوع معين لتحديد
ابعاده.
1192. **Stretchers**^[۲۷۳] لبنات طولیه
۱- راسته: درازای آجر یا
قالبسنگ- سنگ یا آجر نصب
شده از درازا.
۲- چارچوب بوم.
۳- تخته شاسی نقشه کشی- تخته
صافی که کاغذ نقشه کشی روی
آن نصب می شود.
لبنات الطوب التي توضع على بطنها
في المدماك و تظهر جوانبها
الطويلة ممددة في الجدران.

1193. String^[۲۷۲] وتر السلم
العائق الحامل لدرجات السلم في
كل قلية سلم.
۱- نخ- ريسمان- رشته- زه کمان.
۲- دستگیره پلکان.
۳- چرم پشت جلد کتاب- نمونه
اول مطالب چاپی.
۴- تیر افقی سقف- تخته‌های
درون سقف کشتی.
1194. String course^[۲۷۵] مدماک تحزیم
مدماک یحدد منطقه ما فی برج
او حائط.
۱- ابزار قیطانی.
۲- رگچین قیطانی.
۳- ردیف آجر افقی ساختمان:
1195. Strokes^[۲۷۶] سیقان حروف الكتابة
و هي الألفات و اللامات و مدات
الطاء و الظاء و امثالها فی
الحروف العربية.
۱- خطوط یا علاماتی که با
حرکت قلم حکاکی ایجاد گردد.
۲- خطوط عربی مانند الف- لام-
طاء و... که قابلیت کشیدن و پیچ
و تاب دارند.
1196. Stucco مصیص
ترابة حجرية شديدة التماسک
بعد خلطها بالماء تستخدم في
أعمال البناء.
۱- اندودگج- سفیدکاری-
اندودگج و سیمان- آسترکاری.
۲- گچ تزیینی.
۳- گچبری- گچکاری تزیینی.
1197. Studio مشغل
مكان او ورشة عمل للرسم والنحات
و المصور و المذيع الخ... مجهز
بكل الأدوات التي يحتاجها الفنان.
کارگاه- هنرکده- استودیو.
1198. Stupa(Skt.) استوبه(هنديه)
ضريح تعلوه قبة لدفن رهبان
البوذية، و قد تأثر بأسلوبه
المعمار السلجوقي.
۱- یادبودگاه بودا: بنایی به شکل
هرم یا گنبدی برای پرستش بودا
یا به یادبود حوادث زندگیش -
پرستشگاه بودایی.
۲- کلاله بافت‌های حصیری.

1199. **Style** **اسلوب** سبک- شیوه- روش.
 نمط واضح المعالم لطریقه تعبیر
 ممیزه فی مجالات الادب او الفن
 او نحوهما. ويمكن التعرف على
 المدرسة ذات الاسلوب الخاص
 من خلال وضوح عناصرها.
1200. **Stylized drawing**^[۲۷۷] **رسم محور** طرح اسلوب دار: طرحهای
 مختلف به سبک یا روش خاص.
 رسم الأشكال والمخلوقات على
 غير حقيقتها فى الطبيعة كما يشاهد
 في كثير من الأعمال الفنية الإسلامية.
1201. **Stylobates** **قواعد اعمدة البهو** صفة ردیف ستون: پی پابلند یا
 پلکان دار که ردیف ستون بر
 الدعائم المنتشرة فى بهو او
 رواق.
 مجموعة قواعد الأعمدة او
 سطح آن قرار می یابد.
 سنگفرش ستون دار.
1202. **Sundial**^[۲۷۸] **مِزوله** ساعت آفتابی- آفتاب نما
 (شاخص آفتاب).
 ساعة شمسية يتم التعرف بها على
 الوقت بحساب درجة ظل عود
 ملحق بها فوق ارضية ذات
 تقسيمات معروفة.
1203. **Surrealism** **سیریالیته** وهمگری: شیوه هنری و ادبی که از
 دیرباز در میان اقوام مختلف جهان
 به نحوی تجلی داشته و در سال
 ۱۹۲۴ بار دیگر چون نهضتی نوین
 اصالت و عنوان یافت، با
 برخورداری از آزادی کامل و اراده
 و اظهار هرگونه تصویر یا تداعی
 نامأنوس یا اوهام و رویاهای
 و تجسمی که از ضمیر ناخودآگاه
 آدمی بیرون می تراود- سورئالیسم.

1204. **Suspended building**^[۲۷۹] مبنی معلق: ساختمانهای معلق: ساختمانهایی که در طبقه فوقانی یا با ارتفاعی حدود دو متر از سطح زمین ساخته می‌شود.
1205. **Swags** آفرع من أزهار ریشه گل. تعالیق او حزم او باقات من الأزهار تعد للزينة. و مثلها زخارف عرفتها فنون مرحلة النهضة الأوروبية و انتقلت الى الشرق.
1206. **Swastika**^[۲۸۰] صلیب معقوف گردونه مهر- چلیپای شکسته- صلیب شکسته. صلیب معقوف تتابع اذرعہ الاربعة في اتجاه واحد كالساقية.
1207. **Surmayi(Tr.)** کحلی اللون سرمه‌ای. انظر: 315.
1208. **Syenite** صَوَان. سیانیت گرانیت دارای بیوتیت. حجر برکاني اشتهرت به مدينة اسوان.
1209. **Symmetry**^[۲۸۱] تماثل. تناظر قرینه‌سازی- قرینه- تقارن. تقابل و تطابق النظيرين في كل الدقائق والتفاصيل.

1210. Tabhane(Tr.)	مضيفه انظر: 676.	نروانخانه- مسکين خانه- مسافر خانه.
1211. Table cloth	مفرش مائدة غطاء للمائدة مطبوع الزخرفة او مطرزها.	سفره- رومیزی.
1212. Tabya	حصن صغير. طابية موقع سريع الانشاء يقام للمراقبة و الحماية من نيران العدو.	قلعه موقت: قلعة کوچکی که به هنگام نبرد برای مشاهده تحریکات دشمن و حمایت از نیروهای خودی در برابر آتش دشمن ساخته می شود.
1213. Taffeta	تفت نسیج حریری متموج انظر: 1324.	۱- تافته- پارچه مجلل و مزین- پارچه لطیف و زرق و برق دار. ۲- لباس گشاد از کتان.
1214. Tahtapus (Pr.)	منصة. تختبوش مكان مرتفع السقف طلق الهواء مجهز بالمقاعد لاستقبال الزوار.	جایگاهی با سقف بلند برای پذیرایی- شاه نشین.
1215. Taka(Tr.)	طاقة (توب قماش) لفة كبيرة تحتوي على قدر كبير من نوع واحد من القماش.	۱- طاقه: واحدی است در مقدار طول پارچه، به اندازه یک دست لباس نبریده. ۲- توب پارچه.

1216. **Talisman** طلسم جادو- تعویذ.
 طلسم
 علامة او عبارة تنقش على التحف
 او العماثر لتكون تعویزة-سحرية
 تمنع الشر و الحسد.
1217. **Talking scripts** حروف ناطقة
 آراستن آواها و علامتهای
 نگارشی در روی کتیبه به شکل
 سر انسان.
 کتابات زخرفية مداتها أو سيقانها
 ذات حروف براءوس آدمية.
1218. **Tankard**^[۲۸۲] کوز
 آبخوری بزرگ - پارچ فلزی
 دردار- آفتابه.
 وعاء معدني كبير لشرب الماء له
 مقبض و غطاء.
1219. **Tapering** مسحوب الطرف. مستدق
 شمعی شکل: ستون یا استوانه‌ای
 که رو به بالا (پایین) اندکی
 باریک شود - شیپوری.
 الطرف
 شکل يقل فيه القطر عند القاعدة
 عنه عند الطرف.
1220. **Tapestry** قماش مشجر
 دستباف دیوارکوب- پرده
 قالیچه‌نما- پرده نقش‌دار-
 فرشینه.
 قماش مشجر
 نسیج غني بالزخارف الملونة
 الشمغولة باليد او المنسوجة
 بالنول.
1221. **Target** شاخص. هدف
 هدف- نشان- آماج- نشانه‌گاه.
 علامة تحدد هدفا او غاية.
1222. **Tassel**^[۲۸۳] شرابه
 منگوله - شرابه - آویز- کاکل.
 أهداب او خيوط تخرج من نقطة
 واحدة تعلق على غطاء الرأس
 للزينة او لتحديد منزلة صاحبها
 في مجتمعة.

1223. Taber(Pr.) طبر تبر.
انظر: 655
1224. Tekke(Tr) تکیه تکیه: نواخانه و آسایشگاه فقرا.
دارلسکنی العجزة و الدراویش.
1225. Tempera ترکیب اللون نقاشی با رنگ لعابی: آبرنگ
أسلوب فی معالجة و خلط اللون رقیق و کدر مخلوط با زرده یا
بمواد اخرى مثل الصمغ او زلال سفیده تخم مرغ یا مایه پنیر یا
البيض او البترول لسرعة جفاف شیره انجیر برای نقاشی دیواری
اللون فی اللوحة. (معمول تا قرن شانزدهم) که نیز
در نقاشی قابی دوره های باستانی
بکار می رفته است.
1226. Tendril^[۲۸۲] محلاق. فرع نباتي پیچکی: تزیین به شکل
والجمع محالِق وهي الأفرع پیچکهای مو و ساقه ها و گل های
الخالية من الأوراق والحلزونيات ظریف درهم آمیخته پیچک-
التي تساعد النبات على التسلق. ریشه پیچنده.
1227. Tepidarium الغرفة الدافئة ولرم خانه: جایگاه خزینه ولرم در
واحدة من غرف الحمام الروماني حمام عمومی روم باستانی.
الثلاث.
1228. Term مصطلح اصطلاح- واژه تخصصی یک
كلمة تحمل أكثر من معنى يتفق علم.
العلماء على تحديد مفهومها لسهولة التفاهم حول بعض
الموضوعات.
1229. Terrace شرفة. منظره. تختان- مهتابی- بهار خواب-
مكان فسيح مرتفع عن الأرض تراس.
مجهز بالمقاعد للمشاهدين.

1230. **Terracotta** **فخار محروق** ۱- سفالینه- گل پخته- کاشی
 نوع شدید الحرق قوی الصلابة
 يستخدم في تكسيه بعض
 الجدران و لا يعرف الطلاء.
 وتطلق التسميه على نوع معين
 منه من التماثيل الفخارية.
1231. **Tesselated pavement** **ترصيع بالفسيفساء** سنگفرش موزاییک کاری مختلط:
 تغطية مساحات محددة من
 الأرض بقطع الفسيفساء الملونة.
 موزاییک کاری با قطعات
 چهارگوش مرمر و شیشه
 و سنگ و سفال و عاج برای فرش
 کردن پیاده‌رو، حیاط، راه و....
1232. **Tester** **غطاء مسطح يحمي سريرا او قبرا او نحوهما.** قبه: (بر روی تختخواب یا مقبره). آسمان - سایبان.
1233. **Testing -mark** **علامة فحص** آزمون کنترل کیفیت - استاندارد.
 علامة فحص المواد او المصنعات
 قبل خروجها للأسواق.
 انظر: 128
1234. **Threshold**^(۲۸۵) **اسكفة** آستانه: قدمگاه وردی - درگاه- مدخل.
 العتبة او جلسة الباب او الشباك
 في أسفل و يقابلها الساكف في
 اعلاهما.
1235. **Thickness**^(۲۸۶) **ثَخَانَة** کلفتی - ضخامت - ستبری.
 غِلَظ السمك او زيادته.
1236. **Throwing** **تشكيل الفاخورة** قالب‌زدن- ساخت سفالینه بر
 عملية تشكيل الطينه او العجينة
 على دولا ب الخزف.

1237. Tie- beam رافدة رابطة تیرکش: تیر افقی سقف که دو
عیدان او کتل من خشب او معدن لنگه خربای مقابل را به هم
لرابط بین الاعمدة او الدعائم. متصل می‌کند و بر جای دارد.
انظر: 176.1037.
1238. Timarhane(Pr.) مصح. دارشفا تیمارخانه- تیمارستان.
مؤسسة لرعاية المرضى والأشرف
على علاجهم نفسيا و بدنيا.
1239. Tin- plated مقصدر با قلع پوشانده شده- با ورق
معدن مطلي بالتصدير مجهز حلبی پوشش داده شده- حلب-
للطهي و حفظ الماء. ورق حلبی. قلع اندود.
1240. Tint مسحة من لون ته رنگ- مقدار رنگ سفید در
درجة خفيفه جدا من اللون. رنگهای مختلف.
1241. Tip ذؤابة. قمة ۱- نوک قلم.
الطرف المذيب للمئذنه او البرج ۲- قلم موی تذهیب.
او القلم او نحوها.
1242. Tiraz(Pr.)^[۲۸۷] طراز ۱- نقش و نگار پارچه.
العلامة او الحلية المضافة للنسيج ۲- زر دوزی پارچه.
اليدوى او الآلى. ودار الطراز هي
مصنع النسيج المنتج للاقمشة
المطرزة.
1243. Tombstone^[۲۸۸] شاهد قبر سنگ مزار- سنگ قبر.
قائم حجري يحمل اسم و تاريخ
المتوفى، يوضع فوق القبر.
1244. Topaz توباز زبرجد- زبرجد هندی- یاقوت
حجر كريم، منه الأبيض و الأصفر زرد.
والأزرق الباهت والأخضر الباهت.

1245. Torso جذع
الجزء المتوسط من البدن فيما بين
الثدين و الخفذين.
1246. Tortois shell صدفة سلحفاة
درقة السلحفاة. و هي مادة صلبة
يطعم بها الخشب و تصنع منها
الأمشاط. و هي المعروفة في
التركية باسم «الباغة».
1247. Torus خلخال. طوق
حلية على هيئة قرص تكون ضمن
اجزاء قاعدة العمود.
1248. Tower^[۲۸۹] برج
برج - بارو - قلعه - مناره.
بناء مربع او مستدير يقام معزولا
او متصلا بسور قلعة او قصر او
مدينة و مجهز لأقامة عدد من
الحراس و المدافعين.
1249. Traceries^[۲۹۰] مشبكات
زخارف مفرغة في الخشب او
الحجر او الجص تسمح بمرور
الضوء و الهواء من خلالها.
1250. Tracing تَرَسِم. شَفْ
متابعة خطوط رسم و نقلها
بواسطة ورقة شفافة فيخرج الرسم
المشفوف مطابقا للأصل.
1251. Tracing paper ورق الشف
ورق رقيق شفاف مثل ورق «الكلك»
لا يحجب نقل ما تحته من رسوم.
- پیکره - مجسمه - تندیس -
مجسمه بی سر و دست.
- باخه: نوعی لاک سنگ پشت به
رنگ زرد و قهوه‌ای که از آن
وسایل مختلفی مانند شانه و غیره
می‌سازند.
- ماهیچه پاستون - گجبری بزرگ
هلالی ته ستون - چَنَبَر.
- تزیینات توری شکل با چوب
و سنگ در قاب‌بندها و پنجره‌ها.
- گرده برداری روی کاغذ
نیم‌شفاف - گرتِه.
- کاغذ گرتِه برداری: کاغذ نازک -
نیم‌شفاف و مقاوم.

1252. Transept^[۲۹۱] مجاز مستعرض أوقاطع
 ممر یتمد من مدخل المبنى الى
 نهايته ويرتفع قليلا عن
 المجازات المستعرضة التي
 يقطعها و امثلته كثيرة فى المساجد
 و الكنائس الكبيرة.
 بازوى عرضى کلیسا: در
 ساختمان چلیپا شکل کلیسا،
 بازوى کوتاهتر که بازوى طولی
 را عمودى قطع مى کند - جناح
 کلیسا.
1253. Translucent
 glass زجاج نصف شفاف
 زجاج يسمح بمرور الضوء
 ويحجب تفاصيل ما خلفه من
 المراتبات.
 شیشه نیم شفاف- شیشه مات.
1254. Transversal
 wall حائط اعتراضى
 صفة للجدار (او الممر المعترض
 لأمتداد آخر).
 دیوار عرضی- دیوار متقاطع.
1255. Trappings تجافيف السرج
 مجموعة ما يجلل به الفرس من
 ادوات تزيينه و تقيه اخطار
 الحروب والقتال. ويطلق عليها
 العامة «الرشمة».
 یراق تجملی- اوستان.
1256. Travelling
 flask ركوة. زمزمية
 اناء صغير يتدلى من كتف
 المسافر، به ماء لشرابه و يكون
 من فخار او زجاج او معدن.
 فلاسک مسافرتی.
1257. Tray صينية
 طبق مسطح كبير له حافة قليلة
 الارتفاع يستخدم في حمل
 الأكواب او الأطباق الصغيره عند
 تقديمها للضيف.
 سینی- طبق- سبد اوراق-
 خوانچه.

1258. **Treasury** خزانه داری- گنجینه- محل نگهداری گنج و چیزهای نفیس.
خزانه مال. بیت المال
بناء صغير محكم الغلق كانت
تتجمع فيه اموال المدينة وكان
يقام في صحن المسجد.
1259. **Treatment** رفتار- سلوک- شیوه عمل آوردن چیزی.
معالجة
انجاز الأعمال الفنية او الصناعية
باتقان واضح.
1260. **Trefoil** گشنیز- شبدر سه برگ- آرایش سه برگی.
ثلاثي الورقات
تطلق على نبات «البرسيم» و قد
اتخذت هذه الورقات عنصرا
زخرفيا.
1261. **Trellis** داربست- چفته- شباک مورب.
تعريشة
عيدان رفيعة من الخشب تتشابه
طوليا و عرضيا لاستقبال النباتات
المتسلقة.
1262. **Tresses** طره- بافته گیسو.
ذؤابات. ضفائر
خصلات الشعر المصفورة
المتدلّة.
1263. **Tricot (Fr.)** تریکو: نوعی پارچه کشفاف تار نازک که با نخ یک لا یا ظریف ساخته شده.
تريکوه
حبك الخيوط بواسطة الأبر لعمل
الملابس.
پارچه فاستونی و گاهی اوقات
ابریشمی که روی آن خطوطی نازک
شبییه نقش کشفافی دیده می شود.
1264. **Trimming** ۱- زینت- آرایش- پیرایش.
تشذيب
تشطيف المواد المصنعة من الزوائد
و تحليلتها بما يزيد في جمالها.
۲- توری- چین چین.

1265. Tripartite squinch عقد رکنی ثلاثی الفصوص
عقد مکنون من ثلاثة أقسام أو ثلاثة أقماص.
طاق استحکامی گوشه سقف - طاق سه گوش در یک زاویه سقف.
1266. Trimmed with sheathing التشذيب بالقص
معالجة سطح البساط بجز الخيوط الزائدة لتبدو الوبرة متساوية في كل اجزاء البساط.
تراش پارچه: گرفتن گره‌ها و نخ‌های اضافی پارچه برای نمایان ساختن پرزهای سطح پارچه و یکنواخت شدن سطح پارچه.
1267. Trinket طُرْفَة
واحدة من المشغولات الدقيقة كالحلى المطعمة باتقان بأنواع الاحجار الكريمة. و مافى حكم ذلك.
جواهر بدلی - جواهر کم بها - زیورآلات ارزان.
1268. Triple entrance مدخل ثلاثی الفتحات
مدخل يتكون من ثلاثة ابواب متجاورة.
ورودی سه گانه - مدخل سه تایی - در سه لته.
1269. Trough جابية. طوالة
جفنة كبيرة للماء أو الطعام و لعلف الحيوان أو لعجن الدقيق في الأران.
۱- تغار - سنگاب - آبشخور.
۲- معبر یا سوراخ باریک زیر خانه برای جریان آب باران.
۳- فرو رفتگی بین دو موج.
1270. Trout التَرُوتَة
سمكة من فصيلة السلمون المنقط شاع استخدامها كعنصر زخرفي على الأبسطة الفارسية و لا سيما في المدن الساحلية.
ماهی قزل‌آلا - ماهی آزاد.
نقش ماهی.

1271. **Trowel**^[۲۹۱] **مسطرین** ماله- بیلچه باغبانی- کاردک.
- أداة مسطحة مختلفه الأشكال
مصنوعة من الخشب أو الصلب
تستخدم في بسط الملاط على
الجدران و هي المحارة كما
تستعمل في تصفيف الطوب في
المداميك.
1272. **Truncated**^[۲۹۲] **مقطوط الطرف** ۱- بی سر- فاقد رأس.
۲- تراش بلور- لبه بلور را بریدن.
- ازالة جزء من النهاية المدببة مثلما
يسوى قلم البسط لاعدادة
للكتابة.
1273. **Trucker** **غلالة** پیش سینه- توری جلوی سینه.
- قميص رقيق ضيق بلا اكمام للجزء
العلوي من الجسم و هو ما اطلق
عليه اسم (Chemisette)
1274. **Tuft** **خصله وبر** کلاله- طُرّه- شرابه- ریشه پارچه.
- حزمة من الأوبار أو الألياف غير
المغزولة.
1275. **Tulip**^[۲۹۳] **خزامی. تولیب** ۱- آلاله- گل لاله.
۲- برآمدگی فلز در دهانه لوله
تفنگهای قدیمی.
- زهرة من الفصيلة الزنبقية شاع
استخدامها كعنصر زخرفي على
المنسوجات و الخزفيات.
1276. **Tulle** **تُل** پارچه توری ابریشمی نازک
برای لباس زنانه و روسری.
- نسيج شبكي رقيق الخيوط
يستخدم في صناعة ملابس
الرقص و الأفراح.

1277. Tunic قمیص پیراهن گشاد زنانه که در کمر جمع شده و کمر بند دارد. بلوز یا کُت کوتاه کمر بنددار.
جلباب قصیر الأكمام، يتدلی من الکستفین حتی الرکبتین، عرفه الیونانیون و الرومان و العرب.
1278. Turbedar(Tr.) حارس المقبره. قرافی خادم آرامگاه - نگهبان مقبره.
و هو حارس الضریح و خادمه.
1279. Turban^[۲۹۵] عمامة دستار- عمامه
شریط عریض طویل من القماش یدور حول الرأس كالقلنسوه مکرنا العمامة.
1280. Tureen سلطانية الحاء قدح غذاخوری- ظرف بزرگ برای غذای دسته جمعی.
اناء کبیر عمیق لتقدیم الحساء لأکثر من فرد.
1281. Turquoise فیروزه. ترکواز فیروزه- فیروزه فام.
من الأحجار الکریمة لونه ازرق داکن او سماوی او مائل الی الأخضر.
1282. Turret^[۲۹۶] برج رکنی برجک هرمی: برج باریک و کوچک بر بالای برجی ستبر.
او خارجا عن سطح الجدار للمراقبة. برجک- کنگره.
1283. Twine فتانل میله مشبک.
حبل مفتول من عدد من الحبال شبکه میله میله که در هم بافته شده باشد.
المفتولة لزيادة القدرة والمتانة.
1284. Twirl دوران. لف ۱- پیچاندن: مانند پیچاندن رشته های نخ برای تشکیل طناب.
حرکه لف الحبال او الأفرع النباتية کما تظهر کمناصر زخرفية.
۲- استفاده از پیچ و نوارهای تابیده برای تزئین.

1285. Tympanum^[۲۹۷]

طبلة العقد

حشوة العقد، و هي المسافة بين
منبت قوسي العقد حتى قمة العقد.
انظر: 1150

۱- سینه سنتوری: سطح سه گوش
یا سنتوری بالای درگاه در
معماری کلاسیک که معمولاً با
نقوش برجسته تزیین می‌شود.

۲- سینه سردر: سطح نیمدایره
تزیین بالای درگاه (در معماری
قرون وسطایی)، زمینه سنتوری
سه گوش سردر.

1286. Typical

نمطي

صفة للنماذج المتكررة المأخوذة
عن اصول راسخة وأصلية.

سنخ‌نما- نمونه نوعی- گونه‌نما.

U

1287. **Ultra modern** **احدث ابتكار. آخرموضة** فرامدرن-آبر نوین.
- أحدث صيحات الأبتكار**
والتحديث في الفن او الأدب أو
الصناعة.
1288. **Underglazed decoration** **زخارف تحت الطلاء** نقش زیر لعاب: در سفالگری
نقش و تزیینات سطح سفالینه که
بعداً لایه لعاب شفاف رویش را
می پوشاند.
1289. **Uniaxial**^[۲۹۸] **متوحدة المحور** هم محور- دارای یک محور.
- المباني التي تكون كل ابوابها أو**
نوافذها على محور واحد.
1290. **Uniformity** **تجانس. تماثل. وفق النمط** یکنواختی- یک شکلی- یکسانی-
مشابهت.
الاحتفاظ بهيئة واحدة فى كل
الظروف و الأوضاع.
1291. **Unique** **وحيد الصفات. متفرد** یگانه- یکتا- بسی همتا- منحصر
بفرد.
صفة للعمل الذي لا ثاني له ولا
نظير، حيث لا تتوفر خصوصياته
لغيره.

1292. **Urbanization** **اقامة المدن. تحضر** مدنیّت - تمدن - شهرنشینی.
 اختیار الموقع لاقامتھا و تکوین
 مجتمعاتھا.
1293. **Utensils** **ادوات منزلیة بدائیة** ابزار - وسایل - اسباب - دستگاه.
 الأدوات و الأواني التي ابتكرها
 الإنسان الأول لاستخدامها في
 حياته اليومية.

V

1294. **Variegated
marble**

رخام مرقط او مجزع
رخام متعدد الألوان والتجزيعات
تبطن به الجدران و تصنع منه
الموائد و تبلط به الأرضيات.

سنگ مرمر ابری- مرمر
رنگارنگ- مرمر ملون.

1295. **Vase**^[۲۹۹]

زهريه. مزهريه
اوان خزفية او زجاجية او معدنية
لاحتواء الزهور.

۱- گلدان- سفالينه- آوند.
۲- گلدانسی سرستون: بدنه
سرستون قرنتی یا مخطط كه به
شكل كاسه زنگ وارونه یا به
شكل گلدان است.

1296. **Vault**^[۳۰۰]

قبو. أزج
نظام للتغطية المقوسة بالطوب او
بالحجر استخدم في تغطيه
الحجرات والممرات والايوانات.

طاق قوسی- طاق گنبدي- هلال
طاق- قوس- قبه.

1297. **Vault. Barrel-**

قبو برميلي
و هو القبو النصف الدائري.

طاق كهواره ای- طاق تونلی- طاق
ضربی- طاق آهنگ.

1298. **Vault. Coved**^[۳۰۱]

قبو متقابل
قبة تكونها أربعة أقيية تتقابل كلها
في نقطة واحدة.

طاق چهار ترك- طاق توگود
(مقعر).

1299. Vault. Cross-^(۳۰۲) **قبو متعامد** طاق متقاطع - طاق چهاربخش.
قبو متقاطع او صلیبی حیث یلتقی
احدهما مع الآخر بزاویة قائمة.
1300. Vault. Double- **قبو مزدوج** گنبد دوپوشه - طاق دوپوشه.
و یستخدّم عادة فی عمل القباب
حیث یكون الداخلی من الخشب
والخارجی من الحجر.
1301. Vaulted passage **أزج** گذر طاق دار - تیمچه - دالان
ممریغطیه قبو ممتد.
1302. Veil **طرحه وجه (برقع)** ۱- روبنده - حجاب.
شریط عریض و طویل من نسیج
رقیق یغطی رأس المرأة وعنقها
شاع استخدامها له فی بلاد الشرق.
۲- تور آویز: توری برای پوشاندن
چهره.
۳- پرده.
1303. Veins^(۳۰۳) **تعریقات** رگه - رگسنگ - رگبرگ.
شعیرات او افرع دقیقة طبیعیة
نشاهدها فی اوراق الأشجار و فی
سطوح الرخام.
1304. Velvet **قطیغه. مخمل** مخمل - پارچه نرم و لطیف - بُرده
- مخمل نما.
1305. Verandah (Skt.) **فرنّده** ایوان - بالکانه سرپوشیده - رواق
انظر: 1003.
- ایوان جلو یا طرفین ساختمان -
مहतابی.
1306. Vermillion **زنجفر** شنگرف - قرمز دانه.
مادة حمراء فاتحة مكونة من
کبریتور الزئبق وتستخدم فی الطلاء.

1307. **Version** نسخهٔ آخری. بدیل
نض کامل او ناقص منقول عن
الأصل.
۱- شرح - روایت - روایت دیگر
رسانه‌ای.
۲- واگردان - ترجمه.
۳- برداشت - نسخه - رونوشت.
1308. **Verso** ظهر البردیه
الوجه الاقل نعومة والأقل
صلاحية للكتابة من ورق البردي.
و یسمى المقابل له «Recto»
پشت صفحه - صفحهٔ پشت جلد
کتاب - پشت سکه.
1309. **Vervain (or)** فربینه
Verbena زهرة عشبية برية لها قيمة علاجية
استخدمت عنصراً زخرفياً.
گل شاه‌پسند - گل ماهور.
1310. **Vest** فائله. شعاع
قميص يلبس ملاصقا للبدن.
زیرپوش - جامه - لباس - جلیقه.
1311. **Vestibule** دهلیز
طريقة تمتد بين باب البيت وغرفة الداخلية.
هشتی - دهلیز - دالان سرپوشیده
- رواق.
1312. **Villa** فیلا. استراحة
بيت صغير له حديقة.
خانهٔ ییلاقی - کوشک.
ویلا: خانهٔ ییلاقی دارای باغ
و محوطه‌ای در اطراف.
1313. **Vines** کروم. اعناب
و هي من النباتات المتسلقة ذات
المحاليق المعروفة في الزخارف
الاسلامية.
تاک‌بن: که در آثار هنری به وفور
از اشکال مختلف آن استفاده
می‌شود - پیچک.
1314. **Vogue** شائع. سائد
موجة جديدة من الابتكارات الفنية
تسود مرحلة من المراحل وبألفها الناس.
مردم‌پسند - همه‌پسند - متداول -
مُد روز.

1315. **Volute**^[۳۰۲] لفافة. مطوية طوماری سرستون.
 ا. الجزء الملفوف حول نفسه من درج الورق.
 ب. اللفافة الموجودة عند رأس واحد من أنظمة الأعمدة اليونانية.
1316. **Voussoir**^[۳۰۵] صنبجة العقد ۱-قطاع: سنگ یا آجر دوزنقه
 تسمية تطلق على قطعة من قطع شكل (گوه شکل) که در قوس بندی بکار می رود.
 الحجارة او الطوب المكونة لقوسی العقد. ۲-سنگ یا آجر طاق نما.
1317. **Voussoir. Joggled-** صنبجه مزورة قطاع- چفت کردن دو قطاع-
 وهي قطع الحجارة المنقورة اتصال دو آجر بدون ملات.
 والمعشقة بهدف احكام العقد او الساكف.
1318. **Vowel point** علامة إعجام واكه نما.
 اية علامات تضاف الى حروف إعراب: زیرو زبرو پیش (کسرہ- فتحہ- ضمہ).
 الكتابه لضبط نطقها.

W

1319. Wall. Curtain-

سياج. جدارواق
سور خارجي مضروب حول
حصن او مدينة.

دیوار جُداگر.

1320. Warp

سداة
الخيوط المشدود طوليا على النول
لتتخلله خيوط اللحمة العرضية
ليتم حبك النسيج.

تار: رشته طولی در بافندگی
و قالیافی.

1321. Water clock

ساعة مائية
ساعة مصرية قديمة عبارة عن اناء
حجري عليه تقسيمات تحدد الزمن
بعد انسكاب الماء على هيئة
قطرات من ثقب عند قاع الاناء.

ساعت آبی.

1322. Water colour

لون مائي
لون او صبغ يتم عمله بخلط اللون
المطلوب بالماء فقط.

آبرنگ-رنگاب.

1323. Water lily^[٣٠٦]

زنبقة الماء
زهرة ذات و رقات عريضة تطفو
فوق الماء و تتعدد ألوانها بين
الأبيض و الأصفر و الأحمر.

نیلوفر آبی.

1324. **Watered silk** تفت دیبا- بوقلمون- حریر.
 نسج حریری مجهز برشته بالماء
 أثناء تجهيزه لأحداث هيئة
 موجات تكسبه لمعانا ظاهرا.
 انظر: 820-1213.
1325. **Wedge**^[۲۰۷] خابور. إسفين چوبشکاف: قطعه چوب سه بر
 أ- الوتد الذي تثبت به حبال که در اره کشی یا برای شکاف
 الخيمة. دادن چوب و الوار به کار می رود
 ب- هيئة الحرف الذي تكونت منه به [شکل ▽].
 الهجائيات المسمارية. قاش سه گوش. گوه.
1326. **Weft** لحمة پود: رشته عرضی در بافندگی
 الخيط المستعرض الذي يتم و قالیافی.
 بتداخله مع خيط السدى، نسج القماش
 انظر: 1320.
1327. **Wharf** رصيف المرسى بارانداز- اسکله- لنگرگاه.
 جدار يجهز عند شاطئ الماء لاستقبال السفن.
 انظر: 1031.
1328. **Wicket**^[۲۰۸] ملقف هواء ۱- دروازه کوچک - در- حلقه -
 باب صغير يفتح في بوابة كبيرة باجه.
 للاستخدام المحدود في الدور ۲- دریچه سد.
 الكبيرة.
1329. **Wind Scoop**^[۲۰۹] ملقف هواء نوعی دریچه هوا در سقف.
 فتحة بالسقف مجهزة بطريقة خاصة لاجتذاب الهواء الى داخل
 المنزل.

1330. Window. پنجره نما- پنجره کاذب- پنجره
Blind- شباک اعمی کور.
شباک غیر نافذ يعطی شکل
الشباک ولا یحقق وظیفته فی
اعطاء النور و الهواء.
1331. Window. روزنه تزینی گرد یا بیضی.
Bullseye- شباک حَدَقِي
شباک مستدیر او کوة مفتوحة فی
الجدار کعین البقره کالذی یعلو
بعض المحاریب.
انظر: 863.
1332. Window. پنجره شیروانی: پنجره عمودی
Dormer- روی بام دو شیب. پنجره جلو
آمده زیر سقف ساختمان.
شباک او فتحة صغيرة فی السقف
الجمالونی یمد الغرفة بالضوء
والهواء.
انظر: 503.
1333. Window.^[۲۱۰] خَفَنگ: بادگیر یا دریچه بالای در
Fanlight- شراعة مروحية و پنجره.
فتحه نصف دائرية تعلو الباب پنجره نیم گرد کوچک.
و تمد ماوراهها بالضوء والهواء پنجره بادبزن شکل بالای در یا
وتسمى احيانا قمرية. پنجره.
1334. Window grille ۱- خَفَنگ مشبک: روزنه یا
شبکیة النافذه بادگیر بالای در و پنجره با شباک
الحشوات المتقبة التي تملأ فتحة یا با طارمی مشبک.
النافذه و تكون من جص او حجر پنجره مشبک.
أو خشب او معدن.
انظر: 1249 ۲- شباک - طارمی مشبک.
1335. Window sill آستانه پنجره- عضو افقی
جلسه الشباک زیر پنجره- کف پنجره.
و هی عتبة الشباک او أرضية تیر آستانه در.
و كانت تستخدم فی الجلوس حين
یکون الجدار عریضاً.

1336. Within arrow range	فی مرمى السهم مسافة تقرب من ۴۰۰ قدم.	تیر: واحد اندازه گیری مسافت بالغ بر تقریباً ۴۰۰ گام.
1337. Woof	خَبک، حیاکة عملية تداخل الخيط بالأبرة او الملوک.	پود: رشته عرضی در بافندگی و قالیبافی.
1338. Working gear	عدة الشغل طاقم ادوات الصانع.	ابزارهای خاص هر حرفه و شغل.
1339. Working shop	ورشة العمل، مشغل مكان ممارسة العامل لعمله، حيث توجد ادواته.	کارگاه.
1340. Wreath	اکلیل الزهور خرمة مفتولة من الورود والأزهار توضع على الرأس للتكريم.	۱- حلقه گل- تاج گل. ۲- آرایش حلقه گلی. ۳- نمد یا چیزی شبیه عمامه که برای حمل بار روی سر قرار می گیرد.
1341. Wrought-Iron	حديد مطاوع حديد صالح للطرق و التشكيل.	آهن ورزیده: آهنی که کمترین مقدار مخلوط ذغال را دارد و در عین سختی چکش خوار است.

X

1342. Xebec

سمبكية. سمبوكة

نوعی کشتی سه دکلی کوچک در
مدیترانه.

سفينة شراعية ذات ثلاثة صواري
واشرع مربعة، استخدمها قراصنه
البحر المتوسط، واستخدمت
كذلك في نقل البضائع.

1343. Xylography

طباعة بالألواح المحفورة

۱- کنده کاری روی چوب-

اسلوب فی طباعة الأشكال و
الألوان على النسيج و الورق
بواسطة الواح محفورة.

حکاکی چوب- منبت کاری روی
چوب.

۲- چاپ چوبی.

۳- نقاشی تزیینی روی چوب.

Y

1344. Yarn

عَزَل

الخيوط المغزولة او المسحوبة
من الألياف و المواد المختلفة
لاستخدامها فى النسيج.

نخ تابیده- الیاف بهم پیچیده- نخ
بافندگی- ارغاج.

1345. Yasmak(Tr.)

نقاب. يشماق

غلالة رقيقة من الحرير تغطى
المرأة به وجهها.

یشماق: چارقد یا روسری بزرگ
که تمام سر و صورت بجز
چشمان را می پوشاند.

1346. Yatağan

یتاغان

سیف قصیر مقوس.

نوعی خنجر قوس دار - دشنه -
غداره دودمه با تیغ قوسی.

Z

1347. Zer(Pr.) ذهب. زر طلا- زر- سکه یا زیورآلات
معدن الذهب أو النقود المصنوعة زرین.
منه.
1348. Zerbeft(Tr.) مقصَّب زربفت - زری.
قماش منسوج بخيوط من ذهب.
1349. Zigurat^[۳۱۱] زیجورات زیگورات: معبد برج مانند
بناء بابل متعدد الطبقات تتناقص سومریان و بابلیان که ساختمانی
كل طبقة عما تحتها مخلفة ما چند اشکوبه و هرمی شکل
يشبه الممر الصاعد حول المبنى بود و بدین ترتیب که هر اشکوب
الهرمی الهيئة. از اشکوب زیرین کوچکتر
می شد و پلکان یا شبیه ای آنها را
به هم متصل می کرد تا به حرم
مقدس واقع در رأس ساختمان
منتهی می شد.
1350. Zigzag^[۳۱۲] المتعرج جناغی پیوسته - خط خیزابی -
و هو الخط الراجع الى الوراء دندان اژه ای.
بزاوية و يتكرر فيعطى هيئة
انسان المنشار.

1351. Zodiac^[۳۱۳] **دائره البروج** منطقه البروج- صورت‌های
فلکی منطقه البروج.
دائرة القبة المساوية و انتشار
الأسماء الحاملة لاقسام البروج
الاثنأ عشر عليها.
1352. Zone **منطقة** اقليم- منطقه- مدار- خطّه-
کمر بند- بخش.
أ. المناطق المناخية للكرة
الارضية.
ب. منطقه جغرافية سادها فن من
الفنون.
ح. منطقه محددة على نسيج او
خزف او نحوها تضم زخرفة
معينة.
1353. Zoographical^[۳۱۴] **شريط زخارف حيوانية** ۱- نواری تزیینی که بر روی آن
اشکال جانوران مختلف نقش
band شريط ممتد تزیینه رسوم حيوانات
متتابعة او متقابلة.
۲- نقش حيوانات بر لبه
ساختمان يا ظروف يا البسه
مختلف.

فهرست واژه‌های عربی

الکلمة	رقمها المسلسل	الکلمة	رقمها المسلسل
أبادانه	49	اردية	603
أبتر الرأس	9	ازج	1296
إبتکار سائد	1314	أزرق بحري	55
إبريق	54,541	ازميل	291
ابزن	161	استاد	646
إيزيم	131	استحکامات	1040
أبسطة مناظر الصيد	680	استراحة	1312
ابعاد	488	استوبة	1198
أبلق	2	اسطون	391
ابليكة	52	اسفين	1325
أتابک	131	اسکفه	1434
أثر تراثي	824	اسکله	707
آجر	218	اسلوب فني	1199
آجر القمين	725	اسلوب امبراطوري	690
الأحدب (السيف)	1107	اشكال نجمية	1172
إحكام	1015	اصيل	298
آخر موضة	1287	اضبارة	22
آخية	16	اضواء وظلال	287
ادوات منزليه	1293	اطار	588,1177
اديات	657	اعادة للأصل	1059
اربطة	610	اعناب	1313
ارجواني	1026	افرع مزهرة	1205
		افريز	592

الکلمة	رقمها المسلسل	الکلمة	رقمها المسلسل
افطس	1164	ایقونة	684
اقامة المبدن (التحضیر)	1292	ایوان	708
اقحوانة	466		
اقتت	8	ب	
اکسدة	919	باب جانبي	1009
اکسید رصاص (سلقون)	814	باب خادع	502
اکلشیة	299	باب خفي	500
اکلیل زهور	1340	باب زاحف	501
اکمه	10	باب زلیق (ساقط)	1002
ألاجه	20	باب سري	500, 1009
البوم	22	باب صغير	1328
ألوان جدارية	590	باب كاذب	553
ألوان طباشيرية	333	باب وسيط	499
ألوان فريسكة	590	باتسته (قماش)	246
ألوان قزحية	330	بازار	170
ألوان مائية	56,341	باقة	234
إمتدادات	488	باقة ازهار	853
إمتياز (شهادة)	938	باستیل (الوان)	333
إمضاء	822	بال بال	143
أمفورة	35	بالة	148
أناناس	975	بالوعة	276
انبعاث (نهضة)	1054	پانورامه	930
انجر (هلب)	37	بدروم	203
انسجام	649	بدن عمود	1121
انشوطة	729,768	بدیل	1307
انطباعية	691	براءة (شهادة)	938
انقاض	470	برج	1248
إنقاض هدم	1079	برج ركني	1282
أهداب	517	برج محصن.	163
اوپال	865	برج مراقبة	158
اورنک	915,940	برجولة	955
ایقاع	1064	برسيمية (ورقة نبات)	911

رقمها المسلسل	الكلمة	رقمها المسلسل	الكلمة
142	بلخش (بدخش)	119	برعم
137,655	بلطة	145	برقع ستاره
1072	بلور صخري	1302	برقع للوجه
949	بمبة (لون)	995	بركة
201	بلوزه	21	برميل
791	بناء بحجر غشيم	262	برواز (خرطوشه)
511	بناء بدون مونة	228	برونز
792	بناء ملون المداميك	1057	بروزات مطروقة
191	بنش (قفطان)	773	بريق
180	بنك (دكة)	235	بريمة
185	بنك	1159	بزبوز
11	بهلوان	1083	بساط
640	بهو	777	بساط آلي الصنع
64	بهوانك (بواكي)	745	بسطة سلم
1001	بوابة	957	بسطة سلم خارجية
997	پورسلين	193	بسكوت (خزف)
1000	بورفيرى (حجر)	977	بشطاق
674	بوق	1017	بصمة
992	الپولو	704,1143	بطن العقد
1258	بيت المال	489	بُعد
1167	بير السلم	1293	بُعد ثلاثي
552	بizar	1336	بعد مرمى السهم
805	بين بين	1157	بقعة
954	بيونيا	1063	بقلاوة (زخرفة)
		202	بكرة
		231	بكله
	ت		
691	التأثيرية	923	بلاس (قماش)
408	تأليف (تكوين)	569	بلاص
274,1097	تابوت	433	بلاط (ملكي)
1187	تابوت حجري	567	بلاط حجر
484	تاج أكليلي	18	بلاطة
254	تاج عمود	145	بلكانه

رقمها المسلسل	الكلمة	رقمها المسلسل	الكلمة
1231	ترصيع بالفسيفساء	255	تاج عمود بصلية
1281	تركواز	28	تبادلي
1225	تركيب اللون	757	تبطين
581	تركيبة	942	تبليط
1059	ترميم	1255	تجافيف (السرج)
1270	تروته (سمكة)	1290	تجانس
1263	تريكوه	474	تجميل
617	تزجيج	51	تجويف
618	تزجيج قلوي	1016	تجهيز
435	تزجيج مخدوش	416	تجيش
686	تزويق	631,693	تحريرات
551	تزييف	920	تحشية
474	تزيين	1016	تحضير
628,947	تسلخ	727	تحفة
1264	تشذيب	1214	تختبوش
1265	تشذيب بالقص	469	تخشين
564	تشطيف	1086	تخشين الحجر
434	تشققات	1086	تخطيط الحجر
414,818	تشكيل	1134	تخطيط اولي
219	تشكيل بالطوب	448	تخطيط تعامدي
1105	تشكيل تخطيطي	416	تدبير عمالة
1236	تشكيل فخار العجلة	471	تدهور
480	تصميم (زخرفي)	609	تذهيب
921	تصوير	663	تراب الارض
780	تصميمات هلالية	516	ترابي
813	تصويرة	204	ترباس
162	تضفيرة السلال	188	تربيعات صغيرة
526	تطريز	1029	تربيعات معينة
654	تظليل بالخطوط	868	ترتيب
829	تعبير زخرفي	304	ترس (درع)
544	التعبيرية	1250	ترسم (شف)
994	تعدد الاضلاع	659,699	ترصيع

رقمها المسلسل	الكلمة	رقمها المسلسل	الكلمة
867	تَوَجِه	993	تعدد الألوان
649	تواؤم (تألف)	250,1261	تعريشة
1244	توپاز	1303	تعريقات
653	توريق خطائي	716	تعشيقه
1084	توريق سلجوقي	1213,1324	تفت (تفتاه)
61	توريق متشابك	415	تقابل
60	توريق مزهر	706	تقزح
535,822	توقيع	411	تقعية القبة
1275	توليب	689	تقليد
408	توليف	51,261	تقوير
806	توليف الوان	990	تكحيل (بالمسطين)
1238	تيمارخانه	1062	تكسية
		220	تكسية بالطوب
	ث	451	التكسية
1235	ثَحَانَة	696,789	تكفيت
280	ثريات	414,580	تكوين
767	ثقب	13	تكيف
155	ثكنات عسكرية	1224	تكنية
1260	ثلاثي الورقات	1276	تُل (قماش)
862	ثمانى الأضلاع	420	تلافيف
189	ثنائي الفصوص	1209	تمائيل
		537	تمثال الخيال (الفارس)
	ج	236	تمثال نصفي
1269	جابية	1174	تمثال مجسم
607	جارونية	945	تمثال الواقف
273	جَبَانَة	1062	تمحير (شغل المحارة)
598	جبري	1292	تمدين المدن (تَحْضُر)
608,638	جبس	1022	تمويه
596,946	جبهة	1209	تناظر
281	سِتر	491	تنافر
992	جُحْفَة	1117	تنفيذ
1060	جدار حاجز	681	تهجين

الکلمة	رقمها المسلسل	الکلمة	رقمها المسلسل
جدار ساتر	1319	حافة	520
جدار القبلة	1027	جَبَات	172
خط تحديد	1191	جَبْكَ	1337
جديلة	213	جبكة	533
جديلة متعددة الطيات	979	حبة صنوبر	976
جذع	1245	حجاب ساتر	1109
جزّة	712	حجّار	1188
جريفون	629	حجر بطيح	1038
جسر متحرك	507	حجر تكسية	508
جعبة السهام	1033	حجر خفاف	1025
جلسة الشباك	1335	حجر دستور	127
جلسة مدخل	1190	حجر الزاوية	1034
جلفق	150	حجر سَوِيّ	665
جماليات	14	حجر مشهر	2
جمدانه	569	حَجَرَة عتب الباب	659
جملون	597	حَجَرَة العقد	106
جناح	601	حدّ التوسط	639
جناح السلم	1168	حد خارجي	418
جَوَاء (فناء)	141	حد السيف	1067
جوسق	726	حدبة	208,679
جير	756	حدقي	863
		حديد مطاوع	1341
		حربة	169
حائط اعتراضی	1254	حرفي ماهر	437
حائط ساتر	784	حرملة	253
حاجز ساقط	1002	حروف ناطقة	1217
حاجز واقی	233	حریر متماوج	1130
حاذق	126	حریر مقصّب	227
حارس المقبرة	1278	حزمة	234
حاشية	520	حساسية اللون	340
حافطة	22	حشد العمالة	1049
حافطة حرارية	1090	حشوات	562,698,929

الكلمة	رقمها المسلسل	حلية ربع الدائرة المحدبة	908
حشوة غائرة	306	حلية الساقية	910
حصن	265,583	حلية السحابة الشريطية	877
حصن صغير	1212	حلية سلسلة السمكة	898
حصير	796	حلية السمكة	871
حضير	531	حلية الشريط	889
حطام	470	حلية الشفتشي	890
حظيرة	1127	حلية الشوشة	882
حفر	532,1050	حلية الصليب المعقوف	910
حفر بارز	1051	حلية الصنوبرية	888
حفر بالحمض	57	حلية حلية النهاية (الختام)	892
حفر غائر	1052	حلية حلية قروش السمك	893
حفر مائل	1139	حلية قرن الرخا	880
حلبة	107	حلية قرن الكيش	909
حلق شباك	1098	حلية القصعة	878
حلقة	1068	حلية القناتية	1108
حلقى	863	حلية الكافئة	874
حُلَيْقَة	42	حلية الكرونة	881
حليات قالية	831	حلية المتاهة (اللبرنته)	901
حلية	668,870	حلية المتعرجة	914
حلية أخذودية	894	حلية المثقبة	890,906
حلية البقلولة	902	حلية المجنحة	913
حلية بيضية	907	حلية المصفورة	899
حلية البيضة و الرمح	887	حلية المصفورة رباعية الطيات	896
حلية التاجية	881	حلية المعقوفة المتتابعة	897
حلية التقويرية	874	حلية المفراك	897
حلية ثلاثية الورقات	911	حلية المنشارية	875
حلية حبات المسبحة	873	حلية الموجية (الكاملة)	905
حلية الخرزة والبكرة	872	حلية الموجية (العالية)	884
حلية الخطافية المتتابعة	903	حلية الموجية (المنخفضة)	885
حلية خماسية الفصوص	876	حلية الميمة	904
حلية الخوصة	891	حلية ناب الكلب	886
حلية رأس المفتاح	900	حلية النجمية	879

رقمها المسلسل	الكلمة	رقمها المسلسل	الكلمة
998	خزف رقيق	1114	حلية القمرية
436	خزف مخربش	895	حلية الفصوص
1140	خزف مذهون	883	حلية الوسادة
781	خزف ميورقي	557	حنفية
632	خشن	63	حنيرة
1245	خصر	53,848,1100	حنية
1150	خصر العقد	1178	حوامل حرارية
928	خصلة	133	حوش
1274	خصلة وبر	161,995	حوض
1137	خط الأفق	1337	حياكة
1191	خط تحديد	558	حيوانات بيئية
1161	خط دوران العقد	338	حيوية اللون
244,536	الخَطَاطة (فن الخط)		
948	خطاف	خ	
1106	خطة	1325	خابور
339	خطة الوان	1068	خاتم
425	خطوة الغراب	248	خاتم منقوش
1247	خلخال (طوق)	313	خاتمة
139	خلفية	647	خان
272	خلوة	645	خانقاه
1101	خمار	652	خطا، ختا
953	خماس الأضلاع	540	خدش
462	خندق	626,1118	خريشة
816	خندق مائي	168	خرجة شباك
1328	خوخة	172,819	خرزات. حبات
660	خوده	125	خرشوف
1075	خوصة غاطسة	262	خرطوشة
1176	خيزرانة	788	خرطومي
1162	خيط زجاجي.	1275	خزامي
648,943	خيمة	1058	خزان مياه
769	خيط غير محكم الغزل	1258	خزانة المال
623	خيوط ذهبية	774	خزف ذو بريق

الكلمة	رقمها المسلسل	الكلمة -	رقمها المسلسل
خينة	852	دهليز	1311
		دوران (لف)	1284
		دورق	256,473
دائرة البروج	1351	دولاب الخزاف	1010
دار المرق (اطعام)	688	ديوان	493
دار ايواء	676	ديورامة	490
دار شفا	1129,1238	ديوشرمة	483
دار الضرب	815		
دثار	786	ذ	
دخله	1044	ذؤابات الشعر	1262
دخله ايوانية	709	ذؤابة، خصلة	411,1241
دخله حائطية	24	ذيل الطائر (تعشيقه)	505
درايزين	150		
درجة تفاوت اللون	677	ر	
درجة اللون	337,1119	رائعة	283
درگاه	479	رافدة	176,1237
دروة	934	رباط ألديات	223
دسار	716	رباط رؤس القوالب	223
دعامه	964	رباعي الروايا	1028
دعامه ركنية	45	رباعي الورقات	1030
دعامه سائدة	237	ربض	1014
دعامه طائرة	238	رجل العقد	98
دعامه مركبة	965	رحبة	531
دقة	1015	رخام مجزّع	1294
دكة	487	ردهة	761
دلآية	951	ردهة كبيره	640
دلآية المثلث الكروي	952	رسام	506
دليل التقادم	939	رسم توضيحي	485
دلو	230	رسم ساخر	260
دمقس	467	رسم محوّر	1200
دملجة	564	رصف	942
دن	712	رصيف المرسي	1327

رقمها المسلسل	الكلمة	رقمها المسلسل	الكلمة
477	زخرفة مطبوعة	417	رف
613	زخرفة بالخدش	427	رفرف
1347	زر (ذهب)	621	رقائق ذهبية
1348	زر بفت	510	رقبة القبة
304	زرد	310	رقبة (جلد)
457	زرنوق	624	رقبة زرد
1089	زعفران	929	رقعة
841	زغب	212,424	ركبة حاملة
611	زلاقة	1256	ركوة
186,527	زمرد	1144	ركيزة
1256	زمزية	944	ركيزة عمود
1323	زنبقة الماء	662	رنك
1306	زنجفر	601,956	رواق
996	زهرة الخشخاش	1094	رواق صلاه
338	زهوة اللون	1071	روب
1349	زيجورات	197	روزنة عمياء
592	زيق	1085	روشن
136	زِيّ كامل (كسوة)		
ز			
	س	841	زئبر
934	ساتر (دورة)	755	زئبق
539	ساحة عرض	732	زاوية ركن
632	ساخر	619	زجاج
1008	سارية	615	زجاج مختوم
1321	ساعة مائية	614,1166	زجاج ملون
759	ساكف	529	زجاج بالمينا
264	سبك	616	زجاج منقوش
25	سبيكة	1253	زجاج نصف شفاف
1099	ستان	1288	زجاج تحت الطلاء
281	ستير	59	زخارف عربية
1013	سجادة صلاه	475	زخرفة
1115	سجادة صف	476	زخرفة بالحز

الکلمة	رقمها المسلسل	الکلمة	رقمها المسلسل
سجن	514	سندره	135,764
سخي (قماش)	1145	سندل	1095
سداسي الأضلاع	666	سهم (رافدة)	176
سداه	1320	سوار	129
سراج	864	سور خارجي	459
سرج	650	سور المدينة	297
سرداب	266,449	سوسن	755
سرة	804	سوق	170
سرو	464	سوق البزازين	171
سطام	519	سوق مغطى	720
سطل	230	سونكى	169
سقفية	927	سياج	1319
سفل	987	سيانيت	1208
سقف	270	سيرالية	1203
سقف جملون	597,1076	سيف ضالع	1087
سقف منحدر	694	سيف طعان	1042
سقيفة	1127	سيقان حروف الكتابة	1195
سلسلة	268	سيلادون	271
سلسلة السمكة	664		
سلطانية (زبدية)	209	ش	
سلطانية حساء	1280	شاخص	991,1221
سلقون	814,1046	شادروان	1120
سلم حلزوني	1155	شارة	195,662
سلم صاعد	1169	شارة نبالة	303
سماقي (حجر)	1000	شاقول	988
سين	1241	شال	33,1125
سناج	742	شاليه	278
سنادة	967	شاهد قبر	627,1243
سنام	679	شباك اعمى	198,1330
سينان (حدالسيف)	519	شباك حدقي	1331
سن الريشة	847	شباك حلقي	232
سنبل بري	682	شباك مصبع	630

رقمها المسلسل	الكلمة	رقمها المسلسل	الكلمة
288	شميرة	1158	شباك مفلطح التخطيط
441	شوشة	1061	شبكة (تنقب)
8	شوكة اليهود	1334	شبك النافذة
		214	شبة
ص		559	شخوص آدمية
991	صارى	587	شُدفة
264	صب القوالب	705	شديد التشابك
515,966	صبغ	1222	شرابة
982	صحن كبير	594	شراشيب (اهداب)
1054	صحوة	1333	شراعة مروحية
1073	صخر منحوت	440	شرافات
928	صحبة (خصلة)	1116	شرافات مدرجة
656	صخرة عتب الباب	1229	شرفة
984	صدرية زرد	144	شرفة منذنة
410	صدفة (قوقعة)	452	شريط سادة
1246	صدفة سلحفاة	1353	شريط زخارف حيوانية
40	صراع حيوانات	282	شطرنجيات
825	صرح	195,1310	شعار
312	صف اعمدة	535	شعار (علامة)
64	صف عقود	845	شغل الابرّة
595	صحيفة الصدارة	1250	شف الرسم
1003	صفّة	1129	شفاخانه
842	صفة مدخل	294	شفرة (علامة)
1206	صليب معقوف	175,255,274	شفشق
126,437	صناع	1012	شفة الانسكاب
790	صناعة البناء	1067	شفة خارجة
855,1159	صنبور	767	شق
1316	صنجة عقد	580	شكل
715	صنجات معشقة	153	شلندية
1317	صنجة مزرة	1123	شمسة
723	صنجة مفتاح العقد	1124	شمشير (سيف)
1035	صندوق مصحف	925	شملة

الكلمة	رقمها المسلسل	الكلمة	رقمها المسلسل
صندوق (العروس)	284	طاقية	252
صندوق الرّص	838	طاقية مضلّعة	1068
صنعة معلم	795	طباعة محجزة	164
صهريج	295	طبان	533
صوان	454	طبر	1223
صَوَان (حجر)	1208	طبق نجمي	1173
صورة توضيحية	687	طبلة العقد	1285
صورة جانبية	1020	طبلة القبة	510
صورة ذاتية	1005	طبلية	1144
صورة شخصية	1004	طراز (للنسيج)	1242
صورة ظلّية	1133	طرّاقة الباب	730
صولجان	775	طرحة	785
صومعة	272	طرحة وجه	1302
صينية عشاء	1093	طرطشة دهان	469
صينية صغيرة	1257	طرطور (البرج)	1156
		طرف (نهاية)	517
ض		طرف الصنبور	855
ضريح	800	طرف مذبح	48
ضَفَر السلال	162	طرفة (تحفة)	727
ضفير (جديلة)	312	طرفة فريدة	933
ضفيرة متضاعفة	979	طرقه	18
ضفيرة رباعية الطيات	585	طروب	555
ضلع	1065	طرى	1145
ضوء ساطع	687	طريق صاعد	1039
		طُفّانة	856
ط		طَقْلَة صينية	290
طابق ارضي	634	طلاء كدر	798
طابق الاساس	160	طلسم	1216
طابق وسطاني	808	طلعة السلم	571
طابية	582	طنف	427,517
طاق	67	طنفسة	261
طاقة قماش	1215	طواله	1269

الکلمة	رقمها المسلسل	عريش (برجولة)	955
طوب	12,216	عريش (سقيفة)	62
طوب اجوف	224	عساكر مدماك	1146
طوب القمين	225	عشري الأضلاع	472
طوب مثقب	217,226	عصا	1176
طوب محروق	218	عصابة (للربط)	151
طوب مزجج	222	عصابة (للرأس)	656
طوق	129,673,1247	عصفر (نبات)	1088
طيف اللون	1119	عضادة	711
		عقد	67
ظ		عقد (فلادة)	844
ظاهرة (فنية)	962	عقد أصم	65
ظلة	250	عقد اعمى	70
ظلة مدخل	999	عقد الملكة آن	91
ظلة مصباح	743	عقد اهليلجي	76
ظهر العقد	545	عقد تصريف	93
ظهر البردية	1308	عقد حاد	68
ظهيرية (واقية)	983	عقد حدوي	82
		عقد خماسي الفصوص	72
ع		عقد موري (متعدد الفصوص)	80
عائق	759	عقد ذوكتفين	96
عائق رابط	104	عقد راجع (مرفوس)	102
عارضة	1037	عقد رباعي الأقواس و المراكز	81
عباءة	300	عقد ركني	1165
عباءة قصيرة (حرملة)	253	عقد ركني ثلاثي الفصوص	1267
عتمة الخلفة	140	عقد رمحي	84,744
عَجَلَة	1048	عقد مشرع (فارغ)	99
عدة الشغل	1338	عقد فلورنسي	79
عرائس السور	440	عقد قاع السفينة	83
عرادة (منجنيق)	446	عقد قوسي	94,1112
عرض (فني)	932	عقد هابط	75
عَرَقَة	432	عقد متعدد الفصوص	86
عروة (للأناء)	44	عقد متمواج	103

الكلمة	رقمها المسلسل	الكلمة	رقمها المسلسل
عقد متهدل الكتف (اكتع)	93	عمود تسكاني	405
عقد متساوي القوسين محدب	77	عمود توءم	394
عقد مخروطي	89	عمود حزمة البردي	402
عقد مخفف	74,1053	عمود حلزوني	406
عقد مذهب	90	عمود دوري	396
عقد مذهب الفصوص	73	عمود ركني	851
عقد مستدق القمة	87	عمود سليمان (بريمة)	1092
عقد مستعرض	100	عمود كورنثي	393
عقد مسطح	78	عمود ماردي	314
عقد مكسور (ناقص)	71	عمود مخشن	403
عقد ملفوت	97	عمود ملتصق	392,397
عقد ناقوسي	69	عمود حلزوني	406
عقد نصف دائري	95,1113	عمود متنفخ	404
عقد هرمي	101	عمود نخيلي	401
عقد قمري (هلالی)	85	عنبر النوم	504
عقدة	729	عنصر زخرفي	524
عقدة وبرية	970	عنقاء	963
عقد متشابكة	66	عوائق	157
عقيق	15,426	عوائق	610
علاقة	644	عوارض	1037
علاقة السيف	146	عود الصليب	954
علامة (شارة)	535,822	عين القط	865
علامة الاختبار	1233	عينه	542
علامة الاعجام	1318		
علامة الجودة	128	غ	
علامة الصانع	438	غائر	409
علامة مميزة	1055	غرّافة	256
علم الايقونات	685	غرزة البطانية	1180
علم المتاحف	839	غرزة الجبك	728
عمامة	1279	غرزة الحياكة	1179
عمود	391	غرزة الريشة	1182
عمود أبوني	398	غرزة السلسلة	1181

الکلمة	رقمها المسلسل	الکلمة	رقمها المسلسل
غرزة سلسلة السمكة	1184	فرجة شبك	168
غرزة طائرة	1183	فرخ كرتون (ورق)	259
غرزة متتابعة	1185	فرسخ	935
غرف خدمة المدخل	606	فرع نباتي	1226
غرفة تحضير	46	فرن	724
غرفة الحمام الباردة	593	فرنونة	596
غرفة الحمام الساخنة	1227	فرندة	1305
غرفة الحمام لتبديل الملابس	50	فريسكة	590
غرفة السطح	135,604	فسطاط	943
غَزَّة	17	فسقية	584
غَزْل	1344	فسيفساء	828
غزل غير محكم	769	فسيفساء خزفية	550
غلاي	241,722	فن	111
غمر الغزل	1175	فن باروكي	114
غلالة (بلوزة)	1273	فن بحث	115
غليون	600	فن بدائي	121
غير متماثل	130	فن تجريدي	6
		فن تقليدي	116
		فن الخط	244
ف		فن الروكوكو	122, 1074
فانوس	747	فن رومانسكي	123
فاونيا	954	فن الصلصاليات	117
فتحة الباب او الشباك (اتساع)	1149	فن الصور الشخصية	1006
فتحة تهوية	770	فن عتيق	113
فتيل	1283	فن العجائن	117
فج (غير ناضج)	632	فن ما قبل التاريخ	120
فخار محروق	1230	فن المحاكاة	118
فخاري	516	فن مطلق (تجريدي)	112
فخاريات	1011	فن هليستي	119
فراغات	703	فناء	433
فربينا (زهرة)	1309	فناء خارجي	141
فُرجة	167	فيروز	1281
فرجة رمي	166		

الكلمة	رقمها المسلسل	الكلمة -	رقمها المسلسل
فيلا	1312	قصب (وشى)	227,623
		قصعة	210,797
		قطّارة العطر	1104
قائم (اسطون)	972	قطيفة	1304
قائم الدرازين	152	قطيفة موشاه	29
قائم ذو عقدة	973	قعيرة	269
قائم السلم	846	قفطان	240
قاعدة العمود	159	قفل	762
قافلة	257	قلادة	844
قالب	830	قلبة السلم	1168
قبة	494	قلعة	296
قبة إضافة، ركنية	543	قلقاط	243
قبة عدسية	496	قلقونة	313
قبة قبوية	498	قلم البسط	1047
قبة مخروطية	637	قلنسوة	1136
قبة مفلمحة	496,1122	قماش سادة	978
قبة منقوشة	495	قماش مبطن	758
قبة نصف	497	قماش مرقط	468
قبو	1296	قماش مشجر	1220
قبو برميلي	1297	قمرية	772
قبو متعامد	1299	قمع	413
قبو متقابل	1298	قَمْعَة	248
قبو متقاطع (صليبي)	447	قمة	10,48
قبو مزدوج	1300	قميص	1277
قبيبة	456	قميص تحتاني	960
قديم	298	قميص فوقاني	1142
قرافة	273	قمين	724
قرص	1078	قنديل	280
قرن	674	قنطره	67
قران	268	قنطرة مياه	58
قسطل (ابو فروة)	285	قنفذة (حلية معمارية)	518
قشر الجوز	858	قنوات انبوية	418

الکلمة	رقمها المسلسل	الکلمة	رقمها المسلسل
قواتم شرافات الحصن	807	کحت	263,626
قواعد اعمدة البهو	1201	کحلي	1207
قوالب الطباعة	1018	کُرَاز	23
قوس	63	کرسى مصحف	753,1036
قوس العقد	105	کروانة	718
قوسية (حلية)	461	کروشية	444
قوسية محدبة	462	کروکي	445
قوسية مقعرة	463	کروم (اعناب)	1313
قوطي	625	کروم (معدن)	292
قوقعة	410	کرة غزل	969
قولبة	818	کِسرة	587
		کشط	263
		کُشک	726,733
کأس	620	کليشيه	982
کأس ذات قدم	577	کمره	176,1037
کأبة اللون	513	کنار	206
کابولي	251,417,424	کنانة السهام	1033
کابينة	239	کوبالت	305
کاتينة	268	کوخ	278
کاريکاتير	260	کورده سادة	452
کاهل	104	کوز	23,837,1218
کولينه	719	کوشة	731
کتابات متشابكة	700	کوع ساند	38
کتابه برءوس آدمية	41	کوفي مربع	738
کتابه بسحن بشرية	676	کوفي مزهر	735
کتابه تموهينة	1023	کوفي مضفور	737
کتابه شغرية	450	کوفي مورق	736
کتابه کوفية	734	کوفية	1101
کتابه محفورة	697	کوة عمياء	197,748
الکيش الناطح (آلة حربية)	165	کيس مخدة	974
کتف	711		
کتف سائدة	7		

رقمها المسلسل	الكلمة -	رقمها المسلسل	الكلمة
389	ل. اخضر زرعى	ل	لازورد
372	ل. اخضر زيتونى	749	لاصوق
381	ل. اخضر مصفر	311,937	لبرنتة
377	ل. ارجوانى	740	لبنات طولية
348	ل. ازرق بحرى	1192	لُحمة
350	ل. ازرق بحرى عميق	1326	لف
349	ل. ازرق سماوى	1284	لِفاعة
347	ل. ازرق كوبالتى	33	لفافة
344	ل. اسمر	1110	لقم
366	ل. اصفر ليمونى	698	لمعان
439	ل. اصفر سمنى	773	لوح معدنى
439	ل. اصفر مصطكاوى	982	لوحة الوان
370	ل. اصفر مغرة	926	لوحة فنية
343	ل. بادنجانى	982	لوزى الشكل
334	ل. بسيط	26	لون
355	ل. برتقالى فاتح	315	ل. ابيض رمادى
375	ل. بمبة	371	ل. ابيض فضى
388	ل. بنفسجى	384	ل. احمر برتقالى
352	ل. قمحى	374	ل. احمر بَنى
345	ل. بيج	352	ل. احمر خمري
386	ل. تركوازى	353	ل. احمر داكن
336	ل. ثانوى	344	ل. احمر دموى
389	ل. زهرجدي	360,382	ل. احمر صدىء
362	ل. زمردى	379	ل. احمر طوبى
326	ل. ساطع	351	ل. احمر فَوّى
387	ل. سلقونى	367	ل. احمر قانى
380	ل. السلمون	357, 1102	ل. احمر قرنفلى
331	ل. لون صارخ	358	ل. احمر لعلى
383	ل. طحينى	365	ل. احمر مغرة
355	ل. طفلى	369	ل. احمر نبىذى
364	ل. عاجى	359	ل. احمر وردى
342	ل. عسجدي	376	

الکلمة	رقمها المسلسل	الکلمة	رقمها المسلسل
ل. عسلي	363,671	متاهة	740
ل. عمیق	322	متخصّر	19
ل. قاتم	321	متجدد	854
ل. قصديري	356	متداخلات	702
ل. كثيف	329	متدلية	951
ل. كحلي	385,1207	متراس	233
ل. كميتي	354	مُترّد	797
ل. لامع	317	متساوي القوسين	538
ل. سحابي	373	متشابهات	701
ل. مائي	1322	متشرب اللون	293
ل. متآلف	318	متعرج	1350
ل. متضاد	320	متفرد	1291
ل. متدرج	327	متماوج	820
ل. متغيّر	323	متوحد المحور	1289
ل. متقارب	319	متوسط الحال	805
ل. متقطع	316	مثال	542,817
ل. متناسق	328	مُتَبَّت	566
ل. مضمحل (باهت)	325	مثلث كروي (دلالية)	1153
ل. مغبر	332	مثلثات منشورية	1019
ل. مقتضب	316	مثيل	1056
ل. مميز	1055	مجاز المدخل	843
ل. نقى	335	مجاز قاطع	1252
ليلق (ليلاك)	754	مجري	512
		مُجَمَّع المداخن	289
	م	مجمع معماري	407,739
ماء الذهب	622,760	مجمع مباني	407,739
ماء شطف الغزل	1069	مجهول الصانع	43
ماني صاحب المذهب المانوي	783	محارة	1271
مبتكرات	854	محاكاة	689
مبخرة	692	محدب	419
مبنى محوري	138	محراب غائر	809
مبنى معلق	1204	محط رحال القافلة	258

الكلمة	رقمها المسلسل	الكلمة	رقمها المسلسل
محفة	922	مزهريّة	1295
محلّاق	1226	مزولة	1202
محمية	721	مزيّرة	713
مخبأ	1128	مزيف	1022
مختص بالشعارات	663	مسافة (للامتداد)	1148
مخدّة	460	مساقط رمي	776
مخمل	1304	مستدق الطرف	1219
مدخل بارز	1091	مستطيل	860
مدخل ثلاثي الفتحاح	1268	مسحة من لون	1240
مدخل مُزَوَّر (ملفوت)	181	مسحوب الطرف	1219
مدق	959	مشرح مكشوف	34
مدماك	432	مسرّد	741
مدماك تحزيم	1194	مسمارية (كتابة)	453
مدوّر (خط)	458	مسنّم	419
مدينة مستقلة	207	مسطرين	1271
مذبح (مائدة قرايين)	27	مشاقة	859
مرتقى	31	مشبك	672
مرجان	423	مشبكات	1249
مرجة خضراء	752	مشطوف	187
مرجل	241	مشغولات يدوية	124
مرساه	707,1031	مشق الكتابة	245
مرسّخ اللون	566	مشهد (مزار)	1131,1152
مرسوم فوق الطلاء	917	مشهد خلوي	930
مضرب	1032	مشغل	132,1197,1339
مَرْقى	1169	مصح	1129,1238
مروحة نخيلية	927	مِصد	233
مروحي الشكل	554	مصراع	568
مزار	1131	مصطبة الدار	986
مزوّر	714	مصطلح	1228
مزغل	108,110	مصمت	793
مزلاج	204	مصيص	1196
مزه	572	مضفور	308,636

الکلمة	رقمها المسلسل	الکلمة	رقمها المسلسل
مضيفة	676	مقطوط الطرف	1272
مطاف	32	مقعر	409
مطبق	514	مقلمة	950
مَطْلَة	184	مكوك	1132
مصلی	985	ملاط	827
المطوية (حلية)	1315	ملجأ	1126
معالجة (ممارسة)	1259	ملصقة	52
معتم	866	ملفوف	308
معدوم الحافة	279	ملقف هواء	1329
معشوق	714	ملوق	1151
معطف	786	ممر	429,936
معقد	705	ممر صاعد	1039
معقل	265	ممر معقود	1301
معلق	417	ممشی	429
معينات	771,1063	ممشی علوی	1041
مقتسل	3	منبت العقد	98,1160
مغرة	861	منبيعج	205
مغزل	1154	منجد	1032
مغفر	660	منجنيق	267
مفرش سرير	183	منسوجات	702
مفرش مائدة	1211	منشاريات	286
مفصل	670	منامة	504
مفيل	835	منصة	961,989
مقبض السيف	669	منقطة (حي)	1014
مقدم الايوان	977	منظور (رسم)	958
مقدم الصورة	578	منظور عين الطائر	192
مقرنصة	819	منظور عين النملة	47
مقرنصة متدليه	1170	منظر خلوي	746
مترنصة متصاعدة	1171	منظرة (شرفة)	1229
مقصدر	1239	منظومة الأعمدة	400
مقصب	1348	منظومة الألوان	339
مقصورة	211,239,763	منفوخ	205

الكلمة	رقمها المسلسل	الكلمة	رقمها المسلسل
منقد (موقد)	644	نجفة	280
مُنَمَّر	838	نحاس احمر	421
منمنمة	813	نحاس اصفر	214
منور	747	نحت	1111
مهرج	302	نسخة	422
مواجهة	415	نسخة بديلة	1307
موانع	157	نسيج مطبوع	1017
مورسكي	799	نصف عمود	395
مورق	576	نصفية (جونلة)	1135
موسلين	840	نصل السيف	194
مونستر	823	نظير	1056
مونة	981	نعش	307
ميدالية	803	نفخ الزجاج	612
ميدان عرض	539	نقاب	1345
مثدنة خوذية الرأس	661	نقاله	922
ميزاب	602	نقرة (حفرة)	306
ميضأة	3	نقش	532
ميمة (حلية)	810	نقش الخشب	1343
مينا	528,849	نقش ناتىء	36
مينا محجرة	530	نقوش متشابكة	700
مينائي	811	نمرقة	261
		نمط	941
		نمط اصلي	1021
ناتىء	525	نمطي	1286
ناطحة سحاب	1138	نمنمة	921
ناقوسي الشكل	179	نموذج	542,817
ناهد	525	نموذج مصغر	787
ناووس	274	نميات	857
نبات الفوة	778	نهاية	48,1241
نبح	584,1147	نهبج	1106
نتوء	208	نوار	199
نجداد	146	نواصة	1332

ن

الکلمة	رقمها المسلسل	الکلمة	رقمها المسلسل
نوط	803	وحید الصفات	1291
نول	766	ورشة العمل	1339
		ورق الشف	1251
		ورق شجر الدلب	980
هالة	641,850	وزرة	465
هاون (للدق)	826	وسادة	1
هدف	1221	وشاح	1186
هربي	651	وشي	227
هش	586	وصلة	176,716,717
هیکل عام	589	وضع (تصويري)	1007
هاو (مولع با)	30	وقاء (چتر. شتر)	281
هلب	37	وكالة (فندقية)	647

9

ی

واجهه ثانوية	547	ياقة	310
واحد اللون	821	ياقوت	1082
الواقعية	1043	ياقوتيات	430
واقية الصدر	215	يتاغان	1346
واقية قبضة السيف	635	يد (مقبض)	644
وتر السلم	1193	يد الهاون	959
وجه البردية	1045	يسنت (زهرة)	682
وجهي (خاص بالوجه)	548	يشب	15
وحده الشكل	1290	يشم	710
وبر	841,968	يشماق	1345
وبرة خشنة	971	يصدر النقود	309

فهرست واژه‌های فارسی

۷۶۰	آب طلا	۷۴۳	آبادور
۴۱۲، ۵۸	آب‌گذر	۱۰۵۸، ۲۹۵	آب انبار
۷۲۲	آب گرم‌کن	۹۲۰	آب‌بندی
۱۰۵۸، ۹۹۵، ۴۹۵	آبگیر	۲۴۳	آب‌بندی کشتی
۵۶	آب و رنگ	۲۰۹	آبجامه
۳۴۶، ۲۰۰	آبی	۸۳۷، ۱۷۵	آبخوری
۳۴۹	آبی آسمانی	۱۲۱۸	آبخوری بزرگ
۳۴۸	آبی دریا	۴۱۲	آبخیز
۵۵	آبی روشن مایل به سبز	۲۵۶، ۱۶۱	آبدان
۱۰۹۶	آبی سیر	۵۴	آبدان فلزی
۳۸۶	آبی فیروزه‌ای	۸۳۷	آبدندان
۳۵۰	آبی لاجوردی	۵۶	آبرنگ
۳۴۷	آبی مشکي	۱۳۲۲، ۳۴۱	آبرنگ
۳۵۰	آبی ورای رنگ دریا	۳۴۱	آبرنگ
۴۹	آبادانا	۱۲۸۷	آبرنوبین
۵۹۸	آتش‌پرست	۴۱۲، ۵۸	آب رو
۷۵۰	آتشگاه	۵۴۱، ۲۳۰	آبریز
۱۳۲	آتلیه	۷۵۰	آبریزگاه
۴۷۰	آثار مخروبه	۷۲۲، ۲۴۱	آبستانه
۷۲۵، ۲۱۸، ۲۱۶، ۲۲۱	آجر	۶	آبستره
۱۱۴۶	آجر از طرف باریک	۱۲۶۹، ۵۸۴	آبشخور
۲۲۴	آجر توخالی	۱۰۶۹	آب شستشو
۱۲۷	آجر سنگی		

۱۲۵	آرتیشو	۲۲۶	آجر سوراخ‌دار
۳۰۳	آرم	۱۳۱۶	آجر طاق نما
۱۲۳۳	آزمون کنترل کیفیت	۲۲۲	آجر لعاب‌دار
۸۷۰	آزین	۲۲۲	آجر لعابی
۹۰۲	آزین بادامی	۲۲۴	آجر معجوف
۸۸۳	آزین بالشتکی	۴۷۵	آذین‌بندی
۹۰۷ ۸۸۸	آزین بیضوی	۵۲	آراستن
۹۰۸	آزین بیضه‌ای	۱۲۱۷	آراستن آواها و علامتها
۸۸۷	آزین بیضه و پیکان	۸۰۰، ۲۷۳	آرامگاه
۹۰۷	آزین بیضی شکل	۵۰۴	آرامگاه ابدی
۹۱۴	آزین پریچ و خم	۱۲۶۴، ۸۶۸، ۴۷۴	آرایش
۸۹۳	آزین پوست ماهی	۲۲۰	آرایش آجر
۹۱۲	آزین پیچکی	۸۷۶	آرایش پنجه‌ای
۹۰۷ ۸۸۸	آزین تخم مرغی	۱۳۴۰	آرایش حلقه گلی
۸۹۸	آزین جناغی	۸۱۰	آرایش زنجیری
۹۱۰	آزین چلیپای شکسته	۵۹۵	آرایش سردر
۱۱۰۰ ۸۹۵	آزین دالبری	۹۴۶	آرایش ستوری
۸۸۶	آزین دندانهای	۱۲۶۰	آرایش سه‌برگی
۸۹۴	آزین راه‌راه	۸۷۰	آرایه
۹۰۳ ۸۹۷	آزین زنجیره خمپا	۶۶۴	آرایه جناغی
۸۹۲	آزین سرمناره	۶۶۴	آرایه چپ و راست
۹۱۱	آزین سه‌برگی	۸۷۵	آرایه دندانهای
۹۰۹	آزین شاخ قوچی	۱۲۸۸	آرایه زیر لعاب
۱۱۰۰	آزین صدفی	۸۷۹	آرایه ستاره‌ای
۹۱۳	آزین فروهر	۸۷۱	آرایه شکل ماهی
۸۸۲	آزین کاکل‌دار	۸۸۰	آرایه قیفی شکل
۸۹۶	آزین گلابتون چهاربرگ	۸۸۲	آرایه کاکل‌دار
۱۰۷۷	آزین گل‌سرخ	۷۲۹	آرایه گره‌دار
۹۰۱	آزین مارپیچی	۸۷۴	آرایه معجوف
۹۰۱	آزین مازی	۸۷۳	آرایه مهره‌ای
۸۹۱	آزین ماهیچه‌ای	۸۸۱	آرایه هاله‌ای
۸۹۰	آزین ملیله کاری	۹۰۴	آرایه زنجیری
۴۷۶	آزین منقوش	۶۵۶	آرایه مو

۱۲۲۱	آماج	۸۸۴	آزین موجی افتاده
۶۸۲	آمرود	۸۸۵	آزین موجی جمع
۳۵	آمفورا	۸۹۹	آزین نقش درهم تابیده
۳۴	آمفی تئاتر	۸۸۹	آزین نواری
۲۵	آمیزش	۹۰۰	آزین T شکل
۱۹۶	آمیزه	۴۹۲	آزیر
۳۱۸	آمیزه رنگی	۶۷۶	آسایشگاه
۹۷۵	آناناس	۱۲۲۵	آسایشگاه فقرا
۱۰۷۹	آوار	۱۲۳۴، ۷۵۹	آستانه
۱۲۹۵	آوند	۱۳۳۵	آستانه پنجره
۵۴	آوند فلزی	۷۵۷	آستر
۶۴۷، ۵۹۷	آویختنی های تزئینی	۷۵۷	آستر دوزی
۱۲۲۲، ۶۷۲	آویز	۱۰۱۶	آسترزنی
۷۵۶	آهک	۱۱۹۶	آسترکاری
۷۳۰	آهنچه	۷۵۷	آستری (پارچه)
۷۳۲	آهن زاویه	۶۸۲	آسمانچونی
۴۰۸	آهنگسازی	۱۱۳۸	آسمانخراش
۷۳۲	آهن گوشه	۱۲۳۲، ۲۵۰، ۱۴۵	آسمانه
۱۳۴۰	آهن ورزیده	۶۸۲	آسمانی
		۳۳۴	آشکاری رنگ
		۴۹۱	آشوب
		۲۴	آشپانه
	ابر بارانی	۱۲۰۲	آفتاب نما
	ابریق	۱۲۱۸، ۷۱۸، ۵۴۱	آفتابه
	ابزار	۱۱	آکروبات
	ابزار بیضه ای	۹۵۵، ۶۲، ۲۴	آلاچیق
	ابزار بیضه و پیکانی	۱۲۷۵	آلاله
	ابزار بیضه و زبانی	۲۲	آلبوم
	ابزار بیضه و لنگری	۴۴۶	آلت پرتاب گلوله کمان
	ابزار پودزنی	۱۱۵۷	آلودگی
	ابزار تخم مرغی	۱۱۲۷	آلونک
	ابزار چهار گوش	۲۷۸	آلونک چوبی چوپانان
	ابزار حلقوی	۲۵	آلیاز
	ابزار خاکی		

۳۷۰، ۳۶۹	اخزایی	۸۸۲، ۲۶۹	ابزار ربع گردی
۲۵۷	ارابه	۱۱۹۴	ابزار قیطانی
۳۱۹	ارتباط رنگی	۱۸۸	ابزار گریخته
۱۰۹۸	اُرسی	۱۲۹	ابزار محدب
۱۳۴۴	ارغاج	۵۱۸	ابزار محدب سرستون
۱۰۲۶، ۴۴۳، ۳۷۷، ۳۶۱	ارغوانی	۴۶۱	ابزار موجی
۸۰۱، ۳۶۸	ارغوانی روشن	۱۷۳	ابزار مهره ماسوره
۲۹۶	ارگی	۱۳۳۸	ابزارهای خاص حرفه
۴۶۵	ازاره	۴۸۸	ابعاد
۱۲۹۳	اسباب	۴۸۹	ابعاد سه گانه
۴۳۷، ۱۲۶	استادکار	۲	ابلق
۱۲۳۳	استاندارد	۱۳۱	اتابک
۲۲۷	استبرق	۴۶	اتاق انتظار
۱۰۴۰، ۵۸۲، ۷۲۱	استحکامات	۶۰۵	اتاق دروازه بان
۵۸۳	استحکامات نظامی	۶۰۴	اتاق زیر سقفی
۹۹۵	استخر	۶۰۴، ۱۳۵	اتاق زیر شیروانی
۵۸۹، ۵۸۸	استخوان بندی	۷۶۳	اتاق سرایدار یا دربان
۶۶۴	استخوان شاه ماهی	۷۶۳	اتاقک
۱۱۹۷	استودیو	۲۱۱	اتاقک استراحت اشراف
۸۶۷	استیزه	۲۱۱	اتاقک خلوت
۵۸۸	اسکلت	۶۰۵	اتاق نگهبان
۵۸۹	اسکلت ساختمان	۷۱۴	اتصال با لولا
۱۳۲۷، ۱۰۳۱، ۹۶۴، ۷۰۷	اسکله	۱۳۱۷	اتصال بدون ملاط
۷۴۵	اسکله کشتی	۵۰۵	اتصال دم چلچله
۲۹۱	اسکنه	۱۰۵۶	اثر تکراری
۵۹	اسلوب عربی	۸۲۴	اثر ماندگار
۵۹	اسلیمانه	۸۲۴	اثر یادبودی
۵۹	اسلیمی	۷۲۴	اجاق
۶۱	اسلیمی برگ وار	۳۴۰	احساس رنگ
۶۰	اسلیمی به شکل گل	۳۳۷	اختلاف درجه رنگ
۱۰۸۴	اسلیمی سلجوقی	۸۵۶	اختلاف دو چیز
۶۰	اسلیمی گلدار	۳۲۳	اختلاف رنگ
۶۱	اسلیمی مزین به شکل برگ	۸۶۱	اُخرا

۹۱۹	اکسیدشدن	۶۰	اسلیمی مزین به گل
۴۲۸	اکلیل	۶۸۶	اشراق
۸۵۰	اکلیل نور	۱۳۵۳	اشکال حیوانات
۲۰	الاجه	۷۸۰	اشکال ماه و ستاره
۹۴۱، ۹۱۵، ۸۳۰	الگو	۸۰۸	اشکوب کوتاه
۹۳۳	الماس صدقیراطی	۶۳۴	اشکوب هم تراز زمین
۴۲۲	المنی	۱۱۴۰	اشیای دارای سطح لغزنده
۱۳۴۴	الیاف بهم پیچیده	۶۷۴	اشیاء شاخی شکل
۸۵۹	الیاف شاهدهانه	۳۳۵	اصالت رنگ
۶۹۱	امپرسیونیسم	۱۲۲۸	اصطلاح
۹۳۸	امتیازنامه اختراع	۵۸۴	اصل
۸۲۲	امضای رمز	۵۸۱	اصول
۸۲۲	امضای هنری	۲۹۸	اصیل
۷۶۴	انبار فوقانی	۷۶۴	اطاق زیرشیروانی
۱۱۲۷، ۲۰۳	انباری	۲۳۹	اطاق کشتی
۴۷۱	انحطاط هنری	۲۳۹	اطاق کوچک
۴۸۸	اندازه	۱۳۳	اطاق میانی
۸۱۸	اندامسازی	۷۶۴	اطاق نزدیک سقف
۹۸۱	اندود	۱۰۹۹	اطلس
۲۷۰	اندود داخلی سقف	۱۳۱۸	اعراب
۱۰۱۶	اندودکاری	۴۷۵	اعطای نشان امتیاز
۱۱۹۶	اندودگچ	۶۶۲	اعلان دهنده جنگ
۱۱۹۶	اندودگچ و سیمان	۵۹۲	افریز
۴۶۹	اندود ناشیانه	۵۹۲	افریز تزئینی
۴۰۸	انشاء	۴۳۷	افزارمند
۱۳	انطباق	۴۸۴	افسر
۱۱۳۴، ۹۴۱، ۴۸۰، ۴۴۵	انگاره	۸۵۵	افشانک
۱۰۶۸، ۶۷۳	انگشتر	۱۱۳۷	افق
۱۲۵	انگنار	۱۳	اقتباس
۳۹	انهدریت	۶۸۹	اقتدا
۸۶۵	اوپال	۱۳۵۲	اقلیم
۱۰	اوج	۱۰۴۰	اکسید سرب
۱۲۵۵	اویستان	۸۱۴	اکسید سرب قرمز

۷۲۰	بازار سرپوشیده	۶۹۷	اهدائیه
۵۵۲	بازبان	۸۲۳	اهریمن
۵۵۲	بازدار	۱۳۰۵، ۱۰۰۳، ۹۹۹، ۸۴۲، ۷۰۸، ۶۴۰	ایوان
۱۰۵۹	بازسازی	۶۰۱	ایوان بالاخانه
۵۵۲	بازگیر	۷۶۴	ایوان تالار
۱۲۵۲	بازوی عرضی کلیسا	۷۰۹	ایوان جانبی
۷۲۷	بازیچه	۱۳۰۵	ایوان جلو یا طرفین
۲۹۸	باستانی	۷۶۵	ایوان درونی
۱۶۳	باستیان	۹۵۶، ۳۱۲	ایوان ستون‌دار
۴۷۷	باسمه‌زنی	۷۶۵	ایوان سرپوشیده
۱۰۱۸	باسمه‌زنی چوبی		
۵۴۰	باسمه سیاه قلم		ب
۵۳۲	باسمه کاری	۱۱۷۷، ۶۷۰	بائو
۷۹۱	بافت	۱۶۴	باتیک
۲۷۷	بافت زنجیری	۱۳۲۸	باجه
۲۸	بافت متناوب	۱۲۴۶	باخه
۹۷۹	بافته	۲۶	بادامی شکل
۲۹	بافته حریری زرنگار	۱۱۳۸	بادبان سه گوش بلند
۷۶۶، ۷۲۸	بافندگی	۵۵۴	بادبزنی
۹۷۹	بافه	۲۰۵	بادکرده
۱۲۶۲	بافه گیسو	۷۷۰	بادگیر
۵۸۷	باقیمانده	۳۴۳	بادمجانی رنگ
۷۸۶	بالاپوش	۱۳۲۷، ۷۴۵	بارانداز
۱۴۱	بالاپوش دگمه‌دار	۱۲۴۸، ۲۳۳	بارو
۲۳۶	بالاتنه	۱۶۳	باروی دوپهلو
۸۰۸	بالاخانه زیر طبقه اول	۱۴۲	باروی قصر
۷۷۲	بالای درگاه	۱۰۴۰	باروی قلعه
۴۵۹	بالش	۱۰۱۵	باریک سنجی
۵۱۸	بالشتکی سرستون	۱۱۹۱	باریکه
۷۶۵	بالکانه ستون‌دار	۱۵۱	باریکه
۱۳۰۵	بالکانه سرپوشیده	۱۱۷۷	باریکه قائم
۱۴۴	بالکانه مأذنه	۷۲۰، ۱۷۰	بازار
۱۰۷۶، ۵۶۷	بام دوشیب	۶۴	بازارچه

۲۷۱	فارسی، عربی، انگلیسی (مصور)	
۵۸۲	برج و بارو	۹۴۶ بام دوشیب کند
۴۸۱	برخورد تفضیلی	۴۲۱ با مس اندودن
۱۳۰۷	برداشت	۱۱۷۷ باهو
۱۳۰۴	برده	۱۰۱۶ بتونه کاری
۱۰۲۰	برش عمودی	۶۰۸ بتونه گچی
۷۷۳	برق	۱۳۵۲، ۱۰۱۴ بخش
۹۹۵	برکه	۶۹۲ بخور سوز
۵۷۶	برگ دار	۱۱۷۹ بخیه
۶۰۷	برگ عطری	۶۸۹ بدلی
۸	برگ کنگری	۸۵۱ بدنه ستون اصلی
۲۱۴	برنج (فلز)	۱۱۲۱ بدنه ستون
۲۲۸	برنز	۷۲۹ برآمدگی
۲۲۸	برنز نما	۴۳۴ برآمدگی رنگ
۲۱۴	برنزی (رنگ)	۳۸ برآمدگی ساختمان
۵۳۶	برنگاشت شناسی	۱۲۷۵ برآمدگی فلز دهانه لوله تفنگ
۵۴۵	برون سو	۶۷۹، ۴۱۹، ۲۰۵ برآمده
۱۱۴۱	بریدگی	۱۲۴۸، ۵۸۳ برج
۷۱۴	بریدگی آجر	۱۵۸ برج پیشکرده
۵۷۳	بریدگی طولی	۷۲۱ برج دفاعی
۱۰۱۲	بریدگی لبه آبدان	۲۸۹ برج دودکش
۱۲۷۲	بریدن لبه بلور	۶۰۴، ۱۵۸ برج دیده بانی
۱۸۶	بزادی	۱۰۵۲ برجستگی اندک
۱۷۷، ۱۷۱	بزارستان	۴۲۵ برجستگی کنگره مانند
۷۹۳	بزرگ	۷۹۵ برجسته
۱۷۷	بژ (رنگ)	۵۹۱ برجسته کاری
۱۴۸	بسته	۲۴۸ برجسته کاری بر جواهر
۹۸۲	بشقاب	۵۲۵ برجسته کاری روی فلز
۵۶۹	بطری	۲۴۸ برجسته کاری مدالی
۴۸۸	بُعد	۸۱۸ برجسته نمایی
۷۵۹	بغل درگاه	۷۲۱ برج قلعه
۵۸۷	بقایا	۱۲۸۲ برجک
۸۲۴، ۸۰۰	بقعه	۱۲۸۲ برجک هرمی
۱۱۳۱	بقعه	۷۴۷ برج نورگیر

۷۰۲	به هم گره زده	۲۰۱	بلوز
۴۳	بی امضا	۲۸۵	بلوطی رنگ
۳۰	بی تجربه	۱۴۳	بلبال
۵۸۶	بی دوام	۸۲۴	بنا
۵۱۳، ۳۲۴	بی روحی رنگ	۹۲۳	بنای پرزرق و برق
۱۶۷، ۵۳	بیرون نشستگی بدنه کلیسا	۸۲۴	بنای تاریخی
۱۰۹۱	بیرون نشسته	۳۱۴	بنای حیرت آور
۱۲۷۲	بی سر	۷۹۰	بنایی
۹۱۸	بیضه‌ای	۸۲۴	بنای یادبود
۵۲۲	بیضه و پیکانی	۷۱۶، ۶۷۰	بند
۵۲۳	بیضه و زبانی	۱۱	بندباز
۵۲۱	بیضه و لنگر	۱۰۳۱	بندرگاه
۵	بی قید و شرط	۱۴۶	بند شمشیر
۱۲۷۱	بیلچه باغبانی	۷۱۶	بندگاه
۱۱۲۹، ۱۹۰	بیمارستان	۸۰۱، ۶۸۲، ۳۸۸	بنفش
۴۳	بی نام	۸۰۱، ۳۶۸	بنفش جوهر قیر
۱۲۹۱	بی همتا	۳۶۵	بنفش کمرنگ
		۸۰۱، ۳۶۸	بنفش مایل به ارغوانی
	پ	۷۵۴، ۳۶۵	بنفش یاسی
۱۱۴۴، ۹۴۴	پاپیکره	۹۸۹	بنیاد زیر مذبح
۷۲۲، ۲۴۱	پاتیل	۳۴۴	بور
۱۳۰	پادچفت	۷۹۶	بوریا
۷۹۶	پادری	۶۷۴	بوق
۱۵۵	پادگان	۱۳۲۴، ۱۱۳۰، ۸۲۰	بو قلمون
۷۱۸	پارچ	۸۳۳، ۱۳۹	بوم
۱۲۱۸	پارچ فلزی دردار	۱۰۱۶	بوم سازی
۲۲۷	پارچه ابریشمی گل برجسته	۱۲۲۹	بهار خواب
۸۰۶	پارچه بافته شده از پشم های رنگارنگ	۱۰۵۹	به بخشی
۹۳۳	پارچه پرده ای	۴۴۸	به شکل صلیب
۹۶۸	پارچه پرزدار	۴۴۲	به شکل کاکل در آوردن
۴۸۰	پارچه پشت نما	۵۷۲	به شکل گل
۷۸۶	پارچه پشمی	۷۰۲	بهم پیوسته
۱۲۷۶	پارچه توری ابریشمی	۷۰۲	به هم پیچیده

۹۶۴	پایه پل	۱۰۱۷	پارچه چاپی
۷	پایه جناحی	۷۵۸	پارچه خط دار
۲۱۲	پایه دیواری	۷۵۸	پارچه راه راه
۲۱۲	پایه سه گوش	۴۶۸	پارچه رنگارنگ
۹۶۵	پایه مجردی مرکب	۹۲۵	پارچه روی تابوت
۹۸۶، ۹۴۴	پایه مجسمه	۲۲۷	پارچه زربفت
۸۴۶	پایه نرده	۱۲۱۳	پارچه زرق و برق دار
۹۸۶	پایین ترین قسمت پایه	۸۳۵	پارچه زری با نقش فیل
۱۸۷	پَخداری	۲۴۶	پارچه کتانی
۲۳۷	پدپیل	۴۸۶	پارچه کتانی گلدار
۹۶۲	پدیدار	۱۰۱۷	پارچه گلدار
۹۶۲	پدیده	۷۷۷	پارچه ماشین بافت
۱۹۵	پرچم	۱۲۱۳	پارچه مجلل و مزین
۳۰۳	پرچم سلسله شاهی	۱۱۰۲	پارچه مخمل
۵۶۴	پرداخت	۱۳۰۴	پارچه نرم و لطیف
۵۶۴	پرداختکاری	۹۲۵	پارچه نفیس روی ضریح
۱۳۰۲، ۹۲۱	پرده	۸۳۸	پارچه نقش پلنگی
۶۶۲	پرده دار	۵۸۷	پاره
۶۷۷	پرده رنگ	۹۴۴	پاستون
۱۲۲۰	پرده قالیچه نما	۹۸۶، ۹۴۴	پاسنگ
۱۲۲۰	پرده نقش دار	۱۱۴۴	پاسنگ ستون
۹۶۸، ۸۴۱	برز	۶۷۰	پاشنه گرد
۵۷۲	برزینت	۱۱۵۷	پاشیدن
۱۱۹۸	پرستشگاه بودایی	۱۱۶۰، ۹۸	پاطاق
۵۶۲	پُرکردن	۷۴۵	پاگرد
۹۲۸	پرکلاه	۱۰۳۹	پاگرد پله
۹۳۸	پروانه	۹۲۲	پالکی
۸۵۵	پستانک	۱۱۴۴، ۱۰۰۸، ۹۶۴	پایه
۶۰۴	پستوی سقفی	۷	پایه جناحی
۶۸۹	پَس روی	۹۴۴	پایه چراغ
۱۰۴۴	پس نشستگی اتاق	۷۱۳	پایه سبو
۵۶۷	پشت بام شیروانی دار	۱۵۹، ۹۴۴	پایه ستون
۱۱۵۰	پشت بغل	۹۵۱	پایه سه گوشه زیرطاق

۱۰۷۸ ۸۶۳	پنجره گرد	۲۳۷	پشت بند
۱۳۳۴، ۷۵۱، ۶۳۰	پنجره مشبک	۷	پشت بند دیوار
۱۱۵۸	پنجره مثبت کاری شده	۵۷۴، ۲۳۸	پشت بند شمشیری
۱۳۳۰، ۷۴۸، ۱۹۸	پنجره نما	۵۷۴	پشت بند معلق
۱۳۳۳	پنجره نیم گرد کوچک	۲۳۸	پشت بند معلق
۱۱۵۸	پنجره یخ	۸۶۶	پشت پوش
۵۰۳	پنجره روی شیروانی	۱۳۰۸	پشت سکه
۱۳۳۲	پنجره شیروانی	۱۳۰۸	پشت صفحه
۱۱۵۸	پنجره مزین	۴۵۹	پشتی
۷۴۸	پنجره مسدود	۹۴۰	پشتیان
۹۵۳	پنج ضلعی منتظم	۹۲۳	پلاس
۹۵۳	پنج گوش	۹۸۲	پلاک
۶۴۵	پنجه	۵۰۶	پل بالا کشیدنی
۹۵۳	پنچ پر	۵۰۶	پل تاشو
۱۳۳۷، ۱۳۲۶، ۵۶۲	پود	۵۸	پل روی کانال یا رودخانه
۹۴۷	پوست انداختن	۱۱۷۷، ۱۱۶۹، ۱۱۶۸، ۱۱۶۷، ۵۷۱	پلکان
۶۲۸	پوست پوست شدن	۱۱۵۵	پلکان پیچ
۸۵۸	پوست گردو	۹۵۷	پلکان پیشخوان
۹۴۷	پوست وادادن	۹۵۷	پلکان خارجی عمارت
۹۱۶	پوسته	۷۴۰	پلکان مارپیچ
۴۳۴	پوسته شدن رنگ	۵۰۶	پل متحرک
۸۵۸	پوسته (فندق - پسته)	۲۳۳	پناه
۱۰۷۱	پوستین	۱۱۲۸	پناهگاه
۶۰۳	پوشاک	۹۵۳	پنچ پر
۶۵۶	پوشاک سر	۱۳۳۳	پنجره بادبزی بالای در
۱۰۶۲، ۲۵۲	پوشش	۱۶۸	پنجره بیرون نشسته
۶۴۷	پوشش آویختنی	۱۶۸	پنجره پیش آمده
۱۲۳۹	پوشش با حلبی	۵۰۳	پنجره جلو آمده زیر سقف
۲۷۰	پوشش داخلی سقف	۱۱۵۸	پنجره دارای لبه شیبدار
۱۱۲۵	پوشش گردن	۶۳۰	پنجره طامی دار
۸۳۳	پوشش لوح چاپ	۱۳۳۰، ۱۹۸	پنجره کاذب
۸۵۷	پول شناسی	۱۰۰۲	پنجره کشودار
۵۶۵	پولک ماهی	۱۳۳۰، ۱۹۸	پنجره کور

۱۰۷۰	پیشانی پله	۵۶۵	پولکی
۶۶۲	پیشاهنگ	۱۰۲۰	پهلونما
۷۶۵	پیشخان ستون دار	۹۴۵، ۹۴۲	پیاده رو
۱۰۰۳، ۶۰۱	پیش خانه	۶۴	پیاده روی سرپوشیده
۵۹۵	پیش در	۴۴۳	پیازی رنگ
۱۶۷	پیشرفتگی اتاق	۲۰۹	پیاله
۶۶۲	پیشرو	۶۶۲	پیام آور
۵۷۸	پیش زمینه	۲۹۴	پیام رمزی
۱۲۷۳	پیش سینه	۴۲۰	پیچ
۹۷۷	پیش طاق	۱۲۸۴	پیچاندن
۱۱۳۴	پیش طرح	۲۳۵	پیچ دار
۴۲۴	پیشکردگی	۶۳۶	پیچ زیرورو
۲۷	پیشگاه	۱۳۱۳، ۱۲۲۶	پیچک
۴۳۷	پیشه ور	۱۲۲۶	پیچکی
۵۴۲	پیشینه	۱۲۸۴	پیچ و نوار تابیده
۶۶۲	پیک	۳۰۸	پیچه
۶۸۴، ۵۸۰	پیکر	۴۲۰	پیشیدگی
۸۱۸	پیکربندی	۱۲۷۷	پیراهن گشاد زنانه
۱۱۱۱، ۲۶۳	پیکر تراشی	۱۲۶۴	پیرایش
۱۰۰۶	پیکرنگاری	۸۷۰، ۶۶۸، ۱۳۶	پیرایه
۱۲۴۵، ۱۱۷۴، ۱۱۱۱، ۸۲۴، ۶۵۸، ۵۵۹، ۲۳۶	پیکره	۵۲۶	پیرایه بندی
۱۹	پیکره با آرنج های بیرون زده	۲۹۸	پیرو سبکهای باستانی
۱۱۱۱	پیکره سازی	۴۲۴	پیش آمدگی تزیین ساختمان
۲۳۶	پیکره سرو سینه	۴۲۴	پیش آمدگی تیر ساختمان
۲۶۳	پیکره تزیینی	۱۶۸	پیش آمدگی ساختمان
۵۳۷	پیکره سوار بر اسب	۵۱۷	پیش آمدگی لبه بام
۲۲۸	پیکره مفرغی	۴۶	پیش اطاقی
۶۴۹	پیوستگی	۱۱۰۶	پیش افکند
۷۱۶	پیوند	۹۴۳	پیش آمدگی سقف جلو خان
۷۱۶	پیوندگاه مفصل	۵۳۳	پیشانی
۸۶۴	پیه سوز	۶۵۶، ۵۶۱	پیشانی بند
		۵۹۶	پیشانی بند زنان
		۴۸۴	پیشانی بند شاهان شرق

۱۱۹۳	تخته سقف کشتی	ت	
۵۶۷	تخته سنگ	۹۲۱	تابلوی نقاشی
۱۱۹۲	تخته شاسی نقشه کشی	۱۰۹۷، ۳۰۷	تابوت
۹۲۶	تخته شستی	۱۰۹۷	تابوت سنگی
۱۱۹۲	تخته نقشه کشی	۴۴۱، ۲۵۴	تاج
۹۱۸	تخم مرغی شکل	۶۴۱	تاج آسمانی
۶۸۶، ۶۰۹	تذهیب	۴۴۲	تاج دار کردن
۵۶۱	تذهیب جلد کتاب	۷۲۳	تاج قوس
۶۸۶	تذهیب گری	۱۳۴۰، ۴۸۴، ۴۲۸	تاج گل
۸۳۳	تراز	۱۱۱۶	تاج مضرس
۱۲۲۹	تراس	۱۳۲۰	تار
۲۲۰	تراش آجر	۲۹۸	تاریخی
۱۱۳۹	تراش اریب	۵۱۴	تاریکدان
۱۲۷۲	تراش بلور	۱۴۰	تاریکی زمینه
۱۲۶۵	تراش پارچه	۱۲۱۳	تافته
۵۴۷	تراش (جواهر)	۱۳۱۳	تاک بن
۴۰۰	ترتیب ستونها	۶۴۰، ۶۰۱	تالار
۱۳۰۷	ترجمه	۶۸۳	تالار چهل ستون
۵۸۶	ترد	۶۸۳	تالار دارای سقف و ستون
۶۹۵، ۱۱۷	ترصیع	۵۴۳	تالار مذاکره
۷۰۳	ترک	۷۶۱	تالارنشیمن
۴۰۸	ترکیب بندی	۷۶۱	تالار ورودی
۶۸۱	ترکیب چند جزء ناجور	۶۸۹	تأسی
۲	ترکیب راه راه	۱۲۲۳	تبر
۳۳۹	ترکیب رنگ	۱۴۷، ۱۳۷	تبر
۳۱۸، ۱۹۶	ترکیب رنگی	۱۱۱۶	تبر اره ای
۴۰۸	ترکیب هنری	۹۶۲	تجلی
۱۰۵۹	ترمیم	۹۳۲	تجمع سربازان
۹۷۹	ترنج	۱۲۲۹	تختان
۸۰۴	ترنجی	۹۲۲	تخت روان
۹۸۹، ۷۵۳	تریون	۹۲۶	تخته رنگ
۱۲۶۳	تریکو	۱	تخته روی سرستون
۳۶	تزیینات برجسته روی دیوار	۹۸۶	تخته زیرچیزی

۹۰۴	تزیین زنجیری	۱۲۴۹	تزیینات توری پنجره
۹۱۱	تزیین سه‌پره	۱۱۷۴	تزیینات چکیده
۸۸۰	تزیین شاخی	۵۸۵	تزیینات چهاربرگی
۸۷۵	تزیین ۸ شکل	۱۰۲۹	تزیینات چهارگوش
۸۷۱	تزیین شکل ماهی	۱۱۱۸	تزیینات در اثر خراش
۹۱۲	تزیین طوماری	۵۷۵	تزیینات شاخه و برگ
۸۹۴	تزیین قاشقی تراش	۷۷۱	تزیینات لوزی شکل
۹۰۰	تزیین کلیدی شکل	۸۱۹	تزیینات معماری روی قرنیز
۸۹۲	تزیین گلدسته‌ای	۹۱۳	تزیین بال‌دار
۴۳۵	تزیین لعاب ترک دار	۸۸۳	تزیین بالشتکی
۹۰۲	تزیین لوزی شکل	۹۲۷	تزیین برگ نخلی
۸۹۹	تزیین متقاطع	۸۹۵	تزیین برگی
۸۷۹	تزیین مرصع	۸۸۸	تزیین بیضوی
۹۰۶	تزیین مشبک‌کاری	۹۱۳	تزیین پرواز
۸۹۰	تزیین ملیله‌دوزی	۸۷۶	تزیین پنج‌برگ
۸۸۴	تزیین موجی افتاده	۸۹۳	تزیین پولک ماهی
۸۷۲	تزیین مهره و ماسوله	۹۰۳	تزیین پیچ و خم
۹۰۱	تزیین هزارخم	۸۸۹	تزیین پیشانی زیر قرنیز
۱۷۴	تسبیح	۸۹۱	تزیین پیش‌بند
۶۷۳	تسمه	۸۸۱	تزیین تاج گل
۲۲۳	تسمه برداشتن قالب	۸۸۲	تزیین تاجی
۶۷۳	تسمه دورچلیک	۸۷۴	تزیین توخالی
۶۸۴	تشبیه	۷۴۱	تزیین توربافت
۱۶۱	تشتک	۹۱۴	تزیین جناغی
۴۹۰	تصاویر رنگارنگ پارچه	۶۵۳	تزیین چینی
۴۰۸	تصنیف	۸۹۸	تزیین خار ماهی
۵۵۹	تصویر	۹۰۸	تزیین خاگی
۱۰۰۵	تصویر از خود	۶۵۳	تزیین خطایی
۳۱۱	تصویر تکه کاری	۹۱۴	تزیین خیزابی
۶۸۷، ۵۳۲	تصویر چاپی	۸۷۳	تزیین دانه تسبیحی
۸۲۲	تصویر درست شده از خطوط	۸۸۶	تزیین دندان نما
۱۱۳۳	تصویر سایه‌نما	۹۰۵	تزیین دوخم
۱۰۰۴	تصویر صورت	۸۹۷	تزیین زنجیره یونانی

۳۲۸	تناسب رنگ	۶۸۷	تصویر وقایع
۱۳۶	تن پوش	۸۲۱	تصویر یکرنگ
۳۲۹	تندی رنگ	۸۶۷	تضاد
۱۲۴۵، ۱۱۱۱، ۶۸۴	تندیس	۳۲۰	تضاد رنگ‌ها
۹۴۵	تندیس ایستاده	۳۲۰	تضاد رنگی
۱۱۷۴	تندیس ایستاده	۱۲۱۶	تعویذ
۶۵۸، ۹	تندیس بی سر	۱۲۶۹	تغار
۱۹	تندیس دست در کمر	۹۳۲، ۵۳۹	تفرج گاه عمومی
۱۱۷	تندیس سازی از گل	۸۶۷	تقابل
۹۲۹، ۵۶۹	تنکه	۳۲۰	تقابل عناصر رنگی
۲۵۶	تُنگ	۱۲۰۹	تقارن
۴۸۲	تنگ شراب	۳۲۸	تقارن رنگ
۴۷۳	تنگ شیشه‌ای تزئینی	۶۹۷	تقدیم نامه
۵۹۱	تنگه	۵۵۱	تقلبی
۷۲۴	تنور	۶۸۹	تقلید
۶۴۹	توازن	۶۸۹	تقلیدگری
۳۲۸	توازن رنگ	۵۵۱	تقلیدی
۱۲۱۵	توپ پارچه	۸۲۱	تک رنگ
۹۶۸	توده	۸۲۱	تک فام
۱۳۰۲	تور آویز	۵۸۷	تکه
۱۰۶۱	تور بافت	۵۲	تکه دوزی
۷۴۱	تور بافی	۱۲۲۵	تکیه
۷۸۵	تور صورت	۹۶۸	تل
۲۴	تورفتگی	۳۱۸	تلفیق رنگ
۴۰۹	تورفتگی دیوار	۳۱۹	تماس رنگ
۱۲۶۴، ۱۱۰۹	توری	۳۴	تماشاخانه
۱۲۷۳	توری جلو سینه	۵۶۴	تمام کاری
۷۸۶	توری چراغ	۳۲۳	تمایز رنگ
۴۰۹	توگود	۱۰۰۴	تمثال
۱۰۴۴	تونستگی ساختمان	۶۸۴	تمثال دینی
۲۴	تونشین اتاق	۶۸۷	تمثیل
۱۰۶۵	تویزه	۱۲۹۲	تمدن
۱۲۴۰، ۶۷۷	ته رنگ	۲۴۵	تمرین خط

فارسی، عربی، انگلیسی (مصور)		۲۷۹
تیر	۹۸۹، ۱۰۰۸، ۱۳۳۶	تیمارگاه ۶۷۶
تیر آستانه در	۱۳۳۵	تیمچه ۱۳۰۱
تیرافقی سقف	۱۱۹۳	تابت کننده (ماده) ۵۶۶
تیرافقی کف	۷۱۷	
تیر بیرون آمده	۷۱۱	ج
تیر پایه	۹۶۸	جادو ۱۲۱۶
تیر حامل	۱۱۷۶	جارچی ۶۶۲
تیر حمال	۶۱۰	جاقلمی ۹۵۰
تیر دان	۱۰۳۳	جام ۶۲۰، ۲۰۹، ۱۷۵
تیر زیر خواب	۶۱۰	جام انداز ۶۱۹
تیر سردر	۷۵۹	جام دهان گشاد ۱۷۵
تیر سرکش	۲۵۱	جام لوزی ۷۷۱
تیر سقف	۱۷۶	جامه ۱۳۱۰، ۶۰۳، ۱۳۶
تیر شبیدار شیروانی	۱۰۳۷	جامه بیرونی کدبانوها ۱۱۸۶
تیر طره	۲۵۱	جامه سفید حمایل دار ۱۱۸۶
تیر عرضی طاق	۱۰۳۷	جامه بلند ۹۶۰
تیرک	۹۸۹	جامه بلند زنانه ۱۰۷۱
تیرکش	۷۹۷، ۱۰۳۳، ۱۲۳۷	جان پناه ۱۱۲۸، ۹۳۴، ۶۳۵، ۱۶۳
تیر کوچک	۶۵۵	جانور دورگه ۶۸۱
تیر گذاری سقف	۷۱۷	جانور نامه ۵۵۸
تیرگی رنگ	۳۲۴، ۳۲۱	جای آهن ریخته ۱۰۹۰
تیر میان پلکان مارپیچ	۸۴۶	جای بلند ۱۸۴
تیره	۲۰۰	جای چند نفری ۹۶۱
تیره گی رنگ	۵۱۳	جای خانوادگی ۹۶۱
تیزی (شمشیر)	۵۱۹	جای خمره ۷۱۳
تیزی و شکاف آجر	۷۱۴	جای داوران ۱۸۰
تیشه	۱۳۷، ۱۴۷، ۶۵۵	جای طواف ۳۲
تیغ	۱۹۴	جایگاه بزرگان ۴۷۹
تیغه	۱۹۴	جایگاه پیشنماز ۷۸۲
تیغه دنداندار	۱۱۱۶	جایگاه تدفین ۴۴۹
تیغه کار	۱۱۵۱	جایگاه مقدس ۱۰۹۴، ۷۸۲
تیمارخانه	۱۲۳۸	جایگاه نیایش ۴۴۹
تیمارستان	۱۲۳۸	جای مخصوص واعظ ۹۶۱

۲۴۸	جواهر تراشی	۱۱۳۱	جای مقدس
۱۲۶۶	جواهر کم بها	۲۴۰	جبه
۱۱۱۷، ۶۹۵	جواهر نشانی	۱۰۷۱، ۳۰۰	جبه
۷۲۸	جوراب بافی	۶۱۱	جبهه حصار
۳۰۴	جوشن	۱۱۰۹	جدار
۳۵۷	جوهر قرمز دانه	۳۱۶	جدایی رنگ
۵۲۴	جوهره	۴۵۶	جدول
۵۸۴	جوی آب	۴۵۶	جدول سنگی پیاده رو
۴۸۸	جهات	۹۶۴، ۲۳۷	جرز
۱۰۵۳	جهازه	۴۵	جرز پیش نشسته
۹۳، ۷۴	جهازه	۸۰۷	جرز میان دو تبرکش
۴۸۸	جهت	۲۸۴	جعبه
		۱۰۹۰	جعبه چینی لعابی
		۱۰۳۵	جعبه قرآن
۱۰۰۸	چاپار	۶۸۹، ۵۵۱	جعلی
۵۴۰	چاپ تیزابی خطی	۴۴۱	جقه
۵۷	چاپ تیزابی سایه دار	۴۴۳، ۳۷۷	جگری
۱۶۴	چاپ روی پارچه	۳۶۱	جگری رنگ
۱۱۲۰، ۹۴۳	چادر	۱۰۸۳	جُل
۱۸۳	چادر شب	۶۱۷	جلا
۹۸۳	چار آینه	۷۷۳	جلای رنگ
۱۱۹۲	چارچوب بوم	۱۰۴۵	جلد روی کتاب
۷۲۰	چارسو	۶۶۲	جلودار
۱۱۲۷	چارطاقی	۱۳۱۰	جلیقه
۷۰۳	چاک	۴۸۳	جمع آوری سرباز
۶۶۲	چاووش	۱۲۵۲	جناح کلیسا
۲۷۶	چاه فاضلاب	۹۲۵	جنازه پوش
۲۸۱، ۲۵۰	چتر	۶۶۴	جناغی
۷۷۳	چراغ	۱۳۵۰	جناغی پیوسته
۷۴۷	چراغ دریایی	۲۸۶	جناغی های متوازی
۸۶۴	چراغ روغنی	۹۳۸	جواز ساخت
۸۶۴	چراغ نفتی	۴۳۰	جواهرات
۷۴۳	چراغ نقاب دار	۱۲۶۶	جواهر بدلی

۲۸۱	فارسی، عربی، انگلیسی (مصور)		
۹۹۳	چند رنگ	۶۰۶	چرخ دنده
۹۹۴	چند ضلعی	۱۰۱۰	چرخ کوزه گری
۱۱۳۷	چند ضلعی ستاره‌ای شکل	۱۰۴۸	چرخه
۹۹۴	چند گوش	۱۱۹۳	چرم پشت جلد کتاب
۶۷۲	چنگک	۱۱۴۶	چرم ناصاف
۷۰۷، ۵۸۹	چوب بست	۹۳۷	چسب
۵۸۹	چوب بست سرپوشیده	۹۹۷	چسب چینی
۱۱۷۶	چوبدستی	۷۴۶	چشم انداز
۹۴۸	چوب رخت آویز	۵۸۴	چشمه
۴۶۴	چوب سرو	۱۱۴۷	چشمه آب معدنی
۱۳۲۵	چوب شکاف	۵۸۴	چشمه دار
۲۶۷	چوب فلاخن	۵۸۴	چشمه سار
۱۱۷۶	چوب میزان	۲۰۴	چفت
۱۱۷۶	چوگان	۱۳۱۷	چفت قطاع
۹۹۲	چوگان بازی	۷۰۲	چفت و بست شده
۱۰۳۰	چهاربرگ	۱۲۶۱، ۵۸۸	چفته
۱۰۳۰	چهارپره	۱۱۷۱	چکانده
۵۸۹، ۵۸۸	چهارچوب	۱۱۴۵	چکش خور
۵۳۱	چهار دیوار	۷۳۰	چکش دق الباب
۱۰۱۴	چهار دیواری	۱۰۵۷	چکش کاری فلز
۶۴۳	چهارسوق	۱۶۲	چلالی
۷۲۶	چهارطاقی	۷۷۳، ۲۸۰	چلچراغ
۱۰۰۴	چهره	۴۴۸	چلیپاوار
۱۰۰۶	چهره سازی	۱۲۰۶	چلیپای شکسته
۴۸۰	چیت	۴۴۸	چلیپایی
۹۶۲	چیز عجیب یا نادر	۵۱۰	چلیک
۷۲۷	چیز قشنگ و کم بها	۷۷۵	چماق
۹۷۹	چین	۲۴۷	چمچه
۱۲۶۴	چین چین	۷۵۲	چمن
۴۲۰	چین خوردگی	۱۲۴۷، ۱۰۶۷، ۶۷۳، ۳۰۸	چنبر
۴۳۶	چین خورده	۸۳۴، ۴۵۹	چنبره
۵۷۳	چین ویرا	۴۲	چنبره سرستون
۹۹۷	چینی	۹۹۴	چندپر

۴۸۷	حفاری	۹۹۷	چینی آلات
۶۳۵	حفاظ	۹۹۸	چینی نازک
۴۸۷	حفريات		
۹۳۸	حق ثبت انحصاری اختراع	ح	
۲۳	حقه باروت	۵۹۴، ۵۲۰، ۲۱۳، ۲۰۶	حاشیه
۶۹۳، ۵۳۲، ۲۶۳	حکاکی	۷۹۶	حاشیه دور عکس
۵۴۰	حکاکی بر سطح فلز	۸۳۳، ۴۲۸	حاشیه زیر قرنیز
۵۴۰	حکاکی بر شیشه	۵۲۰	حاشیه گذاری
۱۳۴۳	حکاکی چوب	۵۶۱	حاشیه باریک
۱۱۳۹	حکاکی غیر عمودی	۸۳۱	حاشیه تزئینی
۱۱۳۹	حکاکی مایل	۶۳۶	حاشیه تزئینی تابیده
۱۱۷۹	حک کردن نقش	۱۰۰۷	حالت
۱۲۳۹	حلب	۹۴۰	حامی هنر
۲۳۵	حلزونی شکل	۱۳۰۲	حجاب
۶۷۳	حلقه	۱۰۵۰، ۳۶	حجاری برجسته
۱۳۲۸، ۱۰۶۸، ۸۴۴، ۴۲۸، ۴۲۰، ۳۱۰	حلقه	۱۰۷۳	حجاری در صخره
۳۰۸	حلقه حلقه	۲۷۲	حجره
۳۱۰	حلقه دور ستون	۳۰۱	حجره حجره
۸۵۲	حلقه طناب	۸۱۸	حجم نمایی
۱۳۴۰	حلقه گل	۱۰۹۴، ۷۸۲	حرم
۶۴۱	حلقه نور	۱۱۳۱	حرم مطهر
۷۳۰	حلقه در	۱۳۲۴	حریر
۱۰۹۸، ۱۴۶	حمایل	۸۲۰	حریر رنگارنگ
۱۱۰۱	حمایل ابریشمی	۴۶۷	حریر گلداز
۱۰۱۴	حوزه	۱۸۵	حریر نقره بافت
۲۰۷	حوزه نمایندگی	۵۳۱	حریم
۹۹۵، ۱۶۱	حوض	۳۴۰	حسن رنگ
۱۶۱	حوضچه	۵۸۲، ۲۳۳	حصار
۱۱۵۷	حوض کم عمق	۲۹۶	حصار قلعه نظامی
۲۹	حوله زرین بافت	۵۳۱	حصار کشی
۴۳۳	حیاط	۵۸۳	حصن
۱۴۲	حیاط بیرونی	۷۹۶	حصیر
۱۳۳	حیاط پیشین کلیسا	۱۶۲	حصیر بافی

۱۰۱۶	خرج باروت فشنگ	۵۵۸	حیوانات یک اقلیم
خرده ۲۴۰، ۳۰۰، ۵۸۷، ۶۰۳، ۷۸۶، ۹۲۵، ۱۰۷۱			
۱۱۸۶		غ	
۶۴۸	خرگاه	۷۸۹، ۶۹۶	خاتم‌بندی
۲۸۵	خرمایی	۸۲۸، ۷۸۹، ۶۹۶	خاتم‌کاری
۳۴۴	خرمایی رنگ	۶۶۹	خاتم‌کاری مشبک
۳۰۶	خزانه	۴۴۸	خاجی شکل
۱۲۵۸	خزانه‌داری	۱۲۷۸	خادم آرامگاه
۲۱۶، ۱۲	خشت	۱۲۷۸	خادم زیارتگاه
۱۲	خشت آفتاب خشک	۶۶۴	خارماهی
۷۲۵، ۲۱۸	خشت پخته	۴۷۰	خاشاک
۱۲	خشت خام	۸۳۳	خاک
۲۲۱	خشت خشک	۲۹۰	خاک چینی
۲۱۷	خشت هوا خشک	۷۱۹	خاک چینی‌سازی
۲۹	خشک‌کن طلادوزی	۹۳۴، ۸۱۶، ۲۳۳	خاکریز
۲۰۸	خصوصیت بارز	۱۰۴۰	خاکریز دفاعی
۲۴۴	خطاطی	۶۱۱	خاکریز کم‌شیب
۱۱۳۷	خط افق	۵۶۲	خاکریزی
۶۵۴	خط پرداز	۵۱۶	خاکی
۴۵۲	خط جدول	۹۱۸	خاگی
۱۳۵۰	خط خیزابی	۶۴۲	خان
۵۱۲	خط سیر	۶۳۱	خان تفنگ
۹۸۸	خط شاغول	۶۴۶	خانقاه
۴۱۸	خط فاصل در نقشه‌های رنگی	۶۴۶	خانگه
۴۱۸	خط کناره‌ساز	۳۰۱	خانه خانه
۴۱۸	خط کناره‌نما	۲۳۹	خانه کوچک
۷۳۵	خط کوفی	۷۲۶	خانه تابستانی
۴۱۸	خط مرزی	۱۲	خانه خشتی
۴۵۳	خط میخی	۶۰۵	خانه سראیدار
۲۸۶	خطوط خیزابی	۲۳۹	خانه محقر
۴۵۷	خطوط درهم پیچیده	۱۳۱۲	خانه ییلاقی
۱۱۹۵	خطوط قلم حکاکی	۶۵۲	ختا
۱۳۵۲	خطه	۷۲۷	خورت و پرت

د	۲۴۰	خفتان
۱۹۰	دارالشفاء	خفگی رنگ
۷۳۹	دارالفنون	خفنگ
۶۷۹	دارای برجستگی	خفنگ مشبک
۹۹۷	دارای لبه پخ	خلوص رنگ
۵۸۴	دارای مخزن	خلیج کوچک
۱۲۶۱، ۹۵۵، ۵۸۸	داربست	خمپاره انداز
۷۶۶	دارقالبافی	خمره
۹۹۹، ۹۳۶، ۴۲۹	دالان	خمیدگی سرچوگان
۱۳۰۱	دالان دارای طاق قوسی	خمیده
۶۰۱	دالان زیرزمینی	خمیر
۱۳۱۱	دالان سرپوشیده	خنجر قوس دار
۹۶۰	دامن بلند	خندق
۷۳۹	دانشگاه	خندق دفاعی
۱۲۹	دانه تسبیحی	خنک خانه حمام
۱۷۲	دانه تسبیح	خواب
۹۷۶	دانه کاج	خواباندن (در ضد آهار)
۶۷۴، ۵۶۹	دبه باروت	خوابگاه
۱۰۹۹	دبیت	خوابگاه کشتی
۲۲۷	دبیت ابریشمی گلدار	خواجه نشین
۵۱۴، ۴۴۹، ۲۶۶، ۲۳۹	دخمه	خوانچه
۷۴۰	دخمه پر پیچ و خم	خوچ
۱۳۲۸	در	خوش نگاری
۹۴۷	درآمدن پوست	خوش نگاری صورت انسان
۱۱۹۲	درازای قالبسنگ	خوشنویسی
۴۳۳	دربار	خوشنویسی صورت انسان
۴۷۹	دربار پادشاه	خوشه
۴۹۹	در بینابین	خیالی
۱۰۰۹	درپشتی	خیز پله
۵۰۰	درپنهانی	خیز قوس
۳۲۷	درجه بندی رنگ	خیساندن
۳۳۷	درجه رنگ	خیمه
۳۲۶، ۳۱۷	درخشندگی رنگ	خیمه بزرگ

فارسی، عربی، انگلیسی (مصور)		۲۸۵
درز	۷۱۶	دژ شهر ۲۹۶
درزگیری	۲۴۳	دژ غاله ۷۲۱ ۵۱۴
در سه لته	۱۲۶۸	دژکوب ۱۶۵
در عقبی	۱۰۰۹	دژ نیم گرد ۱۰۷۸
در فرعی دروازه	۱۰۰۹	دستار ۱۲۷۹، ۱۰۹۸
در کاذب	۵۵۳	دستاف دیوارکوب ۱۲۲۰
درکشویی	۵۰۱	دست ساخت ۱۲۴
دژ کوهی	۱۰۷۲	دستشویی ۱۶۱
درگاه	۱۲۳۴	دستک ۹۶۸
درِ محرمانه	۵۰۰	دستکاری تکمیلی ۵۶۴
درِ مخفی	۵۰۰	دستگاه ۱۲۹۳ ۵۸۸
در میانجی	۴۹۹	دستگاه بافندگی ۷۶۶ ۵۸۸
دَر نما	۵۵۳	دستگاه جولایی ۷۶۶
دروازه	۱۰۰۱	دستگریه ۶۴۵
دروازه بالارو	۱۰۰۲	دستگیره پلکان ۱۱۹۳، ۱۵۲
دروازه پوش آهنین	۱۰۰۲	دستور عمل ۵۸۱
دروازه کوچک	۱۳۲۸	دسته ۶۶۹، ۶۴۵، ۹۵۹، ۴۴
درِ وسط	۴۹۹	دسته پارو ۷۶۶
دروغین	۱۰۲۲	دسته پر ۹۲۸
دروخانه	۷۸۲، ۲۷۲	دسته هاون ۹۵۹
درون سو	۷۰۴	دستینه ۶۴۵
درون قوس	۷۰۴	دشنه ۱۳۴۶
درون مایه	۸۲۹	دفتر ثبت نجبا ۶۶۳
درهم بافته	۷۰۵	دفینه ۱۰۰۷
دریافتگری	۶۹۱	دقت ۱۰۱۵
دریایی (رنگ)	۳۴۸ ۵۵	دکان ۱۸۰
دریچه خوابیده	۵۰۲	دکور ۴۷۴
دریچه تهویه	۷۷۰	دکوراسیون ۴۷۵
دریچه درنما	۵۰۲	دلک ۳۰۲
دریچه سد	۱۳۲۸	دلو ۲۳۰
دریچه متحرک	۵۰۶	دم چلچله ۵۰۵
دریچه هوا	۱۳۲۹	دَم (شمشیر) ۵۱۹
دژ	۵۸۳ ۵۸۲، ۲۶۵	دم فاخته ای ۵۰۵

۶۵۰	دهنه (اسب)	۵۰۵	دم کبوتری
۱۳۲۴ ۸۲۰، ۲۲۷	دیبا	۴۱۸	دمگیر
۵۹۵	دیباچه کتاب	۱۳۵۰	دندان اره‌ای
۵۲۶	دیباگری	۶۰۶	دنده
۹۳۱	دید تمام‌نما	۱۵۳	دوبه
۴۷	دید چشم مورچه	۱۱۷۹	دوخت
۲۴۱	دیگ	۲۷۷	دوخت زنجیری
۷۲۲	دیگچه	۲۸۹	دودکش
۸۲۳	دیو	۷۷۰	دودکش بخاری
۲۳۳	دیوار	۱۹۷	دودکش بدون منفذ
۵۳۱	دیوار بست	۴۷۱	دوران انحطاط
۴۳۱	دیوار پشت بند	۷۴۵	دو ردیف پلکان
۴۳۱	دیوار پناه	۷۹۲	دورنگ مخالف در بنا
۱۳۱۹، ۴۵۸	دیوار جداگر	۷۴۶	دورنما
۵۱۲	دیوار چینی بدون ملات	۱۰۶۷	دوره
۲۳۷	دیوار حائل	۸۴۵	دوزندگی
۱۴۲	دیوار خارجی قلعه	۳۰	دوستدار هنر
۵۱۲	دیوار خشک چین	۸۲۷	دو غاب آهک
۱۱۰۳	دیوار درونی خندق	۱۱۵۴	دوک
۲۹۷	دیوار شهر	۱۱۵۴	دوکچه
۱۰۶۰	دیوار ضامن	۸۶۰	دوک مانند
۱۲۵۴	دیوار عرضی	۲۳۰	دول
۹۳۴	دیوارک	۳۳۶	دومین رنگ
۸۰۷	دیوارک جان‌پناه	۱۱۴۸	دهانه
۵۳۱	دیوارکشی	۶۰۲	دهانه اژدر
۹۸۹	دیوار کوتاه گرد تماشاخانه	۱۱۴۹	دهانه درگاه
۱۰۸۰	دیوار لاشه سنگی	۱۱۵۹ ۸۵۵	دهانه فواره
۱۲۵۴	دیوار متقاطع	۴۷۲	ده بر
۱۰۲۷	دیوار محراب مسجد	۴۷۲	ده ضلعی
۵۹۰	دیوار نگاره	۴۷۲	ده گوشه
۶۲۶	دیوار نوشته	۱۳۱۱، ۴۲۹	دهلیز
۴۹۴	دیوان	۸۴۲	دهلیز پیشین کلیسا
۴۹۳	دیوان اشعار	۱۳۳	دهلیز سرگشاده

۲۸۷	فارسی، عربی، انگلیسی (مصور)	
۱۰۷۱، ۷۸۶، ۳۰۰، ۱۹۱	ردا	۴۹۳ دیوان دولت
۱۱۸۶	ردای سفید	۴۸۴ دیهیم
۷۸۵	ردای کوتاه	
۹۲۵	ردای یونانی	د
۴۲۷	رده گیر	۱۰۴۳ رنالیسم
۱۱۹۴	ردیف آجر افقی	۵۳۳ راسپر
۳۱۲	ردیف ستون	۱۱۹۲ ۸۶۸ راسته
۹۵۶	ردیف ستونهای پیرامون حیاط	۱۷۷ راسته بازار
۶۴	ردیف طاقی	۱۰۴۹ راسته صنفی
۹۳۲	رژه	۱۰۲ رانش
۵۵۸	رساله در باب حیوانات	۴۱۲ راه آب
۱۱۹۳، ۲۶۸	رشته	۵۸۱ راه حل
۱۱۶۸، ۵۷۱	رشته پلکان	۹۳۶، ۶۴۰، ۴۲۹، ۱۸ راهرو
۱۳۲۰	رشته طولی	۱۱۶۹ راهروپله
۱۳۲۶	رشته عرضی	راهرو زیرزمینی طاقدار
۱۷۴	رشته منجوق	۴۲۹ راه سرپوشیده
۱۲۵۹	رفتار	۱۰۰۹ راه فرار
۴۱۷	رف تزیینی	۷۹۷ راه گریز
۵۵۹	رقم	۱۸ راهه
۵۲۴، ۳۹۱	رکن	۴۸ رأس زاویه
۱۳۰۳	رگبرگ	۴۸ رأس مثلث یا مخروط
۱۱۴۴، ۴۳۲	رگچین	۴۳۲ رج
۲۸۲	رگچین شطرنجی	۷۵۸ رجه
۱۱۹۴	رگچین قیطانی	۷۵۳ رحل
۱۳۰۳	رگ سنگ	۱۰۳۶ رحل قرآن
۱۳۰۳، ۱۱۹۱	رگه	۲۶۵ رخ
۲۹۴	رمز	۵۱۷ رُخ بام
۴۵۰	رمزنویسی	۶۰۳ رخت
۹۸۰	رنده نجاری	رختخواب پیچ
۱۰۵۴	رنسانس	رختکن حمامهای رومی
۱۰۵۵، ۵۱۵، ۳۱۵	رنگ	رختکن گرمابه
۱۳۲۲، ۳۴۱	رنگاب	۱۱۳۳ رُخسایه
۹۹۳، ۸۰۶	رنگارنگ	۱۰۰۶ رخ نگاری

۹۶۶	رنگیزه	۳۲۵	رنگ باختن
۳۳۰	رنگین کمانی (رنگ)	۳۵۸	رنگ بدن
۱۳۱۱، ۱۳۰۵، ۱۰۰۳، ۹۹۹، ۶۴	رواق	۳۴۵	رنگ بڑ
۷۶۵	رواق گالری سقف دار	۳۳۳	رنگ پاستل
۱۳۰۷	روایت	۳۳۲	رنگ پردرخت نشده
۱۳۰۷	روایت دگر رسانه ای	۳۱۶	رنگ پریده
۹۷۴	روبالشی	۵۴۹	رنگ پژمرده
۵۴۸	روبرو	۳۳۶	رنگ ثانوی
۱۳۰۲	روبنده	۳۳۱	رنگ جلف
۱۸۳	روپوش تختخواب	۵۱۵	رنگ جوهری
۲۰۱	روپوش کار	۹۶۶	رنگدانه
۹۲۵	روپوش گور	۳۴۷	رنگدانه اکسید کبالت و آلومینیم
۱۸۳	روتختی	۳۳۶	رنگ درجه دو
۱۱۳۵	رو رکابی زین اسب	۳۳۶	رنگ دست دوم
۷۹۷	روزنه	۵۴۹	رنگ رفته
۲۳۲	روزنه تزئینی گرد	۵۱۵	رنگ رنگرزی
۱۹۷	روزنه کور	۳۴۵	رنگ زرد کدر
۱۱۶۳	روزنه کوره	۳۳۱	رنگ زرق و برق دار
۷۷۲	روزنه هلالی	۳۳۱	رنگ زننده
۶۳۰	روزنه بادگیر	۳۸۹	رنگ سبز مایل به آبی
۱۳۳۱	روزنه تزئینی گرد	۱۲۳۰	رنگ سفال
۷۴۸	روزنه کور	۳۵۹	رنگ شرابی
۸۶۳	روزنه نوک گنبد	۹۴۹	رنگ صورتی
۱۱۲۵، ۶۵۶	روسری	۳۸۳	رنگ قهوه ای مایل به زرد
۱۲۷۶	روسری توری	۹۲۱	رنگ کاری
۷۸۵	روسری زنانه	۳۵۸	رنگ گوشت بدن
۱۱۹۹	روش	۲۹۳	رنگ گیاه
۶۳۹	روش ایجاد نیمتاب	۷۴۹	رنگ لاجوردی
۱۰۸۵	روشن	۳۳۲	رنگ مات
۳۳۸، ۳۲۶، ۳۱۷	روشنی رنگ	۱۱۰۲	رنگ مخملی
۵۴۵	روطاق	۴۲۳	رنگ مرجانی
۷۷۳، ۶۱۷	روغن جلا	۵۳۰	رنگ مینایی حائل
۵۴۵	روقوس	۵۳۰	رنگهای مینایی جداساز

۳۴۸	زربفت	۷۵۷	روکش
۵۹۸	زرتشتی	۱۰۶۲	روکش بدنه
۵۲۷	زرد	۹۲۹	روکش چوبی دیوار
۳۵۶	زرد تند	۷۵۷	روکوب
۳۵۶	زرد کادمیوم	۱۰۷۴، ۱۲۲	روکوکو
۳۵۵	زرد کدر	۱۱۴۲	رو لباسی
۴۳۹	زرد کرم	۱۲۱۱	رومیزی
۳۵۵	زرد کمرنگ	۷۷۸	روناس
۳۶۶	زرد لیمویی	۱۰۵۶، ۴۲۲	رونوشت
۳۸۱	زرد مایل به سبز سیر	۵۴۸	رویی
۸۶۱	زرد مایل به سرخ	۹۴۲	رهفرش
۳۶۹	زرد مایل به قرمز	۸۳۰، ۵۸۰، ۵۵۹	ریخت
۳۴۲	زرد مایل به قهوه‌ای	۸۳۱، ۲۶۴	ریخته‌گری
۵۲۶	زردوزی	۱۱۹۳	ریسمان
۱۲۴۲	زردوزی پارچه	۱۱	ریسمان‌باز
۴۴۳، ۳۷۷، ۳۶۱	زرشکی	۸۵۲	ریسمان زه کمان
۶۹۵	زرکوبی	۵۹۴	ریسه
۴۶۷	زرکوبی روی آهن	۱۲۷۴	ریشه پارچه
۶۰۹	زرنگار	۱۲۲۶	ریشه پیچنده
۶۸۶	زرنما کردن	۱۲۰۵	ریشه گل
۶۵۰، ۳۰۴، ۱۹۵	زره		
۹۸۳	زره پشت و کمر		ز
۹۸۳، ۲۱۵	زره سینه	۶۰۸	زاموسقه
۶۶۰	زره کلاه	۷۱۶	زانویی
۶۲۴	زره گردن	۷۳۱	زاویه
۳۰۴	زره نیم‌تنه	۱۱۶۰، ۹۸	زاویه خیز قوس
۳۴۸، ۲۲۷	زری	۵۶۸	زبانہ
۵۹۱	زری دوزی	۲۰۴	زبانہ قفل
۶۰۹	زرین	۱۲۴۴	زبرجد
۱۰۸۹	زعفران	۱۲۴۴	زبرجد هنری
۱۰۸۹	زعفرانی	۱۳۴۷	زر
۱۰۴	زَعَرَه	۶۰۹	زراندود
۵۵	زمرد دریایی	۲۲۷	زرباف

۷۹۶	زیرانداز	۵۵	زمرد کبود فام
۱۳۱۰، ۹۶۰	زیرپوش	۳۶۲	زمردی
۱۶۰	زیرزمین	۵۲۷	زمردین
۵۸۹، ۴۵۹	زیرسازی	۸۳۳	زمین
۸۳۴	زیرسازی زیر سنگفرش	۷۵۲	زمین پوشیده از چمن
۶۵۷	زیرسری	۸۳۳، ۱۳۹	زمینه
۱۱۴۳	زیرسوی طاق	۷۵۵	زنیق
۷۰۴	زیرطاق	۸۲۷	زنبورک
۱۱۲۰	زیر کنگره عمارت	۱۶۲	زنبیل بافی
۱۳۴۹	زیگورات	۲۶۸	زنجیر
۷۹۶	زیلو	۱۱۸۱	زنجیره دوزی
۱۲۶۴، ۷۸۰، ۶۶۸، ۴۷۴	زینت	۸۳۱	زنجیره تریینی
۵۶۳	زینت بالای سقف	۸۰۲، ۵۹۱	زنجیره خمپا
۵۶۳	زینت بالای شیروانی	۴۷۸	زنجیره دندانهای
۴۷۵	زینت کاری	۱۱۱۰	زنجیره طوماری
۴۷۶	زینت کاری حکاکی شده	۵۹۱	زنجیره یونانی
۳۲۷	زینه بندی رنگ	۸۱۰	زنجیری
۶۶۸	زیور	۵۱۴	زندان
۵۹۱	زیور آرایبی	۵۱۴	زندان زیرزمینی
۱۲۶۶	زیور آلات ارزان	۹۳۹	زنگار
۱۳۴۷	زیور آلات زرین	۹۳۹	زنگار مفرغ
۷۷۲	زیور هلالی شکل	۹۱۹	زنگ زدن
		۱۷۹	زنگ مانند
		۱۷۹	زنگوله شکل
	ژ	۷۵۸	زه
۹۵۸	ژرفانمایی	۴۹۲	زه کش
۱۹۲	ژرفا نمایی از بالا	۱۱۹۳	زه کمان
		۱۰۶۷	زهوار
	س	۶۳۱	زهواره
۵۴۲	سابقه	۳۲۲	زیادی رنگ
۱۰۹۹	ساتن	۱۱۳۱	زیارتگاه
۴۰۸	ساخت	۱۴	زیبایی شناسی
۳۳۹	ساخت رنگ	۳۷۲	زیتونی روشن
۱۲۳۶	ساخت سفال با چرخ		

۲۹۱	فارسی، عربی، انگلیسی (مصور)		
۱۶۲	سبدبافی	۶۸۹، ۵۵۱	ساختگی
۳۶۲	سبز	۱۱۲۷	ساختمان چتری
۲۷۱	سبز بیدی	۵۸۸	ساختمان چوبی
۲۷۱	سبز پریده	۶۰۵	ساختمان روی دروازه
۵۲۷، ۳۶۲	سبز روشن	۷۹۱	ساختمان سنگی
۳۶۲	سبز زمردی	۱۱۳۶	ساختمان عرق چین مانند
۳۷۲	سبز زیتونی	۴۱۱	ساختمان گنبدی
۳۸۹	سبز مشتق از اکسید کروم	۱۳۸۰	ساختمان محوری
۱۱۹۹	سبک	۱۲۰۴	ساختمانهای معلق
۶۹۰	سبک امپراتوری	۲۸	ساخت متناوب
۷۱۲	سبو	۳۳۴	سادگی رنگ
۱۹۵	سپر	۸۲۷	ساروج
۱۱۳۷	ستاره چندپر	۱۳	سازگاری
۱۱۷۲	ستاره شکل	۳۲۸	سازگاری رنگی
۱۲۳۵	ستبری	۶۴۹	سازواری
۸۲۴، ۳۹۱	ستون	۶۵۰	ساز و برگ اسب
۴۰۲	ستون انبه‌ای	۵۸۹	سازه
۳۹۸	ستون ایونایی	۶۵۵	ساطور
۳۱۲	ستون بند	۱۳۲۱	ساعت آبی
۹۵۶	ستون بند مستدیر	۱۲۰۲	ساعت آفتابی
۹۵۶، ۳۱۲	ستون بندی	۶۲۰، ۲۰۹	ساغر
۴۰۲	ستون پاپایه	۵۱۰	ساقه گنبد
۸۴۶	ستون پایه آب انبار	۷۶۱	سالن انتظار
۸۴۶	ستون پل	۸۴۳	سالن کلیسا
۸۴۶	ستون پلکان	۹۳۲	سان
۴۰۶	ستون پیچان	۱۲۳۲، ۹۵۵، ۲۵۰، ۱۴۵	سایبان
۲۳۵	ستون پیچ‌دار	۶۵۴	سایه
۴۰۵	ستون توسکانی	۲۸۷	سایه روشن
۳۹۴	ستون جفت	۶۵۴	سایه‌زنی
۱۳۴، ۳۹۲	ستون چسبیده	۱۱۳۳	سایه‌نما
۹۶۷	ستون چهارگوش توکار	۱۴۰	سایه پس زمینه
۱۴۹	ستونچه طارمی	۱۱۱۹، ۶۷۷، ۶۳۹، ۳۳۷	سایه رنگ
۱۰۹۲، ۴۰۶، ۲۳۵	ستون حلزونی	۱۲۵۷	سبد اوراق

۵۰	سربینه	۳۹۷	ستون درگیر
۷۶۳	سرپناه	۳۹۶	ستون دوریسی
۵۸۴	سرچشمه	۳۹۴	ستون دوقلو
۴۴۳، ۳۸۲، ۳۶۱	سرخ	۴۰۳	ستون زمخت
۴۴۹، ۲۶۶، ۲۰۳	سرداب	۵۱۰	ستون زیر گنبد
۴۴۹، ۲۶۶	سردابه	۹۷۲	ستون ساده با مقطع مربع
۵۹۳	سردخانه	۸۶۸	ستون سازی یونانی
۷۵۹	سردر	۴۰۳	ستون سنگ چین
۱۱۲۰	سردر خانه	۱۰۰۸	ستون سنگی
۱۰۷۶، ۵۶۷	سردر دوشیب	۳۱۴	ستون غول پیکر
۳۳۸	سرزنده گی رنگ	۳۱۴	ستون کاری عظیم
۲۵۴	سرستون	۳۹۳	ستون کرتسی
۲۵۵	سرستون پیازی شکل	۹۷۳	ستون گره خورده
۲۵۵	سرستون گرد	۴۰۴	ستون متورم
۳۹۹	سرستون نیلوفری	۴۵	ستون مربع دو طرف در
۱	سرستونی	۴۰۱	ستون نخلی شکل
۷۶۱، ۶۰۱، ۴۲۹	سر سرا	۱۴۹	ستون نرده
۶۴۰	سر سرای ورودی	۳۹۵	ستون نما
۱۰۳۹	سرعت گیر	۹۶۷	ستون نمیدایره بدنه بنا
۸۴۷	سر قلم	۱۰۱۳	سجاده
۵۹۵	سر لوح کتاب	۱۱۱۵	سجاده ردیفی
۶۸۶	سر لوحه	۵۹۴، ۲۰۶	سجاف
۱۱۰۰	سر محراب صدفی	۱۰۶۴	سجج
۱۰۲۱، ۹۴۱، ۹۳۳، ۹۱۵، ۸۱۷، ۵۴۲	سر مشق	۱۱۲۰	سد روی نهر
۱۲۰۷، ۵۶۳، ۳۸۵	سر مناره	۶۴۲	سرا
۱۰۴۰، ۸۱۴	سرنج	۹۴۳، ۶۴۸	سرا پرده
۱۱۰۹	سرند	۶۱۱	سرازیری
۷۵۲	سرند کردن مواد رنگی	۱۱۰۳	سراشویی خندق
۱۶۹	سرنیزه	۱۲۳۰	سرامیک
۴۶۴	سرو	۲۷۵	سرامیک سازی
۹۳۷	سروش	۱۵۵	سرباز خانه
۸۴۱	سطح پر زدار	۷۸۴	سربخاری
۴۳۶	سطح ترک دار	۶۵۶، ۵۶۱، ۴۸۴	سربند

۹۸۶	سکوی نشستن نگهبان	۵۴۵	سطح خارجی طاق
۱۰۲۴	سکوی وعظ و خطابه	۸۴۱	سطح خوابدار
۳۰۹	سکه	۸۴۱	سطح کرک دار
۳۰۹	سکه زدن	۵۴۸	سطحی
۱۳۴۷	سکه زرین	۲۳۰	سطل
۸۵۷	سکه شناسی	۱۰۱۱، ۲۷۵، ۱۱۷	سفالگری
۸۰۳	سکه یادبود	۵۱۶	سفالین
۲۵۱	سگدست	۱۲۹۵، ۱۲۳۰، ۱۰۱۱، ۲۷۵	سفالینه
۸۱۹	سگدست زیر قرنیز	۸۱۱	سفالینه دارای لعاب مینایی
۶۷۲، ۲۳۱	سگک	۱۱۸۹	سفالینه سنگ نما
۶۵۰	سلاح	۱۱۸۹	سفالینه لعابدار سخت
۲۶۸	سلسله	۱۱۸۹	سفالینه لعابدار نشکن
۱۲۵۹	سلوک	۷۸۱	سفالینه لعاب قلع
۲۷۲	سلول	۷۷۴	سفالینه براق
۱۸۶	سلیکات بریلیوم	۷۷۴	سفالینه لعابدار
۷۱۰	سلیکات کلسیم	۱۷۵	سفالینه لوله دار
۱۰۲۵	سمباده	۵۸۹	سفت کاری
۴۸	سمت الرأس	۱۲۱۱	سفره
۷۰۷	سمت چپ کشتی	۱۱۹۶	سفیدکاری
۶۸۲	سنبل	۳۹۰، ۳۷۱، ۳۶۴	سفید مایل به زرد
۱۰۷۶، ۵۶۷	ستوری	۳۸۴	سفید نقره‌ای
۲۲۹	سنجاق سینه	۲۷۰	سقف
۱۲۸۶	سنخ نما	۷۴۱	سقف چوبی
۱۰۰۰	سنگ آذرین سماکی	۶۹۴	سقف شیبدار
۱۲۶۹	سنگاب	۴۵۵	سقف گرد
۷۱۱	سنگ اجاق	۴۵۵	سقف گنبدی
۵۱۰	سنگ استوانه‌ای میله ستون	۶۹۴	سقف مایل
۲۶۷	سنگ انداز	۹۸۹	سکو
۱۲۷	سنگ بادبُر	۹۵۷	سکوب سنگی
۷۵۹	سنگ بالای در	۷۶۴	سکوب کلیسا
۶۶۵	سنگ بریده به قطعات منظم	۹۸۹	سکوب محراب
۱۰۷۲	سنگ بلور	۱۱۹۰	سکوب ورودی
۶۵۹	سنگ پاشنه در	۹۶۱	سکوی بلند جای ناطق

۱۱۸۷	سنگ کیمیاگری	۱۰۷۹	سنگ پی تراش
۶۳۸	سنگ گچ	۵۶۷	سنگ تخت
۳۹	سنگ گچ سولفات	۱۱۸۸	سنگ تراش
۶۲۷	سنگ گور	۶۶۵	سنگ تراش خورده
۷۴۹	سنگ لاجورد	۲۶۳	سنگ تراشی
۱۲۴۲	سنگ مزار	۵۰۸	سنگ تمام تراش
۸۲۴، ۶۹۷	سنگ نبشته	۱۱۷۷	سنگ چین
۱۲۷	سنگهای تراش شده	۱۰۳۸	سنگ چین ناصاف
۴۳۰	سنگهای قیمتی	۱۰۸۶	سنگ چینی روستایی
۷۹۷	سورخ سنگر	۶۶۵	سنگ حجاری شده
۱۱۲۱	سورخ عمودی کف ساختمان	۱۰۲۵	سنگ خارا
۷۷۲	سورخ گیوتین (جای گردن در گیوتین)	۱۰۳۴	سنگ دونبشی
۱۱۶۳	سورخ مشاهده کوره	۵۸۳، ۲۳۳	سنگربندی
۱۲۰۳	سوریالسم	۵۸۲	سنگربندی محصور
۸۴۵	سوزن دوزی	۱۵۷	سنگربندی موقتی
۷۴۱	سوزن زنی	۱۰۳۴	سنگ زاویه
۷۵۵	سوسن	۸۳۴	سنگ زیر ستون
۷۵۵	سوسن سفید	۴۵۹	سنگ سر ستون
۶۳۸	سولفات کلسیم (گچ)	۱۰۰۰	سنگ سماق
۹۵۸	سه بعد نمای	۱۰۰۰	سنگ سماک
۱۹۲	سه بعد نمای از بالا	۱۰۲۵	سنگ سمباده
۵۸۸	سه پایه نقاشی	۵۶۷	سنگ سنگفرش
۱۱۰۸	سه چهارم گیلویی	۱۰۶	سنگ طاق
۱۱۶۵	سه کُنج	۱۳۱۶	سنگ طاق نما
۴۱۷	سه گوش	۱۲۸	سنگ عیار
۵۱۴	سیاه چال	۹۴۲، ۵۶۷	سنگفرش
۷۴۲	سیاه دوده	۱۲۰۱	سنگفرش ستون دار
۲۸۷	سیاه روشن کاری	۱۲۳۱	سنگفرش مختلط
۸۴۹	سیاه قلم روی فلز	۱۲۴۲	سنگ قبر
۸۲۱، ۲	سیاه و سفید	۱۰۶	سنگ قوس
۴۷۱	سیر قهقرایی	۱۱۸۷	سنگ قیمتی
۳۲۲	سیری رنگ	۱۰۳۴	سنگ کنج
۹۶۳	سیمرغ	۶۶۵	سنگ کنده کاری شده

۶۸۳	شبستان ستون دار	۴۱۹	سینه
۸۴۳	شبستان کلیسا	۲۱۵	سینه بند اسب
۸۴۳	شبستان مسجد	۹۸۳	سینه بند کاهن بزرگ
۷۵۱	شبهه	۸۴۴	سینه ریز
۷۵۱، ۷۴۱	شبهه کاری	۱۲۸۵	سینه سردر
۴۰۰	شبهه ستونها	۱۲۸۵	سینه ستوری
۷۹۶	شبهه میل گرد	۱۲۵۷، ۱۰۹۳	سینی
۱۵	شبهه	۱۰۹۳	سینی پایه دار شیشه ای
۵۰۲	شبهه در	۸۳۶	سینی داخل کوره
۹۶۷	شبهه ستون		
۱۰۰۶	شبهه سازی	ش	
۹۵۹	شته	۶۷۴	شاخ
۳۲۹، ۳۲۲	شدت رنگ	۱۲۰۲	شاخص آفتاب
۱۲۷۴، ۱۲۲۲، ۵۹۴	شرابه	۵۷۵	شاخ و برگ
۳۴۴	شرابی رنگ	۲۳۴	شاخه
۱۳۰۷	شرح	۱۱۲۰	شادروان
۸۰۷	شرفه	۱۱۲۵	شال
۶۶۶	شش ضلعی منظم	۳۳	شال سفید کشیشان
۶۲۶	شعار دیواری	۱۱۰۱	شال کمر
۸۵۰	شعشعه ملکوت	۱۱۰۱	شال گردن
۳۳۸	شفافیت رنگ	۷۸۵	شال گردن زنانه
۹۵۴	شقایق پرپر	۲۸۵	شاه بلوط
۹۵۴	شقایق فرنگی	۱۷۶	شاهپر تیر
۶۸۰	شکارگاه	۶۱۰، ۱۷۶	شاه تیر
۱۱۴۱، ۷۰۳	شکاف	۷۹۵، ۷۹۴، ۲۸۳	شاهکار
۱۰۹	شکاف دیده بانی	۶۵۲	شاه کرکس
۷۱۶	شکاف میان سنگ	۱۲۱۴، ۱۰۰۳، ۶۰۱، ۱۶۸، ۲۴	شاه نشین
۵۸۶	شکستنی	۵۵۲	شاهین باز
۵۸۸، ۵۸۰، ۵۵۹، ۴۱۴	شکل	۶۱۰، ۱۷۶	شاهین ترازو
۱۰۲۱	شکل اولیه	۱۳۳۴، ۱۱۰۹	شباک
۵۵۴	شکل بادبزین	۱۲۶۱	شباک مورب
۸۳۱	شکل بخشی	۱۲۶۰	شبدر سه برگی (آرایش)
۱۰۲۸	شکل چهار گوش	۱۳۳	شبستان

۱۲۹۲	شهرنشینی	۵۸۰	شکل ظاهری
۲۰۷	شهر نماینده دار	۴۱۵	شکل قرینه
۶۳۱	شیار	۷۸۷	شکل کوچک چیزی
۶۴۲	شیار داخل لوله تفنگ	۵۸۶	شکونده
۴۲۰	شیار غیر منظم	۱۹۹	شکوفه
۱۰۳۹	شیب راهه	۵۵۵	شگفت
۱۰۳۹	شیبه	۵۵۵	شگفت آور
۶۷۴	شیپور	۷۶۹	شُل یافته
۸۵۵	شیپوره	۷۶۹	شُل تابیده
۱۲۱۹	شیپوری	۷۶۹	شُل رشته
۱۱۵۹، ۵۵۷	شیر آب	۷۸۸	شلنگ قلیان
۵۵۷	شیر آب انبار	۹۶۰	شلیته
۶۵۶	شیرازه کتاب	۶۸۴	شمایل
۵۵۷	شیر بشکه	۶۸۵	شمایل شناسی
۶۲۹	شیردال	۱۱۲۳	شمسه
۱۰۷۶، ۵۶۷	شیروانی	۱۰۸۷، ۱۹۴، ۱۶۹	شمشیر
۳۷۳، ۳۶۴	شیری رنگ	۱۰۴۲	شمشیر اروپایی
۶۱۹	شیشه بر	۱۰۴۲	شمشیر صاف دو دم
۶۱۴	شیشه بند منقوش	۱۱۰۷	شمشیر کوتاه
۱۱۶۶	شیشه رنگی	۹۶۸	شمع
۶۱۹	شیشه ساز	۲۳۷	شمع پشتیبان
۶۱۹	شیشه گر	۲۸۰	شمعدان چندشاخه
۶۱۲	شیشه گری	۶۰۷	شمعدانی عطری
۱۲۵۳	شیشه مات	۹۶۴	شمع دیوار
۶۱۳	شیشه منقوش	۱۲۱۹	شمعی شکل
۱۲۵۳	شیشه نیم شفاف	۱۳۰۶، ۸۱۴، ۳۸۷	شنگرف
۲۳	شیشه باروت	۳۸۷	شنگرف گون
۱۱۶۲	شیشه تاب خورده	۷۸۵، ۲۵۳، ۱۹۱	شنل
۶۱۳	شیشه حکاکی شده	۶۲۳	شوشه
۶۱۴	شیشه رنگی	۱۵	شوه
۷۷۱	شیشه لوزی	۲۰۷	شهر خودگردان
۱۱۶۶	شیشه منقوش	۲۰۷	شهرستان
۱۱۹۹	شیوه	۴۹۰	شهر فرنگ

۳۰۶، ۲۸۴	صندوق	۵۹	شیوه تزیینی اسلامی
۳۰۶	صندوق جواهرات	۱۲۳	شیوه هنری رومی وار
۳۰۶	صندوقچه	۴۸۱	شیوه تفضیلی
۲۰۳	صندوقخانه	۱۲۵۹	شیوه عمل آوردن
۴۳۷	صنعتگر		
۱۲۶	صنعتگر ماهر		ص
۸۶۸	صنف	۳۳۵	صافی رنگ
۵۸۰، ۱۴۳	صورت	۵۶۱	صحافی برجسته
۴۲۳، ۳۷۶	صورتی	۱۰۱۵	صحت
۹۲۴، ۳۷۵	صورتی کم رنگ	۴۳۳	صحن
۶۳۲	صور عجایب	۸۴۳	صحن مسجد
۲۷۲	صومعه	۱۱۵۲	صحنه تماشایی
۵۸۱	صیغه	۱۱۵۲	صحنه نمایش
		۸۳۶	صدا خفه کن
		۹۱۶	صدف
	ض		
۷۶۲	ضامن	۴۱۰	صدف حلزونی
۱۲۳۵	ضخامت	۴۱۰	صدف شیپوری
۸۱۵	ضرابخانه	۴۱۰	صدفی
۱۰۶۴	ضرب	۶۹۸	صفحات اضافی
۱۰۶۴	ضرباهنگ	۱۱۰۹	صفحه
۱۱۳۱، ۸۲۴، ۸۰۰	ضربج	۵۹۵	صفحه ابتدایی کتاب
۶۹۸	ضمانم	۱۰۴۵	صفحه سمت راست کتاب
۹۸۱	ضمداد	۳۱۳	صفحه امضا
		۱۳۰۸	صفحه پشت جلد کتاب
	ط		
		۹۸۲	صفحه فلزی
۱۵۲، ۱۵۰	طارمی	۸۰۳	صفحه کوچک عکس دار
۱۳۳۴	طارمی مشبک	۹۸۲	صفحه نرم و نازک
۲۰۹	طاس	۱۱۴۴	صفه
۹۵۲، ۹۵۱	طاسچه	۹۸۶	صفه جلو در ساختمان
۶۷، ۶۳	طاق	۱۲۰۱	صفه ردیف ستون
۱۲۹۷	طاق آهنگ	۱۲۰۶، ۹۱۰	صلیب شکسته
۱۲۶۴	طاق استحکامی گوشه سقف	۱۰۹۵	صندل
۷۳	طاق با نقش هلالی	۹۶۱	صندلی مخصوص قاضی

۱۲۱۵	طاقه	۱۲۹۸	طاق توگود
۴۶۰	طاق هلالی	۱۲۹۷، ۱۵۶	طاق تونلی
۱۲۵۷	طبق	۴۶۰، ۷۳	طاق جناغی
۱۶۰	طبقه زیرین	۸۳	طاق جناغی شکل
۶۳۴	طبقه همکف	۸۴۸	طاقچه
۵۱۰	طبل	۱۲۹۹	طاق چهاربخش
۱۱۴۲	طراحی لباس	۱۲۹۸	طاق چهارترک
۶۶۳	طراحی نشانهای سلحشوری	۷۸۴	طاقچه روی بخاری
۹۴۱، ۸۲۲، ۵۵۹، ۴۸۵، ۴۴۵، ۴۱۸	طرح	۴۱۷	طاقچه عاریه
۲۱۹	طرح آجری	۲۴	طاقچه پیکره
۱۲۰۰	طرح اسلوب دار	۱۰۴۴	طاقچه تزئینی
۴۴۵	طرح دستی	۲۱۲	طاقچه دیوارکوب
۳۳۹	طرح رنگ	۱۰۵۳، ۹۳، ۷۴	طاق دزد
۱۱۳۴	طرح ساده	۱۳۰۰	طاق دوپوشه
۱۱۰۶، ۱۱۰۵، ۴۸۰	طرح مقدماتی	۸۸	طاق رومی
۴۸۰	طرح هنری	۱۲۶۴	طاق سه گوش
۸۶۸	طرز	۱۲۹۷	طاق ضربی
۱۲۷۴، ۱۲۶۲، ۴۲۷	طرّه	۷۹	طاق فلورانس
۸۲۲	طغری	۱۲۹۶، ۱۵۶	طاق قوسی
۱۳۴۷	طلا	۶۹	طاق قوسی ناقوسی
۶۰۹	طلاپوش	۶۴	طاقگان
۶۹۶	طلاکوبی	۶۶	طاقگان درهم تابیده
۷۶۰	طلای آبگون	۷۰	طاقگان کاذب
۶۰۹، ۳۴۴	طلایی	۷۰	طاقگان کور
۳۶۳	طلایی روشن	۱۲۹۶	طاق گنبدی
۱۲۱۶	طلسم	۱۲۹۷، ۱۵۶	طاق گهواره‌ای
۶۶۲	طلیعه	۱۲۹۹، ۴۴۷	طاق متقاطع
۸۵۲	طناب دار	۸۹	طاق مخروطی
۷۷۵	طوپوز	۱۲۹۸	طاق مقعر
۱۰۶۸، ۸۴۴، ۶۲۴	طوق	۹۱	طاق ملکه آن
۱۰۶۷	طوقه	۹۷	طاق مورب
۴۵۶	طوقه چاه	۷۰، ۶۷، ۶۵	طاق نما
۱۱۱۰	طومار	۷۴۴، ۶۸	طاق نوک تیز

۸۲۳	عقریت	۱۳۱۵، ۱۱۱۰	طوماری سرستون
۶۵۶	عقال		
۱۰۸۲، ۱۵	عقیق		ظ
۴۲۶	عقیق جگری	۱۰۱۵	ظرافت
۱۲۸	علامت استاندارد	۶۹۲	ظرف بخور
۱۴	علم الجمال	۷۹۷	ظرف بزرگ چینی
۵۳۶	علم کتیه خوانی	۱۲۸۰	ظرف بزرگ غذای دسته جمعی
۹۵۸	علم مرایا	۹۸۲	ظرف دارای آبکاری
۱۲۷۹، ۱۰۹۸	عمامه	۵۴	ظرف طهارت
۳۸۰	عنابی روشن	۶۹۲	ظرف عطر بخور
۶۵۰	عنان (اسب)	۲۱۰	ظرف غذای گروهی
۵۲۴	عنصر	۱۷۵	ظرف کیمیاگری
۹۶۳	عنقا	۹۸۲	ظرف لبه تخت
۶۴۳	عنوان امیر ترکستان	۲۱	ظرف نگهداری ضماد و دارو
۶۴۳	عنوان رجال و بزرگان	۲۱۴	ظروف برنجی
۲۵	عیار	۹۹۷	ظروف چینی
۸۶۵	عین الشمس	۱۱۴۵	ظریف بافت

غ

۱۳۴۶	غداره دودمه	۳۶۴	عاجی رنگ
۱۱۰۹	غریال	۳۰۰، ۱۹۱	عبا
۳۲	غلامگردش	۶۳۲	عجایب نگاری
۵۱۰	غلطک	۱۴۸	عدل
۸۲۳	غول	۴۹۱	عدم توافق
۲۸۸	غولشیر	۵۹	عربانه
۳۰	غیر حرفه‌ای	۱۰۸۴	عربانه رومی
۸۶۶	غیر شفاف	۱۱۳۶	عرق چین

ف

۴	فاصله (رنگ)	۱۱۷۶، ۷۷۵	عصا
۱۱۴۹	فاصله طرفین درگاه	۱۳۳۵	عضو افقی زیر پنجره
۱۱۶۱	فاصله نقطه آغاز و پایان	۱۱۰۴	عطر دان
۱۱۹۱	فاصله روشنائی و تاریکی	۷۹۳	عظیم

ع

۳۶۳

۶۷۱

۱۱۵۹، ۱۱۲۰، ۵۸۴	فواره	۶۳۱	فاق
۸۵۵	فواره آب پخش کن	۱۲۷۲	فاقد رأس
۱۲۸۱	فیروزه	۱۰۵۵، ۶۷۷، ۳۱۵	فام
۳۸۶	فیروزه ای	۷۴۷	فانوس
۱۲۸۱، ۳۸۶	فیروزه فام	۷۷۰	فانوس بالای ساختمان
۵۶۶	فیکساتور	۱۱۴۸	فراخنای قوس
		۴۱۶	فراخوانی صاحبان
		۳۱۳	فراعنامه کتاب
	ق	۷۹۰	فراماسونری
۱۱۰۹، ۵۸۸، ۲۳۱	قاب	۱۲۸۷	فرامدرن
۸۰۴	قاب بند تزینی	۱۰۴	فرَسب
۹۲۹	قاب بند چوبی	۵۹۰	فرسکو
۱۰۷۸	قاب بند گرد	۹۳۵	فرسنگ
۷۷۲	قاب تزینی مستدیر	۱۰۸۳، ۲۶۱	فرش
۱۰۹۸	قاب شیشه خور پنجره	۱۱۱۷	فرش کاری
۲۶۲	قاب کتیبه	۷۷۷	فرش ماشینی
۲۶۲	قاب کتیبه قالی	۱۱۲۰	فرش منقش
۲۳	قاروره	۱۲۲۰	فرشینه
۱۳۲۵	قاش سه گوش	۸۵۶	فرق جزئی
۱۱۵۱	قاشقک	۵۸۱	فرمول
۵۸۱	قاعده	۱۲۶۹	فرو رفتگی بین دو موج
۵۸۱	قاعده رمزی	۱۱۷۵	فرو کردن در مایع
۱۵۹	قاعده ستون	۳۲۹	فزون رنگ
۲۵۷	قافله	۷۵۲	فضای باز در جنگل
۸۳۰، ۸۱۷، ۵۸۰، ۵۸۹	قالب	۱۱۵۰	فضای میان طاق
۱۲۳۶	قالب زدن	۲۰۸	فضلیت
۸۳۱	قالب گیری	۱۲۵۶	فلاسک مسافرتی
۸۸۲، ۲۶۹	قالب مجوف	۵۷۹	فلز آماده برای چکش کاری
۲۶۱	قالی	۲۶۴	فلز ریزی
۱۰۸۳	قالیچه	۵۷۹	فلز شکل گرفته
۱۵۳	قایق باری	۳۰۵	فلز لاجورد
۱۰۹۵	قایق دودکل	۲۵	فلز مرکب
۲۴۰	قبا	۵۶۵	فلس
۶۲۷	قبر		

۱۲۰۹	قرینه‌سازی	۲۷۳	قبرستان
۷۰۶	قزحسانی	۶۴۵	قبضه
۲۴۱	قزغان	۶۶۹	قبضه (شمشیر)
۴۵۹	قسمت برآمده کتیبه	۱۲۳۲، ۷۲۹، ۴۹۴، ۴۵۵، ۲۵۰	قبه
۸۳۳، ۴۸۲	قسمت برجسته قرنیز	۱۴۵	قبه روی محراب
۱۸	قسمت پهلویی کلیسا	۴۹۶	قبه کوتاه
۱۰۹۱	قسمت جلو آمده خطوط دفاعی	۴۹۸	قبه گوشه دار
۵۷۸	قسمت جلو منظره	۱۲۹۶	قبه
۲۰۸	قسمت شیاردار غلطک	۱۰۷۰	قدپای پله
۲۰۸	قسمت کاری غلطک	۷۹۷، ۲۰۹	قدح
۵۳	قسمت نوک تیز مناره	۵۵۷	قدح پایه دار
۶۶۷	قسمتهای روشن یک جسم	۱۲۸۰	قدح غذاخوری
۷۳۳، ۷۰۸، ۴۳۳، ۲۶۵	قصر	۱۲۳۴	قدمگاه ورودی
۱۳۱۷، ۱۳۱۶	قطاع	۲۷	قربانگاه
۷۱۴	قطاع سنگ	۱۰۴۸، ۲۰۱	قرقره
۷۲۳	قطاع کاکل	۴۲۳، ۳۸۷	قرمز
۴	قطع (رنگ)	۳۵۱	قرمز آجری
۵۸۷	قطعه	۳۷۴	قرمز پرتقالی
۹۸۶	قطعه مربعی زیر ستون	۳۵۷	قرمز جگری
۵	قطعی	۳۶۱	قرمز خونی
۴۵۴	قفسه	۱۳۰۶، ۳۶۰	قرمز دانه
۷۶۲	قفل	۳۸۷	قرمز درخشان
۹۶۳	ققنوس	۱۱۰۲، ۳۸۲	قرمز روشن
۶۷۲، ۲۳۱	قلاّب	۳۶۷	قرمز روناس
۴۴۴	قلاّب بافی	۳۷۹	قرمز زنگاری
۲۰۱	قلاّب چوبی توری بافی	۴۴۳، ۳۷۸، ۳۶۱	قرمز سیر
۸۴۵، ۵۲۶، ۴۴۴	قلاّب دوزی	۳۵۹	قرمز مایل به ارغوانی
۵۹۱	قلاّب دوزی با طلا و نقره	۳۴۴	قرمز مایل به زرد
۲۶۷	قلاّب سنگ	۳۵۴	قرمز مایل به قهوه‌ای
۳۱۰	قلاده	۱۱۰۲، ۳۸۲	قرمز مایل به نارنجی
۱۲۳۹	قلع اندود	۹۵۴	قرمز متوسط (رنگ)
۱۲۴۸، ۷۲۱، ۵۸۳، ۵۸۲، ۲۶۵	قلعه	۱۰۸۱	قرمز یاقوتی
۴۹۴	قلعه گرد	۱۲۰۹، ۴۲۷، ۴۱۵	قرنیز

۸۱	قوس چهار پرگاری	۵۸۳	قلعه نظامی
۸۷	قوس چهار خم	۱۰۷۸	قلعه نیم گرد
۷۰۴	قوس داخلی طاق	۱۲۱۲	قلعه موقت
۸۶، ۸۰، ۷۲	قوس دالبری	۲۹۱	قلم حکاکی
۱۱۱۳، ۹۵	قوس دور تمام	۹۵۰	قلمدان
۱۰۱	قوس سه گوش	۲۶۳	قلم زنی
۸۳	قوس شبیه ته کشتی	۵۲۵	قلم زنی (روی فلز)
۷۱	قوس شکسته	۵۷	قلم زنی روی مس
۱۰۰	قوس عرضی	۶۹۳	قلم کشی
۷۹	قوس فلورانس	۱۲۴۱	قلم موی تذهیب
۵۷۰	قوس کتابی	۱۰۴۷	قلم نی
۷۸	قوس کتابی	۱۰۷۹	قلوه سنگ
۹۷	قوس کج	۴۸، ۱۰	قله
۵۰۹، ۷۵	قوس کم خیز	۴۶۸	قماش خال دار
۵۰۹، ۷۵	قوس کند	۴۸۶	قماش منقوش
۹۷	قوس مایل	۵۶۹	قمقمه
۱۰۵	قوس مطابق	۲۴۶	قمیص
۱۰۳	قوس موجدار	۵۸	قنات
۱۱۱۲، ۹۴	قوس ناتمام	۷۴۷، ۲۸۰	قندیل
۹۲	قوس نامتقارن	۴۱۴	قواره
۶۷۵، ۸۲	قوس نعل اسبی	۱۷۵	قوری سفالین
۷۴۴، ۸۸، ۶۸	قوس نوک تیز	۶۷۹	قوزدار
۷۴۴، ۸۴	قوس نيزه‌ای	۱۲۹۶، ۸۹، ۶۷، ۶۳	قوس
۷۶	قوس نیم بیضی	۱۰۰	قوس اریب
۸۵	قوس هلالی	۹۹	قوس پا بلند
۳۳۰	قوس و فرجی	۵۳۸، ۷۷	قوس پاتوپا
۵۵۲	قوس باز	۷۲	قوس پنج پر
۵۵۲	قوشچی باشی	۵۷۰	قوس تخت
۳۵۲	قهوه‌ای	۹۰	قوس تیزه‌دار
۱۹۳	قهوه‌ای پریده	۸۷	قوس جتاغی
۱۷۸	قهوه‌ای روشن	۸۶	قوس چندپر
۳۴۵	قهوه‌ای روشن مایل به زرد	۱۰۵	قوس چندرگه
۳۵۳	قهوه‌ای سوخته	۸۰	قوس چهارپر

فارسی، عربی، انگلیسی (مصور)		۳۰۳
قهوه‌ای قرمز	۳۵۴	کاغذ گرت‌برداری
قهوه‌ای مایل به زرد	۳۸۳	کاغذ نازک نیم شفاف
قهوه‌ای مایل به قرمز	۴۲۱، ۳۷۹، ۳۴۴	کافیشه
قیافه	۱۰۰۷	کاکل
قید	۵۸۸	کاکل داشتن
قیطان	۲۱۳	کالسه
قیطان دوزی	۵۲۶	کام و زبان دم فاخته‌ای
قیطان طلایی	۶۲۳	کام و زبان دم کبوتری
قیفی شکل	۴۱۳	کانال
ک		کانال یا مجرای آب
		کان‌سنگ
کائولین	۲۹۰	کاو
کابین	۲۳۹	کاودیوار
کاخ	۷۰۸، ۴۳۳	کاوش
کاذب	۱۰۲۲	کبالت
کار استادانه	۷۹۴	کبوترخانه
کار بی نظیر	۷۹۴	کبود
کارد دراز و نوک برگشته	۱۱۰۷	کبود فام
کار دستی	۱۲۴	کپر
کاردک	۱۲۷۱	کپه
کاردک نقاشی	۱۱۵۱	کپی
کارگاه	۱۳۳۹، ۱۱۹۷	کتابه
کارگاه هنری	۱۳۲	کتری
کار مشبک	۷۵۱	کتری بزرگ
کار مهم	۷۹۵	کت کوتاه کمربنددار
کاروان	۲۵۷	کتیه
کاروانسرا	۶۴۲، ۲۵۸	کتیه‌شناسی
کاریکاتور	۲۶۰	کتیه مشبک
کاس	۴۰۹	کتیه‌نما
کاسه	۲۰۹	کتیه و گلویی سرستون
کاشی	۲۲۲	کتیه دروغین
کاشی بی‌لعب	۱۲۳۰	کتیه منقش
کاغذ طلاکوبی	۶۲۱	کتیه نشان خانوادگی

۱۰۶۶	کلاهخود گوشه‌دار	۹۹۴	کثیرالاضلاع
۹۴۳، ۷۲۶، ۱۸۴	کلاه فرنگی	۲۵۷	کج‌آه
۲۵۴، ۲۵۲	کلاهک	۹۲۲	کج‌آه
۳۳	کلاه کشیشان	۲۰۶	کران
۷۴۷	کلاهک نورگیر	۴۱۸	کرانه
۷۷۰	کلاهک هواگیر	۱۵۳	کَرَجی
۷۶۳، ۲۳۹	کلبه	۹۸۹	کرسی ساختمان
۲۷۸	کلبه کوهستانی	۱۸۰	کرسی قضاوت
۲۷۸	کلبه بیلاقی	۹۶۸، ۸۴۱	کرک
۱۲۳۵	کلفتی	۶۷۴	کرنا
۲۴۵، ۲۴۴	کلک پیرایی	۴۴۵	کروکی
۶۵۷	کَلَه	۲۹۲	کروم
۲۵۲	کله‌پوش	۹۳۹	کَرَه
۴۱۳	کله قندی	۷۲۸	کش‌بافی
۱۰۳۲	کلیجه	۱۳۴۲	کشتی سه دکل مدیترانه
۷۶۲	کلیدان	۲۰۴	کشویی تفنگ
۲۰۴	کلیدانه	۲۰۴	کشویی در
۵۳۲، ۲۹۹	کلیشه	۱۳۳۵	کف پنجره
۹۸۲	کلیشه چاپ	۱۰۹۵	کفش بی‌رویه
۴۷۷	کلیشه‌زنی	۴۶	کفش‌کن
۹۶	کلیل آذری	۲۹۸	کلاسیک
۶۷، ۶۳	کمان	۵۸۸، ۳۰۸	کلاف
۴۴۶	کمان پولادی	۹۶۹	کلاف نخ
۴۴۶	کمان زنبورکی	۱۰۴۸	کلافه
۱۱۱۴	کمانی	۱۲۷۴، ۴۴۱، ۲۳۴	کلاله
۲۴۷	کمچه	۱۱۹۸	کلاله بافت حصیری
۴۵۴	کمد	۹۲۸	کلاله پر
۱۳۵۲	کمر بند	۷۹۳	کلان
۴۶۵	کمر پایه ستون	۲۵۲	کلاه
۳۲۵	کمرنگ شدن	۶۶۰	کلاه آهنی
۳۲۴	کمرنگی	۱۷	کلاه‌پر
۸۵۲	کمند	۶۶۰	کلاه خود
۱۰۶۷، ۵۲۰	کناره	۱۰۶۶	کلاهخود زاویه‌دار

۷۳۷	کوفی درهم بافته	۷۳۱	کنج
۷۳۵	کوفی شکوفا	۴۲۴	کنده چوب حمال
۷۳۵	کوفی گلدار	۹۴۷	کنده شدن پوست
۷۳۸	کوفی مربعی	۵۳۲، ۲۶۳، ۵۲	کنده کاری
۷۳۶	کوفی نقش برگی	۱۳۴۳	کنده کاری روی چوب
۱۱۷۹	کوک	۶۱۳	کنده کاری روی شیشه
۱۱۸۲	کوک پردوزی	۱۱۳۹	کنده کاری شیب دار
۱۱۸۳	کوک پروانه	۱۰۵۲	کنده کاری کم عمق
۱۱۸۴	کوک تیغ ماهی	۸۵۹	کنف درزگیری
۱۱۸۰	کوک جا دگمه	۱۲۵	کنگر
۱۱۸۲	کوک چپ و راست	۱۲۸۲، ۴۴۰، ۱۶۶	کنگره
۱۱۸۱، ۲۷۷	کوک زنجیری	۸	کنگره ۸ شکل
۱۱۸۰	کوک لبه دوزی	۷۳۰	کوبه
۹۹۵	کولاب	۴۵۱	کوبیسم
۳۱۱	کولاز	۱۱۶۴	کوته پا
۶۷۹	کوهان دار	۹۳۶	کوچه
۳۴۲	کهر بایی	۱۷۰	کوچه سر پوشیده
		۲۲۵	کوره آجر پزی
	ی	۲۲۵	کوره چوب خشک کنی
۶۰۰	گالیون	۲۲۵	کوره مصالح بنایی
۵۹۸	گبر	۷۲۴	کوره آجر پزی
۱۱۹۶، ۸۳۱	گج بری	۷۲۴	کوره خشت تابه
۵۶۱	گج بری باریک	۷۲۴	کوره مصالح بنایی
۱۲۹	گج بری برجسته	۱۰۱۱، ۷۱۸، ۵۴۱	کوزه
۷۸۴	گج بُری دور بخاری	۱۰۱۱، ۲۷۵	کوزه گری
۵۵۶	گج بری سرستون	۷۱۸	کوزه یک دسته
۱۱۰۸	گج بری مقعر	۳۵	کوزه دودسته ته باریک
۴۶۱	گج بری موجی	۷۱۲	کوزه دهان گشاد
۴۶۲	گج بری موجی افتاده	۳۵	کوزه روغن
۴۶۳	گج بری موجی جمع	۵۱۰	کوس
۱۲۴۷	گج بری هلالی ته ستون	۱۳۱۲، ۹۴۳، ۷۳۳، ۷۲۶، ۱۸۴	کوشک
۹۸۱	گج پزی	۷۳۶	کوفی برگ دار
۱۱۹۶	گج تزینی	۷۳۸	کوفی چهار گوش

۵۱۰	گریو گنبد	۹۸۱	گچ کاری
۱۲۶۰	گشنیز	۱۱۹۶	گچ کاری تزئینی
۱۹۹	گل	۹۸۱	گچ کشی
۴۶۶	گل آفتابگردان	۶۰۸	گچ نقاشی
۲۱۳	گلآبتون	۵۸۶	گذرا
۸۶۱ ۸۱۴	گل آخرا	۱۳۰۱	گذر طاقدار
۵۷۲	گل انداختن	۹۳۶	گذرگاه
۳۷۶	گل بهی	۱۰۳۹	گذرگاه شیبدار
۱۲۳۰	گل پخته	۶۴	گذرگاه طاقدار
۱۱۷۸	گل پخته جداساز	۱۲۰۸	گرانیت دارای بیوتیت
۷۱۹	گل چینی	۵۳۲	گراور
۵۸۸	گلخانه	۵۴۰	گراور تیزابی
۹۹۶	گل خشخاش	۶۱۳	گراور روی شیشه
۵۷۲	گلدان	۵۳۲	گراورسازی
۱۲۹۵	گلدان	۱۲۵۰	گرته
۱۲۹۵	گلدانی سر ستون	۱۲۵۰	گرته برداری روی کاغذ
۴۶۶	گل داوودی	۲۰۵	گرد
۸۱۲، ۵۶۳	گلدسته	۵۳۹	گردشگاه
۸۴۵، ۵۲۶	گلدوزی	۲۵۳	گردن آویز
۱۱۴۲	گلدوزی لباس	۸۴۴، ۳۱۰	گردنبند
۱۰۸۸	گل رنگ	۱۱۰۱	گردن پوش
۲۲۹	گل سینه	۹۱۰	گردونه مهر
۱۳۰۹	گل شاه پسند	۱۲۰۶	گردونه مهر
۹۹۶	گل شقایق	۴۱۹	گرده ماهی
۶۰۷	گل شمعدانی	۹۵۹، ۷۷۵	گرز
۹۵۴	گل صدتومانی	۶۶۹، ۶۴۵	گرفتگاه
۱۱۷۱	گل فشنگ معکوس	۳۲۴	گرفتگی رنگ
۱۷	گل کلاه	۱۲۶۵	گرفتن پرز پارچه
۵۷۲	گلگون	۲۴۲	گرمخانه حمام
۱۳۰۹	گل ماهور	۷۲۹	گره
۱۰۹۰	گل مخصوص چینی	۶۶۸	گره خفتی
۴۶۶	گل مروارید	۱۸۹	گره یک خفت
۹۴۸	گل میخ	۱۰۰۹	گریزگاه

فارسی، عربی، انگلیسی (مصور)		۳۰۷
گل میخ گلسرخ	۱۰۷۷	گورستان ۵۰۴، ۲۷۳
گل مینا	۴۶۶	گورستان دخمه‌ای ۲۶۶
گلنگدن	۲۰۴	گورسرباز گمنام ۲۷۴
گلوبند	۸۴۴	گوز ۴۱۹
گل و بوته	۱۰۷۷، ۵۲۶	گوزکاری ۵۲۵
گلوپوش	۶۲۴	گوشه ۷۳۱
گلیم موی بز	۹۲۳	گوشه‌بند ۷۳۲
گلین	۵۱۶	گوشه بیرونی ساختمان ۱۰۳۴
گمنام	۴۳	گون ۳۱۵
گنبد	۶۳۷، ۴۹۴، ۴۵۵	گونه‌نما ۱۲۸۶
گنبد آسمان کاو	۴۰۹	گوله کمان ۴۴۶
گنبد چهارگوش	۴۹۸	گوه ۱۳۲۵
گنبد دارای حاشیه تزئینی	۵۵۹	گوهرنشان کردن ۶۹۶
گنبد دوپوشه	۱۳۰۰	گیاه پیوندی ۶۸۱
گنبد روزنه‌دار	۷۷۰	گیرش ۱۱۱۷
گنبد کم عمق	۱۱۲۲	گیس‌باف ۲۱۳
گنبد کم قوس	۱۱۲۲	گیس‌بند ۵۶۱
گنبد مخروطی	۶۳۷	گیلاس پایه‌دار ۶۲۰
گنبد منقوش	۵۵۹، ۴۹۵	گیلویی پاستون ۵۲، ۵۱
گنبد نیم عدسی	۴۹۶	
گنبد نیم‌گرد	۴۱۱	ل
گنبدی	۶۷	لاادری ۴۳
گنج	۱۰۰۷	لاجورد ۷۴۹، ۳۴۷
گنجه	۴۵۴	لاجوردی کاشی ۳۰۵
گنجینه	۱۲۵۸، ۳۰۶	لاشه سنگ ۱۰۷۹
گنداب رو	۲۷۶	لاکی ۳۷۷
گندمی رنگ	۳۵۲	لاله ۱۲۷۵
گوپال	۷۷۵	لامپا ۸۶۴
گوتیک	۶۲۴	لباده ۱۴۱
گودپرکنی	۵۶۲	لباس ۱۳۱۰، ۶۰۳
گود نمایش	۱۰۷	لباس رزم ۶۵۰
گور	۸۲۴	لباس ساده ۹۷۸
گورخانه دخمه‌ای	۲۶۶	لباس صاحب منصبان ۱۰۷۱

۷۱۱، ۵۹۱	لغاز	۹۷۸	لباس عاری از تزیین
۱۱۵۷	لکه	۹۲۵	لباس فاخر
۱۱۵۷	لکه لکه ریختن	۱۲۱۳	لباس گشاد از کتان
۱۶۱	لگن	۵۵۶	لب بند
۳۷	لنگر (کشتی)	۵۱۹	لب (شمشیر)
۱۳۲۷، ۹۶۴	لنگرگاه	۱۰۶۷، ۲۰۶	لبه
۱۴۸	لنگه	۵۶۸	لبه جلو کاغذی
۱۰۳۷	لنگه خربا	۱۱۱۶	لبه دنداندار
۶۰۶	لوازم بادبانی	۵۱۹	لبه (شمشیر)
۸۲۴	لوح	۷۵۷	لبه کوبی
۱۰۱۸	لوح چوبی چاپ	۵۲۰	لبه گذاشتن
۲۲	لوح چوبین	۵۱۷	لبه بام
۹۸۲	لوح فلزی	۹۹۷	لبه پهن
۶۲۷	لوحه قبر	۵۶۸	لبه تاشو
۱	لوحه مربع موزاییک سازی	۱۱۳۵	لبه ساختمان
۵۹۵	لوح یا سرصفحه	۵۴۷	لبه قاشقی
۳۰۲	لوده	۱۵۳	لنکه
۱۰۶۳، ۲۶	لوزی	۶۵۰	لجام (اسب)
۷۷۱	لوزی شکل	۹۵۱	لچکی
۲۸۰	لوستر	۹۵۲	لچکی طاسچه
۷۱۶، ۶۷۰، ۵۶۸	لولا	۹۵۲	لچکی کروی شکل
۵۱۲	لوله	۱۰۳۲	لحاف
۱۱۵۹	لوله آب	۶۱۷	لعاب
۱۱۵۹	لوله آب ریز	۴۳۵	لعاب ترکدار
۷۸۸	لوله خرطومی قلیان	۷۷۳	لعاب صدفی
۱۱۲۱	لوله دودکش	۶۱۸	لعاب قلیایی
۳۱۵	لون	۷۷۳	لعاب کاشی
۳۶۶	لیمویی رنگ	۷۹۸	لعاب مات
۸۳۷	لیوان دسته دار	۸۱۱، ۵۲۸	لعاب مینایی
		۵۲۹	لعاب مینایی شیشه گری
		۵۲۸	لعابی
۸۶۶	مات	۱۰۸۲	لعل
۲۹۳	ماده رنگی گیاه	۳۷۸، ۳۵۹	لعل فام

۱۱۲۱	مجرای دودرو	۹۳۷	ماده شیشه‌ای جواهر بدلی
۲۷۶	مجرای فاضلاب	۳۰۸	مارپیچ
۱۲۴۵، ۱۱۱۱	مجسمه	۷۴۰	ماز
۹۴۵، ۱۹	مجسمه ایستاده	۱۰۴۸، ۲۰۱	ماسوره
۱۱۱۱	مجسمه‌سازی	۳۷۲	ماشی رنگ
۲۳۶	مجسمه نیم‌تنه	۸۱۷، ۷۸۷	ماکت
۴۹۳	مجلس بزرگان و ارکان دولت	۱۱۳۲	ماکو
۱۲۴۵	مجسمه بی‌سر و دست	۹۸۹	مال بند
۴۹۳	مجموعه اشعار	۱۲۷۱	ماله
۵۹۸	مجوس	۱۱۵۱	ماله رنگ
۵۱۴	محبس	۷۸۵	مانتیلا
۴۱۹، ۲۰۵	محدب	۶۱۱	مانع محافظ
۱۰۹۴، ۵۳، ۲۷	محراب	۷۸۳	مانوی
۸۰۹	محراب کاس	۷۸۳	مانی
۵۳	محراب کلیسا	۷۷۹	ماه
۸۰۹	محراب مقعر	۱۲۶۶	ماهی آزاد (نقش)
۵۳۱	محصور	۱۲۴۷	ماه‌یچه پاستون
۱۲۸	محک	۱۲۶۶	ماهی قزل‌آلا (نقش)
۵۸۴	محل آب‌برداری	۸۱۲	مأذنه
۶۴۰	محل اجتماع	۴۹۳	مبل چند نفره
۶۸۸	محل اطعام فقرا	۱۳۱۴	متداول
۱۴۴	محل ایستادن مؤذن	۵۷۲	متصنع
۴۸۷	محل حفر	۴۵۹	متکا
۶۰۵	محل سکونت دروازه‌بان	۱۰۶۳	متوازی الاضلاع
۵۸۳	محل سنگردار	۸۰۵	متوسط
۸۱۵	محل ضرب سکه	۵۴۲	مثال
۱۲۵۸	محل نگهداری گنج	۱۱۵۳، ۹۵۲	مثالث کروی
۳۲۵	محو شدن رنگ	۱۰۱۹	مثالث منشوری
۱۰۱۴	محوطه	۱۱۵۰	مثالثی شکل
۵۳	مخارجه پشت محراب	۳۱۹	مجاورت رنگ
۸۶۷	مخالفت	۴۰۷	مجتمع ساختمانی
۴۵۹	مخده	۵۱۲	مجرا
۴۱۳	مخروط	۴۱۲	مجرای آب

۲۲	مرقع	۵۸۴	مخزن
۸۴۹	مرکب سیاه قلم	۱۰۵۸، ۲۹۵	مخزن آب
۸۴۳	مرکز ساختمان	۶۲۶	مخططات
۱۰۵۹	مرمت	۳۷۷	مخلوط آبی و قرمز
۱۲۹۴	مرمر ابری	۱۹۶	مخلوط چند جنس
۱۲۹۴	مرمر رنگارنگ	۳۱۸	مخلوط رنگ
۱۲۹۴	مرمر ملّون	۲۵	مخلوط کردن
۱۷۲	مروارید بدل	۱۳۰۴	مخمل
۱۱۲۹، ۱۹۰	مریض خانه	۱۳۰۴	مخمل نما
۷۹۷، ۴۴۰، ۱۱۰، ۱۰۸	مزغل	۳۳۳	مداد رنگی
۷۷۶	مزغل سازی	۱۳۵۲	مدار
۵۷۲	مزمین باگل	۸۰۳	مدال
۱۱۷۲	مزمین به ستاره	۸۰۴	مدال بزرگ
۵۷۶	مزمین به گل و برگ	۸۵۷	مدال شناسی
۴۲۱	مس	۱۲۳۴	مدخل
۱۲۱۰، ۶۷۶	مسافر خانه	۱۰۰۱	مدخل تزئینی
۲۲۸	مسبار	۱۲۶۸	مدخل سه تایی
۷۵۰	مستراح	۱۳۱۴	مدروز
۸۶۰	مستطیل	۹۱۵	مدل
۳۰۲	مسخره	۸۱۷	مدل زنده
۹۱۵	مسطوره	۸۱۸	مدل سازی
۱۱۲۸	مسکن	۱۲۹۲	مدنیت
۳۰۹	مسکوک	۲۷	مذبح
۸۵۷	مسکوک شناسی	۷۹۹	مراکشی
۱۱۲۶، ۱۲۱۰، ۶۷۶	مسکین خانه	۹۵۸	مرایا (علم)
۱۸۰	مسند قضاوت	۱۳۱	مربی شاهزادگان
۴۴۵	مسوده	۴۲۳	مرجان
۱۰۴۱	مسیر گام زدن	۱۳۱۴	مردم پسند
۱۰۴۱	مسیر نگهبان در بالای بارو	۲۰۶	مرز
۱۲۹۰	مشابهت	۷۱۶	مرز ملات
۱۰۶۱	مشبک	۶۹۶، ۶۹۵	مرصع کاری
۸۶۹	مشبک کاری	۹۶۳	مرغ آتش
۶۴۵	مشته	۸۰۰	مرقد

۷۵۹	مقوای نازک	۳۲	مشخص کننده مسیر طواف
۳	مکان مخصوص وضو و تطهیر	۵۴۱	مشربه
۶۹۱	مکتب انفعالی	۲۴۵	مشق خط
۸۲۷	ملات	۳۴۳	مشکی مایل به قرمز
۱۸۲	ملافه	۹۸۱	مشمع طبی
۱۸۲	ملحفه	۷۹۰	مصالح ساختمانی
۴۸۰	ململ	۷۵۷	مصالح صحافی کتاب
۷۴۱، ۵۶۰	مليله کاری	۱۲۴	مصنوع
۵۶۰	مليله دوزی	۶۸۷	مصور سازی
۶۶۲	منادی	۸۲۹	مضمون هنری
۱۱۵۶	منار مخروطی	۹۸۵، ۶۰۹	مطلا
۱۲۴۸، ۸۱۲، ۶۰۴	مناره	۵	مطلق
۶۶۱	مناره خود شکل	۱۱۳۱	معبد
۱۱۵۶	منار هرمی	۱۲۶۹	معبر جریان آب باران
۷۸۹، ۵۹۱	منبت کاری	۸۲۸	معرق کاری
۱۳۴۳، ۶۶۹	منبت کاری بر چوب	۶۶۴	معماری چپ و راست
۱۰۲۴، ۳۱	منبر	۸۶۸	معماری روم و یونان باستان
۵۸۴	منبع	۱۲۳	معماری رومی وار
۲۹۵	منبع آب	۸۰۵	معمولی
۲۶۷	منجنيق	۲۹۱	مغار
۱۷۲	منجوق	۴۹۱	مغايرت
۱۲۹۱	منحصر به فرد	۷۹۹	مغربی
۷۶۹	منسوج گشاد بافته شده	۵۶۱	مغزی
۵۸۴	منشاء	۷۹۷	مفرّ
۱۳۵۲، ۱۰۱۴	منطقه	۲۲۸	مفرغ
۱۳۵۱	منطقه البروج	۲۲۸	مفرغينه
۱۰۹۱	منطقه نفوذی	۸۲۴، ۸۰۰، ۵۰۴، ۲۷۳	مقبره
۱۱۵۲، ۷۴۶	منظره	۱۰۹۷، ۱۰۷۳	مقبره سنگی
۱۱۳۷	منظره ساختمان	۱۲۴۰	مقدار رنگ سفید
۹۳۰	منظره سراسری	۱۱۷۴	مقرنس
۹۳۱	منظره کلی	۱۱۷۱	مقرنس وارونه
۶۴۴	منقل دستی	۷۸۲، ۲۷۲	مقصوره
۶۹۳	منقوش کردن	۷۵۹	مقوا

۱۰۷۵	میلۀ آب‌یابی	۱۲۲۲، ۷۲۹، ۵۹۴	منگوله
۱۱۵۴	میلۀ باریک	۴۶۹	مواد اندود و رنگ
۱۱۲۱	میلۀ ستون	۹۶۴	موج شکن
۱۶۵	میلۀ شکستن دروازه	۸۲۳	موجود بدسرشت
۱۲۸۳	میلۀ مشبک	۸۲۸	موزاییک
۱۱۲۱	میلۀ چاه	۵۵۰	موزاییک چینی
۱۴۹	میلۀ نرده	۱۲۳۱	موزاییک کاری مختلط
۶۲۰، ۵۲۸، ۴۷۳	مینا	۵۵۰	موزاییک کاشی
۶۹۶	مینا کاری	۸۳۹	موزه شناسی
۳۰۱	مینا کاری مفتولی	۵۵۵	موهوم
۸۴۹	مینای سیاه	۱۳۰۵، ۱۲۲۹، ۱۸۴	مهتابی
۹۱۳	میناتور	۴۷۷	مهرکوبی
۹۷۶	میوه کاج (نقش)	۱۷۲	مهره تسبیح
		۹۲۳	مهمانخانه ممتاز و لوکس
		۶۷۶	مهمان‌سرا
۵۸۶	ناپایدار	۸۰۸	میان اشکوب
۴۹۱	ناجوری	۷۶۶	میان تیغه و دستۀ پارو
۳۷۴	نارنجی	۱۶۷	میان دوستون
۵۸۶	نازک	۸۰۵	میان مایه
۵۶۴	نازک کاری	۹۴۸	میخ
۴۹۱	ناسازگاری	۹۴۸	میخ چوبی
۸۶۷	ناسازی	۴۳۳	میدان
۴۳	ناشناس	۵۳۹	میدان جلو قلعه
۱۳۰	ناقرینه	۹۳۲	میدان مشق
۲۴۹، ۱۷۹	ناقوسی شکل	۱۰۷	میدان نمایش
۱۳۰	نامتقارن	۱۰۷	میدان ورزش
۴۹۱	ناموزونی	۶۰۲	میزاب
۱۱۵۹	ناودان	۷۵۳	میز خطابه
۶۰۲	ناودان کله اژدری	۱۸۰	میزکار
۸۴۳	ناو کلیسا	۷۵۳	میز مخصوص کتاب مقدس
۴۹۱	ناهمخوانی	۳۴۴	می‌گون
۱۱۹۳	نخ	۶۲۴	میل اهرم
۴۷۰	نخاله	۱۱۵۶	میل بالای منار

ن

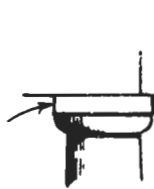
۱۰۰۶	نقاشی از صورت	۱۳۴۴	نخ بافندگی
۱۲۲۵	نقاشی با رنگ لعابی	۹۷۱	نخ پرز بلند خشن
۴۶۹	نقاشی بد رنگ	۱۳۴۴	نخ تابیده
۳۱۱	نقاشی چسبانندی	۶۲۳	نخ زرین
۴۱	نقاشی خط	۹۷۰	نخ فیلامنتی حلقه دار
۶۷۴	نقاشی خط صورت انسان	۹۲۷	نخل بادبزنی
۵۹۰	نقاشی دیواری	۳۵۵، ۳۴۵، ۱۷۸	نخودی رنگ
۹۲۹	نقاشی روی تخته	۱۱۷۷، ۱۱۶۷	نردبان
۱۳۴۳	نقاشی روی چوب	۱۵۲، ۱۵۰	نرده
۹۱۷	نقاشی سرامیک بعد از پخت	۱۱۴۵	نرم
۲۸۷	نقاشی سیاه قلم	۱۱۶۴	نرم کردن خاک
۷۷۲	نقاشی مستدیر سقفی	۵۷۸	نزدیک نما
۱۱۳۷	نقاله کشیدن الوار	۳۱۹	نزدیکی رنگ
۵۵۹	نقش	۱۰۵۶، ۴۲۲	نسخه بدل
۲۱۹	نقش آجری	۴۲۲	نسخه چاپی
۶۱۶	نقش انداختن شیشه	۴۲۲	نسخه کتاب
۱۰۵۰، ۲۴۸	نقش برجسته	۱۳۰۷	نسخه رونوشت
۵۷۶، ۵۷۵	نقش برگری	۱۲۲۱، ۳۰۳	نشان
۷۴۰، ۷۰۵	نقش پیچ در پیچ	۴۳۸	نشان استادکار
۱۰۵۱	نقش تمام برجسته	۸۰۳	نشان افتخار
۱۳۵۳	نقش حیوانات	۳۰۳، ۱۹۵	نشان خانوادگی
۷۰۵	نقش درهم	۵۸۱	نشان رمزی
۹۱۷	نقش روی لعاب	۷۵۵	نشان زنبق (علامت سلطنتی فرانسه قدیم)
۱۲۸۸	نقش زیر لعاب	۶۶۳	نشان سلحشوری
۵۷۳	نقش قاشقی	۱۹۵	نشان لشکر
۵۲۶	نقش گل و بوته	۳۱۳	نشان ناشر در ته کتاب
۱۲۶۶	نقش ماهی	۱۲۲۱	نشانه گاه
۸۲۹	نقش ماهی	۹۲۰	نشت گری
۹۴۱	نقش مکرر	۷	نعلبند پایه پل
۹۷۶	نقش میوه کاج	۷	نعلبند قوس
۲۱۹	نقش و نگار آجری	۲۴۳	نعل کفش یا پوتین
۱۲۴۲	نقش و نگار پارچه	۹۲۱	نقاشی
۵۸۵	نقش و نگار چهاربرگی	۵۶	نقاشی آب و رنگ

۳۲۶	نمود رنگ	۵۹۱	نقش و نگار سقف
۹۴۱، ۹۱۵، ۸۱۷، ۵۴۲	نمونه	۸۲۲	نقشه
۱۰۲۱	نمونه اصلی	۱۰۵۰	نقشه پستی و بلندی زمین
۱۱۹۳	نمونه اول مطالب چاپی	۵۹۱	نقشه خط کوفی
۸۱۸	نمونه سازی	۶۹۸	نقشه کوچک منضم به نقشه بزرگ
۹۳۳	نمونه عالی	۸۰۲	نقشه پیچاپیچ
۱۲۸۶	نمونه نوعی	۳۳۹	نقشه رنگ
۱۲۲۵	نواخانه	۱۱۰۶، ۴۸۰	نقشه کار
۱۵۱، ۲۱۳	نوار	۱۱۶۱	نقطه آغاز و پایان قوس
۱۱۲۶، ۱۲۱۰، ۶۷۶	نواخانه	۱۰	نقطه مرتفع
۵۱۰	نورد	۴۸	نقطه اوج
۶۶۷	نورقوی نمایی	۵۳۴	نقوش به هم پیچیده
۷۷۲	نورگیر سقف	۶۶۳	نقوش پرچمی
۱۰۵۴	نوزایی ادبی و فرهنگی	۶۰۱	نگارخانه
۶۹۷	نوشته خطی	۱۰۰۵	نگارگری از خود
۱۱۱۰	نوشته طوماری	۸۲۹، ۶۸۷، ۴۸۰	نگاره
۴۵۰	نوشته رمزی	۲۱۹	نگاره آجری
۴۸	نوک	۲۳۷	نگهدار
۱۲۴۱، ۸۴۷	نوک قلم	۵۴۶، ۴۱۸	نما
۴۹۲	نهر آب	۲۸۲	نماکاری شطرنجی
۲۰۰	نیل	۵۹۵	نمای اصلی بنا
۲۰۰	نیل اندود	۹۶۸	نمای پارچه ابریشمی
۲۰۰	نیلگون	۵۴۶	نمای پیشین
۱۳۲۳	نیلوفر آبی	۵۴۶	نمای خارجی
۳۴۶، ۲۰۰	نیلی	۹۳۰	نمای سراسری
۸۰۸	نیم اشکوب	۵۹۶	نمای سردر
۷	نیم پایه	۹۳۲	نمایش
۷	نیم پایه	۹۳۲	نمایش باشکوه
۶۳۹	نیمتاب	۶۰۱	نمایشگاه (هنری)
۲۰۱	نیم تنه	۹۶۲	نمود
۳۰۳	نیم تنه دارای نشان	۴۸۵	نمودار خطی
۱۰۳۲	نیم تنه بالاپوش	۱۱۰۵	نمودار گونه
۱۰۲۰	نیم رخ تصویر	۴۸۵	نمودار نگاشت

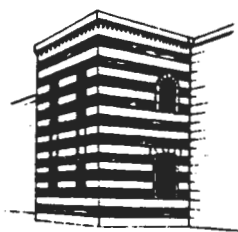
	۱۰۲۰	نیمرخ ساختمانی
۱۱۵۴	۹۶۷، ۳۹۵، ۱۳۴	نیم ستون
۶۴۹	۴۹۷	نیم قبه
۶۵۵	۱۸۰	نیمکت
۸۵۰، ۶۴۱، ۴۲۸	۴۹۳	نیمکت چند نفره
۶۴۱	۴۹۷	نیم گنبد
۸۵۰، ۶۴۱		
۸۲۶		و
۱۲۲۱	۱۲۲۸	واژه تخصصی
۷۴۰	۱۰۴۳	واقعگرایی
۷۴۰	۹۶۲	واقعۀ غیر عادی
۷۴۰	۱۳۱۸	واکه‌نما
۵۵۶	۱۳۰۷	واگردان
۸۶۲	۴۸۰	وال هندی
۸۶۲	۱۰۰۷	وانمود
۸۶۲	۵۸۰	وجه
۱۳۱۱، ۹۹۹، ۸۴۲، ۱۳۳	۶۲۸	ورآمدن رنگ
۸۴۲	۱۲۳۹	ورق حلبی
۹۹۳	۱۸۱	ورودی پیچ در پیچ
۶۷، ۶۳	۱۰۰۳	ورودی ستون‌دار
۷۳	۹۹۹	ورودی سرپوشیده
۷۱	۱۲۶۸	ورودی سه‌گانه
۱۲۹۶	۱۰۰۱	ورودی شکوهمند
۱۱۱۴	۱۳۱	وزیر بزرگ
۶۴۹	۵۹۴	وزنگ
۶۴۹	۱۲۹۳	وسایل
۳۲۸	۲۵۷	وسیله نقلیه سرپوشیده
۲۵	۵۲	وصله‌کاری تزئینی
۶۴۹	۳۳۸، ۳۳۴	وضوح رنگ
۱۶	۳	وضوخانه
۱۶	۱۲۲۷	ولرم‌خانه
۱۲۸۹	۱۲۰۳	وهمگری
۶۴۹	۱۳۱۲، ۷۳۳	ویلا
ه		
	هادی مضرب	
	هارمونی	
	هاشورکاری	
	هاله	
	هاله نور	
	هاله تقدس	
	هاون	
	هدف	
	هزارتو	
	هزارخیم	
	هزار دالان	
	هزاره برجسته نوار	
	هشت پر	
	هشت ضلعی	
	هشت وجهی	
	هشتی	
	هشتی کلیسا	
	هفت رنگ	
	هلال	
	هلال جناغی	
	هلال شکسته	
	هلال طاق	
	هلالی	
	هماهنگی	
	هماهنگی	
	هماهنگی رنگی	
	همبسته	
	همسازی	
	هم‌صنف	
	همکار	
	هم محور	
	همنوایی	

۷۵۴	یاس بنفش	۱۳۱۴	همه‌پسند
۷۵۴	یاس درختی	۱۱۱	هنر
۷۵۴	یاس کبود	۶	هنر آبستره
۱۰۸۲	یاقوت	۱۱۲، ۶	هنر انتزاعی
۱۲۴۴	یاقوت زرد	۱۲۱	هنر انسان غارنشین
۱۰۸۱	یاقوت فام	۱۵۳، ۱۱۴	هنر باروک
۱۰۹۶، ۱۸۶	یاقوت کبود	۱۲۱	هنر بدوی
۳۷۸	یاقوتی	۱۲۰	هنر پارینه سنگی
۵۹۴	یال	۱۱۵	هنر خالص
۲۸۴	یخدان	۱۱۶	هنر سنتی
۶۵۰، ۶۰۶، ۳۱۰، ۲۱۳	یراق	۱۱۵	هنر غیرانتزاعی
۲۸۶	یراق آستین	۱۱۸	هنر غیرواقعی
۱۲۵۵	یراق تجملی	۱۱۹۷، ۱۳۲	هنر کده
۷۱۰	یشم	۱۱۳	هنر کهن
۱۳۴۵	یشماق	۱۲۰	هنر ماقبل تاریخ
۷۱۰	یشم سبز	۱۱۸	هنر مجازی
۱۹۳	یک آتشه	۱۱۶	هنر مدون
۷۹۳	یکپارچه	۴۳۷، ۱۲۶	هنر مند
۱۲۹۱	یکتا	۱۱۵	هنر ناب
۳۳۵	یکدستی رنگ	۱۱۹	هنر یونانی
۱۲۹۰	یکسانی	۱۰۴۹	هنگ
۱۲۹۰	یک شکلی	۵۱۲	هواکش
۱۲۹۰	یکنواختی	۲۶۵	هودج
۵۱۳، ۳۲۴	یکنواختی رنگ	۴۱۴	هیئت
۱۲۹۱	یگانه	۵۸۰	هیئت
		۳۴۰	هیجان رنگ
		۵۴۴	هیجانگری
		۵۴۴	هیجان‌نمایی
		۵۵۹	هیکل
		۸۲۳	هیولا

A



1



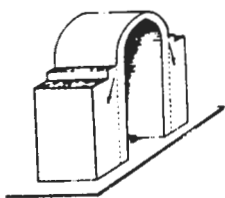
2



3



6



7



8



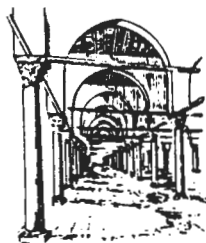
9



11



17



18



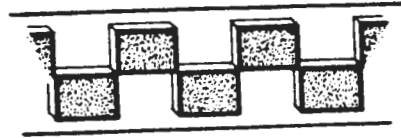
21



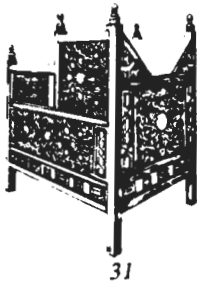
24



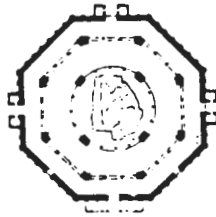
26



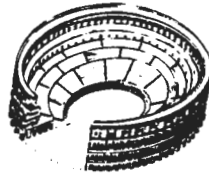
28



31



32



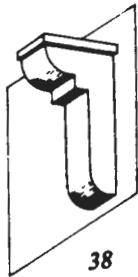
34



35



37



38



40



41



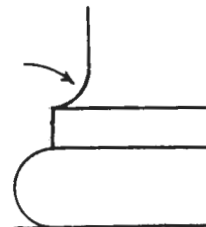
42



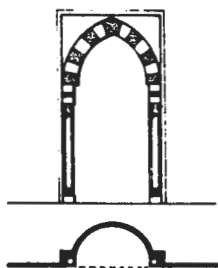
45



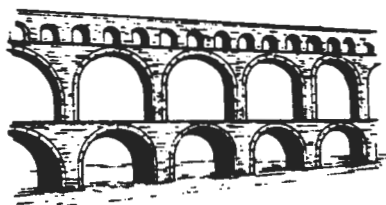
47



51



53



58



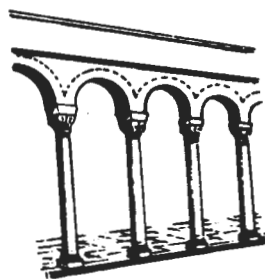
59



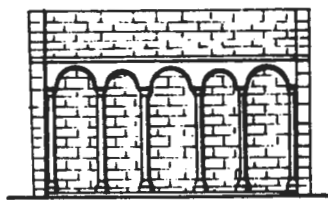
60



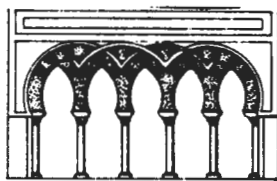
61



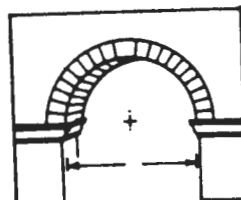
64



65



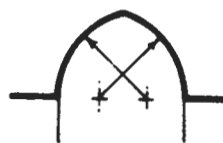
66



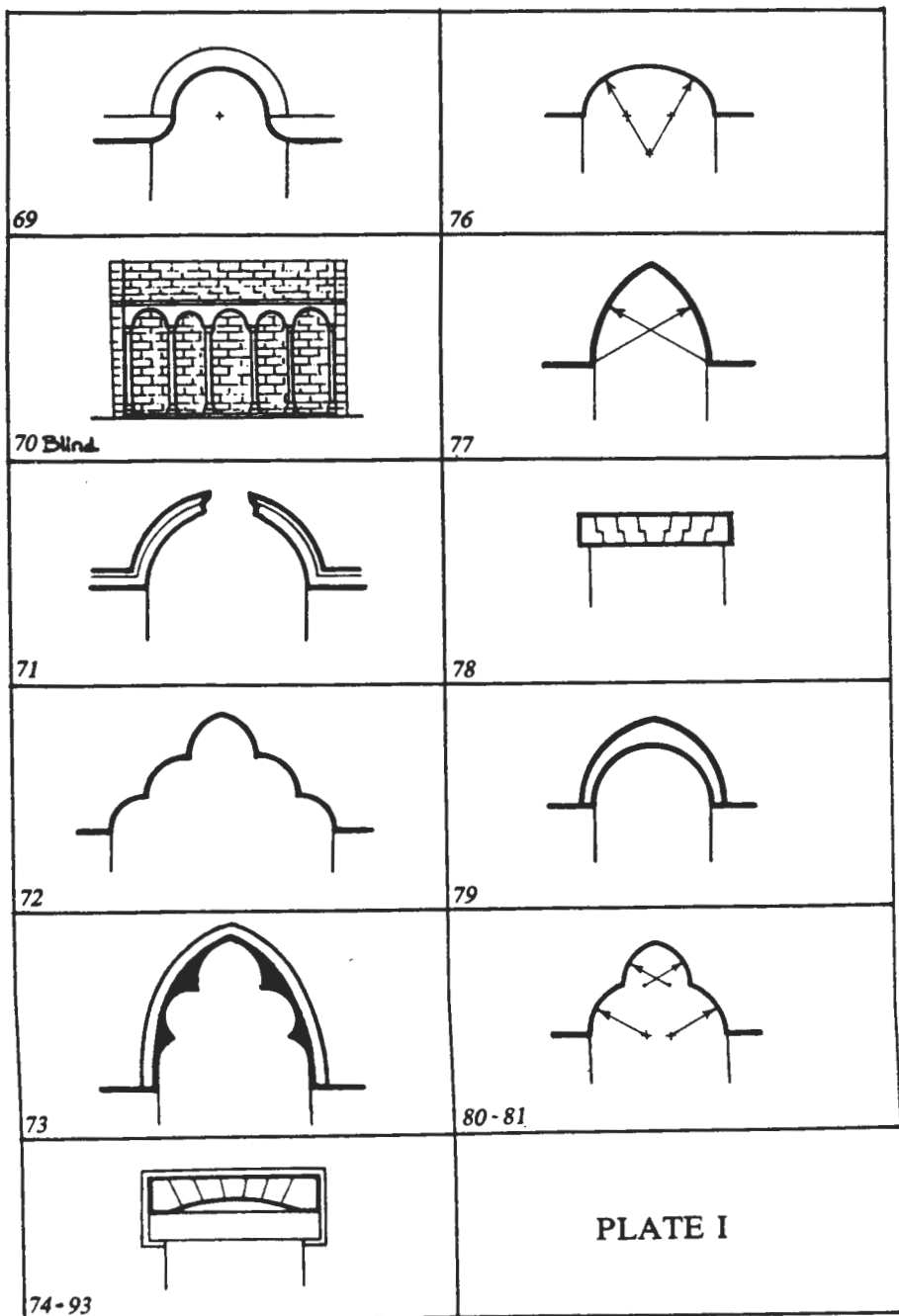
67

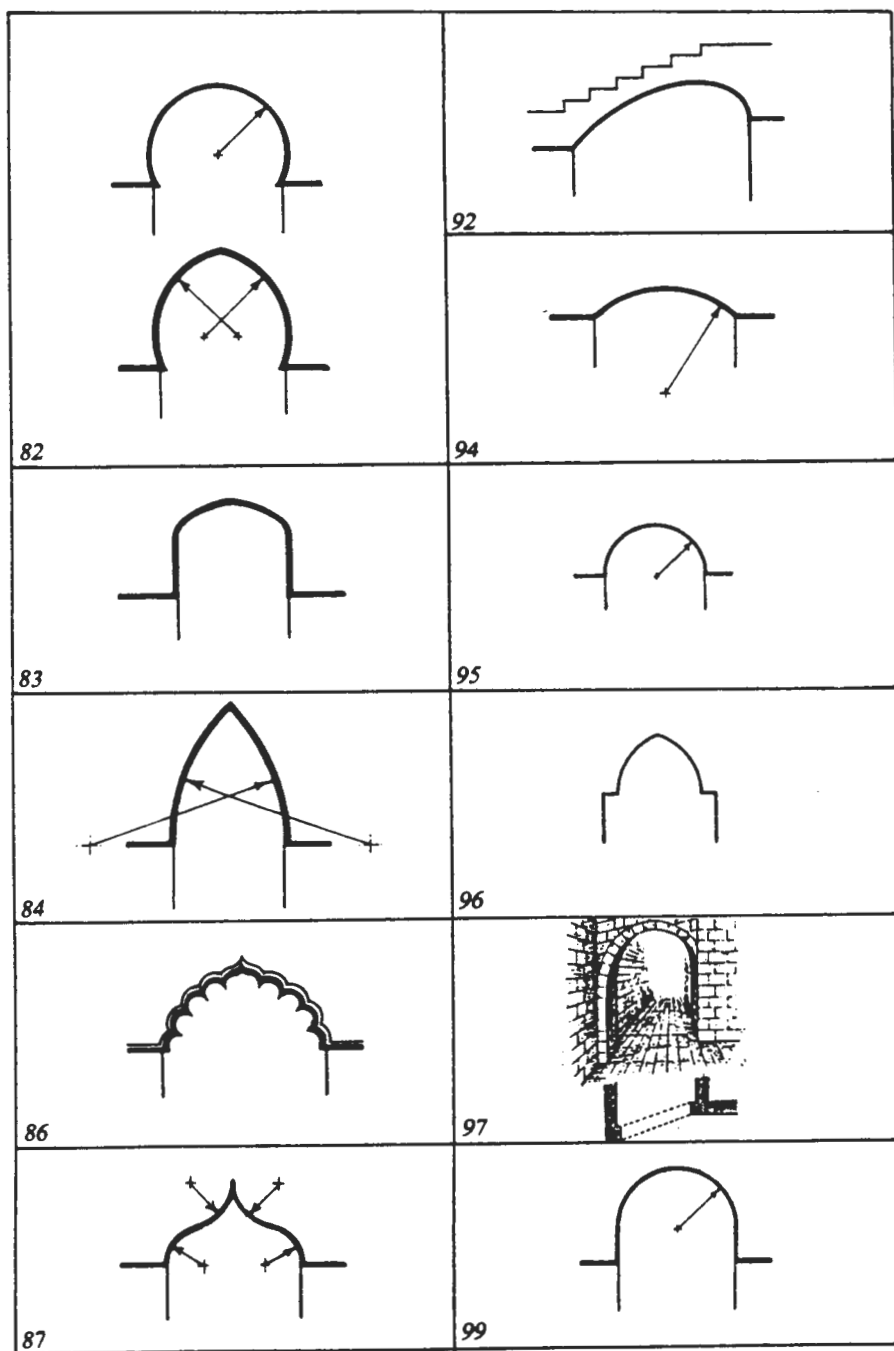


68



75-90





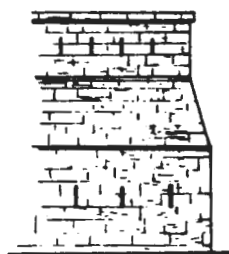
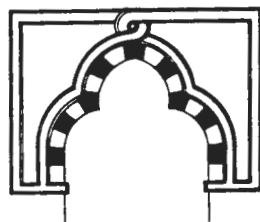
89



101



105



108



114



119



121



122



123



125



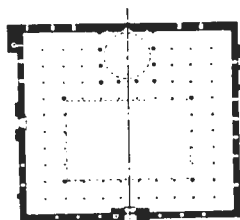
127



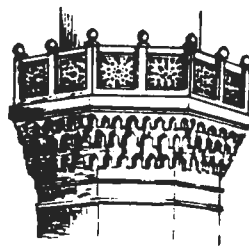
135



137



138

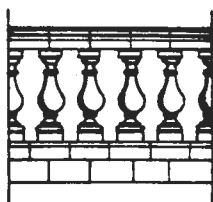


144

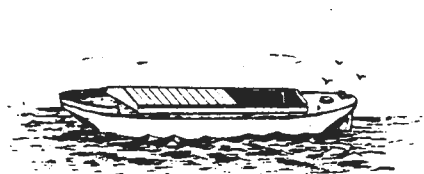
B



146



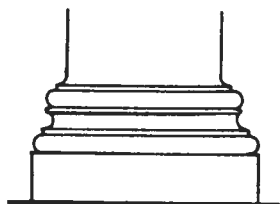
150



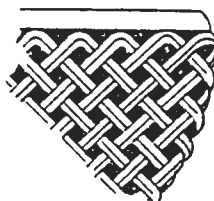
153



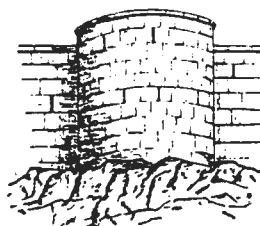
158



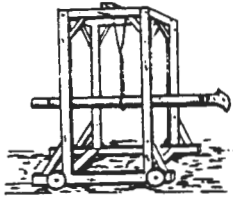
159



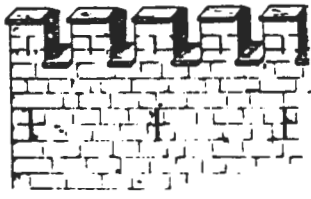
162



163



165



166



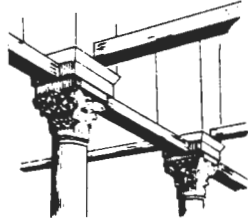
168



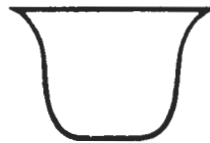
169



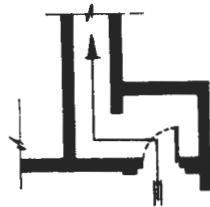
175



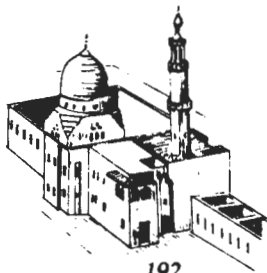
176



179



181



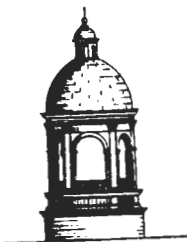
192



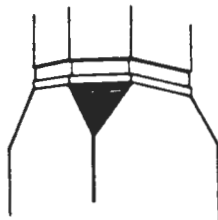
194



195



184



187



188

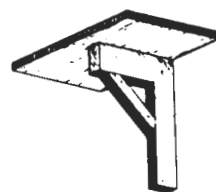




198



209



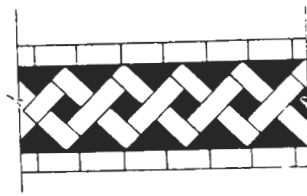
212



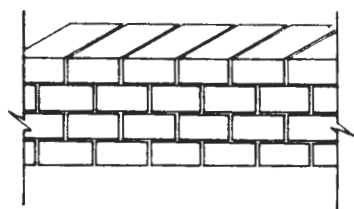
213



215



219



223



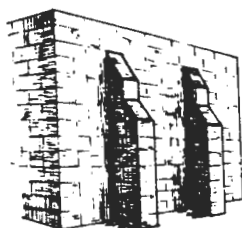
230



234



236



237



238



244

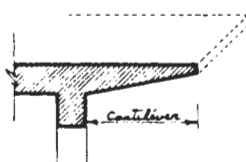
C



248



249



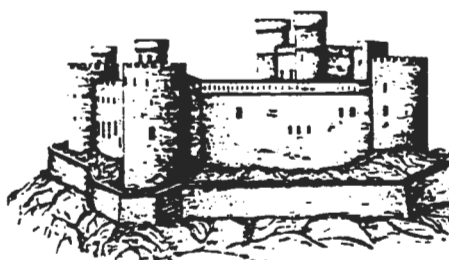
250



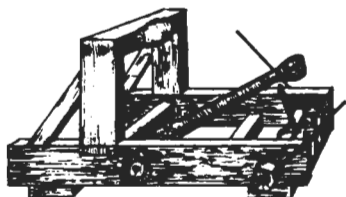
254



262



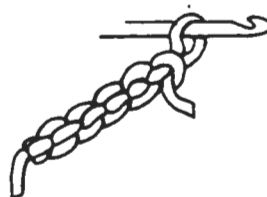
265



267



268



277



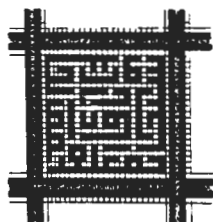
279



280



281



282



286



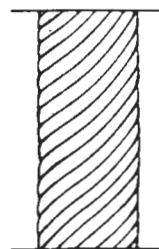
288



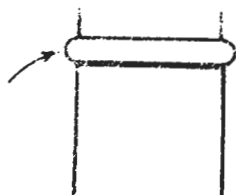
291



303



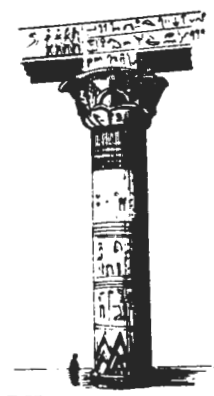
308



310



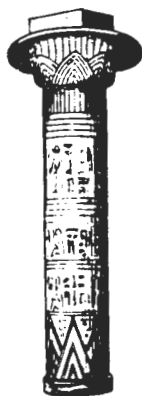
311



314



389



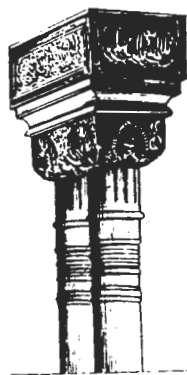
391



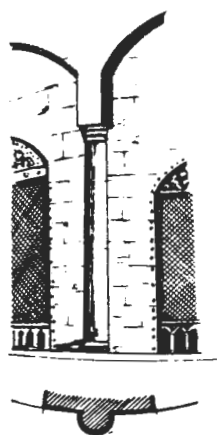
392



393



394



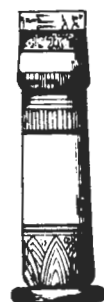
395



399



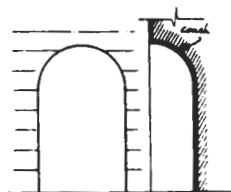
401



402



410



411



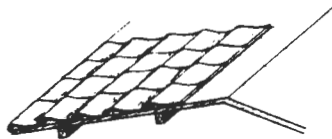
413



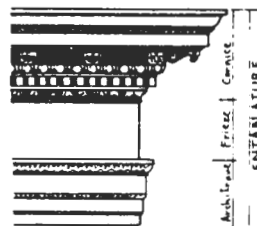
415



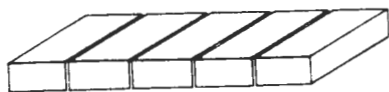
417



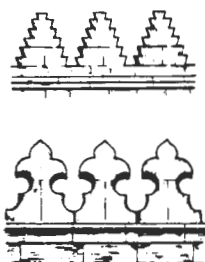
425



427



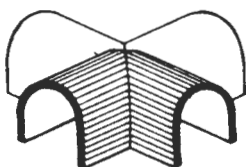
432



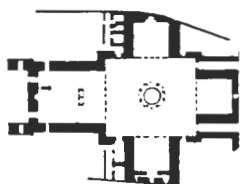
440



446



447



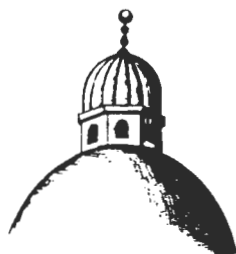
448



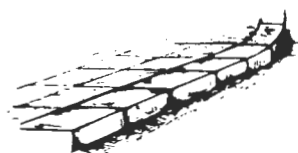
451



453



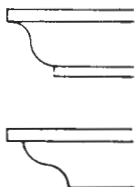
455



456

وَلَا تَقْبَلُوا لَهُم مِّنْ شَيْءٍ

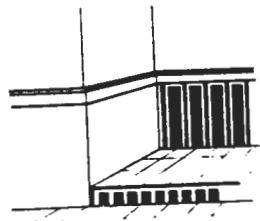
457



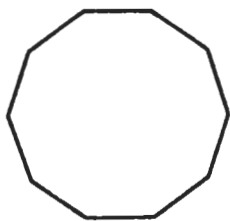
462



463



465



472

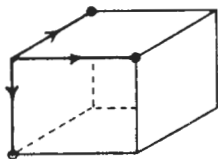


473

D



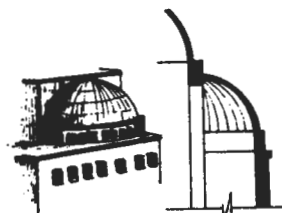
484



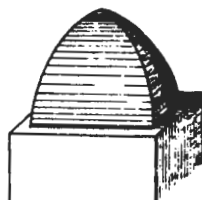
489



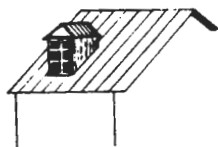
495



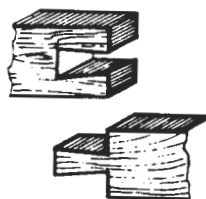
497



498



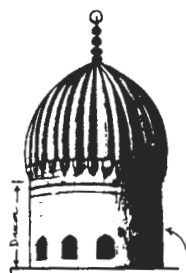
503



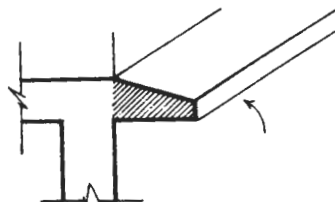
505



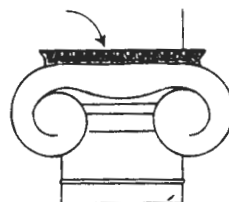
508



510



517



518

E



525



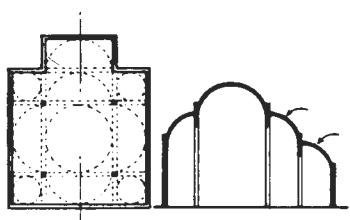
535



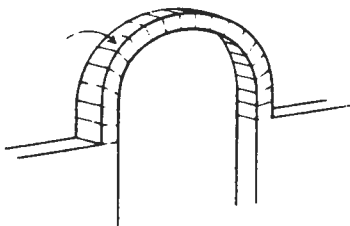
537



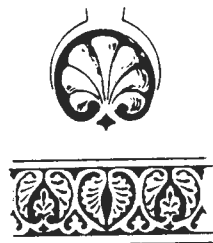
541



543



545



554



555



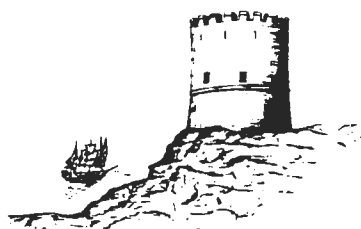
559



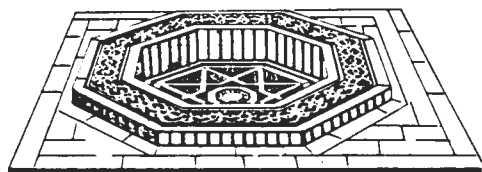
561



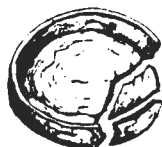
569



582



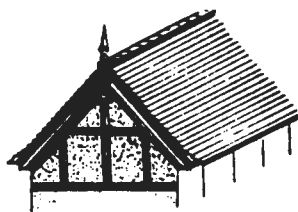
584



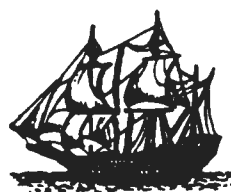
587



590

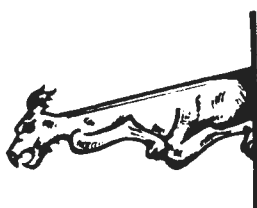


597



600

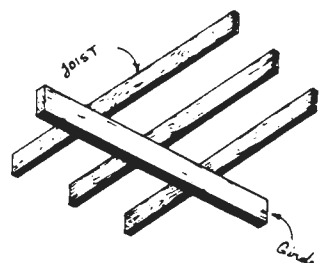
G



602



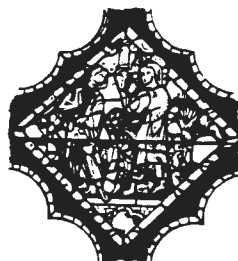
607



610



611



614



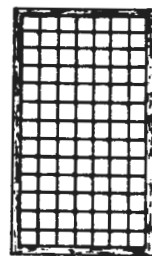
620



625



629



630



636



637



641

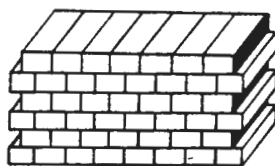


642 643

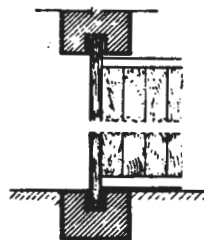
H



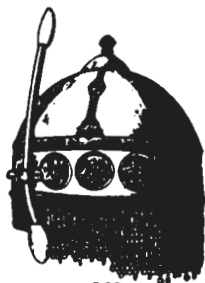
650



657



659



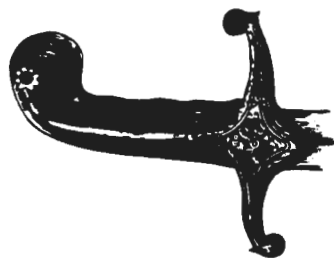
660



661



666



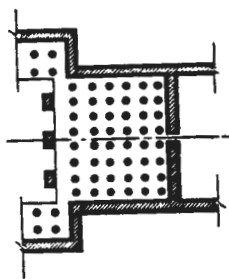
669



674



680



683



684

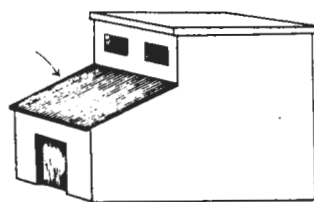
I



691



692



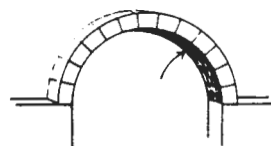
694



698



700



704



708



712

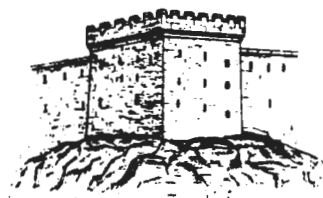


715

J



718

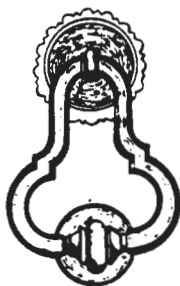


721



722

K



730

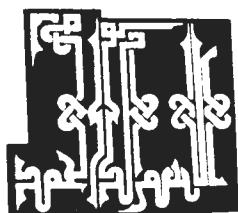


734

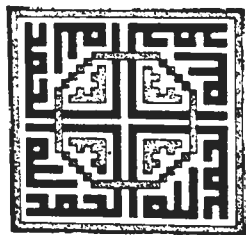
735



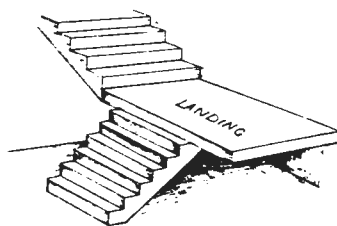
736



737



738

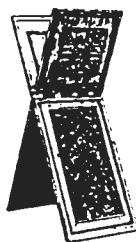


745

L



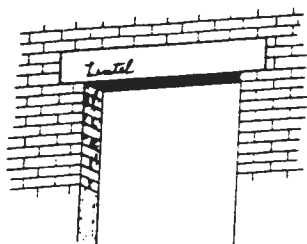
747



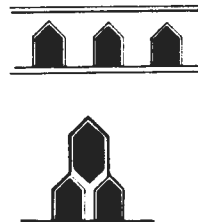
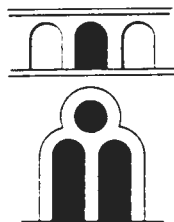
753



755



759



772

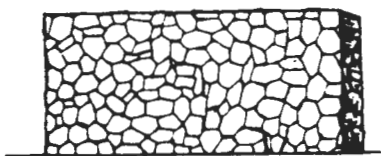


775

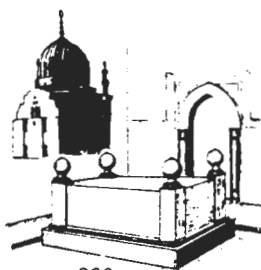


776

M



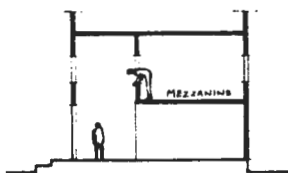
791



800



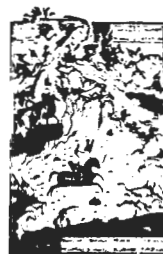
804



808



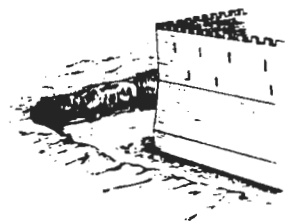
812



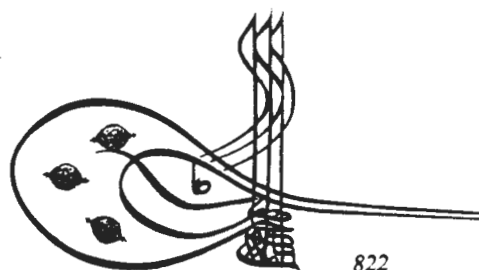
813



807



816



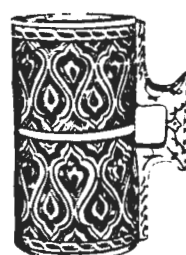
822



823

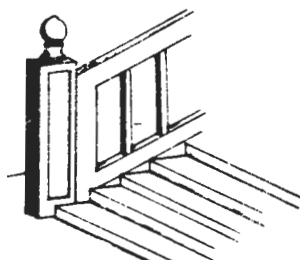


828



837

N



846



847



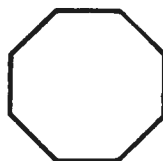
852



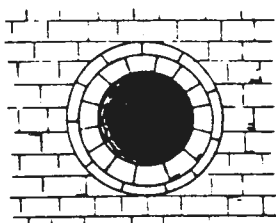
857



860



862

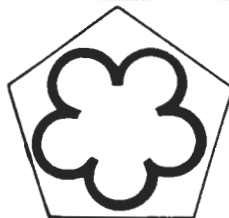


863



869

PLATE III



876



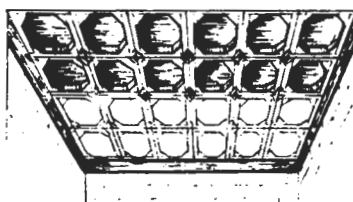
871



877



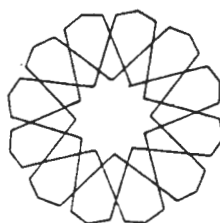
872



878



873



879



874



875



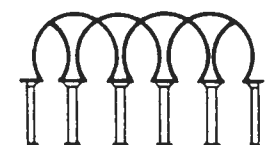
880



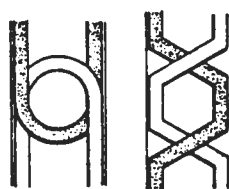
898



903



899



904



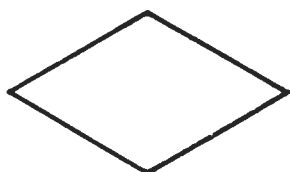
900



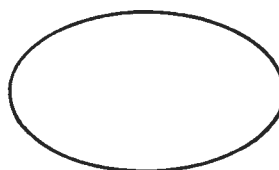
901



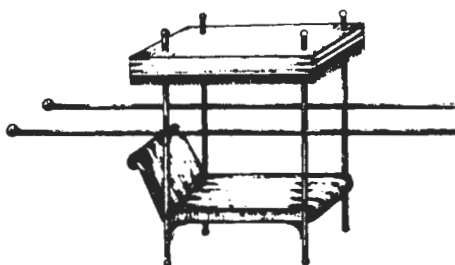
905



902



907



922

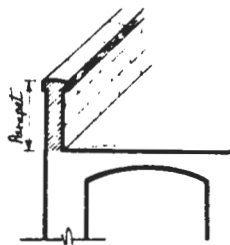


926

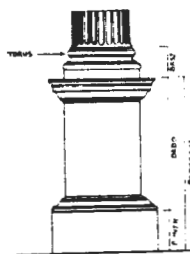
P



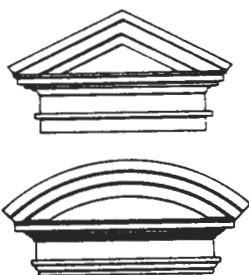
927



934



944



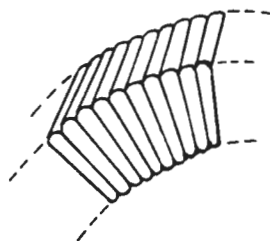
946



881 Corana



882



883



884



885



886

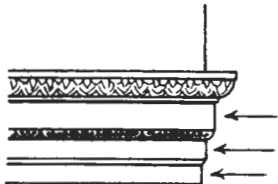


887



888

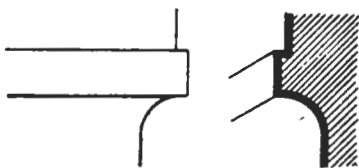
PLATE IV



889



890



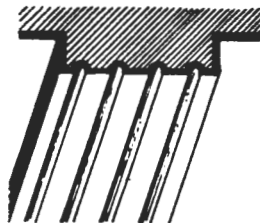
891



892



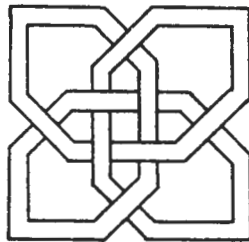
893



894



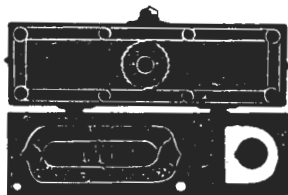
895



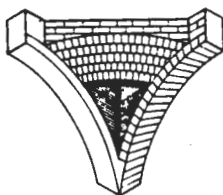
896 Fourfold braid



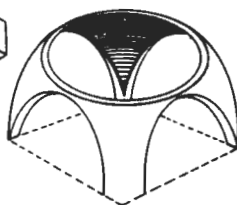
897



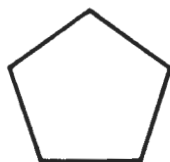
950



951



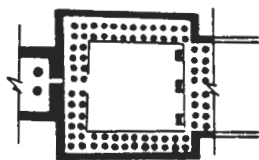
952



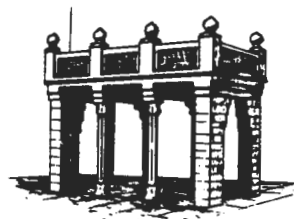
953



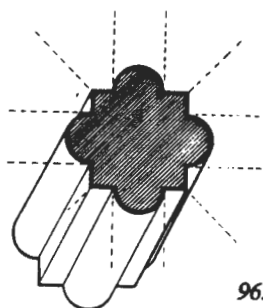
955



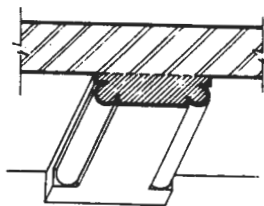
956



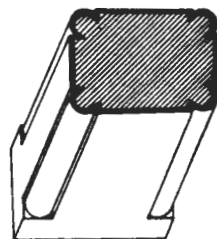
961



965



967



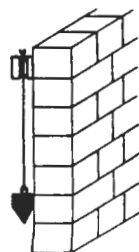
972



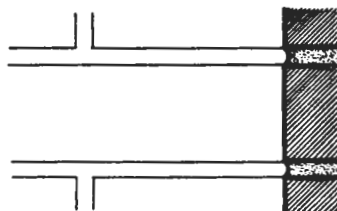
973



980



988



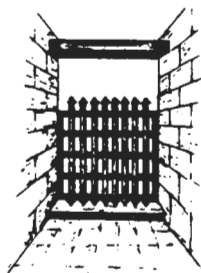
990



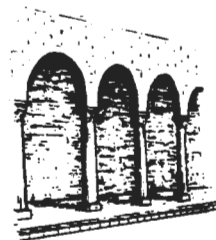
992



994



1002



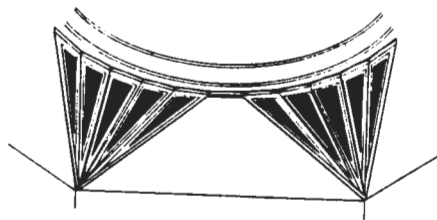
1003



1004



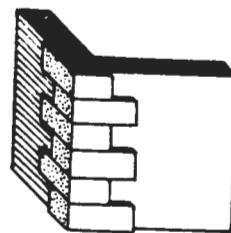
1013



1019

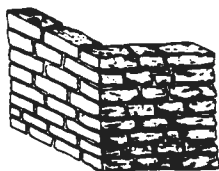


1024

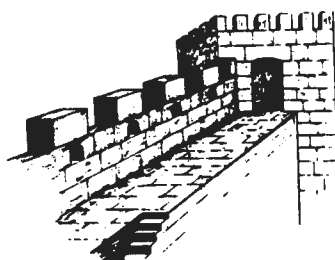


1034

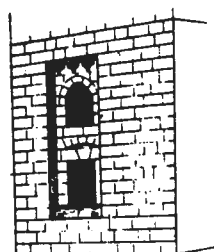
R



1038



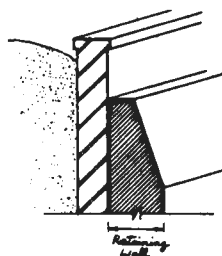
1041



1044



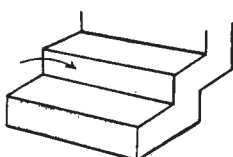
1047



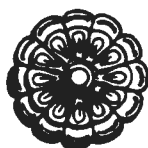
1060



1063



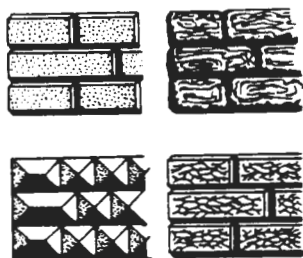
1070



1077



1084



1086

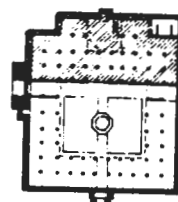


1087

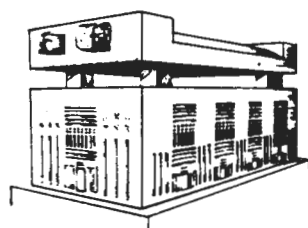
S



1092



1094



1097



1100



1107



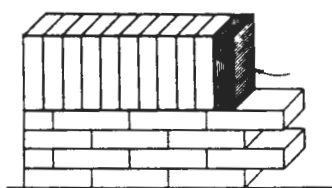
1110



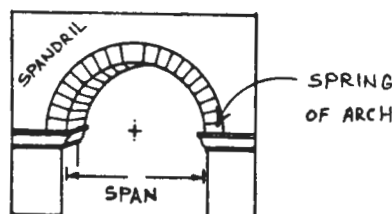
1112



1137



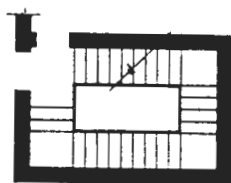
1146



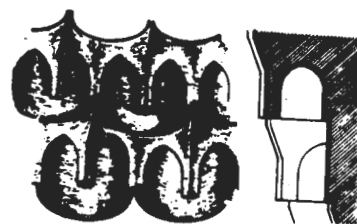
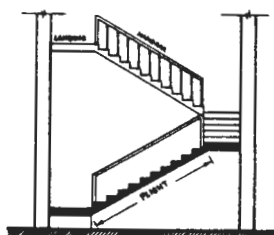
1148 1150 1160



1154



1167



1170



1188



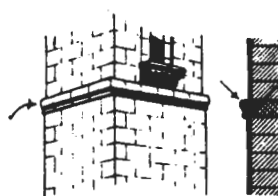
1190



1192



1193



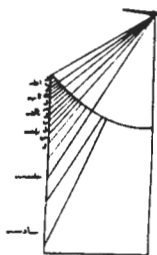
1194



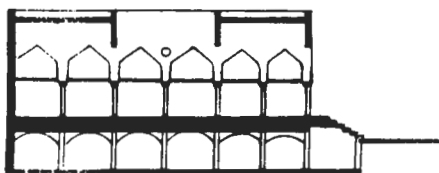
1195



1200



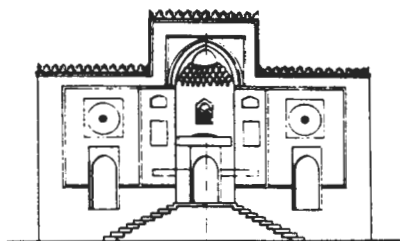
1202



1204



1206



1209



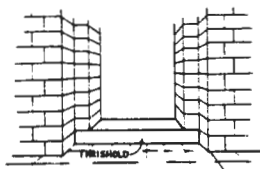
1218



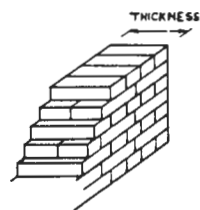
1222



1226



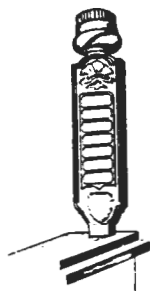
1234



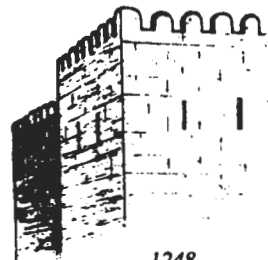
1235



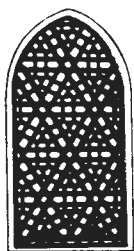
1242



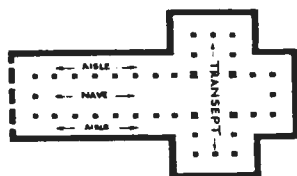
1243



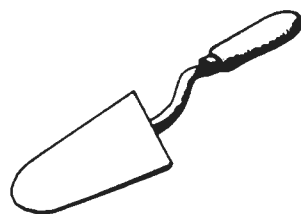
1248



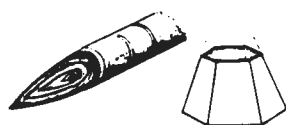
1249



1252



1271



1272



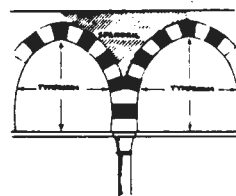
1275



1279

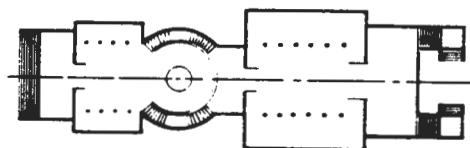


1282



1285

U

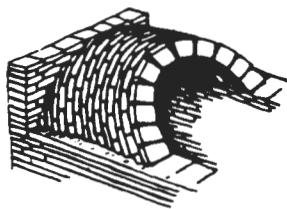


1289

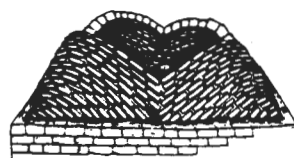
V



1295



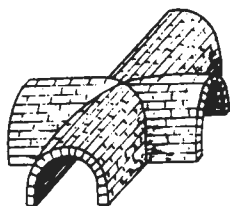
1296



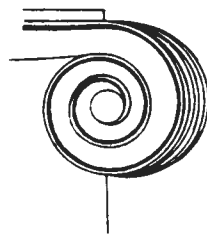
1298



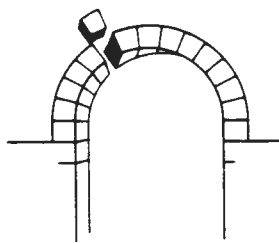
1303



1299

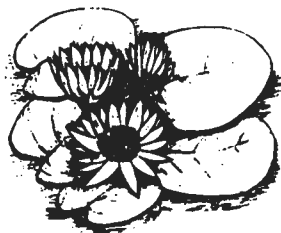


1315

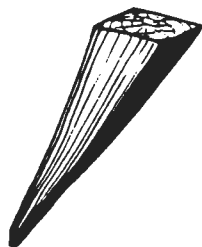


1316

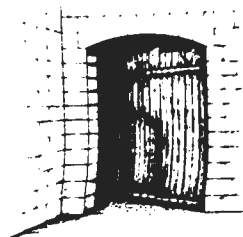
W



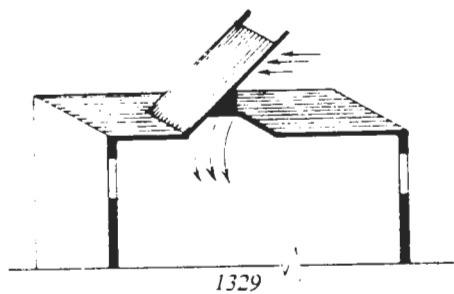
1323



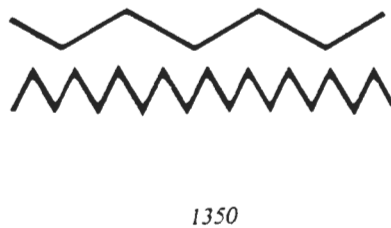
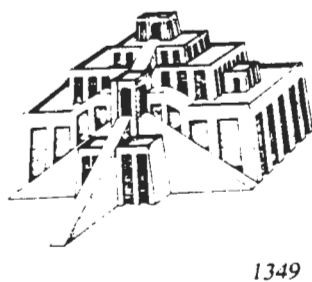
1325



1328



Z



**The Great public Library of AY.
Marashi Najafi presents this work to:**

The 4th International Conference on
Biodeterioration Cultural Property
(ICBCP-4)

*In the name of God the C^Ompassionate
The Merciful*



Title: Islamic Art Terms
author: Ahmad Mohammad Issa
illustrates: Mahmood Mohammad Tookhi
translators: Mohammad Reza Ardjmand - Mardjan Mousavi
Publisher: The Great Public library of AY. Marashi Najafi(d)
edition: First / 1998
Number: 1000 Copies
Lithography: Tizhoosh
Typesetting: Faranashr

ISBN: 964-6121-27-6



Islamic Art Terms

(Illustrated)

Persian - Arabic _ English

by: Ahmad Mohammad Issa

Translators:

Mohammad Reza Ardjmand

Mardjan Mousavi